

پیروی از عیسی با یکدیگر

راهنمایی برای مسیحیانی که جلسات خانگی دارند

این کتاب به ایماندارانی تقدیم می‌شود که در سراسر دنیا جلسات خانگی دارند، مخصوصاً کسانی که به‌خاطر ایمانشان جفا می‌بینند.

پس، برادران عزیزم، ثابت و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می‌دانید رحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

(اول قرن‌تینان ۱۵: ۵۸)

آیا مایلید که نسخه‌هایی از این کتاب را برای توزیع رایگان پرینت کنید؟

یا مایلید که آنرا در دستگاه‌های الکترونیک خود دانلود کنید؟

دانلود رایگان این کتاب به فارسی و زبانهای دیگر در

www.learnhisways.com موجود است.

همه نقل قولهای کتاب مقدس از ترجمه هزاره نو می‌باشد.

ترجمه هزاره نو از زبان‌های اصلی عبری و یونانی

چاپ ۲۰۱۴

انتشارات ایلام

۲۰۱۴ میلادی

حق چاپ محفوظ

www.kalameh.com

Following Jesus Together: A Guide for Christians Who Meet in Homes

©2020 Life Resources

فهرست مطالب

نکته: این فصلها را می‌توان بدون ترتیب خواند، اما توصیه می‌شود که اول فصل ۱ و ۲ را بخوانید.

۵	۱. کلیسای پُرجلال عیسی مسیح شدن
۹	۲. مشارکت خانگی یک خانواده است
۱۷	۳. محبت، انگیزه رهبر
۲۳	۴. درک هدیه شگفت‌انگیز نجات از سوی خدا
۳۲	۵. تعمید در مشارکت خانگی
۴۰	۶. پرستش در روح و راستی با یکدیگر
۵۰	۷. کلام خدا: نان روزانه ما
۵۹	۸. انتقال انجیل به کودکان
۶۹	۹. برگزاری شام خداوند با شکرگزاری
۷۷	۱۰. رشد در ایمان به‌وسیله دعا
۸۶	۱۱. پی بردن به برکت هدیه دادن
۹۳	۱۲. شاگردان بالغ شدن
۱۰۳	۱۳. بخشش در مشارکت خانگی
۱۱۲	۱۴. نور و نمک جهان شدن
۱۲۰	۱۵. ایستادگی در جفاها
۱۳۱	۱۶. مشارکت خانگی وفادار شاهد رشد ملکوت خداست
۱۴۲	ضمیمه الف: منابع
۱۴۳	ضمیمه ب: داستانها
۱۴۷	ضمیمه پ: بخشیدن و طلب بخشش کردن

۱. کلیسای پُرجلال عیسی مسیح شدن

اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است. پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید... (اول پطرس ۲: ۹-۱۰)

این کتاب درباره چیست؟

این کتاب درباره کلیسای عیسی مسیح است. این درباره "رفتن" به کلیسا نیست، بلکه درباره کلیسا بودن است، کلیسایی که عیسی برای آن مُرد. اما این چه مفهومی دارد؟ ما چگونه می‌توانیم کلیسا باشیم؟

بعضی از ایمانداران زندگی با خدا را به‌عنوان چیزی می‌دانند که به‌تنهایی و انفرادی انجام می‌دهند. بله، عیسی فرداً از ما دعوت می‌کند که از روش قدیمی زندگی خود توبه کرده و از او پیروی کنیم؛ هر یک از ما باید در این مورد تصمیم بگیریم. اما عیسی فقط به من و شما به‌صورت انفرادی نگاه نمی‌کند؛ او ما را با یکدیگر می‌بندد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ما همگی در یک بدن تعمید یافته‌ایم- یعنی بدن مسیح (اول قرن‌تین ۱۲:۱۳). بدنی که کلیسای جهانی عیسی است و از همه ایمانداران در همه نسلها و از سراسر جهان تشکیل شده است. همه ما بخشی از این بدن و اعضای یکدیگریم. زندگی ما در مسیح، زندگی با یکدیگر است.

عهدجدید یک تصویر مهم دیگری را از این اتحاد به ما نشان می‌دهد. عهدجدید کلیسای مسیح را عروس مسیح می‌نامد. خدای جهان هستی ما را برای رابطه عمیق با خودش آفریده، رابطه‌ای زیباتر و رضایت‌بخش‌تر از آنچه بتوانیم تصور کنیم! قلب خدا مملو از عشق و محبت به ماست! رابطه زن و شوهر در زمین توسط خدا آفریده شده تا تصویری از یکی بودن و آن خوشی باشد که خدا در رابطه با قومش، یعنی کلیسا می‌خواهد. او از ما دلشاد می‌شود و ما از او دلشاد می‌شویم.

عیسی مُرد تا ما را پاک سازد که بتوانیم عروس پُر جلال او باشیم. پولس رسول در خطاب به شوهران، این مطلب را درباره رابطه عیسی با کلیسا، یعنی عروسش بیان کرد:

ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن‌گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود، تا آن را به آب کلام بشوید و این‌گونه کلیسا را ظاهر ساخته، تقدیس نماید، و کلیسایی درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدس و بی‌عیب باشد. (افسیان ۵:۲۵-۲۷)

در پایان رویای شگفت‌انگیز یوحنا رسول در کتاب مکاشفه می‌بینیم که کلیسای عیسی با جلال خدا می‌درخشد:

یکی از آن هفت فرشته ... به من گفت: "بیا! من عروس، یعنی همسر بَره را به تو نشان خواهم داد." آنگاه مرا در روح به فراز کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از نزد خدا فرود می‌آمد. جلال خدا از آن می‌تابید و درخشندگیش مانند گوهری بسیار گرانبها، همچون بشم، و به شفافیت بلور بود. (مکاشفه ۲۱:۹-۱۱)

یوحنا در مکاشفه ۲۱ ادامه داده و جزئیات بیشتری را درباره منظره پُر جلالی که دید، بیان می‌کند. عروس مسیح به‌طور مرموز به‌عنوان یک شهر پُر جلال دیده می‌شود که از جواهرات ارزشمند ساخته شده است. اما سوالی که همه ما می‌توانیم پرسیم این است: "این چگونه اتفاق خواهد افتاد؟ چگونه ما، یعنی کلیسای او، به عروس پُر جلالی که عیسی در مکاشفه دید تبدیل خواهیم شد؟"

البته که این کار خداست. خداوند خودش کلیسایش را به‌صورت یک شهر ابدی بنا می‌کند، جایی که او در آن ساکن خواهد شد. (مراجعه کنید به متی ۱۶:۱۸ و مکاشفه ۳:۲۱)

اما یکی از طریقه‌هایی که او ما را شهر زیبا و عروس بی‌لکه خود می‌سازد، از طریق یادگیری پیروی از عیسی با یکدیگر است- در جماعت- یعنی در کلیساهای محلی خود. و این کتاب درباره این موضوع می‌باشد. عیسی به ما گفت که اگر او را دوست داریم، از تعالیمش پیروی خواهیم کرد. (یوحنا ۱۴:۲۳) این کتاب به شما کمک خواهد کرد که این تعالیم را بیاموزید و به‌عنوان قوم خدا با یکدیگر از آنها پیروی کنید.

این کتاب برای رهبران و اعضای کلیسای خانگی است

فصلهای این کتاب برای کمک به کلیساهای خانگی نوشته شده تا به‌طور عمیق‌تر درباره رایج‌ترین چیزهایی که همه کلیساهای رهبرانشان باید باشند و انجام دهند، فکر کنند.

آیا می‌خواهید به‌طور عمیق‌تر کلام خدا را با یکدیگر مطالعه کنید؟ آیا می‌خواهید بدانید که چگونه خدا را آنطور که برای او خوشایند است، پرستش کنید؟ شاید در رابطه با نحوه تعمید دادن و زمان تعمید نوایمانان یا مفهوم شرکت در شام خداوند سوالاتی دارید. آیا به این فکر افتاده‌اید که چطور گروه خانگی شما می‌تواند ملکوت خدا را از طریق هدایا بنا کند؟ آیا در بین اعضای مشارکت خانگیتان مشاجراتی وجود دارد؟ این موضوعات و مطالب بیشتر در این کتاب تحت پوشش قرار گرفته است. هر فصل چیزهایی را می‌آموزد که عیسی و رسولان به شاگردان عیسی تعلیم دادند که آنها را انجام دهند.

هر فصل چگونه تنظیم شده است:

هر فصل، غیر از فصل یک، ۴ بخش دارد:

۱) مطالعه کتاب مقدس

کلام خدا پایه همه مطالب ارائه شده در این کتاب است. گاهی اوقات این درسها مستقیماً رهبران گروه خانگی را مخاطب قرار می‌دهند، اما بهتر است با کل گروه‌هتان آنها را مطالعه کنید. وقتی این عبارات را با دقت مطالعه می‌کنید، روح القدس در تعالیم کلیدی کتاب مقدس درباره این موضوع به شما مشورت خواهد داد.

۲) داستانی از تاریخ مسیحی

اینها داستانهای الهام‌بخشی از ایمانداران در طول قرن‌هاست که به نشان دادن موضوع مورد بحث کمک می‌کنند. حتماً آنها را برای تشویق و دلگرمی با گروه خانگی خود در میان بگذارید.

۳) سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند

این بخش به همه سؤالات گروه‌هتان پاسخ نخواهد داد، اما پاسخهای داده شده به شما کمک خواهد کرد که بعضی از جوانب عملی موضوع ارائه شده در آن فصل را بهتر درک کنید.

۴) کاربرد و دعا

"به جای آوردن کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید." (یعقوب ۱: ۲۲) این سؤالات بحث و گفتگو را حذف نکنید. این به گروه‌هتان کمک خواهد کرد که با یکدیگر دعا کنند، اقدام کنند و در نتیجه رشد کنند.

تصور کنید چه می‌شد اگر همه کلیساهای خانگی کشورتان در سرسپردگی به خداوند، محبت به یکدیگر و محبت و خدمت به دنیا قوی می‌شدند. این می‌تواند زمانی آغاز شود که گروه‌هتان اولین قدم را در بکارگیری تعالیم این کتاب بردارند.

لزمی ندارد که فصلهای این کتاب را به ترتیب مطالعه کنید

به هر حال توصیه می‌شود که فصل ۲ را بعد از فصل یک بخوانید، چون این پایه‌ای برای بقیه کتاب است. بعد از آن به فهرست مطالب مراجعه کرده و هر فصلی که احساس می‌کنید گروه‌هتان در این زمان نیاز بیشتری به آن دارد را انتخاب کنید.

درحالی‌که با یکدیگر در طلب پیروی از عیسی هستید، خدا شما را برکت دهد.

نکته: این کتاب طوری طراحی شده که به همراه کتاب ۵۰ درس حیاتی مورد استفاده قرار گیرد

شما متوجه خواهید شد که در بسیاری از فصلها مراجعی وجود دارد که مربوط به یک یا چند درس کتاب مقدس در ۵۰ درس حیاتی از تعالیم عیسی مسیح است. برای کسب اطلاعات در رابطه با دستیابی به نسخه رایگان این منبع و منابع دیگر به ضمیمه الف، "منابع"، در انتهای این کتاب مراجعه کنید.

۲. مشارکت خانگی یک خانواده است

پس دیگر نه بیگانه و اجنبی، بلکه هموطن مقدسین و عضو خانواده خدایید.

(افسیان ۲: ۱۹)

عیسی یک خانواده تشکیل داده، نه یک مذهب

امروزه در قرن ۲۱، پیروان عیسی در سراسر دنیا با یکدیگر جمع می‌شوند. بعضیها در ساختمانهای کلیسای بزرگ و زیبا جمع می‌شوند. بسیاری از ایمانداران در خانه‌ها جمع می‌شوند. گاهی اوقات دو یا سه ایماندار، پرستش عیسی را با صدای آهسته در زندان زمزمه می‌کنند.

بعضی از کلیساها با شمع و رهبرانی که ردای بلند پوشیده‌اند، پرستش می‌کنند. بعضی دیگر شلوار جین آبی پوشیده و پرستش را با گیتار رهبری می‌کنند. بعضی از جلسات به صورت رسمی و با دعاهای مکتوب است. بعضی دیگر غیر رسمی و با ایماندارانی است که کلام خدا را با یکدیگر در حال نوشیدن چای در یک آپارتمان مطالعه می‌کنند.

در طول قرن‌ها، ایده‌های بسیاری درباره مفهوم "کلیسا" ظاهر شده است. درباره ایده‌های خود فکر کنید. چه تصاویری در مورد کلیسا به ذهنتان می‌رسد؟ آیا ایده‌های شما برگرفته از دیدارتان از یک جلسه کلیسایی است؟ شاید برگرفته از فیلمها یا حتی یوتیوب است. اما همه ما وقتی به این فکر می‌کنیم که یک کلیسا باید چگونه باشد، باید این سؤال را بپرسیم: چیزهای مرکزی که عیسی در کلیسایش می‌خواست، چیست؟

از زمانی که مسیح بر روی زمین بود تا بحال، سنتهای کلیسایی بسیار متفاوتی شکل گرفته‌اند. اما روش "صحیح" پرستش چیست؟ هدف این کتاب تمرکز بر کارهایی که کلیساهای امروزی انجام می‌دهند یا سنتهایی که کلیساها مدتها بعد از بازگشت عیسی به آسمان آغاز کردند، نیست. بلکه تمرکز بر این است که دریابیم عیسی در عهدجدید چه تعلیمی داد. آیا عیسی برای زمانهایی که با هم برای پرستش جمع می‌شویم، قوانینی را به ما داد؟ در واقع، عیسی درباره کلیساهای ساختمانی یا شمعها یا سازهای موسیقی صحبت نکرد. ساده‌ترین تصویر او از اجتماع ایمانداران با یکدیگر این بود:

"زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم". (متی ۱۸: ۲۰)

مهم است که به یاد داشته باشید عیسی نیامد تا یک مذهب با یک سری آیینها و قوانین را پایه‌گذاری کند. او آمد تا رابطه ما با خدا و دیگران را احیا کند. در واقع عیسی یک خانواده تشکیل داد، نه یک مذهب! این خانواده با یکدیگر یاد می‌گیرند که چگونه در محبت مسیح به‌عنوان قوم ایمانی در یک دنیای تاریک و غیرایماندار زندگی کنند.

مشارکت خانگی ما باید به چه صورت باشد؟

بحث ابتدایی: به نظرتان وقتی ایمانداران هر هفته در کنار هم جمع می‌شوند، مهمترین کارهایی که باید انجام دهند چیست؟ (پیش از انجام مطالعه زیر، دقایقی را به بحث و گفتگو درباره این سوال اختصاص دهید).

کل اعمال باب ۲ را بخوانید

در اعمال ۲، درباره تولد شگفت‌انگیز کلیسا در روز تعطیل یهودی، یعنی پنطیکاست می‌آموزیم. روح القدس مانند تندباد و آتش آمد. شاگردان عیسی قدرت یافته و به زبانهای مختلف بسیاری سخن گفتند. یهودیان از بسیاری از ملتها شنیدند که خدا را به زبان آنها ستایش می‌کنند و شگفت‌زده شدند. بعد پطرس در مقابل این جمعیت موعظه کرد و کمک کرد تا بفهمند که عیسی که آنها او را به‌تازگی مصلوب کردند، همان کسی بود که روح القدس را ریخت. خدا از همه دعوت می‌کرد که برای بخشش گناهانشان به عیسی مسیح متوسل شوند.

در این درس ما بر آیات آخر اعمال ۲، مخصوصاً آیات ۳۶-۴۷ تمرکز می‌کنیم.

۱. چند نفر به پیغام پطرس پاسخ داده و تعمید یافتند؟ (آیه ۴۱)
به باب ۱ اعمال بازگردید. اعمال ۱: ۴-۸ را بخوانید. عیسی در آیه ۸ چه وعده‌ای داد؟
در محاکمه عیسی پیش از مصلوب شدن، پطرس منکر شناخت عیسی شد. حالا بعد از چهل روز، وقتی روح القدس بر پطرس می‌آید، او دلیرانه در مقابل جمعیت موعظه می‌کند که عیسی خداوند و مسیح است. درباره اینکه چگونه روح القدس پطرس را تبدیل کرد، گفتگو کنید.
۲. اعمال ۲: ۲۲ را بخوانید. ۴ چیزی که نوایمانان خود را وقف آن کردند، چه بود؟
به چه طریقی این ۴ چیز برای یک مشارکت سالم در قرن ۲۱ مهم است؟ (نکته: ما امروزه می‌توانیم با مطالعه اناجیل و نامه‌های عهدجدید، از رسولان درس بگیریم).
۳. آیه ۴۳ را بخوانید. رسولان چه کار می‌کردند؟ این چه نوع نگرشی را در مردم ایجاد کرد؟
آیا به نظرتان امروز ما باید از خدا عجایب و آیات بخواهیم؟ پاسختان را توضیح دهید.
۴. در آیات ۴۴-۴۵، ایمانداران چه نگرشی نسبت به داراییهای خود داشتند؟
درحالیکه ممکن نیست همیشه چیزهای مشترکی داشته باشیم، اما چگونه نگرش و اعمال گروهتان می‌تواند در توجه به نیازهای کاربردی یکدیگر بهبود یابد؟
۵. به آیه ۴۶ نگاه کنید. آنها چند وقت یکبار با هم جمع می‌شدند؟ در خانه‌هایشان چه کار می‌کردند؟ آیا به نظرتان جمع شدن با یکدیگر برای آنها یک بار سنگین بود یا یک خوشی؟
به نظر می‌رسد که ایمانداران کلیسای اولیه خود را یک خانواده جدید می‌دانستند. آنها فقط هفته‌ای یکبار برای جلسه پرستشی با یکدیگر جمع نمی‌شدند؛ بلکه اغلب اوقات با یکدیگر وقت گذاشته و به یکدیگر توجه می‌کردند. امروزه گاهی اوقات می‌بینیم که ایمانداران به‌خاطر ایمانشان به مسیح از سوی خانواده‌هایشان طرد می‌شوند. اگر خانواده شما به‌خاطر ایمان به عیسی شما را طرد می‌کرد، چقدر برای شما مهم بود که در یک مشارکت خانگی از شما استقبال کنند؟ دلیل خود را توضیح دهید. (شاید افرادی در گروهتان چنین تجربه‌ای را داشته‌اند).
۶. بر اساس بخش آخر آیه ۴۷، نتیجه فرو ریختن روح چه بود؟
۷. به‌طور خلاصه به آیات ۴۲-۴۷ مراجعه کنید. امروزه چه عناصری باید بخشی از یک مشارکت سالم باشند؟ مسئولیت شما به‌عنوان یک رهبر چیست تا مطمئن شوید که اینها بخشی از مشارکت خانگی شماست؟

با دعا خاتمه دهید: برای مشارکت خانگی خود دعا کنید که حیات، خوشی و قدرت کلیسای اولیه را تجربه کنید.

در این موضوع عمیقتر شوید: افسسیان ۱: ۴-۱۶ و اول قرنیتیان بابهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴.

یک برده به یک برادر تبدیل می‌شود

پیش از مطالعه داستان زیر، نامه پولس به فیلیمون را در عهدجدید بخوانید. این فقط یک باب دارد.

اگرچه این نامه کوتاه است، اما مانند یک جواهر ارزشمند در کتاب مقدس است. این نامه به ما تعلیم می‌دهد که چگونه انجیل همه ما را وارد یک خانواده می‌کند- یعنی خانواده خدا. همچنین به ما تعلیم می‌دهد که آزادانه در مشارکتهای خود از همه ایمانداران به‌عنوان برادران و خواهران در مسیح استقبال کنیم.

نامه به فیلیمون توسط پولس رسول در زمانی نوشته شد که در حدود ۲۵-۳۰ سال بعد از مرگ و رستاخیز عیسی در روم زندانی بود. در آن زمان فیلیمون در کولسی رهبر یک کلیسای خانگی بود. کولسی یک شهر باستانی در نزدیکی افسس (در ترکیه امروزی) بود. بر اساس این نامه می‌دانیم که پولس، فیلیمون را می‌شناخت و احتمالاً در هدایت او در ایمان به عیسی تأثیرگذار بوده است (آیه ۱۹).

در آیه ۱۰ می‌خوانیم که پولس برده جوانی به نام اونسیموس را هدایت کرد تا پیرو عیسی شود. تصور کنید چقدر پولس متعجب شد که فهمید این نوایمان از کولسی، از فاصله دور و از اربابش فرار کرده و اربابش، فیلیمون، دوست پولس است! خدا با حاکمیت مطلقش پولس را در کنار این برده جوانی قرار داد که قلبش برای انجیل باز بود.

برای درک شرایط اونسیموس بهتر است مطالبی را درباره برده‌داری در امپراطوری روم، در قرن یکم بدانید. این روش پذیرفته شده زندگی برای کل جامعه، از جمله میلیونها برده بود. بردگان در انواع مشاغل کار می‌کردند. بعضیها در مزرعه‌ها، معادن یا مشاغل ساختمانی کار می‌کردند. غالباً این کار بسیار دشوار بود و اربابان می‌توانستند خشن و بی‌رحم باشند. عده‌ای دیگر در خانه صاحبانشان کار می‌کردند و با آنها خوش‌رفتاری می‌شد، تقریباً مانند عضوی از خانواده بودند. اما همگی به‌عنوان دارایی اربابشان در نظر گرفته می‌شدند تا هر طوری که بخواهد با آنها رفتار کند.

هر برده‌ای که فرار می‌کرد، می‌توانست هر طوری که اربابش می‌خواست، مجازات شود. ممکن بود نشانی را بر روی پیشانی او نقش کنند تا نشان بدهند که او یک فراری بود؛ می‌توانست کتک بخورد یا مورد بدرفتاری قرار گیرد؛ حتی می‌توانست کشته شود. اگر دستگیر شده و بازگردانیده می‌شد، بقای او وابسته به رحمت اربابش بود.

اگرچه عیسی بر علیه عمل برده‌داری در زمان خود چیزی نگفت، اما تعالیمش نشان می‌دهند که او همه آدمهای دنیا را به یک اندازه محبت کرد. او زندگیش را فدای همه انسانها کرد- برده و آزاد. و به ما فرمان می‌دهد که همه انسانها را به اندازه خودمان محبت کنیم. پولس رسول این مطلب را درباره همه پیروان عیسی گفت:

دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید.
(غلاطیان ۳: ۲۸)

این در زمان فیلیمون یک تعلیم کاملاً جدید و انقلابی بود. بیایید روزی را تصور کنیم که اونسیموس فرار کرد. به خشمی که فیلیمون احساس کرده بود، فکر کنید. او این برده را با پول خودش خریده بود. حالا این برده فرار کرده است. به نظر می‌رسد که احتمالاً او حتی از اربابش پول دزدیده است (آیه ۱۸). نام "اونسیموس" یعنی "مفید" اما حالا فیلیمون احتمالاً فکر می‌کند که این برده فراری "بی‌فایده" است (آیه ۱۱). طبیعی بود که فیلیمون درباره نحوه مجازات اونسیموس بعد از دستگیری و بازگردانده شدن فکر کند. فیلیمون نمی‌تواند تصور کند که اونسیموس، برده "بی‌فایده" او به وسیله همان انجیلی نجات خواهد یافت که او و خانواده و دوستانش را نجات داد. او نمی‌تواند تصور کند که اونسیموس توسط پولس رسول به نزد او بازگردانده شود؟

اما خدا به‌طور مرموز عمل می‌کند. پولس، اونسیموس را بازپس می‌فرستد، از فیلیمون درخواست می‌کند که او را ببیند، نه به‌عنوان یک برده، بلکه اکنون به‌عنوان یک برادر (آیه ۱۶). پولس به فیلیمون می‌گوید: "... او را همان‌گونه ببین که مرا می‌بینی". (آیه ۱۷). پولس رسول که پُر از فیض و صلح‌جوست، حتی می‌گوید که اگر اونسیموس به او بدهکار است، خودش آن را خواهد پرداخت (آیات ۱۸-۱۹).

در آیه ۲ می‌بینیم که این نامه فقط به فیلیمون نوشته نشده بود؛ بلکه خطاب به "کلیسایی که در خانه/ات برپا می‌شود" نیز بود. باید برای همه ایمانداران خوانده می‌شد. تصور کنید که فیلیمون و خانواده و دوستانش در کلیسای خانگی به درخواست پولس از فیلیمون گوش می‌کردند، درحالی‌که برده فراری "بی‌فایده"، یعنی اونیسیموس در بین آنها ایستاده بود! (آیه ۱۲)

آیا فیلیمون و کلیسای خانگی، اونیسیموس را به‌عنوان یک برادر پذیرفتند؟ کتاب مقدس چیزی به ما نمی‌گوید، اما به نظر می‌رسد که احتمالاً این کار را کردند. این نامه بارها تکثیر شد و به کلیساها در همه جا فرستاده شد تا خوانده شود. اگر فیلیمون از درخواست پولس پیروی نکرده بود، آیا او این نامه را پاره نمی‌کرد؟

پولس در نامه‌اش نوشت که اونیسیموس برای او هم "مفید" بود (آیات ۱۱-۱۳). پولس نوشت:

"می‌خواستم نزد خود نگاهش بدارم تا در مدتی که به‌خاطر انجیل در بندم، سهم تو را در خدمت به من بر عهده گیرد..."
(آیه ۱۳).

احتمالاً فیلیمون عمیقاً تحت تأثیر نامه پولس قرار گرفت، اونیسیموس را بخشید و به‌عنوان یک برادر پذیرفت. چه می‌شد اگر بعد از آن اونیسیموس را آزاد می‌کرد و به نزد پولس بازپس می‌فرستاد تا عضوی از گروه سفرهای بشارتی پولس شود؟ اونیسیموس، یعنی یک مرد جوان را در هنگام نوشته شدن این نامه تصور کنید که سال به سال در حال خدمت در کنار پولس رسول و میسیونرهای دیگر در مسیح رشد می‌کرد.

ما مطمئن نیستیم که آیا فیلیمون، اونیسیموس را آزاد کرد تا به پولس بپیوندد، اما محتمل به نظر می‌رسد. یک نامه دیگر در حدود ۴۰ سال بعد از مرگ پولس رسول نوشته شد، وقتی احتمالاً اونیسیموس ۷۰ ساله بود. این توسط یک رهبر کلیسا به نام ایگناتیوس به اسقف افسس نوشته شده بود. نام این اسقف، اونیسیموس بود! اگرچه هیچ‌کس مطمئن نیست که این همان اونیسیموس باشد، اما احتمالاً همان است. چه داستان زیبایی از اینکه عیسی می‌تواند یک زندگی را تبدیل کند- یک برده سرکش را برخیزاند تا رهبر کلیسا شود. اما اگر مشارکت خانگی فیلیمون از او استقبال نکرده بود، چنین چیزی نمی‌توانست اتفاق بیفتد.

به این فکر کنید که مشارکت خانگی شما از این داستان قرن یکم چه چیزی را می‌تواند بیاموزد. فیلیمون و کلیسا در خانه‌اش باید یاد می‌گرفتند که همه انسانها در مسیح با هم برابرند و باید یک برده فراری را به‌عنوان برادرشان می‌پذیرفتند. داستان اونیسیموس، داستان همه ماست، اینطور نیست؟ ما که بردگان گناه بودیم با فیض عیسی مسیح آزاد شدیم و در ملکوت و کار او پذیرفته شدیم. باشد که خدا به همه ما کمک کند تا بیاموزیم که به یکدیگر به‌عنوان یک خانواده، محبت و توجه کنیم- بدون توجه به نژاد، ثروتمند یا فقیر، جوان یا پیر، مرد یا زن بودن.

۱. اگر ما فقط یک گروه کوچکی هستیم که در یک خانه با هم جمع می‌شویم، آیا واقعاً یک کلیسا هستیم؟

شاید آگاهی از این اطلاعات تاریخی مفید باشد: در ۳۰۰ سال اول بعد از صعود عیسی به آسمان، کلیسای اولیه اکثراً در خانه‌ها جمع می‌شدند. کلیسا در سراسر خاورمیانه و اروپا و شمال آفریقا رشد می‌کرد. به‌خاطر جفاها و به‌خاطر اینکه ایمانداران پولی برای بنای ساختمانها نداشتند، از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر جمع می‌شدند. چون گروهها کوچک بودند و با هم رنج می‌کشیدند، مشارکت شیرین و محبت در میانشان بود که به کلیسا کمک می‌کرد تا در خانه‌های بیشتری گسترش یابد. جنبش کلیسای خانگی در آن قرن‌ها باعث شد که انجیل در همه جا گسترش یابد. کلیساها در ساختمانهای عمومی نبودند.

وقتی فصلهای دیگر این کتاب راهنما را مطالعه می‌کنید، خواهید دید که حتی یک گروه بسیار کوچک هم می‌تواند به‌عنوان یک مشارکت از تمام دستورالعملهای مسیح پیروی کند. و شما از این مزیت برخوردارید که یکدیگر را به‌خوبی بشناسید تا بتوانید مانند پولس رسول در غلاطیان ۲:۶ بگویید: "بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید که این‌گونه شریعت مسیح را به جا خواهید آورد."

به یاد داشته باشید که کلیسا/انسانها هستند، نه یک ساختمان یا جلسه. همهٔ پیروان عیسی در سراسر جهان با یکدیگر کلیسا، یعنی بدن مسیح را تشکیل می‌دهند.

۲. علاوه بر جلسات هفتگی با یکدیگر، چه کاری می‌توانیم بکنیم تا بیشتر مانند یک خانواده باشیم؟

در یک خانواده سالم، اعضا به یکدیگر توجه می‌کنند. به همین ترتیب، یک رهبر خوب نگران نیازهای اعضای مشارکت است. مرتباً در طول هفته به آنها رسیدگی می‌کند و تشویقشان می‌کند که به دیگران رسیدگی کنند. آیا کسی بیمار است یا از کار بیکار شده و به چیزی نیاز دارد؟ آیا عضوی از خانواده یک نفر از دنیا رفته است؟ آیا کسی در شرایط سختی است و به دعا نیاز دارد؟ گاهی اوقات یک تماس تلفنی یا ملاقات بی‌دلیل، فقط برای اینکه بگویید: "من به فکر تو هستم"، می‌تواند برای یک نفر بسیار ارزشمند باشد. ما باید از خودمان پرسسیم: "آیا من واقعاً به اعضای مشارکت توجه می‌کنم؟ آیا آنها واقعاً به یکدیگر توجه می‌کنند؟" اگر همه در توجه به دیگران کمک کنند، در این صورت هیچ‌کس بار سنگینی برای حمل کردن ندارد.

۳. خانمی که در خانه‌اش جمع می‌شویم، قلبی خدمتگذار دارد، اما گاهی اوقات خسته می‌شود که هر هفته میزبان مشارکت خانگی باشد. این بار سنگینی برای اوست که همیشه باید غذا تهیه کند و البته باید خانه را قبل از آمدن همهٔ افراد و بعد از رفتن آنها تمیز کند. آیا مشارکت خانگی همیشه باید در یک خانه جمع شود؟

کتاب اعمال به ما می‌گوید ایمانداران در "خانه‌ها" جمع شدند (اعمال ۴:۵). اگر خانه‌های دیگری موجود است، قطعاً می‌توانید بار را از دوش یک نفر یا خانواده بردارید و در مکانهای دیگر جمع شوید.

همچنین کمک کنید که اعضا باری را که میزبان خانه برعهده می‌گیرد، درک کنند. از برادران و خواهران کمک بگیرید تا چای بیاورند یا ظرفها را بشویند. مانند عیسی که "نیامد تا خدمتشان کند، بلکه آمد تا خدمت کند" (متی ۲۰:۲۸)، همه -مردان و زنان- باید یاد بگیرند که به‌طور عملی کمک کنند. بعضیها می‌توانند کمی زودتر بیایند (یا بیشتر بمانند) تا برای نظافت کمک کنند. همچنین همیشه مجبور نیستید با هم غذا بخورید. اما وقتی با هم غذا می‌خورید، همهٔ افراد را تشویق کنید که غذا بیاورند و با هم قسمت کنند.

۴. ایماندارانی هستند که دیگر در مشارکت ما شرکت نمی‌کنند و به مشارکتهای دیگر نمی‌روند. آنها هنوز خودشان را پیروان عیسی می‌نامند، اما نیازی نمی‌بینند که با یکدیگر جمع شوند. ما چه کار کنیم؟

دلایل بسیاری وجود دارد که یک نفر مشارکت ایمانداران را ترک می‌کند و تصمیم می‌گیرد به‌تنهایی به زندگی مسیحی خود ادامه دهد. مهم است که به یاد داشته باشید احتمالاً کلمات خشن و عیبجویی باعث نخواهد شد که در آنها اشتیاقی برای بازگشت ایجاد شود. آنها باید بدانند که مورد محبت قرار گرفته‌اند. به دنبال راههایی باشید که نشان بدهید به آنها و نیازهایشان اهمیت می‌دهید. زمانی را به ملاقات آنها اختصاص دهید؛ به حرفهایشان گوش کنید و برای آنها دعا کنید. باید با ملایمت به آنها یادآوری شود که به بدن ایمانداران نیاز دارند. (عبرانیان ۱۰:۲۴-۲۵) بله، مشارکتهای خانگی ما ناکاملند، اما ما همچنان به یکدیگر نیاز داریم. اغلب اوقات برای آنها دعا کنید.

همچنین ما رهبران باید به نوایمانان تعلیم دهیم که کتاب مقدس دربارهٔ تولد ما در بدن ایمانداران چه می‌گوید. (به آیات کتاب مقدس در زیر مراجعه کنید.) نقشه‌های خدا بزرگتر از آن است که ما را فقط به‌طور انفرادی نجات دهد. مرکز نقشهٔ خدا، روابط محبت‌آمیز با او و با برادران و خواهران است.

۵. آیا راهی هست که مشارکت خانگی ما بتواند بیشتر احساس کند که ما بخشی از بدن بزرگتر مسیح در کشورمان
و در دنیا هستیم؟

هر ایمانداری باید خود را نه تنها عضو یک مشارکت خانگی محلی، بلکه بخشی از بدن جهانی مسیح ببیند. شما می‌توانید با تعلیم دادن آیات کتاب مقدس که در زیر ذکر شده، به آنها کمک کنید.

همچنین مفید است که به دنبال راههایی باشید تا برای زمانهای خاص دعا، جشن، کنفرانس، اردو و غیره به مشارکتهای دیگر در اجتماع خود و حتی به مشارکتهای کشورهای دیگر بپیوندید.

آیات کتاب مقدس برای تفکر عمیق و تعلیم:

یوحنا ۱۷:۲۰-۲۱ یوحنا ۱۰:۱۴-۱۶

کولسیان ۳:۹-۱۷ رومیان ۱۲:۳-۸

افسیان ۴:۱-۱۶ افسسیان ۲:۱۱-۲۲

اول قرنتیان ۱۲:۱۲-۲۷

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. با دقت به اعمال ۴۲:۲-۴۷ نگاه کنید. جداگانه به هر یک از این سؤالات پاسخ دهید:
 - در کلیسای اولیه چه اتفاقی افتاد که گروه شما نیز آن را تجربه می‌کند؟
 - کلیسای اولیه چه چیزی را تجربه کرد که شما در گروهتان شاهد چنین اتفاقی نیستید؟
 - آیا گروهتان نسبت به یکدیگر خوشی و محبت دارند و یک حس شگفتی که خدا هر هفته در بین شما حرکت می‌کند؟ خواهان تغییر چه چیزهایی هستید؟
۲. چه چیزی باید تغییر کند تا مشارکت خانگیان بیشتر مانند خانواده‌ای باشد که در آن همه افراد پذیرفته شده و مورد توجه قرار می‌گیرند؟ (مثلاً: آیا باید در نگرش‌تان نسبت به بعضی از شرکت‌کنندگان تغییری ایجاد شود؟)
۳. اکنون زمانی را به دعا برای مشارکت خانگی خود اختصاص دهید. در حالیکه دعا می‌کنید، با صدای آهسته اعمال ۴۲:۲-۴۷ را بخوانید. آن را به‌عنوان راهنمایی برای کمک به دعایتان بکار ببرید. از خداوند بخواهید که شما را با حیات و قدرت کلیسای قرن یکم پُر سازد.

۳. محبت، انگیزه رهبر

عیسی ایشان را فرا خواند و گفت: "شما می‌دانید آنان که حاکمانِ دیگر قومها شمرده می‌شوند بر ایشان سروری می‌کنند و بزرگانشان بر ایشان فرمان می‌رانند.

اما در میان شما چنین نباشد.

هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود. و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام همه گردد. چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بدهد." (مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵)

رهبران مسیحی، محبت صادقانه را از عیسی می‌آموزند

عیسی ما را به روش زندگی کاملاً متفاوتی دعوت می‌کند. او ما را به ملکوتش دعوت می‌کند. یک چیزی که در ملکوت او بسیار متفاوت از این دنیاست، شیوه رهبری رهبران است.

وقتی رهبران کلیسا از مردم برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند، این کاملاً برخلاف شیوه تعلیم عیسی است. چنین رهبرانی منبیت و جاه‌طلبیهای زیادی برای بنای ملکوتشان دارند. یا می‌خواهند از طریق خدمتشان به ثروت مالی دست یابند. در تاریخ کلیسا (با شرمندگی بسیار) گاهی اوقات رهبران حتی به دلیل تمایلات جنسی از دیگران سوءاستفاده کرده‌اند. مهم است که بدانید عیسی ما را به مسیر کاملاً متفاوتی دعوت می‌کند- یعنی مسیر محبت صادقانه نسبت به مردم.

همه ما به یک عمر زمان نیاز داریم تا محبت کردن را یاد بگیریم. هیچ‌کس به‌طور طبیعی در این مسیر محبت متولد نمی‌شود. این سال به سال با تبدیل شدن در عیسی حاصل می‌شود.

عیسی نمونه کامل محبت صادقانه بود. مردم دیدند که او آنها را زیر پا نمی‌گذارد تا خودش به جایگاه بالاتر برسد. عیسی یک خادم مهربان بود.

ما در درسهای بعدی به خدمت پولس رسول خواهیم پرداخت. عیسی، سولس (جفاکننده بر مسیحیان) را به پولس تبدیل کرد و از آن به بعد دنیا هرگز مانند گذشته نبود. وقتی سولس با عیسی ملاقات کرد، محبت، انگیزه کلّ زندگیش شد. او بعداً اول قرن‌تینان ۱۳، این باب معروف درباره محبت را نوشت.

نگاهی بر زندگی پولس رسول به ما امید می‌بخشد که ما هم می‌توانیم تغییر کنیم و رهبرانی باشیم که با تمام دل به دیگران محبت کنیم.

نمونه پولس رسول برای همه رهبران

بحث ابتدایی: درحالیکه در رهبری مشارکت خانگی رشد می‌کنید، به گروه توضیح دهید که از خداوند می‌خواهید کدام ویژگی‌های شخصیتی را در قلبتان شکل دهد.

پولس رسول در سفرهای بشارتی خود به ترکیه امروزی، به بخشهایی از یونان و مناطق دیگر سفر کرد. او نامه‌های متعددی به تسالونیکیان نوشت، قومی که در یونان امروزی زندگی می‌کردند. او در نامه اولش درباره خدمت در تسالونیکی صحبت کرد، وقتی برای اولین بار انجیل را به آنها رساند. بیایید به نگرش او نسبت به این افراد بپردازیم.

با یکدیگر اول تسالونیکیان باب ۲ را بخوانید

۱. پیش از آنکه پولس به تسالونیکی برود، در فیلیپی برای او چه اتفاقی افتاد؟ (آیه ۲)
پولس به تسالونیکیان یادآوری می‌کند که وقتی به نزدشان آمد، جرأت کرد با وجود کشمکشهای موجود در آنجا، انجیل را به آنها هم اعلام کند. (شما می‌توانید در اعمال ۱۶ و ۱۷ درباره اعلام انجیل توسط پولس در فیلیپی و تسالونیکی بخوانید).
۲. دوباره به آیات ۳-۵ نگاه کنید. وقتی پولس انجیل را به تسالونیکیان رساند، سعی می‌کرد چه کسانی را خشنود کند؟ پولس گفت در حال خدمت به تسالونیکیان چه کارهایی را نکرد؟ (آیه ۵-۶)
چرا گاهی اوقات ستایش انسانها ما را وسوسه می‌کند؟
پولس این را هم می‌گوید که انگیزه‌اش طمع‌ورزی نبود. اگر یک رهبر انگیزه‌های مخفیانه طمع‌ورزی را دارد، این چگونه می‌تواند یک مشارکت را نابود کند؟
۳. دوباره آیات ۷-۱۰ را بخوانید. با کلمات خود توصیف کنید که پولس چقدر تسالونیکیان را دوست داشت و چگونه این محبت را به آنها نشان داد.
۴. در آیات ۱۱ و ۱۲، پولس خود را به‌عنوان یک پدر برای آنها توصیف می‌کند. چه رفتاری با تسالونیکیان داشت که مانند یک پدر نیکو بود؟
اگر مشارکتهای خانگی ما تحت رهبری مردان و زنانی باشد که مانند والدین مهربان عمل می‌کنند، این بر شرکت‌کنندگان چه تأثیری خواهد گذاشت؟
۵. نتیجه کار پولس در تسالونیکی چه بود؟ (آیه ۱۳)
آیا در مشارکت خانگی شما، مردم کلام خدا را به‌عنوان کلام شما می‌پذیرند یا به‌عنوان کلام خدا؟
۶. آیا پیروی از عیسی برای تسالونیکیان کار راحتی بود؟ (آیه ۱۴-۱۶)
اگر ما به‌عنوان رهبر محبت عمیقی نسبت به مردم داشته باشیم، این در تحمل جفاها چه کمکی به آنها خواهد کرد؟

با دعا خاتمه دهید: پولس الگوی شگفت‌انگیز محبت صادقانه و انگیزه‌های خالصانه در خدمت به بدن ایمانداران است. اکنون زمانی را به دعا برای مشارکت خانگی خود اختصاص دهید تا بتوانید همان قلب محبت‌آمیزی را داشته باشید که پولس داشت.

در این موضوع عمیقتر شوید:

بر روی مرقس ۱۰:۳۵-۴۵ و فیلیپیان ۱:۲-۱۱ تعمق کنید.

رهبران به یک عضو سرگردان کلیسا محبت می‌کنند

جین گنز، یک کشیش آمریکایی، داستانی را درباره یک مرد مسیحی در مشارکتش تعریف می‌کند. مردی که زنش را به‌خاطر زنا با زنی دیگر ترک کرد. جین این مرد را به‌خوبی می‌شناخت و به‌خاطر گناه این برادر بسیار مشوش بود. او با یکی از مشایخ به دیدار این مرد رفت. آنها به دفتر کارش رفته و گفتند که برای کمک به او آمده‌اند تا فکرش را عوض کرده و به نزد زنش بازگردد. این مرد خیلی عصبانی شد و گفت از آنجا بروند. جین و این شیخ محکم ایستاده و با محبت اصرار کردند که خواهان زمانی برای صحبت با او هستند.

گفتگو طولانی و دشوار بود- حدوداً دو ساعت طول کشید. او مصمم بود که در پی خواسته‌های گناه‌آلودش باشد و این رهبران نمی‌دانستند که آیا موفق خواهند شد که او را به سوی زنش و به سوی تفکر واضح و روشن بازگردانند. جین می‌نویسد: "یک لحظه شیخی که با من بود- خودش یک تاجر بود- دستش را بر بازوی این مرد گذاشت و درحالیکه اشک از صورتش جاری می‌شد، از او درخواست کرد که در مورد تصمیمش تجدید نظر کند".

جین و این شیخ دیدند که قلب این مرد کمی نرم شد. نهایتاً او قبول کرد که بیشتر با آنها صحبت کند. جین می‌گوید: "اگرچه او آماده نبود که این زن را ترک کند و به سوی زنش بازگردد، اما قبول کرد که او و زنش به یک مشاور مسیحی مراجعه کنند".

بعد از چند هفته صحبت با این مرد، گوش دادن به چالشهایش، اعلام کلام خدا به او، در یک صبح یکشنبه، او به مشارکت آنها آمد. با چشمان اشک‌آلود، جین را در آغوش گرفت و گفت: "خدا را شکر که تو مرا رها نکردی." او به نزد زنش بازگشته بود. به مرور زمان، با دعاهای بسیار و مشاوره شبانی، رابطه‌اش با زنش کاملاً احیا شد.

بعدها این مرد گفت: "جین، من تا آخر عمر مدیون تو خواهم بود." جین می‌نویسد: "البته همین باعث می‌شود "شبان" بودن ارزش صرف وقت، تلاش و حتی طردشدگی اولیه را داشته باشد".

جین درباره این نوع محبت فداکارانه می‌نویسد:

پس چه چیزی باید ویژگی یک رهبر با قلب شبانی باشد؟ او می‌خواهد خود را فدای اعضای بدن مسیح کند که در گله‌اش ساکن هستند. او به هر بهایی در کنارشان می‌ایستد. او گوسفندانش را می‌شناسد. او آنها را به نام می‌خواند!

جین به عیسی اشاره می‌کند که در یوحنا ۱۰:۱۴ درباره خودش صحبت می‌کند. عیسی الگوی همه کسانی است که می‌خواهند شبانه‌های مراقب و مهربانی در کلیسا باشند.

ما باید با گله خود باشیم، نه جدا از آنها. باید آنها را شخصاً بشناسیم- نیازها، نگرانیها و مشکلاتشان! باید خواهان ترک نود و نه گوسفند در گله باشیم و در تاریکی شب به دنبال بزّه گمراهی باشیم که از امنیت جماعت منحرف شده و در بیشه سرخورگی و گناه گرفتار شده است. (متی ۱۸: ۱۲-۱۳)

کشیش گنز در ادامه می‌گوید که زندگی ما، نه فقط کلام ما، باید به افراد در مشارکت ما بگوید:

"ما شما را دوست داریم، به شما اهمیت می‌دهیم و اینجا در کنارتان هستیم؛ شما می‌توانید در هر زمان، در هر کجا و درباره هر چه می‌خواهید با ما صحبت کنید. ما محکومتان نخواهیم کرد! ما به شما کمک خواهیم کرد تا همان کسی شوید که واقعاً می‌خواهید باشید: یک عضو بالغ و کارآمد در بدن او، یعنی کلیسا."

رهبرانی که از الگوی مسیح پیروی کرده و سالها پایداری می‌کنند، می‌دانند که همه داستانها مانند این داستان به شادی ختم نمی‌شود. بعضیها قلبشان را سخت کرده و از خداوند دور می‌شوند. گاهی اوقات هیچ چاره‌ای نداریم، جز اینکه اجازه بدهیم آنها بروند. اما یک قلب شبانی حقیقی همیشه بیشتر درباره محبت مسیح می‌آموزد، محبتی که "با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند." (اول قرنتیان ۱۳: ۷) این محبت عیسی مسیح، نجات دهنده ماست.^۱

^۱ این داستان از کتاب *مشایخ و رهبران*، نوشته جین. ای. گنز بازگو شد، حق چاپ ۲۰۰۳، انتشارات مودی. با کسب اجازه استفاده شد.

۱. ما رهبران چگونه در مشارکتهای خانگی خود محبت ایجاد کنیم؟

همانطور که جین گتز در مطالب بالا گفت، محبت اول از طریق اعمالمان به مردم نشان داده می‌شود. اما این مسئولیت را هم داریم که درباره محبت تعلیم دهیم. مسیح به ما فرمان داده که به یکدیگر محبت کنیم. او به ما تعلیم داد که بزرگترین حکم این است که با تمامی دل، فکر و قوت خود خدا را محبت کنیم و همسایه‌مان را همچون خویشتن محبت کنیم. شما مسئول هستید که اغلب اوقات این مهمترین حکم را به مشارکت خانگی خود بیاموزید. این مرکز ایمان ماست.

ما با اختصاص دادن زمانی برای انجام این کار، دانه‌هایی را در قلب مردم می‌کاریم. ما می‌توانیم به خداوند اعتماد کنیم که این دانه‌ها را رشد دهد. تصور کنید که مسیحیان در این کشور توسط همه انسانها به‌عنوان قوم محبت شناخته شوند! اینها عباراتی درباره محبت است که می‌توانید در مشارکت خانگی خود مطالعه کنید:

(۱) عیسی توضیح می‌دهد که محبت واقعی چیست:

یوحنا ۱۵:۹-۱۷

یوحنا ۱۳:۱-۱۷

یوحنا ۱۴:۱۵-۲۴

(۲) سه مثل محبت عظیم خدا به انسانهای گناهکار:

لوقا ۱۵:۱-۷ (گوسفند گمشده)

لوقا ۱۵:۸-۱۰ (سگه گمشده)

لوقا ۱۵:۱۱-۳۲ (پسر گمشده)

(۳) مثل محبت در عمل:

لوقا ۱۰:۲۵-۳۷ (سامری نیکو)

(۴) توصیف زیبایی پولس رسول درباره محبت:

اول قرنطیان ۱۳

(۵) میوه روح خدا در زندگی ما (برخلاف زندگی در جسم):

غلاطیان ۵:۱۶-۲۶

اول یوحنا ۳:۱۱-۱۸ و ۴:۷-۲۱

۲. به‌عنوان رهبر مشارکت خانگی، چگونه باید به جنس مخالف کمک کنم؟

وسوسه‌های جنسی بسیار واقعی هستند و رهبران مستثنی نیستند. اگرچه شما باید در مشارکت خود به مردم محبت و کمک کنید، اما هرگز نباید با جنس مخالف به‌تنهایی ملاقات کنید، حتی وقتی می‌خواهند برای دعاء، مشکلاتشان را با شما مطرح کنند. شیطان بارها از این جلسات برای نابودی زندگی رهبران مسیحی و کلیساهای تحت خدمتشان استفاده کرده است. همیشه با یک عضو بالغ دیگر، شاید با شوهر یا زن خود یا یک برادر یا خواهر دیگر بروید. از اتاقهایی با درهای بسته خودداری کنید. محبت واقعی مسیحی مانند مار حکیم و مانند کبوتر بی‌آزار است.

۳. معنی کلمه "کشیش" چیست؟

کلمه‌ای که به‌عنوان "کشیش" ترجمه کرده‌ایم، در عهدجدید یعنی "شبان". وقتی به کلام عیسی به پطرس، بعد از رستاخیز نگاه می‌کنیم، درک می‌کنیم که "کشیشی کردن" چه مفهومی دارد. او به پطرس گفت: "از گوسفندان من مراقبت کن و به آنها خوراک بده". (مراجعه کنید به یوحنا ۲۱:۱۵-۱۷) کار شبانی قوم خدا به پطرس سپرده شد. در آن زمان کشیش بودن یک "مقام کلیسایی" نبود، بلکه یک خدمت بود.

پطرس از مدرسه کتاب مقدس دیپلم نگرفته بود. او هرگز در کلیسای ساختمانی موعظه نکرد! او یک ماهیگیر ساده بود که یاد گرفت از قوم خدا مراقبت کند، چون با محبت عیسی تبدیل شده بود.

این را فراموش نکنید: شما هر که هستید، اگر از گوسفندان عیسی مراقبت می‌کنید، مانند یک کشیش حقیقی عمل می‌کنید.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. اگر همه رهبران مسیحی صادق باشند، می‌دانند که برای کار رهبری قوم خدا ناشایسته‌اند. در چه قسمتهایی از زندگیتان می‌دانید که باید تغییر کنید تا صادقانه به مردم محبت کنید؟
۲. زمانی را به دعا برای خود اختصاص دهید. شاید بتوانید از اعضای مشارکت خود بخواهید که برای شما دعا کنند. در حال مرور صفحات قبلی درباره یادگیری اینکه رهبران محبت باشید، از خداوند بخواهید در آن قسمت از زندگیتان که نیاز به رشد دارید، شما را تبدیل کند.
۳. فهرست آیات کتاب مقدس را در بخش سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند، در سؤال ۱ مرور کنید. یک یا دو عبارت را انتخاب کنید تا به‌زودی با اعضای مشارکت خود مطالعه کنید.

۴. درک هدیه شگفت‌انگیز نجات از سوی خدا

همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم،

و هر یک از ما به راه خود رفته بود،

اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد. (اشعیا ۵۳: ۶)

زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد. زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند. (یوحنا ۳: ۱۶-۱۷)

نیز به یهودیان و یونانیان هر دو، اعلام داشته‌ام که باید با توبه به سوی خدا بازگردند و به خداوند ما عیسی مسیح ایمان آورند. (اعمال ۲۰: ۲۱)

خبر خوشی که دنیا را نجات می‌دهد

انجیل، "خبر خوش" برای گناهکاران است. توسط کسانی موعظه می‌شود که می‌دانند آنها هم بدون عیسی گم‌شده‌اند. در هر جایی که این خبر خوش عیسی با امانتداری نسبت به کلامش موعظه می‌شود، زنجیرهای قلب مردم پاره می‌شوند. محبوسان گناه و تاریکی که امیدی نداشتند، اکنون از سیاهچال تاریک و سردشان به سوی تابش آفتاب گرم محبت خدا می‌آیند. به‌خاطر هدیه نجات عیسی، قلبشان با خوشی و شکرگزاری عمیق نسبت به عیسی پُر شده است. در تمام غم‌ریشان، دائماً به ایمان به قربانی ابدی عیسی بر روی صلیب که برای آنها بود، می‌چسبند و در عیسی که نان حیات است، قوت و حیات خواهند یافت.

این فصل به پایه ایمانمان می‌پردازد- سرچشمه حیات که هر گروه خانگی را برکت می‌دهد. اگر ما نجات مسیح را درک کنیم و اغلب اوقات خود را در آن شستشو دهیم، حیات از گروه خانگیمان جاری خواهد شد. جلساتمان کسل‌کننده نخواهد بود. با قلبهای مشتاق به یادگیری بیشتر درباره خدایی که این فیض باورنکردنی را به ما نشان داده، کتاب مقدس را خواهیم خواند. محبتمان به یکدیگر و دنیای گم‌شده بیشتر خواهد شد.

سپس متوجه خواهیم شد که روح‌القدس ما را با اشتیاق قوی برای اعلام این خبر خوش به دیگران پُر می‌سازد. وقتی عاشق عیسی هستیم، صحبت درباره ایمانمان یک بار سنگین نیست. روح‌القدس قلبمان را با قدرت و شجاعت پُر می‌سازد و ما از کمک به دیگران برای یافتن این آزادی که خود یافته‌ایم، بسیار شادمان می‌شویم.

هر چند که همیشه صحبت درباره عیسی با دیگران آسان نیست. شیطان، چشم غیرایمانداران را کور کرده است. آنها نمی‌توانند محبت عمیق خدا را که از طریق قربانی مسیح بر روی صلیب نمایان شد، درک کنند. اما خدا را شکر که ما به‌تنهایی کار نمی‌کنیم. روح‌القدس از طریق ما و در قلب غیرایماندارانی که با آنها صحبت می‌کنیم، کار می‌کند. او گناه را محکوم می‌کند. او آنها را فرامی‌خواند که این گناهان را پای صلیب عیسی بگذارند. او فیض پُربهای پدر را برای آنها نشان می‌دهد.

بیباید این را فراموش نکنیم: انجیل به این دلیل به دست ما رسیده که ایمانداران وفادار در طول قرن‌ها مانع از تباهی پیغام انجیل شده و آن را به دیگران اعلام کرده‌اند. اکنون در قرن ۲۱، پیغام انجیل به ما تعلق دارد تا آن را به دیگران برسانیم. هر مشارکت خانگی از این توانایی بالقوه و عظیم برخوردار است که به سراغ دنیای اطرافش برود. فقط خدا می‌داند دانه‌هایی که شما می‌کارید تا کجا خواهد رفت.

عیسی به یک رهبر مذهبی کمک می‌کند که نجات حقیقی را درک کند

بحث ابتدایی: آیا می‌توانید با کلام خود یا با استفاده از آیات کتاب مقدس، مفهوم نجات را توصیف کنید؟

یوحنا ۳: ۱-۲۱ را بخوانید.

۱. در آیه ۳ عیسی به نیکودیموس چه گفت؟
آیا نیکودیموس متوجه شد که عیسی درباره چه چیزی صحبت می‌کرد؟ (آیه ۴)
۲. آیات ۵-۷ را دوباره با دقت بخوانید.
بسیاری از محققان کتاب مقدس در پی درک مفهوم "زاده شدن از آب" بوده‌اند (آیه ۵). بعضیها می‌گویند که آب در این آیه به معنای تعمید است. عده‌ای دیگر آیه ۵ را با آیه ۶ مرتبط کرده و می‌گویند "زاده شدن از آب" اشاره به تولد طبیعی، یعنی آب در رحم مادر است.
هر مفهومی که داشته باشد، به هر حال عیسی در آیه ۶ تصویری از تولد طبیعی را به ما می‌دهد. او می‌گوید که ما باید درک کنیم که زاده شدن "از جسم" کافی نیست. ما به یک تولد دوم نیاز داریم. ما باید از روح و از نو زاده شویم. (آیه ۷)
نکته اصلی عیسی به این رهبر یهودی این است که او نمی‌تواند به تولد طبیعی خود به‌عنوان یک یهودی اعتماد کند. میراث یهودی که به آن افتخار زیادی می‌کرد و اعتماد داشت، هرگز او را در نزد خدا عادل نمی‌سازد. او باید حیات جدیدی را دریافت کند که از درون تبدیلش کند.
۳. با صدای آهسته آیه ۸ را چند مرتبه بخوانید و بعد مفهوم آن را با کلمات خود توصیف کنید.
۴. آیات ۱۴ و ۱۵ را دوباره بخوانید. بعد توضیح زیر را بخوانید.
عیسی تصویری از تاریخ یهودی را به این معلم یهودی یادآوری می‌کند تا در درک این حیات تازه در روح به او کمک کند. اگر شما عهدعتیق را دارید، دقایقی را به مطالعه آن در اعداد ۲۱: ۴-۹ اختصاص دهید.
این قوم به‌خاطر سرکشی از خدا و موسی که نبی بود و شریعت خدا را به آنها داده بود، توسط مارهای سمی گزیده شدند. اگرچه سرکش بودند، اما خدا نشان داد که همچنان دوستشان دارد. خدا به موسی گفت که یک نسخه از یک مار سمی بسازد و آن را بر تیرکی بیاویزد. قوم می‌توانستند به این مار نگاه کنند و شفا یابند. آنها به‌خاطر سرکشی لایق مرگ بودند، اما خدا حیات تازه‌ای به آنها بخشید. این تصویر غیرعادی فیض شفا بخش خدا، به قوم باستانی و قبیله‌ای اسرائیل داده شد. او آن را داد تا به روز آمدن عیسی اشاره کند.
اکنون بعد از سالهای بسیار، عیسی این داستان را از تاریخ یهودی باز می‌کند تا در درک نجات به نیکودیموس کمک کند. آیا دروغهای مار به حوا را در باغ عدن به یاد می‌آورید؟
آدم و حوا انتخاب کردند که به جای خدا به او گوش نکنند. بنابراین، سم ابلیس از طریق آنها وارد جهان شد. گناه و مرگ از طریق آدم و حوا آمد و از آن زمان به بعد همه زیر لعنت آدم متولد شده و به سرکشی از خدا ادامه داده‌اند. ماری که آدم و حوا را گزید، من و تو را هم گزیده است.
اما عیسی همه چیز را عوض کرد. عیسی آمد تا مارگزیدگی را از ما بردارد. او آمد تا قدرت مار را نابود کند. چگونه؟ عیسی به‌عنوان قربانی ابدی بر روی صلیب رفت.
عهدجدید به ما می‌گوید: "او خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار حمل کرد". (اول پطرس ۲: ۲۴) او که کاملاً عاری از گناه بود، سم گناه را دریافت کرد. او گناه و مرگ ما را بر بدن خویش گرفت و آنها را به سوی مرگ بُرد تا ما بتوانیم از سم سرکشی از خدا شفا یابیم.
وقتی به مفهوم مرگ عیسی و پیروزی او بر مرگ در رستاخیز پی می‌بریم، با ایمان به او می‌نگریم، همانطور که قوم باستانی یهود به مار بر روی تیرک نگریستند تا شفا یابند. ما به عیسی ایمان می‌آوریم که به جای ما مُرد. قدرت مرگ از بین رفت. ما حیات و عدالت عیسی را دریافت می‌کنیم.
۵. یوحنا ۳: ۱۶-۱۷ با سادگی بسیار، نجات را توضیح می‌دهد. به همین دلیل نوایمانان عاشق حفظ کردن این آیات هستند. آیا تابحال آیه ۱۶ و ۱۷ را حفظ کرده‌اید؟ آیا می‌توانید همین الان آنها را بگویید و مفهوم هر بخش را با کلمات خود بیان کنید. شما چگونه می‌توانید با استفاده از یوحنا ۳: ۱۶-۱۷ به غیرایمانداران و نوایمانان کمک کنید که انجیل را درک کنند؟ برای کمک به درک نجات چه کار دیگری می‌توانید انجام دهید؟
۶. افسسیان ۲: ۱-۱۰ را بخوانید.
در آیه ۱، پولس درباره وضعیت ما قبل از شناخت مسیح صحبت می‌کند. او چگونه ما را توصیف کرد؟
در آیه ۲، او می‌گوید که ما از یک نفر پیروی کردیم. ما از چه کسی پیروی کردیم؟

- اعمال ما را در آیه ۳ توصیف کنید.
۷. در آیات ۴-۵ پولس می‌گوید که خدا برای ما یک کاری کرد. او چه کار کرد؟
در آیه ۶ می‌گوید که او ما را برخیزانید. ما را در کجا برخیزانید؟ چرا این کار را کرد؟ (آیه ۷)
۸. دقایقی را به حفظ آیات ۸-۱۰ اختصاص دهید.
آیا اکنون بدون نگاه کردن به عهدجدید می‌توانید آیات ۸-۱۰ را بگویید؟
اکنون به آنچه حفظ کرده‌اید، فکر کنید. پولس می‌گوید که ما توسط یک چیزی نجات نیافته‌ایم. چه چیزی ما را نجات نمی‌دهد؟ بعد او به ما می‌گوید که چگونه نجات یافته‌ایم. با کلمات خود توضیح دهید که پولس در آیات ۸-۱۰ چه می‌گوید.
۹. وقتی درباره فیض عظیم خدا نسبت به خودتان فکر می‌کنید، چه احساسی می‌کنید؟
- با دعا خاتمه دهید:** اکنون زمانی را به دعا اختصاص دهید که مشارکت خانگی شما توسط خدا تقویت شود تا این فیض را به عده زیادی برساند.

یک راهب آلمانی انجیل را کشف کرده و دنیا را عوض می‌کند

وقتی عیسی شاگردانش را به سراسر جهان فرستاد، به آنها گفت به هر جایی که می‌روند، خبر خوش نجات را اعلام کنند. آنها تعلیم دادند که چگونه مرگ و رستاخیز او، بخشش گناهان و حیات ابدی را برای همه کسانی که به او ایمان دارند، به ارمغان آورد. عده زیادی از طریق موعظه آنها ایمان آوردند و انجیل به سرعت گسترش یافت، اگرچه غالباً با جفاهای زیادی همراه بود. کلیسا آنقدر رشد کرد که هزاران نفر در سراسر خاورمیانه، اروپا، شمال آفریقا و دور دستها از نجات‌دهنده پیروی می‌کردند.

به هر حال، به مرور زمان سنتهای کلیسایی مهمتر از کتاب مقدس شد و بسیاری از رهبران کلیسا شروع به تعلیم یک انجیل دروغین کردند که توجه انسانها را به سوی عیسی، به عنوان تنها امید نجاتشان جلب نمی‌کرد. به نظر می‌رسید که پیغام زنده و حیات‌بخش نجات که فقط از طریق مسیح حاصل می‌شد، در حال از بین رفتن بود.

اکثر افراد در آن روزها بیسواد بودند و به کلام خدا دسترسی نداشتند. در واقع، کلام خدا حتی به زبان خودشان موجود نبود. همه چیز در کلیسا به لاتین خوانده می‌شد که فقط کشیشان می‌توانستند درک کنند. افراد عادی به هیچ طریقی نمی‌توانستند بفهمند که تعلیم واقعی کتاب مقدس چه بود. آنها انجیل نجات فقط به وسیله ایمان به عیسی را نمی‌شناختند.

در این زمان، در آغاز قرن شانزدهم در آلمان امروزی، خدا مرد جوانی را برخیزانید، کسی که افراد زیادی را به سوی حقیقت انجیل بازمی‌گرداند. نام او مارتین لوتر بود.

مارتین در ۱۵۰۵، در ۲۱ سالگی وارد یک صومعه شد تا به عهدی که بسته بود، عمل کند و سعی کند به صلح و آرامش با خدا دست یابد. چیزی که او در صومعه یافت، قوانین بسیار برای هدایت راهبان در همه جوانب زندگی‌شان بود: چگونه باید صحبت کنند، راه بروند، غذا بخورند، به اطراف نگاه کنند، در مقابل بالادستان تعظیم کنند و خیلی چیزهای دیگر. همه چیز یک قانون داشت!

مارتین سخت تلاش کرد تا از همه قوانین پیروی کند و امیدوار بود که به نوعی، این کارها او را در نزد خدا قابل قبول خواهد ساخت. علاوه بر اینها، او لباسهای زبری می‌پوشید که راحت نبود و غالباً در زمستان بر روی زمین بسیار سرد می‌خوابید. او فکر کرد که رنج کشیدن به پاکسازی او از گناهانش کمک می‌کند. او دعا کرد و روزه گرفت و هر گناهی را که به فکرش می‌رسید در نزد کشیش اعتراف می‌کرد، اما هیچ چیزی به او آرامش نداد. هر چه بیشتر به جان تاریکش نگاه می‌کرد، بیشتر مأیوس می‌شد. او چطور می‌توانست خدای قدوس را خشنود کند؟ مارتین از خودش پرسید: "آیا من خدا را دوست دارم؟" "گاهی اوقات از او منتفرم!" او احساس کرد که خدا کار غیرممکنی را از او می‌خواست و بعد وقتی نمی‌توانست آن را انجام دهد، او را محکوم می‌کرد.

مارتین در این یأس و نومیدی، با جدیت مطالعه کتاب مقدس را آغاز کرد. او با زبان لاتین آشنا بود، بنابراین توانست کتاب مقدس زمان خود را بخواند و او یک ذهن قوی داشت. همچنین برای خشنود ساختن خدا و آرامش جان رنجیده خود، اشتیاق عمیقی داشت.

وقتی مارتین نامه پولس رسول به رومیان را خواند، نوری در قلبش درخشید. پولس قبل از ملاقات با عیسی، مانند مارتین بسیار مذهبی بود، با دقت از همه شریعت یهود پیروی می‌کرد تا در نزد خدا قابل پذیرش باشد. بعد یک ملاقات شگرفی با عیسی داشت.

سالها بعد، پولس در کتاب رومیان نوشت که هیچ انسانی نمی‌تواند با عدالت خود در برابر قدوسیت خدا بایستد. مهم نیست که چقدر اعمال عادلانه انجام داده است. همه ما گناهکاریم؛ همه ما شریعت خدا را زیر پا گذاشته‌ایم. اما خدا خودش در شخص عیسی مسیح جزای گناه را پرداخت.

مارتین شروع به کشف کارهایی کرد که خدا برای همه مردم انجام داده، کاری که هیچ‌کس نمی‌تواند برای خودش انجام دهد. او دید که عدالت، هدیه رایگان خدا بود که به وسیله ایمان به عیسی، یعنی مسیحا، به همه عطا شده بود.

چه آزادی و خوشی عظیمی در قلب مارتین ایجاد شد! او مجبور نبود خود را مقدس سازد؛ بلکه به عیسی و مرگ و رستاخیز او نگاه کرد. او کاملاً به آن هدیه فیض خدا در سراسر زندگی‌اش و تا ابد اعتماد می‌کرد. دیگر از سوی شیطان هیچ محکومیت، اتهام و شرمی نمی‌توانست وجود داشته باشد، چون خدا اعلام کرده بود که او پاک است. عیسی با مرگش، جزای گناهان مارتین را پرداخته بود.

سالها بعد، مارتین درباره زمان آغاز درک انجیل پُر جلال عیسی مسیح صحبت کرد. او نوشت: "...من احساس کردم که از نو متولد شدم و از طریق درهای باز وارد فردوس شدم."

مارتین لوتر در تمام عمرش توسط خدا بکار گرفته شد تا مردم را از تاریکی تعلیم دروغین به نور انجیل حقیقی دعوت کند. کلیسای رسمی، او را مرتد اعلام کرد و تهدید به مرگ کرد. اما مارتین نمی‌ترسید. او با وجود بیماریهای بسیار و مبارزه با افسردگی، با انرژی زیادی کار کرد. او موعظه کرد، کتابهای زیادی نوشت، کتاب مقدس را به زبان آلمانی- زبان رایج قومش- ترجمه کرد. بسیار مشتاق بود که همه با آزادی نجاتی که او یافته بود، آشنا شوند.

پیروان زیاد مارتین لوتر، "اصلاح‌طلبان" نامیده شدند و جنبشی که او آغاز کرد، "اصلاحات" نامیده شد. عده زیادی به‌خاطر موعظه حقیقت، متحمل رنج و عذاب شده و عده‌ای گشته شدند، اما انجیل حیات‌بخش نجات به‌وسیله فیض و فقط از طریق ایمان، در سراسر اروپا و جهان گسترش یافت. پولس رسول نوشت:

زیرا از انجیل سرافکنده نیستم، چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد... (رومیان ۱: ۱۶)

باشد که امروز خدا به ما کمک کند تا قدمهای پولس و مارتین لوتر را دنبال کرده و جسورانه این انجیل شگفت‌انگیز را اعلام کنیم!

سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند

سؤالات زیر به ما کمک خواهند کرد که عمیقتر درباره نحوه رهبری مردم به سوی یک ملاقات واقعی با عیسی مسیح فکر کنیم.

۱. "من باید چه کار کنم تا نجات یابم؟"

وقتی کسی چنین سؤالی را می‌پرسد، می‌توانیم شاد باشیم. این سؤال به طریقه‌های بسیار توسط افرادی از تمام ملیتها مطرح می‌شود: "من باید چه کار کنم تا به آسمان بروم؟" "من چگونه می‌توانم بخشش گناهانم را دریافت کنم؟" "چگونه مسیحی شوم؟"

گاهی اوقات سؤالات کلی‌تری می‌پرسند: "آیا زندگی معنا و مفهومی دارد؟" "چرا من اینجا بر روی زمین هستم؟" همه این سؤالات نشان می‌دهند که مردم از لحاظ روحانی گرسنه‌اند. آنها گمشدگی خود را احساس می‌کنند.

اساساً سؤالات این است که چگونه می‌توانند با خدا آشتی کنند و به هدف زندگی دست یابند. ما به‌عنوان پیروان عیسی فراخوانده شده‌ایم تا در درک خیر خوش به آنها کمک کنیم. بسیاری معتقدند که باید یک کار مذهبی انجام دهند، مانند روشن کردن شمع در کلیسا، قربانی کردن حیوان، پول دادن به فقرا یا بازدید از یک مکان مقدس. هیچ‌یک از اینها نجاتشان نخواهد داد.

پرسش و پاسخهای زیر به شما کمک خواهد کرد تا بیشتر بدانید که چگونه یک نفر را به سوی ایمان به عیسی به‌عنوان نجات‌دهنده‌شان رهبری کنید.

۲. من چگونه بدانم که یک نفر برای پذیرش عیسی آماده است؟

گاهی اوقات یک نفر قبول خواهد کرد که با شما دعا کند، چون فکر می‌کند دعا راهی برای این است که خدا را آلت دست خود سازد تا نیاز یا خواسته‌اش را به او بدهد. چیزهایی مانند پول برای اجاره یا نمره خوب در دانشگاه، یا از خدا می‌خواهد که او را از یک شرایط بد خارج کند. اما درک نمی‌کند که توبه حقیقی چیست. باید درک کند که خدا او را فرامی‌خواند تا از زندگی گناه‌آلودش بازگردد و برای بخشش و زندگی کاملاً جدید به عیسی مسیح ایمان آورد.

برای هدایت او به سوی توبه عجله نکنید؛ از روح‌القدس کمک بطلبید تا بدانید که او چه زمانی آماده است. باید شواهدی موجود باشد که او از گناهکار بودن خود و نیاز به نجات آگاه است. زمانی را به تعلیم از کلام خدا اختصاص دهید و اجازه دهید که روح‌القدس در قلبش کار کند و او را به گناه ملزم کند. در ۵۰ درس حیاتی، در بخشی با عنوان "توبه کنید و ایمان بیابید"، ۱۰ درس از کتاب مقدس موجود است که می‌تواند به شما کمک کند که کلام خدا را برای آنها آشکار کنید.

۳. من چگونه می‌توانم به مردم کمک کنم تا به تولد جدیدی که عیسی عرضه می‌کند، راه یابند؟

ما باید بدانیم که مردم از لحاظ روحانی مُرده‌اند. جدایی آنها از خدا، آنها را در برابر حقایق روحانی نابینا می‌سازد. کلام ما به‌تنهایی، مردم را وارد ملکوت خدا نخواهد کرد؛ فقط کار روح خدا در قلبشان، حیات جدید را به آنها عطا خواهد کرد. شاید در یک مباحثه روحانی با آنها برنده شویم، اما ممکن است که همچنان نیاز شخصی خود برای نجات را نبینند. فقط خداوند می‌تواند چشمانشان را باز کند تا گناهشان و عیسی را که برای آنها مُرد، ببینند. به همین دلیل دعا در بشارت بسیار مهم است.

بنابراین هر بار که به‌عنوان مشارکت با هم جمع می‌شوید، زمانی را به دعا برای گمشدگان و فرصت‌هایی برای اعلام انجیل به آنها اختصاص دهید. از خدا بخواهید قلبشان را باز کند و آنها را برای دریافت خبر خوش آماده کند. از او بخواهید برای صحبت درباره عیسی به شما محبت و جسارت بدهد.

البته ما هم باید در درک پیغام نجات در عیسی مسیح رشد کنیم تا بتوانیم آن را به‌درستی به دیگران اعلام کنیم. زمانی را به تفکر عمیق درباره موعظه پطرس در اعمال ۲، مخصوصاً آیه ۳۸ و همچنین توضیح پولس درباره نجات در افسسیان ۱:۲-۱۰ اختصاص دهید. افسسیان توضیح می‌دهد که خدا چه کار کرده و اعمال ۲ توضیح می‌دهد که ما باید چه کار کنیم تا نجات یابیم.

هدیه نجات خدا رایگان است، اما همانطور که پطرس در روز پنطیکاست به مردم تعلیم می‌دهد، خدا همه افراد را فرامی‌خواند که به نام عیسی مسیح و برای بخشش گناهان "توبه کنید و... تعمید گیرید" (آیه ۳۸). یعنی باید زندگی گناه‌آلود گذشته را ترک کنیم و کاملاً به قربانی مسیح برای گناهانمان اعتماد کنیم که نماد آن، تعمید است. عیسی خداوند و نجات‌دهنده ما می‌شود.

همه کسانی که به عیسی ایمان می‌آورند، یک خلقت تازه می‌شوند، در خانواده خدا متولد می‌شوند. ما عدالت مسیح را می‌گیریم که به‌وسیله فیض- یک هدیه رایگان از سوی خدا- به ما عطا شده است. این چیزی نیست که خودمان با اعمال نیکو خلق کنیم؛ بلکه برای

دریافت آن به خدا اعتماد می‌کنیم. این چیزی است که خودتان باید بدانید و باید به کسانی که انجیل را به آنها اعلام می‌کنید، کمک کنید که آن را ببینند.

۴. آیا می‌توانید برای آغاز آشنایی مردم با عیسی، نظرات عملی ارائه کنید؟

- ۱) با بیان داستان‌هایی از زندگی عیسی، مردم را با عیسی آشنا کنید. یا می‌توانید عهدجدید را باز کنید و داستانها را با هم بخوانید. هر داستانی از عیسی، چیزی را درباره اقتدار، قدرت الهی، مهربانی و رحمت او نشان می‌دهد. شاید مفید باشد که از کتابی مانند *۵۰ درس حیاتی* استفاده کنید تا شما را برای مطالعه زندگی و تعالیم عیسی با آنها راهنمایی کند. حتماً به آنها هم یک کتاب مقدس بدهید و تشویقشان کنید که در خانه درباره عیسی مطالعه کنند.
 - ۲) یا شاید تصمیم بگیرید که از کتاب پیدایش، اولین کتاب در کتاب مقدس آغاز کنید. داستان خلقت را بخوانید یا تعریف کنید. یا می‌توانید از راهنمای مطالعه *کاوش در کتاب کهن پیدایش* استفاده کنید. به آنها نشان دهید که انسان به‌صورت خدا آفریده شد. بعد به آنها نشان دهید که چگونه رابطه با خدا به‌وسیله گناه آدم و حوا از بین رفت (پیدایش ۱-۳). این پایه‌ای برای صحبت درباره نیازشان به یک نجات‌دهنده خواهد بود.
 - ۳) یک نسخه از مزامیر را به آنها بدهید. این دعا‌های زیبا و صادقانه را با آنها بخوانید. از این دعاها استفاده کنید تا به آنها تعلیم دهید که از طریق مسیح می‌توانند با خدا رابطه دوستی داشته باشند و درباره همه چیز با او صحبت کنند.
 - ۴) فراموش نکنید که از رسانه‌های الکترونیکی همچون فیلم *عیسی*، *مجدآیه*، *امید* و نسخه صوتی کتاب مقدس استفاده کنید. همچنین اگر آنها دوست دارند که مطالعه کنند، یک کتاب مسیحی خوب درباره کسی که به مسیح ایمان آورده به آنها بدهید.
- (نکته: اطلاعات مربوط به نحوه دانلود همه کتابها و ویدئوهای مذکور را می‌توانید در ضمیمه الف، "منابع" بیابید.)
- ۵) شاید یکی از قدرتمندترین راههای کمک به مردم برای هدایتشان به سوی عیسی این باشد که *داستان خودتان را برای آنها تعریف کنید*، اینکه چگونه به عیسی ایمان آوردید. به آنها بگویید که چگونه عیسی نورش را در تاریکی شما تابید.

کاربرد و دعا

۱. زمانی را اختصاص داده و از افراد مشارکت خانگی خود (کسانیکه خود را در عیسی ایماندار می‌خوانند) بخواهید که درکشان را از نجات در عیسی، بر اساس تعالیم عهدجدید بیان کنند. در حال گوش دادن به داستانشان، آیا می‌بینید که آنها مطابق توضیح مذکور در داستان مارتین لوتر در مطالب قبلی، درک می‌کنند که ما به وسیله فیض خدا، از طریق ایمان به قربانی عیسی برای گناهانمان نجات می‌یابیم؟ یا به عدالت خودشان برای نجات اعتماد می‌کنند؟
۲. در هفته‌های آینده وقتی با گروه خانگی‌تان جمع می‌شوید، این عبارات را درباره نجات مطالعه کنید:
 - **لوقا ۱۸: ۹-۱۴:** این مثل عیسی درباره رحمت خدا نسبت به گناهکاران، به‌عنوان یک درس از کتاب مقدس در ۵۰ **درس حیاتی**، درس ۳ یافت می‌شود.
 - **غلاطیان ۲: ۱۱-۲۱:** در این عبارت، پولس رسول توضیح می‌دهد که ما به وسیله اعمال نجات نمی‌یابیم، بلکه به وسیله ایمان به عیسی نجات می‌یابیم.
 - **اعمال ۲: ۲۹-۴۱:** در این عبارت، پطرس رسول به یهودیان اورشلیم درباره نحوه نجات از گناهشان موعظه می‌کند.
۳. زمانی را به ایمانداران مشارکت خود اختصاص دهید تا آنها تعریف کنند که چطور به عیسی ایمان آوردند. به آنها کمک کنید که ببینند شهادت شخصیشان می‌تواند ابزارهای قدرتمندی برای در میان گذاشتن ایمانشان با غیرایمانداران باشد.
۴. اغلب اوقات در مشارکت خانگی خود زمانی را به دعا اختصاص دهید که هر یک از شما با قدرت روح پُر شوید تا انجیل را به غیرایمانداران اعلام کنید. به‌طور خاص برای کسانیکه اعضای گروه‌تان می‌شناسند (اعضای خانواده، دوستان و غیره) دعا کنید، کسانیکه به شنیدن انجیل نیاز دارند. درباره این صحبت کنید که چگونه افراد گروه‌تان می‌توانند انجیل را به این غیرایمانداران اعلام کنند. درباره اینکه چطور می‌توانید انجیل را به دیگر شهرهای کشورتان برسانید، بحث و گفتگو کنید.
۵. زمانی را به یافتن ابزارهای بشارتی موجود در زبان خود اختصاص دهید، به‌عنوان مثال: فیلم **عیسی**، **مجدلیه**، **امید**، کتاب مقدس صوتی، یک نسخه از عهدجدید و غیره. از کجا می‌توانید آنها را تهیه کنید؟ آیا شما تعدادی از آنها را نگه می‌دارید؟ آیا می‌دانید چگونه به مردم کمک کنید که نسخه‌های دیجیتال را بر روی تلفنهای خود دانلود کنند؟ آیا گروه‌تان از این ابزارها برای غیرایمانداران استفاده می‌کند؟ (به "منابع"، ضمیمه الف مراجعه کنید).

۵. تعمید در مشارکت خانگی

(کلام نهایی موعظه پطرس در روز پنطیکاست، روزی که کلیسا متولد شد)-

"پس قوم اسرائیل، جملگی به یقین بدانند که خدا این عیسی را که شما بر صلیب کشیدید، خداوند و مسیح ساخته است."

چون این را شنیدند، دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: "ای برادران، چه کنیم؟"

پطرس بدیشان گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و همه کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را فرا خواند"

پطرس با سخنان بسیار دیگر شهادت داد و ترغیبشان کرده، گفت: "خود را از این نسل منحرف برهانید!" پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند.

(اعمال ۲: ۳۶-۴۱)

تعمید، حیات تازه می‌بخشد

روز تعمید در مشارکت خانگی مانند چشمه فرح‌بخش آب خنک در یک روز گرم است. این می‌تواند به هر کسی که شرکت می‌کند، حیات نو و قوت ببخشد.

اول، کسانی که تعمید یافته‌اند، تا آخر عمر این روز را به‌عنوان روزی که در مقابل دیگران اعلام کردند که از عیسی مسیح شرمسار نیستند، به یاد خواهند آورد. آنها به‌وسیله تعمید نشان می‌دهند که زندگی گناه‌آلود گذشته را ترک کرده و به کسی که زندگیش را به عنوان قربانی گناهاشان تقدیم کرد، ایمان می‌آورند. آنها از آب بیرون می‌آیند تا در قدرت رستخیز او زندگی کنند.

دوم، این در قلب ایماندارانی که قبلاً تعمید یافته‌اند، تازگی روحانی ایجاد می‌کند. آنها در دلشان به زندگی خود فکر می‌کنند. محبتشان به مسیح را به شکل‌های متفاوتی تازه می‌کنند. بعضیها با صدای آهسته توبه می‌کنند از اینکه اجازه داده‌اند محبتشان نسبت به خدا و دیگران سرد شود. دیگران مفهوم تعمید را به یاد آورده و از روح‌القدس قدرت می‌یابند که هر روزه در حیات رستخیز مسیح زیست کنند.

روح‌القدس با ایماندارانی که تعمید نیافته‌اند، صحبت می‌کند تا از فرمان عیسی برای تعمید یافتن اطاعت کنند.

نهایتاً، اگر غیرایمانداران حضور دارند (شاید اعضای خانواده یا دوستان کسانی که تعمید می‌یابند)، تفکر درباره چیزهای ابدی را آغاز می‌کنند. آنها قدرت روح‌القدس را احساس می‌کنند. وقتی مرگ و رستخیز عیسی را می‌بینند که در مقابل چشم‌مانشان انجام می‌شود، دانه‌های توبه و ایمان در قلبشان کاشته می‌شود.

عیسی به همه پیروانش فرمان داد که تعمید یابند. ما نمی‌توانیم از لحاظ عقلانی همه چیزهایی را که در تعمید اتفاق می‌افتد، درک کنیم؛ روح‌القدس خدا کارهای مرموزی را در قلبها انجام می‌دهد. به هر حال، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که برکات عیسی بر کلیسایی جاری شود که از او اطاعت می‌کند.

مفهوم تعمید چیست؟

بحث ابتدایی: درباره روز تعمید خود صحبت کنید؟ در آن زمان چه مفهومی برای شما داشت؟ اکنون چه مفهومی برای شما دارد؟

رومیان ۶: ۱-۱۴ را با یکدیگر بخوانید.

۱. شیطان می‌خواهد که ما در برابر گناه شکست خورده باشیم. پولس این موضوع را درک می‌کند. او از ما می‌خواهد که درک کنیم وقتی به عیسی مسیح ایمان آوردیم و در تعمید از او اطاعت کردیم، چه اتفاقی افتاد. در آیات ۱-۴ می‌گوید دو چیز بسیار مهم در تعمید ما اتفاق افتاد. این دو چیز چیست؟
 ۲. دوباره آیات ۵-۷ را با یکدیگر بخوانید. نتیجهٔ مصلوب شدن انسانیت کهنهٔ ما با مسیح چیست؟ (آیهٔ ۶-۷) به‌طور کلی، آیا به نظرتان ایمانداران مطمئن هستند که قدرت گناه در زندگیشان از بین رفته است؟ اگر پاسخ "خیر" است، چه چیزی لازم است تا به این اطمینان دست یابند؟
 ۳. پولس دوباره در آیهٔ ۸ می‌گوید که تعمید ما در مسیح یعنی ما با او می‌میریم و بعد با او برمی‌خیزیم. آیات ۸-۱۰ را دوباره بخوانید تا هدف مرگ و رستاخیز مسیح را مرور کنید.
 ۴. در آیهٔ ۱۱، پولس به ما می‌گوید که ما هم باید خود را نسبت به گناه مُرده انگاریم و در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده. به نظرتان منظورش از این مطلب چیست؟
 ۵. منظور پولس را که به ما می‌گوید اجازه ندهیم گناه در بدنهای ما فرمان براند و از امیال آن اطاعت نکنیم، توضیح دهید. (آیهٔ ۱۲)
 - اکثر ما آرزو می‌کنیم که ای کاش هرگز وسوسه نمی‌شدیم. توجه کنید که پولس به ما نمی‌گوید که اکنون از وسوسه آزادیم. بلکه پولس به ما می‌گوید که چون در مسیح زندگی جدیدی داریم، اکنون این قدرت و مسئولیت را داریم که به شریر "نه" بگوییم.
 ۶. ما نه‌تنها به شریر "نه" می‌گوییم، بلکه به خدا "بله" می‌گوییم. پولس چگونه این "بله" را در آیات ۱۳ و ۱۴ توصیف می‌کند؟ عیسی در یوحنا ۱۰: ۱۰ به شاگردانش گفت: "دزد نمی‌آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن؛ من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند".
 ۷. وقتی ما جسممان را به‌عنوان ابزارهای عدالت به خدا تقدیم می‌کنیم، این چگونه حیات کامل و شادی را به ما عطا می‌کند؟ آیا ایماندارانی در مشارکت خانگی شما هستند که تعمید نیافته باشند؟ آیا شما به‌عنوان رهبر به آنها تعلیم داده‌اید که از فرمان عیسی مسیح برای تعمید یافتن اطاعت کنند؟ (به بخش "کاربرد و دعا" در پایان این فصل مراجعه کنید.)
- با دعا خاتمه دهید: این درس را با اختصاص دادن زمانی به دعا برای درک عمیق‌تر نماد تعمید خاتمه دهید: اینکه ما نسبت به انسانیت گناه‌آلود گذشته‌مان مُردیم و در یک حیات جدید در مسیح برخاستیم.

یک تعمید شادی بخش در عید قیام

آن روز صبح، مشارکت خانگی کوچک به خاطر پرستش با یکدیگر، هیجان خاصی داشتند. عید قیام بود و آنها رستاخیز عیسی مسیح از مردگان را جشن می‌گرفتند! آنها در آپارتمان دو خواهر مجرّد، یعنی مریم و سارا جمع شدند.

آن روز صبح، یکی از شرکت‌کنندگان، مادر مسن این دو خواهر بود. او سالهای متعددی به انجیل گوش داده بود، اما این زن ساکت هرگز به‌وضوح به دخترانش نگفته بود که ایمان در قلبش رشد می‌کند. بعد از زمان پرستش، او و دخترانش با هم در آشپزخانه چای آماده می‌کردند.

این مادر به دخترانش گفت: "من می‌خواهم امروز صبح تعمید بگیرم". مریم و سارا شگفت‌زده به یکدیگر نگاه کردند! بعد از سؤال کردن از مادرشان برای اطمینان از اینکه انجیل را درک کرده و به آن ایمان دارد، متوجه شدند که ایمانش واقعی بود. سارا گفت: "اما مادر اجازه بده یک روز دیگر این کار را انجام دهیم."

او پاسخ داد: "نه، من از ته دل به عیسی ایمان دارم و می‌خواهم امروز تعمید بگیرم."

آنها با این آگاهی که مادرشان مفهوم تعمید را درک کرده و دلیل خوبی برای انتظار ندارند، به اتاق پذیرایی بازگشته و تصمیم مادرشان را به گروه اعلام کردند. همه شاد شدند.

اما یک مشکلی بود. مریم گفت: "مادر خیلی پیر است و نمی‌تواند در آب فرو رود." او هرگز شنا نکرده است. حتی نمی‌تواند در وان حمام، سرش را کاملاً زیر آب ببرد! او خیلی می‌ترسد."

سارا در ادامه گفت: "و ما در این آپارتمان وان حمام نداریم." در واقع، حتی آب زیادی ذخیره نکرده‌ایم، چون امروز هیچ آبی به آپارتمان ما نیامده است! باید چه کار کنیم؟"

ایمانداران درباره این مشکل به بحث و گفتگو پرداختند. آیا تعمید واقعی شخص را نجات می‌دهد یا فیض مسیح که با ایمان دریافت می‌شود؟ همه موافق بودند که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که تعمید، ما را نجات نمی‌دهد.

یکی از آنها پرسید: "در مناطق بیابانی که آب بسیار کمیاب است، ایمانداران چه کار می‌کنند؟" "آیا آنها از فرمان عیسی برای تعمید یافتن ناطاعتی می‌کنند، چون آب کافی ندارند که در آن فرو روند؟" این کلیسای خانگی کوچک با این سؤال درباره تعمید که قرن‌ها توسط مسیحیان مطرح شده، در کشمکش بودند.

ایلداری یکی از رهبران گفت: "بیایید با هم درباره آن فکر کنیم." "واقعاً چه اتفاقی در تعمید می‌افتد؟"

وقتی همه اعضا درباره اش فکر می‌کردند، او مکث کرد. بعد شروع کرد: "به نظرم در هر تعمید چیزهای متعددی اتفاق می‌افتد و این چیزها امروز در کلیسای خانگی ما هم اتفاق می‌افتد. اول، تعمید این فرصت را به مادران می‌دهد که از عیسی اطاعت کند. ما باید خیلی خوشحال باشیم که او فقط از لحاظ فلسفی به عیسی ایمان ندارد. بلکه می‌داند که عیسی گفت، "اگر من را دوست دارید، از احکام من اطاعت خواهید کرد". او امروز زندگی در اطاعت از عیسی را آغاز می‌کند. بیایید مانع از انجام این کار نشویم!

"دوماً، کسیکه به‌عنوان یک مسلمان بزرگ شده، می‌گوید از اینکه پیرو عیسی خوانده شود، شرمسار نیست. این قدم بزرگی برای اوست، مخصوصاً در سن و سال او."

"او به‌وضوح به ما به‌عنوان ایمانداران و به کلیساها در سراسر جهان می‌پیوندد. تا امروز، ما نمی‌دانستیم که او ایمان حقیقی داشت یا خیر. درخواست او برای تعمید به ما نشان می‌دهد که او واقعاً ایمان دارد."

ایلداری ادامه داد: "یک چیز دیگر." "امروز عید قیام است. تعمید او همیشه به او یادآوری خواهد کرد که با مسیح مُرده و با او در رستاخیزش نیز شریک شده است."

وقتی حرفهای ایلداری تمام شد، گروه آماده بود که او را تعمید دهد. آنها پرسیدند: "اما چگونه؟"

ایلدار گفت: "من قطعاً تعمید با فرو رفتن در آب را ترجیح می‌دهم." "اما در این مورد، بیایید او را روی یک صندلی در حمام بگذاریم. بعد من یک پارچ آب روی سرش می‌ریزم".

مریم با صدای بلند گفت: "چی!" "مادر هرگز اجازه نمی‌دهد که یک مرد در حمام با او باشد، حتی وقتی که کاملاً لباس به تن دارد". ایلدار به آرامی مکث کرد. "باشه، قبل از اینکه او به حمام برود، بیایید درباره ایمانش از او سؤال کنیم تا بتواند به کلّ گروه شهادت دهد. بعد خانمها به حمام رفته و او را تعمید خواهند داد".

خانمها دوباره مخالفت کردند. "هیچ‌یک از ما به‌عنوان کشیش منصوب نشده‌ایم. در کدام قسمت از کتاب مقدس می‌گوید که خانمها می‌توانند تعمید دهند؟"

ایلدار پاسخ داد: "من رهبر گروه خانگی هستم، اما من هم به‌عنوان کشیش منصوب نشده‌ام! در کدام قسمت از کتاب مقدس می‌گوید که چه کسی باید تعمید دهد؟ من با مطالعه عهدجدید معتقدم که به ما می‌گوید مهم نیست چه کسی شخص را در آب فرو می‌برد، یا در مورد مادر شما، چه کسی آب را بر سرش می‌ریزد. عامل اساسی این است که او به نام چه کسی تعمید می‌یابد! این مهمترین چیز برای همه ماست!"

بلافاصله مادر در اتاق پذیرایی ایمانش به مسیح را در مقابل کلّ گروه اعتراف کرد. بعد خانمها با مادر که بر روی صندلی نشسته بود، در حمام جمع شدند. "حالا، ما تو را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهیم..."

اشکها آمیخته با آب بر صورت این خانم مسن جاری شد و چشمانش از خوشی درخشید. او زمزمه کرد: "سپاسگزارم عیسی."

۱. چه مدت بعد از توبه شخص باید او را تعمید دهیم؟

بباید اول به تعالیم عیسی و کارهای رسولان بپردازیم. عیسی فرمان داد که همه پیروانش باید تعمید یابند. (مراجعه کنید به متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ مرقس ۱۶: ۱۵، ۱۶)

بعد از صعود عیسی به نزد پدر، وقتی رسولان دیدند که یک نفر توبه کرده و به مسیح ایمان آورده، بلافاصله او را تعمید دادند. رسولان، تعمید را به عنوان جشن فارغ التحصیلی برای ایمانداران کامل نمی‌دانستند. آنها می‌دانستند که تعمید جایی بود که مسیح گناهکاران را به توبه دعوت کرد. نوایمانان به عنوان گناهکارانی که به فیض خدا اعتماد می‌کردند، وارد آب شدند. تعمید یکی از اولین قدمهای زندگی جدیدشان در مسیح بود.

در کشورهایی که مسیحیان تحت جفا هستند، مرسوم است که کلیساها منتظر می‌شوند تا مطمئن شوند که این تازه‌وارد یک ایماندار حقیقی است. آنها نمی‌خواهند که یک جاسوس خواهان تعمید باشد و بعد از تعمید، آن را به پلیس گزارش دهد. در این شرایط، مهم است که مراقب باشیم. اما در عین حال نمی‌خواهیم به یک ایماندار حقیقی اجازه ورود ندهیم.

بعضی از گروهها می‌خواهند که یک یا چند سال منتظر شوید و درحالی‌که نوایمانان انتظار می‌کشند، کتاب مقدس به آنها تعلیم داده می‌شود. رهبران معتقدند که نوایمانان باید ثابت کنند که ایمانشان واقعی است. جالب است که رسولان این کار را نکردند، عیسی هم این تعلیم را نداد.

به نمونه‌های زیر در کتاب اعمال نگاه کرده و توجه کنید که مردم با چه سرعتی تعمید می‌یافتند:

- اعمال ۲: ۴۱: در پنطیکاست ۳۰۰۰ نفر موعظه پطرس را شنیدند، به عیسی ایمان آورده و تعمید یافتند.
- اعمال ۸: ۳۶-۳۸: خواجه‌سرای حبشی توسط فیلیپس تعمید یافت.
- اعمال ۱۰: ۴۴-۴۸: اهل خانه کرنلیوس تعمید یافتند.
- اعمال ۱۶: ۲۲-۳۴: زندانبان فیلیپی و اهل خانه‌اش تعمید یافتند.

همه این داستانها (و داستانهای بیشتر در کتاب اعمال) شامل تعمید فوری افراد بعد از پاسخ به انجیل از طریق توبه و ایمان بود. حتی جفاکننده کلیسا، یعنی سولس طرسوسی، چند روز بعد از توبه‌اش، تعمید یافت. حنانیا به او گفت:

حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو. (اعمال ۲۲: ۱۶)

۲. آیا نباید قبل از تعمید نوایمانان، نوعی تعلیم به آنها داده شود؟

مهم است که نوایمانان مفهوم تعمید را درک کنند. برای این کار، آنها را به سوی کلام خدا هدایت کنید. به هر حال، چنین تعلیمی نباید ماهها طول بکشد. معمولاً چند کلاس درباره تعمید کافی است. در ۵۰ درس حیاتی، ۲ درس از کتاب مقدس درباره تعمید آب و ۳ درس درباره عطیه شگفت‌انگیز روح القدس موجود است.

۳. ما چگونه برای تعمید برنامه‌ریزی می‌کنیم؟

خواه تعمید در ساحل دریا باشد یا رودخانه یا وان حمام، برنامه‌ریزی کردن مفید است. به آنها یادآوری کنید که یک دست لباس اضافه و یک حوله بیاورند. همچنین خوب است که از قبل به نوایمانان نشان دهید که چگونه تعمید خواهید داد، یعنی وقتی وارد آب می‌شوند و از آب بیرون می‌آیند. به هر حال، عهدجدید هیچ دستورالعمل مفصلی نمی‌دهد، فقط فرمان می‌دهد که شاگردان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید. بنابراین، کلیساهای سراسر دنیا، شیوه‌های مختلفی برای تعمید دارند.

یک شیوه که غالباً اجرا می‌شود، این است که به نوایمان فرصت بدهید که ایمانش را به مسیح در ملأعام اعلام کند. عیسی در متی ۱۰: ۳۲ گفت: "هر که نزد مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد." شما می‌توانید قبل از تعمید از آنها بخواهید که داستانشان را درباره نحوه ایمان آوردن به عیسی، با گروه در میان بگذارند و به این ترتیب این کار را انجام دهید. همچنین می‌توانید چند سؤال ساده را در مقابل کل گروه از آنها بپرسید، از جمله:

- آیا اعتراف می‌کنید که گناهکارید و نیازمند بخشش و نجات از جانب خدا هستید؟
- آیا ایمان دارید که عیسی مسیح نجات دهنده‌ای است که خدا به جهان فرستاد؟ آیا ایمان دارید که قربانی او بر روی صلیب برای شما بود؟

• آیا برای بخشش گناهان و حیات ابدی فقط به او ایمان دارید؟

بعد از تعمید، زمان خوبی است که با یکدیگر در شام خداوند شرکت کنید (مراجعه کنید به فصل ۹) و به عنوان یک گروه، برای کسانی که تعمید یافته‌اند، دعا کنید.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. آیا تابحال در گروه خانگی خود درباره تعمید تعلیم داده‌اید؟ آیا اعضای گروهتان مفهوم آن را درک می‌کنند؟ اگر مفهوم آن را درک نمی‌کنند، شما می‌توانید با کلّ مشارکت خود به مطالعه کتاب مقدس درباره تعمید که در این فصل است، بپردازید. در عهدجدید، تعمید آب غالباً با تعمید روح القدس ذکر شده است. بچی تعمید دهنده گفت:
من شما را با آب تعمید می‌دهم، اما کسی توانا تر از من خواهد آمد که من حتی شایسته نیستم بند کفشهایش را بگشایم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. (لوقا ۳: ۱۶)
وقتی نوایمانان را تعمید داده و برای آنها دعا می‌کنید، مطمئن شوید که حتماً حضور و قدرت روح القدس را که در اختیارشان است، درک می‌کنند. همانطور که در بالا ذکر شد، ۲ درس درباره تعمید آب و ۳ درس درباره روح القدس در ۵۰ درس **حیاتی** موجود است.
۲. آیا ایماندارانی در مشارکت شما هستند که برای تعمید یافتن آماده‌اند؟ شما به عنوان یک مشارکت باید چه کار کنید تا برای آن تدارک ببینید؟
۳. دعا کنید که از طریق این زمان تعمید، تازگی روحانی وارد گروهتان شود.

۶. پرستش در روح و راستی با یکدیگر

پس ای برادران، در پرتو رحمت‌های خدا، از شما استدعا می‌کنم که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدّس و پسندیده خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است. (رومیان ۱۲: ۱)

پرستش حقیقی: تقدیم خودمان به خدا

خدا همه انسانها را برای پرستش آفرید. بنابراین، همه انسانها در سراسر دنیا به نوعی، یک چیزی را پرستش می‌کنند. کسانی که خدای حقیقی، یعنی خالق جهان را پرستش نمی‌کنند، چیزی را پرستش خواهند کرد که او خلق کرده است. عده زیادی خودشان را پرستش می‌کنند، فقط به دنبال شادی خودشان هستند. پرستش هر چیزی غیر از خود خدا، بُت‌پرستی است.

کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که بر هر چه تمرکز کنیم (پرستش)، مانند آن خواهیم شد (مزامیر ۱۱۵: ۴-۸). اگر امیدمان را بر چیزهای این دنیای سقوط کرده بگذاریم، مرگ را به همراه خواهد داشت. اگر عیسی را مرکز زندگی‌مان سازیم، او را محبت و پرستش کنیم، بیشتر و بیشتر مانند او خواهیم شد. با قلبی مملو از خوشی و آرامش، حیات حقیقی را خواهیم شناخت.

پیش از ادامه مطالعه، دقایقی را به بحث و گفتگو درباره پاسخ این سؤال اختصاص دهید: پرستش حقیقی خدا چیست؟

ما در این فصل به تعلیم کتاب مقدس درباره پرستش گروهی و پرستش شخصی خدا خواهیم پرداخت. ما خواهیم دید که پرستش، چیزی بیش از آیینهای مذهبی، و بیش از سرود خواندن است. در واقع، بسیاری از اوقات، افراد در کتاب مقدس، بدون موسیقی خدا را پرستش کردند. پرستش آنها برخاسته از دلهایی مملو از شکرگزاری از خدا به خاطر کیستی او و کاری بود که او برای آنها انجام داده بود. غالباً پرستش در عهدعتیق توسط قربانی کردن یک حیوان ابراز می‌شد. از زمان مرگ و رستاخیز عیسی، پیروانش با تشکر از قربانی او برای گناهشان، قربانی سپاس را به او تقدیم کرده‌اند. (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۳: ۱۵)

ایمانداران فقط یکبار در هفته در جلسه کلیسایی پرستش نمی‌کنند. آنها هر روز پرستش می‌کنند. روح القدس کمکشان می‌کند که هر **روزه زندگیشان را در پرستش به خدا تقدیم کنند**، خواه وقتی در کلیسا سرود می‌خوانند یا در محل کار مشغول هستند، یا در اتوبوس نشسته‌اند. (مراجعه کنید به رومیان ۱: ۱۲) آنها با اولویت دادن به خدا در زندگیشان، محبت کردن به او با تمامی دل، جان، ذهن و قوت، بر اساس تعلیم عیسی پرستش می‌کنند.

در یوحنا ۴ عیسی به زن سامری گفت که پدر خواهان پرستندگانی است که در روح و راستی پرستش می‌کنند. یادگیری پرستش در روح و راستی، یکی از مهمترین کارهایی است که می‌توانیم در هنگام جمع شدن با یکدیگر در کلیساهای خانگی‌مان انجام دهیم. ما در صفحات بعدی بیشتر درباره مفهوم آن صحبت خواهیم کرد.

بیش از هر چیزی، خدا قلبمان را می‌خواهد. درحالی‌که هر روزه خود را به او تقدیم می‌کنیم، پرستش حقیقی را یاد می‌گیریم و از دوستی با خدا لذت می‌بریم.

کلیدی برای پرستش حقیقی: به یاد آوردن شکرگزاری

بحث ابتدایی: این آیه از مزامیر ۲۳:۵۰ چه مفهومی دارد؟

آن که قربانیهای تشکر تقدیم می‌کند، مرا حرمت می‌دارد؛ آن که راه خویش می‌پاید، نجات خدا را به او نشان خواهیم داد!

شکرگزاری، وجه مهمی در پرستش حقیقی است. بیایید به دو عبارتی که این حقیقت را می‌آموزد، نگاه کنیم.

لوقا ۱۷: ۱۱-۱۹ را بخوانید

- چند جذامی در نزد عیسی فریاد برآوردند؟ (آیه ۱۲) آنها به عیسی چه گفتند؟ (آیه ۱۳)
نکته: بیایید سعی کنیم فرهنگ زمان عیسی را درک کنیم. جذام، بیماری وحشتناکی بود که هنوز هم بر مردم تأثیر می‌گذارد. اما ماورای جنبه جسمانی، یک زخم عمیقتری وجود داشت: طردشدگی اجتماعی. آنها شدیداً یاد گرفته بودند که نباید به مردم نزدیک شوند (مراجعه کنید به آیه ۱۲: "انها دور ایستاده"). آنها به هر جایی که می‌رفتند، باید جذامی بودن خود را اعلام می‌کردند و فریاد می‌زدند: "ناپاک! ناپاک!" تا مردم به آنها نزدیک نشوند. آنها با طردشدگی و ناامیدی زندگی می‌کردند.
- تعدادی از جذامیها در عهدعتیق شفا یافتند. شریعت موسی برای اثبات شفایشان از آنها می‌خواست که به نزد کاهن بروند و آزمایش شوند تا ببینند که آیا واقعاً شفا یافته‌اند. مثل اینکه امروز به کسی که شفا یافته، بگویید که به دکتر برود تا این شفا را تأیید کند.
عیسی به آنها گفت که چه کار کنند؟ (آیه ۱۴) و در حال رفتن چه اتفاقی افتاد؟
به یاد داشته باشید که حالا آنها نه تنها از لحاظ جسمانی شفا یافتند؛ بلکه زندگیشان در طردشدگی نیز به پایان رسید. حالا مردم آنها را بغل خواهند کرده و خواهند بوسید. مردم در خانه‌هایشان از آنها استقبال خواهند کرد. مردم با مهربانی با آنها صحبت خواهند کرد.
- آیا برای هر ده جذامی اتفاق یکسانی افتاد؟
جذامی سامری چه کار کرد؟ (آیات ۱۵-۱۶)
نکته: سامریها ایمان یهودی را نداشتند. تعلیم آنها در پیروی از خدا آشفته بود، مانند تعلیم واضحی که یهودیان در آن پرورش می‌یافتند، نبود.
- آیات ۱۷-۱۸ را بخوانید. نه نفر دیگر چه کار کردند؟
به نظر می‌رسد که نه نفر دیگر اسرائیلی بودند. آنها طبق شریعت، تعلیم یافته بودند که به‌خاطر برکاتی که خدا می‌دهد، او را جلال دهند. اما آنها جلال دادن خدا به‌خاطر شفایشان را نادیده گرفتند. به نظر تان چه دلیلی داشت که آنها فکر نکردند برای تشکر از عیسی بازگردند؟

مزامیر ۱۰۳ را بخوانید

- در آیات ۱-۲، داوود به خودش چه می‌گوید؟
- در آیات ۳-۵، داوود ۶ چیز متفاوت را می‌یابد که خدا را به خاطرش شکر کند. بعد از چند مرتبه مطالعه این آیات، آیا می‌توانید کتاب مقدس را ببندید و آنها را از حفظ بگویید؟
- آیا شما در زندگیتان برکات خداوند را به طریقه‌های مشابهی که در این آیات ابراز شده، دیده‌اید؟
درباره این برکات غنی خدا فکر کنید. به زمانهای خاصی فکر کنید که بعضی از چیزهای مذکور در آیات ۳-۵ را تجربه کردید. آیا می‌توانید درباره این چیزها با گروهتان صحبت کنید؟
- ما در طول زندگیمان، در درک اینکه خدا واقعاً چگونه است، رشد می‌کنیم.
دوباره آیات ۶-۱۴ را بخوانید. چگونه این آیات به شما کمک می‌کنند که شخصیت خدا را بهتر درک کنید؟
آیا گاهی اوقات گوشی تلفن همراهمان را خاموش می‌کنید و به یک اتاق ساکت (یا پیاده‌روی در پارک) می‌روید تا به‌خاطر برکات غنی خدا، او را شکر کنید؟ آیا فقط در مشارکت خانگی او را پرستش می‌کنید، یا از شکرگزاری او و جلال دادن او در تنهایی کامل نیز لذت می‌برید؟

با دعا خاتمه دهید: این درس را با اختصاص دادن زمانی به شکرگزاری خدا به خاطر برکات بسیارش به پایان برسانید. شاید بخواهید مزمور ۱۰۳ را باز ننگه دارید. مطالعه آهسته آن می‌تواند به شما یادآوری کند که به نزد عیسی بازگردید (مانند آن یک جذامی) تا به خاطر کیستی او و بسیاری از کارهایی که برای شما انجام می‌دهد، از او تشکر کنید.

داستانهایی از تاریخ مسیحی

سه داستان درباره پرستش خدا در سختیها

قرن ۲۰، چین

فریاد چین (China Cry)، فیلمی که در ۱۹۹۰ تولید شد، داستان حقیقی نورا لم که به مسیح ایمان می‌آورد. این در زمانی است که کلیسای چین تحت جفای شدیدی بود. نظام حاکم بی‌خدا، به شدت کسانی را که مدعی ایمان به خدا هستند، مجازات می‌کند. صحنه بسیار تأثیرگذار در این فیلم، زمانی است که ایمانداران مسیح که مخفیانه جمع می‌شوند، یک سرود ستایشی را به خدا تقدیم می‌کنند.

کشیش به آنها می‌گوید که چه سرودی بخوانند و بعد آنها را رهبری می‌کند و دستش را مانند رهبر ارکستر تکان می‌دهد. همه افراد در این جمع کوچک با اشتیاق، با خوشی در چهره‌هایشان، شروع به سرود خواندن می‌کنند... اما اصلاً هیچ صدایی نیست! هیچ نوع سازی نواخته نمی‌شود. فقط لبهای ایمانداران در سکوت کامل حرکت می‌کند... آنها به‌خاطر همسایگان و پلیسی که نزدیکشان است، می‌دانند که باید مراقب باشند. ایمانداران جفادیده چینی، پرستش حقیقی و قلبی را به ما نشان می‌دهند!

قرن ۲۰، هند

در اواسط دهه ۱۹۰۰، یک مادر جوانی که میسیونر بود، از کوهی در هند شمالی بالا رفت. او دختر ۷ ساله‌اش را به یک مدرسه شبانه‌روزی می‌برد که در آنجا هر سال به مدت نه ماه زندگی کرده و درس بخواند. در آن زمان، این تنها فرصت تحصیل برای این دختر کوچک بود. در حالیکه راه می‌رفتند، مادر از شدت درد اشک می‌ریخت. "من چطور می‌توانم دختر کوچکم را اینقدر از خانواده‌اش دور کنم؟ چطور می‌توانم از او دست بکشم؟"

بعد خداوند در قلبش، کلام ابراهیم به خادمش را یادآوری کرد، وقتی او می‌رفت که اسحاق را به‌عنوان قربانی تقدیم کند: "من با پسر بدان جا برویم، و پرستش [کنیم]" (پیدایش ۲۲: ۵). مانند ابراهیم که پسرش را تقدیم می‌کرد، تسلیم کردن دختر کوچک او برای خدمت به خدا هم یک عمل پرستشی بود. هدیه‌ای که می‌توانست برای نشان دادن محبتش به خدا تقدیم کند. او در دل، فرزندش را به خدا تقدیم کرد. ناگهان از خوشی و آرامش پُر شد.

سالها بعد، آن دختر به هند بازگشت تا به‌عنوان میسیونر به خدا خدمت کند.

قرن ۱، فیلیپینی باستانی

ما در داستان سوم خود به قرن یکم باز خواهیم گشت تا زمان قابل توجه پرستش را که خدا با قدرت به زمین آمد، به یاد آوریم. پرستندگان اضطراب شدیدی داشتند. آن روز به‌خاطر ایمانشان به عیسی، به‌شدت مضروب شده بودند. بعد به زنجیر کشیده شده و به زندان افتاده بودند. اما زندانیهای دیگر، دعاهای صادقانه و سرودهای آشکارشان برای خدا را شنیدند. بعد اتفاق شگفت‌انگیزی افتاد:

که ناگاه زمین‌لرزه‌ای عظیم رخ داد، آن‌گونه که اساس زندان به لرزه درآمد و درهای زندان در دم گشوده شد و زنجیرها از همه فرو ریخت. (اعمال ۱۶: ۲۶)

شاید با داستان پولس و سیلاس در زندان فیلیپینی آشنا باشید. در حالیکه به‌خاطر ضربات، درد می‌کشیدند و در زندان با زنجیر محبوس بودند، پرستش خالصانه‌شان در نزد خدا، داستانی است که در سراسر دنیا بیان می‌شود. روز بسیار تاریکی بود و پولس و سیلاس دلایل زیادی داشتند که افسرده باشند و مغلوب ترسها و شکها شوند. شاید سرودهایشان زنده و مملو از خوشی عاطفی زیادی نبود. شاید سرودهای یهودی بود که در شرایط بسیار سخت فریاد برآورده و از خدا کمک می‌خواست، مانند بعضی از مزامیر غم‌انگیز. ما مطمئن نیستیم. شاید پولس و سیلاس با خوشی ستایش می‌کردند، اگرچه نمی‌توانستند دست کمک خدا را ببینند. هر نوع سرودی که بود، خدا پرستش و ایمانشان را دید. او از زمین‌لرزه استفاده کرد و زنجیرهایشان را پاره کرد و درهای زندان را باز کرد!

از این طریق، کل خانواده زندانبان به مسیح ایمان آوردند. احتمالاً بعضی از زندانیها هم ایمان آوردند! شما می‌توانید این داستان شگفت‌انگیز را در اعمال ۱۶: ۲۲-۴۰ بخوانید.

ما در سراسر کتاب مقدس، پرستش خدا را خارج از محیط کلیسایی و سنتی می‌بینیم. اینها چند داستان دیگر از کتاب مقدس برای گروه شما هستند که با هم بخوانید تا بهتر مفهوم پرستش حقیقی را درک کنید:

دانیال ۳

در این داستان، نبوکدنصر قومش را مجبور کرد که در مقابل مجسمه‌ای که برپا کرده بود، تعظیم کرده و پرستش کنند. اگر آنها اطاعت نمی‌کردند، با مرگ تهدید می‌شدند. اگرچه مردم تعظیم کردند، اما این پرستش حقیقی و قلبی نبود. برخلاف آن، یک نمونه زیبایی از پرستش حقیقی را می‌بینیم. سه مرد جوان عبری، اگرچه هیچ کلام ستایشی را اعلام نکردند، هیچ سرودی را در نزد خدا نخواندند، اما با انتخاب اینکه فقط خدای حقیقی را پرستش کنند، زندگیشان را تقدیم کردند. این همان پرستشی است که در رومیان ۱:۱۲ برای انجام آن فراخوانده شده‌ایم.

دوم تواریخ ۲۰

در اینجا می‌خوانیم که چگونه یهوشافاط پادشاه، قوم اسرائیل را هدایت کرد که در برابر یک دشمن بسیار قدرتمند از خدا کمک بطلبند. وقتی خدا به آنها گفت که نترسند، چون او با آنها خواهد بود،

آنگاه یهوشافاط خم شده، روی بر زمین نهاد، و تمامی یهودا و ساکنان اورشلیم به حضور خداوند افتاده، خداوند را پرستش کردند. و لاویان نیز که از فُهاتیان و قورحیان بودند، به پا خاستند و یهوه خدای اسرائیل را به آواز بسیار بلند ستایش کردند. (دوم تواریخ ۲۰: ۱۸-۱۹)

وقتی اسرائیل خدا را ستایش می‌کردند، خدا به‌طور معجزه‌آسایی برای شکست دشمنانشان مداخله کرد. در این داستان می‌بینیم که آنها **قبیل از اینکه** پاسخ دعایشان را دریافت کنند، خدا را ستایش و پرستش کردند!

لوقا ۷: ۳۶-۵۰

در اینجا درباره شیوه غیرعادی پرستش عیسی توسط یک زن می‌خوانیم. او با قلبی لبریز از محبت و سپاسگزاری، پاهای او را با اشکهایش شست و با عطر مسح کرد.

۱. قبلاً پرستش ما مملو از خوشی و حیات بود. اخیراً به نظر می‌رسد که قلبمان نسبت به خدا سرد شده و دعاهایمان هیچ حیاتی در خود ندارند. ما سرود می‌خوانیم، اما نه با شادمانی قبلی. مشکل چیست؟

آنچه شما تجربه می‌کنید، می‌تواند در هر کلیسا یا گروه خانگی اتفاق بیفتد. یک آتش شعله‌ور می‌تواند سرد شود. وقتی دلمان در پرستش حقیقی نیست، این خطر وجود دارد که ایمانمان را به‌طور سطحی "نشان دهیم". عیسی با نقل قول از اشعیا نبی، رهبران مذهبی را به‌خاطر چنین چیزی توبیخ می‌کند:

این قوم با لبهای خود مرا حرمت می‌دارند، اما دلشان از من دور است. آنان بیهوده مرا عبادت می‌کنند... (متی ۱۵: ۸-۹)

همه ایمانداران از دورانهایی عبور می‌کنند که به نظر می‌رسد خدا دور است و آن خوشی را که در آغاز زندگی‌شان با خدا داشتند، تجربه نمی‌کنند. در این زمانها لازم است که در ایمان پایدار بمانند، ایمان داشته باشند که خدا ترکشان نکرده، حتی وقتی حضورش را احساس نمی‌کنند. آنها باید ذهنشان را از حقایق کلام خدا پُر کنند. باید از روح القدس بخواهند که به آنها قوت ببخشد تا با دروغهای دشمن بجنگند. بعد می‌توانند با وجود این احساس که خدا دور است، قربانی خالصانه ستایش و پرستش را به او تقدیم کنند.

اما شاید دلایل دیگری باعث شده که ایمانداران پرستش عاری از خوشی را تجربه کنند. این دو دلیل متداول است:

۱) ما گناه را در قلبمان مخفی کرده و فکر می‌کنیم که بر پرستشمان تأثیر نمی‌گذارد. مزامیر ۱۸: ۶۶ می‌گوید: "اگر بیدی را در دل خود منظور می‌داشتیم، خداوندگار نمی‌شنید." آیا زمان پرستش گروهی شما شامل لحظاتی برای سکوت و اعتراف به گناه است؟ این اجازه می‌دهد که هر پرستنده، گناهِش را به مسیح بدهد تا پاک شود و خوشی مشارکت با خدا بازگردد. یک نوع رایج از نگه داشتن گناه در قلب، زمانی است که برادران و خواهران به یکدیگر خطا ورزیده‌اند، اما خالصانه طلب بخشش نکرده‌اند (یا نبخشیده‌اند). عیسی این را به ما تعلیم داد:

پس اگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح، به یاد آوری که برادرت از تو چیزی به دل دارد، هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما. (متی ۵: ۲۳-۲۴)

ایه بالا را مجدداً آهسته بخوانید و به این فکر کنید که چقدر روابط انسانی برای خدا مهم است، مخصوصاً در بین برادران و خواهران. خدا اولویت بیشتری را به آنها می‌دهد تا به هدایای ما در پرستش به او.

۲) دلیل دیگر برای خاموش شدن آتش در گروههای خانگی ما این است که ما کم کم از انجیل فیض دور شده‌ایم. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که زندگی ما با خدا، از اول تا آخر، با ایمان به فیض اوست. گاهی اوقات کلیساها آنقدر درباره قوانین صحبت می‌کنند که "شریعت‌گرا" می‌شوند. به عبارت دیگر، مردم فکر می‌کنند که ایمان مسیحی فقط درباره این تعلیم است که باید چه کار کنیم و چه کار نکنیم.

وقتی چنین تفکر و عملی را آغاز می‌کنیم، اوقات پرستش ما از ابراز سپاسگزاری خالصانه هر یک از افراد به خدا، به خاطر رحمت و فیضش، دور می‌شود. افکارمان از عظمت و قدوسیت خدا و محبت عمیقش به بشریت گم شده که با قربانی پسرش برای گناه ما نمایان شده، دور می‌شود. خواه در سکوت به خود می‌بالیم که بهتر از اطرافیانمان هستیم، یا در محکومیت و ترس از تجربه کردن خشم خدا زندگی می‌کنیم. ما به مذهبی که بر پایه اعمال است، بازگشته‌ایم. ما به خودمان ایمان داریم، نه به نجات مسیح. این تفکر مسیحی نیست.

برگزاری مرتب شام خداوند در گروههای خانگیمان، یکی از راههای تأکید مجدد بر زیبایی انجیل و طراوت بخشیدن به ایمانمان است. همچنین وقتی نوایمانان را تعمیم می‌دهیم، فیض شگفت‌انگیز خدا به همه ما یادآوری می‌شود. برای درک عمیقتر مفهوم نجات حقیقی، به فصل ۴ مراجعه کنید، "درک هدیه شگفت‌انگیز نجات از سوی خدا".

۲. گروه جدید ما کسی را ندارد که برای زمان پرستش ما، پیانو یا گیتار بنوازد. ما باید چه کار کنیم؟

در عهدجدید هیچ ذکری از بکارگیری سازهای موسیقی در پرستش نیست، احتمالاً به خاطر اینکه اکثر مشارکتهای خانگی هیچ سازی نداشتند. ما می‌دانیم که ایمانداران اولیه سرود می‌خواندند (مراجعه کنید به اول قرنیتیان ۱۴: ۲۶). در عهدعتیق، بسیاری از مزامیر درباره ستایش خدا با سازهای موسیقی است و فوق‌العاده است که افرادی در مشارکت ما از استعداد موسیقایی برخوردارند و می‌توانند آن را به‌عنوان بخشی از پرستش گروهی ما ارائه کنند. به هر حال، اعضای گروه باید درک کنند که پرستش حقیقی وابسته به موسیقی نیست. یوحنا ۴ می‌تواند به ما کمک کند که بفهمیم چه نوع پرستشی خدا را خشنود می‌سازد.

در یوحنا ۴، زنی که در کنار چاه بود، فکر می‌کرد مهمترین چیز این است که خدا را در مکان درست پرستش کند.

پدران ما در این کوه پرستش می‌کردند، اما شما می‌گویید جایی که در آن باید پرستش کرد اورشلیم است. (یوحنا ۴: ۲۰)

عیسی با این کلمات سودمند به او پاسخ داد:

ای زن، باور کن، زمانی فرا خواهد رسید که پدر را نه در این کوه پرستش خواهید کرد، نه در اورشلیم. شما آنچه را نمی‌شناسید می‌پرستید، اما ما آنچه را می‌شناسیم می‌پرستیم، زیرا نجات به واسطه قوم یهود فراهم می‌آید. اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین پرستندگانی است. خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی بپرستند. (یوحنا ۴: ۲۱-۲۴)

گروه‌های خانگی ما نیاز دارند که بفهمند این دو مورد برای پرستش حقیقی، ضروری است:

۱) **پرستش خدا در روح**- مکان پرستش ما (یک شهر خاص، ساختمان خاص یا مکان مقدس)، یک چیز جسمانی است. بسیاری از کارهای دیگری که در پرستش انجام می‌دهیم نیز جسمانی هستند: روشن کردن شمع، زانو زدن، نواختن گیتار یا بلند کردن دستهایمان. این اعمال می‌توانند در پرستش به ما کمک کنند، اما خدا به قلب نگاه می‌کند. پرستندگان حقیقی درک می‌کنند که پرستش در روح، یعنی ما نه تنها در روز یکشنبه با لبهایمان خدا را جلال دهیم؛ بلکه هر روزه زمان، انرژی، داراییها، افکار و اعمالمان را به او تقدیم کنیم.

به این آیه در رومیان نگاه کنید، جاییکه پولس رسول توضیح می‌دهد که پرستش روحانی یعنی خود را با تمام دل به خدا تقدیم کنیم:

پس ای برادران، در پرتو رحمت‌های خدا، از شما استدعا می‌کنم که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدس و پسندیده خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است. (رومیان ۱۲: ۱)

۲) **خدا را در راستی پرستش کنید**- ما باید خدا را همانطور که در کلامش بر ما آشکار کرده، پرستش کنیم- همانطور که واقعاً هست. این شامل وجود ازلی او قبل از خلقت است، قدرت و حکمت نامحدود او در خلقت همه چیزها، توانایی او در اینکه در همه جا باشد و همه چیز را ببیند، و کمال او در قنوسیت و محبت، این به این معناست که او کاملترین داور است. خدای جهان هستی، همه چیز را به‌طور کامل انجام می‌دهد، اگرچه ممکن است همه چیز را در این زندگی درک نکنیم. در المپیکها، یک تماشاجی بالا و پایین می‌پرد تا برای ژیمناستی که مدال طلا برده و به‌طور کامل برنامه روزانه‌اش را انجام می‌دهد، دست بزند. "آفرین! باور نکردنیه! هورا!" چقدر بیشتر ما باید خدا را به خاطر کمال مطلقش در همه چیزهایی که او هست و انجام می‌دهد، پرستش کنیم.

ما برای پرستش خدا در راستی، باید این را هم بدانیم که فقط با قربانی عیسی برای پرداخت بهای گناهانمان به حضور خدای قدوس می‌رویم. ما در خودمان چیزی نداریم که تقدیم کنیم تا ما را سزوار سازد. پس با قلب فروتن و شکرگزار برای پرستش پدر و پسر حاضر می‌شویم، یعنی پرستش کسی که چنین محبت شگفت‌انگیزی را به ما نشان داده است. (مراجعه کنید به عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۳)

در سراسر کتاب مقدس، خداوند به‌وضوح اعلام می‌کند که می‌خواهد ما درک صحیحی از او داشته باشیم. (مراجعه کنید به ارمیا ۹: ۲۳، ۲۴) و به‌طور شگفت‌انگیزی می‌خواهد که ما شخصاً او را بشناسیم! (مراجعه کنید به یوحنا ۱۷: ۳) هر چه بهتر خدا را بشناسیم، بیشتر با تمامی دل به او اعتماد کرده و با راستی پرستش خواهیم کرد. برای مطالعه عمیقتر این موضوع، به درس کتاب مقدس ۳۴ در **۵۰ درس حیاتی** درباره پرستش خدا در روح و راستی مراجعه کنید.

۳. **مسیحیان سراسر دنیا به شکل‌های بسیار متفاوت پرستش می‌کنند. ما چگونه بدانیم که کدام روش صحیح است؟**

بله، درست است که مردم در فرهنگ‌های سراسر دنیا، عیسی را به روش متمایز خود پرستش می‌کنند. ناهنگامیها، بلکه سنت‌های کلیسایی (از جمله: فرقه‌ها) معمولاً سبک پرستش خود را دارند. بعضیها با سرودها و رقص پرستش می‌کنند، درحالیکه سنت‌های خود را به حضور خدا فریاد می‌زنند. عده‌ای دیگر با صدای آهسته و موسیقی ملایم و تعمق پرستش می‌کنند، گاهی اوقات مردم بر روی زانوهایشان هستند، گاهی اوقات با سکوت بیشتر پرستش می‌کنند، چون به عظمت خدا فکر می‌کنند. البته، جفا نیز می‌تواند ما را تحت فشار قرار دهد تا با سکوت بیشتر پرستش کنیم.

ما در کتاب مقدس، روش‌های بسیار متفاوت پرستش خدا توسط مردم را می‌بینیم. (به‌عنوان مثال، به بخش داستان در بالا مراجعه کنید). درحالیکه ممکن است هر یک از ما نوع خاصی از پرستش را ترجیح دهیم، چون آنها عمیقاً و شخصاً با ما صحبت می‌کنند، اما می‌توانیم از افراد دیگری که به طریق‌های متفاوت پرستش می‌کنند نیز یاد بگیریم.

هر روشی را که برای پرستش انتخاب می‌کنیم، باید مراقب باشیم که دیگران را در سبک پرستششان قضاوت نکنیم. کتاب مقدس درباره جدیت عواقب آن به ما هشدار می‌دهد. (مراجعه کنید به دوم سموئیل ۶: ۱۴-۲۳، جاییکه زن داوود به خاطر نحوه پرستش خدا از داوود انتقاد کرد.) نگرش قلبی افراد برای خدا از همه مهمتر است و فقط خدا از قلبها آگاه است. ما باید به یاد داشته باشیم که در

طول سالها، سبکهای پرستش می‌تواند به سنتهایی تبدیل شود که می‌تواند ما را به سوی پرستش خدا با لبهایمان هدایت کند، درحالی‌که قلبمان از خدا دور است. عیسی فریسیان را به چنین چیزی متهم کرد. (مراجعه کنید به متی ۸: ۱۵-۹)

در اول قرن‌تین ۱۴، دستورالعملهایی برای پرستش در محیط گروه‌های کوچک، همچون مشارکت خانگی را می‌یابیم. شاید این در کلیسای بزرگ امکانپذیر نباشد، اما در اینجا پولس از قرن‌تینی که در خانه‌ها پرستش می‌کنند، استدعا می‌کند که به همه افراد گروه فرصت بدهند تا یکدیگر را خدمت کنند. نیازی نیست که کل جلسه تحت تسلط یک یا دو نفر باشد. پولس اینطور دستورالعملهایش را خلاصه می‌کند:

پس مقصود چیست، ای برادران؟ هنگامی که گرد هم می‌آیید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود. (اول قرن‌تین ۱۴: ۲۶)

به نظر می‌رسد که تمرکز خداوند بر نوع موسیقی سراییده شده نیست، یا اینکه مردم نشسته یا ایستاده یا زانو زده‌اند و غیره. آیه بالا به ما می‌گوید که او می‌خواهد هر عضوی عطایایی را که خدا برای رشد کل بدن به او داده بکار ببرد.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. به جمعهای هفتگی خود فکر کنید و با یکدیگر درباره سوالات زیر بحث و گفتگو کنید:
آیا به نظرتان پرستش خداوند در روح و راستی، در جلسات هفتگی شما اتفاق می‌افتد؟ (شاید مایل باشید دوباره سوال ۲ را در بالا، در سوالاتی که بارها مطرح می‌شوند، بخوانید. این سوال توضیح می‌دهد که عیسی در این مورد چه تعلیمی داد.)
آیا به نظرتان واقعاً با تمامی دل خدا را پرستش می‌کنید، یا این فقط یک زمانی برای سرود خواندن است؟ آیا گروه شما درک می‌کند که وقتی به تعلیم کلام خدا توجه می‌کنند یا هدایا می‌دهند، در واقع پرستش هم می‌کنند؟
۲. از اعضای گروه بپرسید که آیا وقتی در طول هفته تنها هستند، در پرستش رشد می‌کنند یا خیر. آیا از شکرگزاری و ستایش خدا به خاطر مهربانی و رحمتش نسبت به آنها لذت می‌برند؟ آیا مرتباً خود را به خداوند تقدیم می‌کنند، همانطور که در رومیان ۱:۱۲ می‌گوید؟
۳. بحث و گفتگو کنید:
گروه شما چگونه می‌تواند در پرستش رشد کند تا وقتی هر هفته با هم جمع می‌شوید، خداوند را به خاطر عظمت و نیکویی او جلال دهید؟
این فصل را مرور کنید، مخصوصاً عبارات کتاب مقدس که ارائه شده است. به نظرتان کدام عبارت می‌تواند مفیدترین عبارت برای چیزی باشد که گروهتان در حال حاضر تجربه می‌کند؟ در هفته‌های آینده، برای مطالعه این عبارات با یکدیگر به‌عنوان یک مشارکت، برنامه‌ریزی کنید.
۴. درباره تمام چیزهایی که بحث و گفتگو کردید، زمانی را به دعا با یکدیگر اختصاص دهید.

۷. کلام خدا: نان روزانه ما

عیسی در پاسخ گفت: "نوشته شده است که: "انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود." (متی ۴: ۴)

(عیسی قبل از مصلوب شدن برای شاگردانش دعا می‌کرد)-

"آنان را در حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است." (یوحنا ۱۷: ۱۷)

(درباره نوایمانانی که در روز پنطیکاست ایمان آوردند)-

"آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان... کردند" (اعمال ۲: ۴۲)

یادگیری کلام خدا با یکدیگر

خبر خوش عیسی مسیح زندگی شاگردانش را چنان تغییر داد که آنها این خبر خوش را به همه جا رساندند. آنها با قدرت موعظه کردند و گمشدگان به نجات‌دهنده ایمان آوردند. آنها به نام عیسی بیماران را شفا دادند و مردم را از دیوها آزاد کردند. آنها حتی به‌خاطر ایمان به اینکه عیسی مسیح، رب‌الارباب است و به‌خاطر موعظه آن، متحمل جفا و مرگ شدند.

این کلام درباره عیسی مسیح، قدرت آغازگر جنبشی بود که اکنون در تمام ملتهای جهان منتشر شده است. ما کلام یکسانی را در نامه‌های رسولان اولیه داریم که در واقع به ما می‌گویند که انجیل عیسی مسیح چیست. همین پیغام می‌تواند جنبش ایمان را در ملت شما هم آغاز کند و گروه کوچک شما می‌تواند بخشی از این جنبش باشد.

کتاب مقدس را اینطور در نظر بگیرید: وقتی کلام خدا را با یکدیگر در مشارکت خانگی می‌خوانید و مطالعه می‌کنید، از مردان و زنان ایمان در گذشته دعوت می‌کنید که به دیدار گروه خانگی شما بیایند و آموخته‌هایشان را با شما در میان بگذارند. مثل اینکه نزد پاهای عیسی نشسته‌اید و تعلیم او را می‌شنوید و می‌بینید که او با اقتدار شفا می‌دهد. همان ایمانی که به کلیسای اولیه قدرت بخشید، می‌تواند در گروه شما نیز لبریز شود.

مهم است که هر هفته، کلام خدا در مرکز گردهمایی شما باشد. هر عضوی از گروهتان نیاز دارد که کلام را بشنود، در آن تعمق کند، درباره حقایقش گفتگو کند و از آموخته‌ها اطاعت کند. وقتی از کلام خدا می‌آموزید، خدا خودش از طریق روح القدس، معلم شماست.

پولس به تیموتائوس نصیحت می‌کند:

تا آمدنم، به قرائت کلام خدا و اندرز و تعلیم مشغول باش. (اول تیموتائوس ۴: ۱۳)

هر هفته وقتی با دقت به کلام خدا در جلسات خود توجه می‌کنید، متوجه خواهید شد که بالغتر شده و به‌صورت مسیح تبدیل می‌شوید.

پس ایمان از شنیدن پیام سرچشمه می‌گیرد و شنیدن پیام، از طریق کلام مسیح میسر می‌شود. (رومیان ۱۰: ۱۷)

این فصل به گروهتان کمک خواهد کرد که کلام خدا را عمیقتر بیاموزند. در حال رشد با یکدیگر، خدا به شما برکت بدهد!

قدرت کلام خدا برای تغییر زندگیا

بحث ابتدایی: شنیدن کلام خدا و ایمان داشتن به آن، چه تأثیری در زندگیتان داشته است؟

اعمال ۱۷: ۱۰-۱۲ را بخوانید.

۱. چگونه بیریه‌ایها در پذیرش کلام پولس کوشاتر از تسالونیکیان بودند؟ (آیه ۱۱)
پولس و سیلاس به یهودیان در کنیسه اعلام می‌کردند که مسیحایی که مدتها منتظرش بودند، آمده است و این عیسی همان مسیحا بود. بیریه‌ایها این کلام را بلافاصله نپذیرفتند. بلکه نبوت‌های عهدعتیق را درباره مسیحا بررسی کردند تا دریابند که آیا پولس حقیقت را از کلام خدا تعلیم می‌داد.
وقتی کتاب مقدس را مطالعه می‌کنید، چگونه در مشارکت خانگیتان می‌توانید نشان بدهید که مانند بیریه‌ایها کوشا هستید؟

دوم تیموتائوس ۳: ۱۴-۴: ۵ را بخوانید.

۲. حیات کتاب مقدس از کجا نشأت می‌گیرد؟ (۱۶: ۳) ۴ هدف کتاب مقدس که پولس ذکر می‌کند، چیست؟ (آیه ۱۶)
۳. پولس به تیموتائوس می‌گوید که همه اوقات برای انجام کاری آماده باشد. او باید چه کار کند؟ (۱: ۴-۲) تیموتائوس باید با چه نگرشی موعظه کند؟ (آیه ۲)
۴. ۳: ۴-۴ را دوباره بخوانید.
چگونه این دو آیه، دوران زندگی کنونی ما را توصیف می‌کنند؟ چگونه مطالعه کلام خدا در مشارکتهای خانگیمان باعث نجات بعضیها از این روح سرکشی خواهد شد؟
۵. در آیه ۵ پولس به تیموتائوس می‌گوید که چگونه با این روحی که حقیقت خدا را رد می‌کند، مقابله کند. چگونه تیموتائوس می‌تواند محکم بایستد؟

عبرانیان ۱۲: ۱۳-۱۳ را بخوانید.

۶. نویسنده، کلام خدا را با چه چیزی مقایسه می‌کند؟ (آیه ۱۲)
چگونه کلام خدا سنجشگر افکار و نیت‌های دل شما بوده است؟
وقتی کلام خدا را در مشارکت خانگیتان مطالعه می‌کنید، آیا قدرت آن را برای جستجوی عمیق قلب افراد و آشکار ساختن چیزهای مخفی در نظر دارید؟

لوقا ۶: ۴۶-۴۹ را بخوانید.

۷. به نظرتان چرا لازم است که ما حقیقت ارائه شده در این مثل را در گروه خانگیمان بیاموزیم؟
ما چگونه می‌توانیم به اعضای گروهی که فقط به کلام خدا گوش می‌کنند، اما از آن اطاعت نمی‌کنند، هشدار بدهیم؟
با دعا خاتمه دهید: درحالی‌که این درس را به پایان می‌رسانید، زمانی را به دعا اختصاص دهید که شما و اعضای گروهتان، کسانی باشید که کلام خدا را می‌دانید و از ته دل از آن اطاعت می‌کنید.
در این موضوع عمیقتر شوید: این سه درس از کتاب ۵۰ درس حیاتی است که می‌توانید با گروهتان انجام دهید تا به شما کمک کند که به اهمیت کلام خدا پی ببرید:

- درس ۹: "کلام را در قلبی خوب، شریف و نجیب دریافت کنید"
- درس ۲۶: "برای شناخت خدا باید وقت گذاشت"
- درس ۳۶: "با استفاده از کلام خدا بر وسوسه غلبه کنید"

نبردی برای کلام خدا در زبان انگلیسی

مردی که کلام خدا را حتی بیش از جان خود دوست می‌داشت و برای آن ارزش قائل بود، ویلیام تیندل بود. او در سال ۱۴۹۴ در انگلیس متولد شد، در دورانی از تاریخ بزرگ شد که عمدتاً حقیقت کتاب مقدس در سراسر انگلیس ناشناخته بود. اگرچه اکثر افراد، عضو کلیسا بودند، اما درباره انجیل حقیقی نمی‌شنیدند، چون کشیشان هم غالباً آن را نمی‌شناختند.

کلام خدا در آلمان (به داستان مارتین لوتر در فصل ۴ مراجعه کنید) و همچنین در کلیساهای انگلیس به زبان لاتین خوانده و موعظه می‌شد، زبانی که افراد عادی با آن آشنایی نداشتند. کتاب مقدس به زبان انگلیسی در دسترس نبود؛ در واقع، ترجمه کتاب مقدس به زبان انگلیسی- یا حتی داشتن این کتاب به زبان انگلیسی- با مجازات مرگ مواجه می‌شد. حقیقت خدا برای مردم انگلیس در پشت درهای بسته حبس شده بود و آنها هیچ کلیدی نداشتند.

اما خدا می‌خواست دری را برای آنها باز کند. ویلیام تیندل مرد جوانی بود که خدا به شکل بی‌نظیری، عطیه‌ای را برای تکلیف ترجمه کتاب مقدس به او داده بود. او در یادگیری زبانها یک نابغه بود. در واقع، بسیار فصیح و روان به هشت زبان صحبت می‌کرد، طوری که مردم می‌گفتند به‌سختی می‌شد گفت که کدام زبان، زبان مادری او بود! در بین این زبانها، عبری و یونانی باستانی را هم یاد گرفت تا بتواند کلام خدا را به زبانهای اصلی مطالعه کند.

هرچه بیشتر عهدعتیق و عهدجدید را می‌خواند و مطالعه می‌کرد، بیشتر به آن حیات و آزادی پی می‌برد که فقط مسیح می‌توانست فراهم کند. هرچه بیشتر حیات و آزادی را می‌یافت، آتش درونش شعله‌ورتر می‌شد که این خبر خوش را به افراد عادی برساند. شور و شوق تیندل برای ترجمه کتاب مقدس به زبان انگلیسی و رساندن آن به دست همه افراد، یعنی غنی یا فقیر، افزایش یافت.

به هر حال، رهبران کلیسای زمان او، مانند ویلیام عاشق کلام خدا نبودند. یکبار او با رهبر کلیسایی که اصرار داشت شریعت پاپ مهمتر از شریعت خداست، مشاجره کرد. ویلیام با خشونت پاسخ داد: "من پاپ و همه شریعت‌های او را رد می‌کنم! اگر خدا به من عمر طولانی بدهد، کاری می‌کنم که پسری که در مزرعه شخم می‌زند، کتاب مقدس را بیشتر از شما بداند!"

البته چنین بیانیه‌هایی، تیندل را دوست رهبران کلیسا نساخت. وقتی در پی کسب اجازه از صاحب منصبان کلیسایی بود تا کتاب مقدس را به زبان انگلیسی ترجمه کند، آنها درخواستش را رد کردند. در طول سالهای آتی، کلیسا و صاحب منصبان سیاسی، بیشتر و بیشتر دشمن او شدند.

وقتی ویلیام تیندل متوجه شد که هرگز نمی‌تواند آشکارا در انگلیس کار کند، به آلمان نقل مکان کرد و در آنجا مخفی شد. در آنجا با سختکوشی به ترجمه کتاب مقدس پرداخت. اغلب اوقات باید از یک شهر به شهر دیگر می‌رفت تا از دست مردانی که از طرف پادشاه انگلیس فرستاده می‌شدند تا او را پیدا کرده و بکشند، فرار کند. با وجود این مشکلات، کمی بیش از یک سال طول کشید تا ترجمه عهدجدید به زبان انگلیسی را تمام کند.

صدها نسخه در انتشارات گوتنبرگ چاپ شد، انتشاراتی که کمتر از ۱۰۰ سال پیش از آن، اختراع شده بود. سپس آنها با کشتیهای بازرگانی به‌صورت قاچاق به انگلیس فرستاده شدند. وقتی بازرگانان، عهدجدید را به زبان انگلیسی فروختند، بسیاری از آنها توسط مأموران کلیسایی خریداری و سوخته شد. اما پول حاصل از خرید آنها به آلمان فرستاده شد و عهدجدیدهای بیشتری چاپ شد! به این ترتیب، کم کم انتشار کلام خدا در سراسر انگلیس آغاز شد.

بعد تیندل با انرژی زیاد، خود را وقف ترجمه عهدعتیق کرد. او از زبان باستانی عبری ترجمه می‌کرد (زبان اصلی عهدعتیق) و این یک کار طولانی و خسته‌کننده بود. فقط تصور کنید که هر روز به‌تنهایی به ترجمه طولانی و غالباً سردرگم‌کننده کتابهای عهدعتیق بپردازید. اما عشق عمیقش به خدا و کلامش، انگیزه او برای ادامه کار بود.

در این هنگام، ویلیام تیندل در آنتورپ، بلژیک زندگی می‌کرد، جاییکه فکر کرد می‌تواند از آزادی بیشتری لذت ببرد. متأسفانه اشتباه می‌کرد. او اکثر دوران بلوغش را با این آگاهی که تحت تعقیب مردانی بود که از او متنفر بوده و قصد جاننش را داشتند، سپری کرده بود.

بالاخره در سال ۱۵۳۵ توسط مردی که فکر می‌کرد یک دوست نزدیک است، مورد خیانت قرار گرفت. تیندل دستگیر و زندانی شد. به مدت شانزده ماه در آنجا به‌شدت رنج کشید. سلول زندانش، سرد، مرطوب و تاریک بود (او اجازه نداشت که چراغ داشته باشد) و

از سلامتی خوبی برخوردار نبود. علاوه بر این، چون اجازه نداشت که هیچ‌یک از کتابهای ارزشمندش را داشته باشد، از احساس تنهایی و ملالت وحشتناک رنج می‌برد.

در اکتبر سال ۱۵۳۶، ویلیام تیندل متحمل رنج و عذاب نهایی خود شد. سلول زندانش باز شد و برای اولین بار در طول ماههای بسیار، نگهبانان او را به فضای باز هدایت کردند. در آنجا انبوه مردم جمع شده بودند تا درحالی‌که به سوی توده‌ی خوب هدایت شده و به یک تیرک بسته می‌شد، تماشاایش کنند. یک جارچی جرم ویلیام را در مقابل تماشاچیان فریاد زد. جرم؟ او کلام خدا را به زبان انگلیسی ترجمه کرده بود. بعد مشعل بر توده‌ی خوب قرار گرفت و ویلیام تیندل، زنده در آتش سوخت. درحالی‌که شعله‌ها مشتعل می‌شد، او کلام نهایی خود را با فریاد اعلام کرد: "خداوندا، چشم پادشاه انگلیس را باز کن!"

در کمتر از سه سال، یک نسخه از کتاب مقدس به زبان انگلیسی، به فرمان پادشاه هنری هشتم در همه‌ی کلیساهای سراسر انگلیس قرار داده شد. اگرچه این به دلایل سیاسی انجام شد، نه به‌خاطر عشق به خدا، اما به هر حال این آغازی برای تحقق رویای ویلیام تیندل بود.

در سالهای بعدی، صدها، بعد هزارها، بعد میلیونها نفر در سراسر دنیای انگلیسی زبان، کتاب مقدس را به زبان خودشان می‌خواندند و با خدای ویلیام تیندل آشنا شده و عاشق او می‌شدند. هیچ کتابی بیش از کتاب مقدس بر انگلیسیها تأثیر نگذاشته است.

در مزامیر ۱۱۹:۱۶۲، داوود این را نوشت: "من در وعده‌ی تو شادی می‌کنم همچون کسی که غنیمت فراوان یافته باشد." ویلیام تیندل عاشق خدا بود و کلام او را ارزشمندتر از زندگی می‌دانست.

آیا شما کلام خدا را به زبان خودتان در اختیار دارید؟ آیا این برای شما مانند یک گنج عظیم است؟

۱. چرا کتاب مقدس در مشارکت خانگی بسیار مهم است؟

کتاب مقدس - عهدعتیق و عهدجدید (انجیل) - پایه ایمان مسیحی است. اگر می‌خواهیم پیروان حقیقی عیسی باشیم، باید کتاب مقدس را شناخته و از آن پیروی کنیم. کسانی که کتاب مقدس را نمی‌شناسند، به راحتی می‌توانند شروع به تعلیم نظرات خود کرده و از پیغام حقیقی انجیل منحرف شوند.

ما در مطالعه کتاب مقدس در بالا، به نصیحت پولس رسول به تیموتائوس پرداختیم. اکنون بیایید به‌طور دقیقتر آنرا بررسی کنیم تا به چهار دلیل اهمیت کلام خدا پی ببریم.

دوم تیموتائوس ۳: ۱۴-۱۷:

[۱۴] اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فرا گرفته‌ای، [۱۵] و چگونه از کودکی کتب مقدس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیح عیسی است. [۱۶] تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، [۱۷] تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.

(۱) وقتی ما کتب مقدس را می‌آموزیم، این به ما "حکمت می‌آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیح عیسی است." (آیه ۱۵ را دوباره بخوانید.)

کل هدف کتاب مقدس را می‌توان در آیه ۱۵ خلاصه کرد. عیسی مسیح به جهان آمد تا ما را از گناه و تاریکی نجات دهد و ما را نزد خدا بازگرداند. او راه، راستی و حیات است. (یوحنا ۱۴: ۶) ما این را از کتاب مقدس می‌آموزیم.

(۲) تمام کتب مقدس الهام خداست تا به ما بیاموزد که چگونه در پارسایی خدا زندگی کنیم. (آیه ۱۶ را دوباره بخوانید.)

ما علاوه بر اینکه در آغاز زندگی مسیحی خود به نزد مسیح می‌رویم، باید طریقه‌های خدا برای زندگی روزانه‌مان را نیز یاد بگیریم. پولس به تیموتائوس تعلیم می‌دهد که همه ما به تعلیم نیاز داریم. گاهی اوقات ما به توبیخ و اصلاح نیاز داریم. باید مانند یک ورزشکار، در شیوه زندگی پارسایانه تربیت شویم.

(۳) کتاب مقدس (از طریق خدمت روح القدس) همه چیزهای مورد نیاز برای خدمت به خدا و ملکوتش را برای ما فراهم می‌کند. (آیه ۱۷ را دوباره بخوانید.)

ما قبلاً به شیطان و ملکوت تاریکی او خدمت می‌کردیم. اکنون خداوند، ما را فراخوانده تا به ملکوت نور خدمت کنیم. خداوند کارهای نیکوی بسیاری دارد که می‌خواهد ما را به سوی آنها هدایت کند، و کتاب مقدس راهنمای ما خواهد بود.

(۴) به‌خاطر سه حقیقت بالا، ما نیاز داریم که به یادگیری و اطاعت از تعالیم مسیح ادامه دهیم. (آیه ۱۴ را دوباره بخوانید.)

این نصیحت فقط برای افراد مجزا نیست، بلکه برای گروه‌های خانگی است که پیغام عیسی را هر هفته ارائه می‌کنند. عیسی تعلیم داد که شاگردان حقیقی او به تعالیمی که او به آنها داده، ادامه خواهند داد. به همین دلیل پولس این چیزها را به تیموتائوس تعلیم می‌دهد.

۲. من چگونه می‌توانم کتاب مقدس را در یک مشارکت خانگی تعلیم دهم، وقتی خودم به‌خوبی آن را نمی‌دانم؟

مهم است که به یاد داشته باشید روح القدس مهمترین معلم ماست. ما باید هر درس از کلام خدا را با این درخواست آغاز کنیم که او ما را هدایت کند و با ما صحبت کند. او وفادار و امین خواهد بود تا قلبهای گرسنه را سیر کند، حتی اگر رهبر، چیزهای زیادی نداند.

همچنین لزومی ندارد که هر هفته یک نفر پیغامی را به گروه موعظه کرده یا تعلیم دهد. در مشارکت خانگی، این فرصت را در اختیار دارید که همه کلام خدا را با یکدیگر بخوانند و درحالی‌که پشت میز یا دور هم نشسته‌اند، درباره آن بحث و گفتگو کنند.

در زیر ۳ روش برای کمک به مطالعه گروهی کتاب مقدس با یکدیگر مطرح شده است. وقتی آنها را می‌خوانید، از خدا کمک بطلبید تا تشخیص دهید که چه چیزی می‌تواند به‌خوبی در گروه شما کار کند. شاید بخواهید یک روش را مدتی بکار ببرید و بعد آن را عوض کنید و برای یک مدت، از روش متفاوتی استفاده کنید. نحوه مطالعه کلام خدا مهم نیست، بلکه مهم این است که یاد می‌گیریم و اجازه می‌دهیم که خدا از طریق آموخته‌هایمان ما را تبدیل کند.

۱. کتاب مقدس را با یکدیگر بخوانید و سؤال کنید

با خواندن عبارتی از کتاب مقدس، به‌طور گروهی و با یکدیگر آغاز کنید. آن را چند بار آهسته بخوانید و درباره آنچه یاد می‌گیرید، صحبت کنید. بپرسید: "نویسنده سعی می‌کند چه چیزی را بگوید؟"، به جای اینکه فقط یک نفر متن را موعظه کند و همه در سکوت و منفعل بنشینند. درک بیشتر، با بیان سؤالات درباره متن حاصل می‌شود و اینکه به اشخاص اجازه بدهید که فکر کنند و درباره آنچه که می‌آموزند، صحبت کنند.

اینها سؤالات ساده‌ای هستند که توسط سبک اکتشاف در مطالعه کتاب مقدس پیشنهاد شده است:

- این عبارت چه چیزی را درباره خدا به ما می‌آموزد؟
- این عبارت چه چیزی را درباره خودمان به ما می‌آموزد؟
- چه چیزی را در این متن دوست دارید؟
- چه چیزی در این آیات، شما را آزار می‌دهد؟ (شاید چیزی در این آیات شما را به گناه ملزم می‌کند یا نشان می‌دهد که از ته دل دیگران را محبت نمی‌کنید؟)

البته که گروه شما باید سؤالاتی را بپرسند که به‌طور طبیعی توسط اعضای گروهتان مطرح می‌شود (ایمانداران و غیرایمانداران). هر بار که کلام خدا را در گروهتان باز می‌کنید، می‌تواند به‌طور متفاوتی انجام شود، اما موضوع مهم این است که همه اجازه دارند که فکر کنند، سؤال کنند و درباره آنچه که می‌آموزند، بحث و گفتگو کنند.

دو سؤال نهایی که همیشه باید در گروهتان مطرح کنید:

- با آموخته‌های خود چه کار خواهید کرد، یعنی چگونه تغییر خواهید کرد؟

رهبران مذهبی زمان عیسی دوست داشتند که کلام خدا را به دیگران تعلیم دهند، اما خودشان از آن اطاعت نمی‌کردند. این ریاکاری نامیده می‌شود. این رهبران، مذهبی به نظر می‌رسیدند، اما در دلشان مُرده بودند.

ایمان مسیحی به معنای رشد بیشتر قلبمان در محبت و ایمان است، نه اینکه سرمان با علم و دانش پُر شود. درحال پیروی از تعالیم خدا، ایمانمان در قدرت انجیل رشد کرده و خوشی ما افزایش خواهد یافت. ما به‌عنوان پیروان عیسی باید بدون توجه به سَنَمَن، همیشه قلبمان برای یادگیری بیشتر از خدا و دیگران لطیف باشد!

- آموخته‌های خود را با چه کسی در میان خواهید گذاشت؟

اگر هر یک از اعضای گروهتان قدم برداشته و با دیگران درباره آموخته‌هایشان از کلام خدا صحبت کنند، افراد جدیدی را برای هدایت به سوی مسیح خواهند یافت. همه می‌توانند یاد بگیرند که دیگران را شاگرد سازند. به این ترتیب، مشارکتهای خانگی جدید آغاز می‌شود!

۲. از منابع درسهای کتاب مقدس در این وب سایت استفاده کنید

www.learnhisways.com

بسیاری از مشارکتهای خانگی در سراسر دنیا از درسهای آماده کتاب مقدس استفاده می‌کنند که آنها را به سوی مطالعه گروهی رضایت‌بخش هدایت می‌کند. وب سایت بالا، این نوع از درسهای کتاب مقدس را ارائه می‌کند.

با این درسها، رهبر به‌سادگی می‌تواند از گروه بخواد که متن کتاب مقدس را بخوانند و قدم به قدم سؤالات درس کتاب مقدس را دنبال کنند. این مانند روش اول در بالاست، اما سؤالات به‌طور خاص برای این عبارات از کتاب مقدس طراحی شده‌اند.

دو کتاب در این وب سایت، به‌طور خاص برای گروههای جدید مفید است:

- از تعالیم عیسی مسیح: ۵۰ درس حیاتی
- کاوش در کتاب کهن پیدایش (۱۴ درس)

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این وب سایت، به ضمیمه الف، "منابع" مراجعه کنید.

۳. داستانهای کتاب مقدس را تعریف کنید.

اکثر کتاب مقدس شامل داستانهایی است که نشان می‌دهد خدا چگونه در زندگی انسانها در سراسر تاریخ کار کرد. این داستانها، حقایق او را به ما تعلیم می‌دهند و ما را به سوی عیسی هدایت می‌کنند، که تمرکز کل کتاب مقدس بر اوست. این داستانها در ذهن و قلب ما می‌مانند و به ما ایمان می‌بخشند که خدا به ما هم اهمیت می‌دهد. در دوران عهدعتیق و عهدجدید، افراد بسیار کمی به کتاب مقدس مکتوب دسترسی داشتند. بنابراین، غالباً حقیقت با بیان داستانهای کتاب مقدس، از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شد.

حتی در دنیای امروز، بسیاری از افراد، گوش دادن و یادگیری از داستانهای کتاب مقدس را یک روش لذت بخش برای رشد در کلام خدا می‌دانند. مخصوصاً اشخاص یا گروههایی که به‌سختی می‌توانند بخوانند یا اصلاً نمی‌توانند بخوانند.

در ضمیمه ب، فهرست داستانهایی از عهدعتیق و عهدجدید را خواهید یافت که می‌توانید در گروهتان بکار ببرید. در آنجا پیشنهادهایی برای نحوه بکارگیری این داستانها نیز ارائه شده است.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

زمانی را به بحث و گفتگو درباره سؤالات زیر اختصاص دهید:

۱. آیا شما شخصاً عاشق کلام خدا هستید؟ چقدر برای شما مهم است که در طول هفته زمانی را به خواندن و مطالعه آن اختصاص دهید؟ آیا آموخته‌های خود را در زندگی بکار می‌برید؟
۲. شما مایل هستید که چه چیزی را در زندگیتان تغییر دهید تا به شما کمک کند که در شناخت کلام خدا رشد کنید؟ زمانی را به دعا در این مورد اختصاص دهید.
۳. چگونه به اعضای مشارکت خود کمک می‌کنید که در عشق به کلام خدا رشد کنند؟ زمانی را به تفکر درباره هر یک از سؤالات زیر اختصاص دهید:
 - آیا مطالعه کلام خدا بخش مهمی از جلسات شماست؟
 - آیا آنها را تشویق می‌کنید که خودشان عمیقاً درباره آنچه با هم مطالعه می‌کنید، فکر کنند، یا فقط افکار خودتان را به آنها می‌گویید؟
۴. به سه روش پیشنهادی مطالعه کتاب مقدس در بالا، در سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند، مراجعه کنید. یک یا چند مورد را انتخاب کنید تا به مشارکت خود کمک کنید که در کلام خدا عمیقتر شوند.
۵. زمانی را به دعا برای همه اعضای گروهتان، از جمله خودتان اختصاص دهید. دعا کنید که خدا به همه شما کمک کند تا در شناخت و بکارگیری کلام او رشد کنید.

۸. انتقال انجیل به کودکان

مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنها دست بگذارد. اما شاگردان مردم را برای این کار سرزنش کردند. عیسی چون این را دید، خشمگین شد و به شاگردان خود گفت: "بگذارید کودکان نزد من آیند؛ آنان را بازمدارید، زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسان است. آمین، به شما می گویم، هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی نپذیرد، هرگز بدان راه نخواهد یافت." (مرقس ۱۰: ۱۳-۱۵)

آیا شما به کودکان تعلیم خواهید داد؟

شاید یک نفر بپرسد: "یک سیب چند تا هسته دارد؟" کشف این موضوع، کار دشواری نیست، درست است؟ اما این یک سؤال مرموز است: "چه تعداد سیب در یک هسته است؟" پتانسیل یک هسته بسیار زیاد است.

ما می‌توانیم این مقایسه را در گروه‌های خانگی‌مان انجام دهیم. "چند تا بچه در گروه خانگی خود دارید؟" اگر گروه‌تان خانواده‌های متعددی دارد، شاید پنج بچه یا بیشتر داشته باشید. شمارش آنها دشوار نیست.

اما یک سؤال دشوارتر: "آیا می‌توانید تأثیر این کودکان در این دنیا را برای ملکوت خدا در سالهای آینده اندازه‌گیری کنید؟"

آیا تابحال فکر کرده‌اید که کودکان در گروه خانگی‌تان و در کلیساها، چه گنجی هستند؟ آیا آن را به‌عنوان امتیاز و مسئولیت می‌بینید که آنها را طوری بزرگ کنید که از عیسی پیروی کنند؟

عیسی به ما تعلیم داد که باید ناظران خوب هدایایی باشیم که او به ما عطا کرده است. کودکان هدایای گرانبهایی از جانب خدا هستند. عیسی از ما انتظار دارد که کودکان را در گروه‌های خانگی‌مان به‌عنوان انسانهای واقعی بپذیریم که مانند ما به نجات او احتیاج دارند. شما چگونه آنها را در طریقهای خدا پرورش خواهید داد؟ آیا آنها را به‌عنوان دانه‌های عدالت می‌بینید که بعداً در زمینهای این دنیا کاشته خواهند شد؟

دقایقی را به مطالعه و بحث و گفتگو دربارهٔ مرقس ۱۰: ۱۳-۱۵ در صفحهٔ قبل اختصاص دهید. آیا شما گاهی اوقات طرز فکر شاگردان عیسی را نسبت به کودکان دارید؟

این فصل به شما و گروه خانگی‌تان کمک خواهد کرد تا برای کودکانی که خدا به شما عطا کرده، ارزش قائل شوید و آنها را تعلیم دهید.

خدا پسر بچه ای به نام سمونیل را صدا می‌کند

بحث ابتدایی: آیا به نظرتان کودکان ظرفیت رابطه با خدا را دارند؟ پاسختان را توضیح دهید.

شاید بخواهید درباره تجربیاتی صحبت کنید که در جوانی با خدا داشتید یا درباره مکالماتی که درباره شناخت خدا با کودکان داشتید.

درس ما بر اول سمونیل ۳ تمرکز خواهد کرد، اما در ابتدا اول سمونیل ۱ را خواهیم خواند تا پیش زمینه این داستان را درک کنیم.

اول سمونیل ۱: ۱-۲۸ را بخوانید.

۱. به چه دلیل حنّا محزون است؟ (آیه ۶)
۲. آیات ۱۰ و ۱۱ را دوباره بخوانید. حنّا چه درخواستی کرد، و به خداوند چه وعده‌ای داد؟ اگر ایمانداران، فرزندانشان را از کودکی به خداوند تقدیم می‌کردند، چه اتفاقی در ملت ما می‌افتاد؟
۳. خدا دعای حنّا را شنید و به او یک پسر داد. او نامش را چه گذاشت؟ (مراجعه کنید به آیه ۲۰)
۴. آیات ۲۴-۲۸ را بخوانید. او چه زمانی سمونیل را به خانه خداوند برد؟ او به عیلی کاهن چه گفت؟

اول سمونیل ۳: ۱-۲۱ را بخوانید.

۵. سمونیل در معبد خدا، تحت رهبری عیلی چه کار می‌کرد؟ (آیه ۱)
سمونیل با وفاداری و وظایفش را در معبد انجام می‌داد، با هدایت عیلی، "خداوند را خدمت می‌کرد". مسئولیتهای پرستش خدا به این پسر جوان سپرده شده بود.
آیا کودکان در مشارکت خانگیان اجازه دارند که در پرستش شرکت کنند؟ آیا آنها را در خواندن کتاب مقدس، کمک به رهبری پرستش، یا شهادت دادن درباره وفاداری خدا شرکت می‌دهید؟
چرا مهم است که کودکان بدانند که ما برای مشارکتشان در گروه خانگیان ارزش قائلیم؟
۶. در طول شب چه اتفاقی افتاد؟ (آیات ۳-۴ را بخوانید)
وقتی خدا ابراهیم را صدا کرد (پیدایش ۱: ۲۲)، پاسخ او این بود: "لیلیک". بقیه افراد در سراسر کتاب مقدس به همین شکل پاسخ دادند: بعضی از نمونه‌ها شامل موسی (خروج ۳: ۴) و اشعیا (اشعیا ۶: ۸) در عهدعتیق، و خنانیا (اعمال ۹: ۱۰) در عهدجدید است. در اصل یعنی "من برای خدمت به تو آماده ام".
۷. در اینجا سمونیل نمی‌داند که این صدای خداوند است، پس به سراغ عیلی کاهن می‌رود. در این دو مورد، عیلی به او چه می‌گوید؟ (آیات ۵-۶ را بخوانید).
دفعه سوم، عیلی به سمونیل چه می‌گوید؟ (آیات ۸-۹)
آیا والدین در گروه خانگیان به اتفاقات روحانی فرزندانشان توجه می‌کنند؟ آیا به پذیرش روحانی آنها درباره خدا پی می‌برند؟ در صحبت با فرزندان، آیا والدین با دقت گوش می‌کنند تا ببینند که آیا خدا در زندگی فرزندانش کار می‌کند؟
۸. سمونیل بازگشت و کاری را که عیلی گفته بود، انجام داد. وقتی خداوند دوباره او را صدا کرد، سمونیل گفت: "بفرما که خدمتگزارت می‌شود." خداوند به سمونیل گفت که قرار بود چه اتفاقی بیفتد؟ (آیات ۱۱-۱۴)
عیلی قبلاً در باب ۲ این کلام داوری را شنیده بود. آنچه سمونیل به او گفت، با قطعیت بیشتر آن را تأیید کرد.
آیا سمونیل اولین باری که صدای خدا را شنید، یک کلام آسان از خدا دریافت کرد یا یک کلام دشوار؟ آیا شما چنین کلامی را به یک بچه می‌دادید؟ (جوزفوس، یک مؤرخ یهودی که سالها بعد از آن زندگی می‌کرد، می‌گوید که وقتی این اتفاق افتاد، سمونیل ۱۲ ساله بود. اما این متن سنّ دقیق او را نمی‌گوید).
۹. با نگاه دقیقتر به آیات ۱۹-۲۱، توصیف کنید که چگونه سمونیل در شنیدن صدای خدا و اعلام کلام خدا به قوم رشد کرد؟
پاسخ قوم چه بود؟ (آیه ۲۰)
۱۰. در آیه آخر از باب ۳ (مراجعه کنید به آیه ۲۱)، نویسنده به ما می‌گوید که خدا خودش را به وسیله کلامش بر سمونیل آشکار کرد. در اینجا می‌بینیم که سمونیل توسط کلامی که خدا به او اعلام می‌کرد، در شناخت خدا رشد می‌کرد. به همین طریق، ما و فرزندانمان، هر هفته در گروه خانگیان یاد می‌گیریم که خدا چگونه است، مخصوصاً توسط تعالیم کتاب مقدس که او به ما عطا کرده است.
آیا ایمان دارید که کودکان در گروهتان می‌توانند طریقه‌های خدا را از طریق کتاب مقدس بیاموزند؟ چقدر برای گروهتان مهم است که مطمئن شود هر هفته کلام خدا به کودکان تعلیم داده می‌شود؟

با دعا خاتمه دهید: اکنون زمانی را به دعا برای کودکانی اختصاص دهید که در گروه خانگیان شرکت می‌کنند.

روح خدا به‌فراوانی بر کودکان نازل می‌شود

در سراسر تاریخ، از دوران کتاب مقدس تا عصر حاضر، نمونه‌هایی از نزول روح خدا به طریقه‌های غیرعادی برای احیا و بیداری قومش و آغاز امواج تازه از رشد ملکوت در دنیا رخ داده است. این امواج فقط بزرگسالان را لمس نکردند. بلکه روح در بین کودکان نیز حرکت کرد.

جانانان ادواردز، درباره بیداریهای قرن ۱۸ در آمریکا نوشت:

تأثیرات روح‌القدس خدا بر کودکان نیز بسیار چشمگیر بود.

مبشر بزرگ، دی. ال. مودی چنین گفت:

ابلیس بسیار مودیانه عمل کرده و باعث شده که ما باور کنیم کودکان نمی‌توانند مسائل مذهبی را درک کنند... چرا مسیح یک بچه را معیار ایمان قرار داد (لوقا ۱۸: ۱۷)، اگر او می‌دانست که کودکان نمی‌توانند کلامش را درک کنند؟

کودکان می‌توانند مسائل مربوط به خدا را درک کنند! این یک نمونه شگفت‌انگیز است: در قرن ۲۰ یک بیداری قدرتمند در بین کودکان به ما نشان می‌دهد که کودکان می‌توانند مسائل عمیق روحانی را درک کنند و بیاموزند که در کودکی با شور و شوق از عیسی پیروی کنند. این بیداری در کتاب، **رویاهای پشت پرده (Visions Beyond the Veil)** نوشته اچ. ای. بیکر ثبت شده است.^۲

آقای بیکر و همسرش در اوایل قرن ۲۰ به ایالت یونان در چین سفر کردند. آنها یک یتیم‌خانه مسیحی را راه‌اندازی کرده و نامش را مأموریت نجات ابدولام گذاشتند. کودکان یتیم، اکثرأ پسرهایی از سن ۶ تا ۱۸ ساله بودند که گدایی می‌کردند. بسیاری از آنها عضو دسته کودکان تبهکار خیابانی بودند، دزدی کرده و راه‌هایی برای بقا می‌یافتند، تحصیلات یا تربیت اخلاقی نداشتند.

در یتیم‌خانه، آقا و خانم بیکر، کتاب مقدس و پیغام خبر خوش عیسی مسیح را به کودکان تعلیم دادند. بعضی از کودکان زندگیشان را به مسیح تقدیم کردند. بعضی دیگر هنوز تولد دوباره نیافته بودند، اما در شناخت کتاب مقدس رشد می‌کردند.

بیداری در بین کودکان، در پایان یک جلسه دعای صبحگاهی آغاز شد. بعضی از کودکان برای آغاز درس تحصیلی خود در کلاس درس، آنجا را ترک کرده بودند، اما بعضیها به دعای صادقانه ادامه دادند. حضور روح‌القدس با الزام شدید به گناه در بین پسرها به شدت احساس شد.

طولی نکشید که بسیاری از دانش‌آموزان با صورت روی زمین افتادند، در نزد خداوند برای بخشش گناهانشان فریاد می‌زدند. آقای بیکر از اتاق دعا بیرون رفت و به کلاس درس رفت تا به پسرهایی که آنجا را ترک کرده بودند، بگوید که در اتاق دعا چه اتفاقی افتاده است. او به آنها گفت که اگر مایل باشند، می‌توانند برای دعا بازگردند.

طولی نکشید که معلم چینی که در کلاس درس بود، تنها ماند و همه پسرها به جلسه دعا بازگشتند. معلم چینی، یعنی مردی که مسیح را نمی‌شناخت، در حال رفتن به خانه بود. اما طولی نکشید که آقای بیکر دید که این معلم بازگشته و در انتهای اتاق جلسه دعا بود. آقای بیکر می‌نویسد که او دید که این معلم "برای اولین بار در زندگی زانو زد و سعی کرد دعا کند." معلوم بود که روح خدا به‌شدت در این مرد کار می‌کرد.

طولی نکشید که متوجه شدم این معلم دستهایش را بلند کرده و در حالیکه اشک بر چهره‌اش جاریست، از خداوند درخواست می‌کند که گناهانش را ببخشد، و من شنیدم که این گناهان "خیلی، خیلی زیاد" بود.

او مرد مغروری بود و به‌آسانی نمی‌توانست در حضور کودکان، خود را فروتن سازد. آقای بیکر می‌نویسد که این "الزام واقعی روح‌القدس نسبت به گناه" بود.

کودکان با اشک، سرودهای خودجوش و تسلیم قلبی به عیسی پرستش می‌کردند. روح‌القدس قلبها را با امواج پیوسته روح لمس می‌کرد و به آنها کمک می‌کرد که به درکی عمیقتر از یک درک ذهنی درباره مرگ مسیح برای آنها، دست یابند. روح، چشم دلشان را لمس کرد، به آنها کمک کرد که عشق ابدی خدا را در مرگ عیسی برای آنها ببینند.

آقای بیکر ادامه می‌دهد،

جلسه تا ساعتها ادامه یافت، کودکان هیچ اشتیاقی به رفتن نداشتند. من کاری برای انجام دادن یا حرفی برای گفتن نداشتم؛ به نظر می‌رسید که خداوند کنترل کامل را در دست دارد؛ من فقط سعی کردم مانع کار او نشوم.

این تا هفته‌ها ادامه یافت. گاهی اوقات کودکان، شبها تا دیر وقت در اتاق دعا بودند و نمی‌خوابیدند.

گاهی اوقات، رهبران بزرگسالی که متوجه شدند این حرکت خاصی از جانب خداست، کلاسها را کمتر کردند. اما گاهی اوقات در طول این هفته‌ها، مدرسه ادامه یافت و کودکان مثل همیشه به کارهای روزمره‌شان پرداختند. در هفته‌های آتی، امواج روح، گاه و بیگاه در بین آنها ادامه یافت. در طول این مدت، کودکان، رویاها، مکاشفات و عطایای گوناگون روح را دریافت کردند. آقای بیگر می‌گوید که وقتی این تجلیات مافوق‌طبیعی بر کودکان نازل شد، آنها به‌سادگی در طلب عیسی بودند تا او را بهتر بشناسند.

در طول هفته‌های متوالی، پسرها به میل خود به جلسه دعا می‌رفتند (در برنامه صبح، بعد از مدرسه و در هنگام عصر) تا روی خداوند را بطلبند و از مشارکت با عیسی لذت ببرند. حضور او بسیار سنگین و رضایت‌بخش بود. آنها هر روز از عیسی می‌نوشتند، از او که نهرهای آب زنده را عطا می‌کند (یوحنا ۷:۳۷، ۳۸).

این بیداری فقط در یتیم‌خانه نماند. کودکان به خیابانها رفتند تا در جاییکه قبلاً دزدی می‌کردند، موعظه کنند. پسرها یکی یکی قدم برداشته و به بزرگسالان و کودکان دیگری که برای شنیدن توقف می‌کردند، انجیل عیسی را اعلام می‌کردند. آنها مردم را به توبه و ایمان به عیسی مسیح دعوت کردند. آنها با قدرت و اقتدار صحبت کردند.

در طول تاریخ بیداریها، خدا این کوچکان را فراموش نکرده است. چارلز اسپرچن، واعظ بزرگ انگلیسی چنین گفت:

در دست روح خدا، ظرفیت یک بچه برای ایمان، از بعضی جهات، بیشتر از یک شخص بالغ است. کودکان ایمان دارند که کلام خدا همان حقیقت خداست. انجیل برای آنها حقیقت است و به نظر می‌رسد که آن را به‌وضوح در مقابل چشمشان می‌بینند.

وقتی برای کودکان در مشارکت خانگی‌تان دعا می‌کنید و به تعلیم کلام خدا و هدایت آنها در پرستش توجه می‌کنید، خواهید دید که خدا این "توانایی برای ایمان" را که چارلز اسپرچن در بالا ذکر کرد، در آنها پرورش می‌دهد.

۲. این داستان از کتاب، *رویاهای پشت پرده (Visions Beyond the Veil)*، نوشتهٔ ایچ. ای. بیگر، مینیاپولیس: انتشارات آسترهاس، ۱۹۵۰ بازگویی شده است.

۱. ما چگونه می‌توانیم به اعضای گروه‌مان کمک کنیم که به اهمیت تعلیم به کودکان پی ببرند؟

متأسفانه، بسیاری از گروه‌های خانگی، طریقه‌های خدا را به کودکان تعلیم نمی‌دهند؛ آنها فقط به بزرگسالان تعلیم می‌دهند. بزرگسالان معمولاً خودشان یک زمان بدون مزاحمت را برای شنیدن کلام خدا می‌خواهند و بنابراین کودکان به اتاق دیگری فرستاده می‌شوند تا یک فیلم تماشا کنند یا بازی کنند. این می‌تواند تا ماهها، حتی سالها اتفاق بیفتد و کودکان خیلی کم درباره انجیل می‌شنوند.

کتاب مقدس به والدین تعلیم می‌دهد که آنها مسئول تعلیم و تربیت فرزندانشان برای زندگی با خدا هستند. به هر حال، اکثر والدین به‌طور خودکار نمی‌دانند که چطور این کار را انجام دهند، بنابراین به کمک نیاز دارند. مشارکت خانگی جایی است که این چیزها را خواهند آموخت. در زیر، نظراتی درباره نحوه تعلیم به والدین مطرح شده است. افراد مجرد در گروه‌تان نیز می‌توانند آن را بیاموزند! تعلیم کلام خدا درباره بزرگ کردن کودکان برای خدا را با بزرگسالان مطالعه کنید.

در **۵۰ درس حیاتی**، درس ۴۹: "به کودکان خود یاد دهید که عیسی را دوست داشته و در مورد او با دیگران صحبت کنند" را خواهید یافت. شما می‌توانید این درس را در مشارکت خانگیتان یا در گروه‌های کوچک، در طول هفته انجام دهید. همچنین اگر این درس را در مشارکت هفتگی خود انجام ندهاید، می‌توانید آن را در این فصل درباره پسر بچه‌ای به نام سموئیل یاد می‌گیرد که صدای خدا را بشنود، انجام دهید. می‌توانید در گروه‌تان، داستان بالا را درباره بیداری در بین کودکان در چین بخوانید تا الهامبخش آنها شود.

اینها عبارات دیگری برای کمک به ایمانداران است (والدین و مجردها) که اهمیت تعلیم به کودکان را در خانه‌ها و همچنین در گروه خانگی درک کنند:

- تثنیه ۶:۴-۹ و ۶:۲۰-۲۵
- مزامیر ۱:۷۸-۸
- افسسیان ۶:۱-۴

۲. ما در مشارکت خانگیمان کودکانی را از سن نوزادی تا نوجوانی داریم. چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که همه سنین، به روشهایی که برای آنها قابل درک است، از کلام خدا درس می‌گیرند؟

اول، مهم است که بدانید در کتاب مقدس، قوانین مطلق درباره این موضوع وجود ندارد. به هر حال، در دوران عهدجدید، احتمالاً کل خانواده با هم در جمعها شرکت می‌کردند: پرستش با سرودها، زمان دعا و تعلیم. ما مطمئن نیستیم، اما احتمالاً جمعهای مشارکت خانگی در ابتدا بسیار غیررسمی بود. آنها یک خانواده بودند که با هم غذا می‌خوردند (و غالباً شام خداوند بخشی از این غذا بود) و با هم به‌عنوان یک خانواده، از جمله کودکان می‌نشستند تا کلام خدا را گوش کنند و بحث و گفتگو کنند و با هم دعا کنند. این به‌طور غیررسمی انجام می‌شد، مانند صحبتهایی که در خانه مطرح می‌شود.

اغلب اوقات می‌توان کودکان را تربیت کرد که به همراه بزرگسالان گوش کرده و یاد بگیرند. وقتی بزرگسالان برای خواندن کتاب مقدس یا اجرای نمایشی از داستان کتاب مقدس، از آنها کمک می‌گیرند، آنها احساس پذیرش خواهند کرد. وقتی سؤالات گروهی برای بحث و گفتگو مطرح می‌شود، رهبران می‌توانند بعضی از سؤالات را به‌طور ساده تنظیم کنند تا کودکان هم بتوانند شرکت کنند.

اگر شما انتخاب می‌کنید که در طول زمانی که به کلام خدا اختصاص می‌دهید، کودکان را به اتاق دیگری بفرستید، همه والدین باید تشویق شوند که در برعهده گرفتن مسئولیت تعلیم به کودکان کمک کنند. اگر هر هفته به نوبت زمانی را به کودکان اختصاص دهند، در این صورت هیچ‌کس، هر دفعه، مطالعه کتاب مقدس بزرگسالان را از دست نخواهد داد و همگی فرصت خواهند داشت که در یادگیری نحوه تعلیم طریقه‌های خدا به فرزندانشان رشد کنند.

۳. ما چه تعلیمی به بچه‌ها می‌دهیم و چگونه؟

داستانهای کتاب مقدس

در ضمیمه ب، فهرست داستانهایی را از کلام خدا خواهید یافت که می‌توانید آنها را بخوانید یا به‌عنوان داستان تعریف کنید یا به‌صورت نمایش اجرا کنید. بچه‌ها را در اجرای نمایش شرکت دهید؛ آنها عاشق آن خواهند شد! همچنین می‌توانید از هر یک از آنها بخواهید که از چیزهایی که یاد می‌گیرند، یک نقاشی بکشند. می‌توانید یک یا دو آیه از این داستان را انتخاب کنید و از هر یک از آنها بخواهید که آن را حفظ کنند.

همچنین به کودکان یاد بدهید که دعا کنند! اول به آنها یاد بدهید که عیسی درباره دعا چه تعلیمی داد. برای کمک در این مورد، به ۵ درس در بخش دعا در ۵۰ درس *درس حیات* مراجعه کنید. به آنها کمک کنید که با خدا به عنوان پدر آسمانی مهربانشان صحبت کنند. از کودکان بپرسید که چه چیزی آنها را غمگین می‌کند یا از چه چیزی می‌ترسند. شاید نتوانند به‌طور عمیق درباره مشکلاتشان فکر کنند، اما چیزهایی را دارند که باعث نگرانی آنها می‌شود.

به‌عنوان مثال:

- وقتی کلام خدا را به کودکان تعلیم می‌دهیم، آنها هم مانند بزرگسالان، توسط روح القدس به گناهانشان ملزم می‌شوند. به آنها یاد بدهید که گناهانشان را اعتراف کنند، برای بخشش و طهارت به عیسی اعتماد کنند، از روح القدس بخواهند که بیاید و آنها را تبدیل کند.
- کودکان هم مانند بزرگسالان، امیدها و خواسته‌هایی دارند، و یأس و ناامیدی‌هایی هم دارند. چه چیزی در ذهنشان است؟ ایمانداران بالغ می‌توانند به آنها کمک کنند که با ایمان دعا کنند، از تعالیم عیسی به‌عنوان راهنما استفاده کنند.
- گاهی اوقات کودکان در مدرسه، توسط کودکان دیگر یا معلمها مسخره می‌شوند. این زخمها نیازمند شفا هستند و خدمت دعا برای هدایتشان به سوی عیسی شفا دهنده، قدرتمند است. همچنین می‌توانید به آنها کمک کنید که برای کسانی که به آنها جفا می‌رسانند، طبق تعلیم عیسی، دعا کنند.
- گاهی اوقات کودکان مسائل دشواری همچون اعتیاد به الکل، اعتیاد به مواد مخدر یا جنگ و دعوا را از نزدیک می‌بینند. آنها می‌دانند که این چیزها آن شخص را نابود می‌کند، اما نمی‌دانند که چطور کمک کنند. شما می‌توانید با آنها دعا کنید.
- آنها چه نیازهای دیگری را در اطرافشان می‌بینند؟ آیا یک دوست یا خویشاوندی دارند که بیمار است یا نیاز دیگری دارد؟ همچنین به آنها کمک کنید که برای آشنایانی که به عیسی نیاز دارند، دعا کنند.

به یاد داشته باشید: وقتی کودکان جواب دعاهایشان را می‌بینند، ایمانشان رشد خواهد کرد!

سرودها

بچه‌ها عاشق سرود خواندن هستند! این یک روش عالی برای کمک به یادآوری حقایق از محبت خدا نسبت به آنهاست. به کتابهای سرود یا اینترنت مراجعه کنید تا سرودهای ساده را پیدا کنید که بتوانید به آنها یاد بدهید. (به "منابع"، ضمیمه الف، مراجعه کنید). البته، راههای بسیاری برای تعلیم حقایق کلام خدا به کودکان وجود دارد: از طریق بازیها؛ کاردستی‌هایی که درست می‌کنند؛ پیاده‌روی در طبیعت؛ پروژه‌های خاصی که با یکدیگر انجام می‌دهید. وقتی برای کودکان دعا می‌کنید، انتظار داشته باشید که خدا نظرات خلاقانه به شما بدهد.

۴. ما منابع بسیار کمی برای تعلیم کتاب مقدس به کودکان داریم. ما چه کار کنیم؟

اگر زبان شما در اقلیت نیست، غالباً متوجه خواهید شد که بیش از تصورتان، منابع زیادی موجود است. حتی زبانهایی که در اقلیت هستند، هر ساله ادبیات کتاب مقدس بیشتری را به زبان خود دریافت می‌کنند.

از ایمانداران دیگر کمک بگیرید تا منابعی را برای تعلیم به کودکان بیابید. غالباً ویدئوها، کتابهای داستان کتاب مقدس برای بچه‌ها و غیره موجود است. اگر نیاز به بودجه مالی دارید، مقداری از هدایای هفتگی خود را صرف خرید این ملزومات کنید. (به فصل ۱۱، "پی بردن به برکت هدیه دادن" مراجعه کنید). البته فراموش نکنید که در اینترنت هم جستجو کنید. هر ساله چیزهای بیشتری برای کمک به این تکلیف مهم تعلیم و تربیت کودکان در دسترس قرار می‌گیرد. (برای دریافت پیشنهادها، به ضمیمه الف، "منابع" مراجعه کنید.)

منابع می‌تواند مفید باشد، اما قدرت تخیل کودکان را کوچک نشمارید. این یکی از بزرگترین عطایای آنهاست. برای ایده‌هایی که هیچ هزینه‌ای نخواهد داشت یا هزینه اندکی خواهد داشت، سؤال بالا را مرور کنید ("ما چه تعلیمی به بچه‌ها می‌دهیم و چگونه؟").

۵. مهمترین هدف ما در تعلیم و تربیت کودکانمان چیست؟

مزمور ۷۸ درباره چیزهای عظیمی صحبت می‌کند که خدا در گذشته انجام داد و چقدر مهم است که این داستانها را به فرزندانمان منتقل کنیم. توجه کنید که هدف ما در کلمات پُررنگ در زیر یافت می‌شود:

آنها را از فرزندان ایشان پنهان نخواهیم داشت، بلکه کارهای ستوده خداوند را، به نسل آینده باز خواهیم گفت؛ همچنین قدرت او را، و شگفتی‌هایی را که به انجام رسانده است. او... پدران ما را امر فرمود که آنها را به فرزندان خویش بیاموزند؛ تا نسل بعد آن را بدانند، یعنی فرزندان که زین پس زاده می‌شوند، و ایشان نیز برخیزند، و آنرا به فرزندان خویش بازگویند؛ تا ایشان نیز بر خدا توکل کنند و کارهای خدا را از یاد نبرند، بلکه فرامین او را نگاه دارند... (مزمور ۷۸: ۴-۷).

همه بزرگسالانی که با کودکان کار می‌کنند، باید به یاد داشته باشند: هر کودکی، مانند هر بزرگسالی، نیاز دارد که بداند خدا او را شخصاً دوست دارد. خدا آنها را به نام می‌شناسد. او از امیدها و رویاهایشان آگاه است. او به چیزهایی که آنها را غمگین می‌کند، اهمیت می‌دهد و دعاهایشان را می‌شنود. مهمتر از همه، او به شکل عیسی مسیح به این جهان آمد تا جاننش را به‌عنوان قربانی برای گناهشان فدا کند.

فکر نکنید که کودکان گناهشان را احساس نمی‌کنند. وقتی ما خبر خوش عیسی مسیح را اعلام می‌کنیم، روح‌القدس در قلبشان کار خواهد کرد تا آنها را نسبت به گناه بیدار کند. انجیل در دلشان، ایمان به وجود می‌آورد تا به مسیح، قربانی آنها برای گناه نگر بسته و نجات یابند.

هر مشارکت خانگی باید غالباً برای کودکانشان دعا کند تا انجیل را درک کنند و به مسیح اعتماد کنند. یک منبع خوب برای کمک به والدین و مشارکتهای خانگی در این زمینه، کتاب *تربیت فرزندان برای زندگی با خدا* است. این کتاب را می‌توان به‌راستیگان و به‌صورت دیجیتال فراهم کرد. (به "منابع"، ضمیمه الف مراجعه کنید.)

۶. آیا توصیه می‌شود که به کودکان ادبیات مسیحی بدهیم؟

در کشورهایی که این کار غیرقانونی است، فقط باید ادبیات مسیحی (کتابها، ویدئوها و غیره) را به والدین بدهید- نه به کودکان. این به والدین کمک می‌کند که مسئولیت نگاه کردن به مطالب را برعهده گرفته و تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند فرزندانشان از این چیزها درس بگیرند. حتی والدینی که ایماندار نیستند، غالباً بسیار خوشحال می‌شوند که چنین منابعی را داشته باشند. گاهی اوقات خودشان این مطالب را خوانده و آن را برای فرزندانشان می‌خوانند. قانونی را که دادن ادبیات مسیحی به کودکان را منع می‌کند، به‌عنوان یک قانون کاملاً منفی ندانید. این به شما فرصت می‌دهد که انجیل را به والدین هم اعلام کنید! به این ترتیب، کل خانواده می‌تواند به مسیح ایمان آورند.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. سؤال اول در بخش قبلی، سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند را مرور کنید. آیا شما در گروه خانگیان، اهمیت تعلیم طریقه‌های خدا توسط والدین به فرزندان‌شان را تعلیم داده‌اید؟ به درسهای کتاب مقدس که در سؤال اول توصیه شده که آنها را انجام دهید، مراجعه کنید. چه زمانی می‌توانید مطالعه آنها را در مشارکت خانگیان یا در جلسه خاصی در طول هفته آغاز کنید؟
۲. سؤالات ۲، ۳ و ۴ در بخش سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند، برای کمک به شما نوشته شده تا به نحوه تعلیم و تربیت کودکان در مشارکت خانگیان فکر کنید. اکنون برای انجام این کار برنامه‌ریزی کنید! سؤالات را دوباره بخوانید و امروز بحث و گفتگوی خود را آغاز کنید. برای آغاز تعلیم و تربیت کودکان در زمان گروه خانگی چه کارهایی باید انجام شود؟ اینها جزئیات خاصی هستند که می‌توانید درباره آنها تصمیم بگیرید:
 - هر هفته در مشارکتان، در زمانی که صرف کلام خدا می‌شود، آیا کودکان را در کنارمان نگه می‌داریم یا در اتاق دیگری به آنها تعلیم خواهیم داد؟ اگر آنها را در کنارمان نگه می‌داریم، چگونه کودکان را شرکت می‌دهیم تا آنها احساس کنند که پذیرفته شده‌اند و در عین حال این موضوع برای همه جالب باشد؟
 - اگر آنها را جدا از بزرگسالان تعلیم می‌دهیم، چه کسی به آنها تعلیم خواهد داد؟ چگونه آنها را تعلیم خواهیم داد (با منابع، تعریف کردن داستانها، اجرای نمایش و غیره)؟
۳. چه کسی در مشارکت خانگی زمانی را صرف توضیح انجیل به کودکانی کرده که هر هفته شرکت می‌کنند؟ شرایط روحانی این کودکان چگونه است؟ ما نباید سعی کنیم کودکان را مجبور کنیم که ایمان بیاورند، همانطور که با بزرگسالان چنین کاری را نمی‌کنیم. بلکه باید با اعلام خبر خوش به آنها کمک کنیم که محبت خدا را ببینند. آیا این کار در گروه خانگیان انجام می‌شود؟ اگر انجام نمی‌شود، آیا آن را به زودی آغاز خواهید کرد؟ چه زمانی و چگونه؟
۴. زمانی را به دعا برای کودکان و والدینشان در مشارکت خانگیان اختصاص دهید.

۹. برگزاری شام خداوند با شکرگزاری

زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما نیز سپردم، که عیسیای خداوند در شبی که او را تسلیم دشمن کردند، نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و فرمود:

«این است بدن من برای شما. این را به یاد من به جای آورید.»

به همین سان، پس از شام، جام را گرفت و فرمود:

«این جام، عهد جدید است در خون من. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من چنین کنید.»

زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که بازآید.

(اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶)

ایمانداران سراسر دنیا، عهد تازه را جشن می‌گیرند

آیا تابحال فکر کرده‌اید که چقدر برای شاگردان عجیب بود که شب قبل از مصلوب شدن عیسی، شام پسخ را با عیسی بخورند؟ او نان و شراب را به آنها می‌دهد تا بخورند و بنوشند. او به آنها می‌گوید که این بدن و خون اوست، یک عهد تازه بین خدا و انسان.

روز بعد وقتی عیسی بر روی صلیب در حال مرگ بود، آنها نمی‌دانستند که رویداد واقعی تقدیم بدن و خون عیسی برای دنیا را می‌بینند. آنها فکر کردند که با مرگ رهبرشان، همه چیز را از دست می‌دهند. اما در عوض، به‌خاطر کاری که عیسی برای آنها انجام می‌داد، آنها همه چیز را به‌دست می‌آوردند.

اما در شام پسخ، عیسی می‌دانست که قرار بود چه اتفاقی بیفتد. او قبلاً به شاگردان گفته بود:

... پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بدهد. (متی ۲۸:۲۰)

در این شام، عیسی می‌خواست که شاگردانش (و همه شاگردان آینده)، این موضوع را درک کنند. چنانکه گویی به همه ما می‌گفت: "من می‌خواهم که شما درک کنید که قرار است برایتان چه کار کنم. عمیقاً درباره آن فکر کنید. اغلب اوقات این کار را انجام دهید. مرگ مرا که برای شما بود، فراموش نکنید."

در طول قرنهای بسیار، ایمانداران از قومها و زبانهای بسیار، با یکدیگر در شام خداوند شرکت کرده‌اند. وقتی آنها نان را می‌خورند و پیاله را می‌نوشند، دوباره "مرگ عیسی را اعلام می‌کنند" و ایمان به فیض خدا در هر قلبی رشد می‌کند. ایمانداران تا زمان بازگشت عیسی به این کار ادامه خواهند داد.

پولس به ایمانداران تعلیم می‌دهد که برای شام خداوند ارزش قائل شوند

بحث ابتدایی: به گروه بگویید که شرکت در شام خداوند، چه تأثیری بر شما می‌گذارد.

با یکدیگر اول قرن‌تین ۱۱: ۱۷-۳۴ را بخوانید.

۱. پولس درباره جلسات قرن‌تین چه گفت؟ (آیات ۱۷-۱۸)
۲. در قرن یکم، غالباً کلیسا در هنگام صرف غذا با یکدیگر، شام خداوند را برگزار می‌کرد. این رسم زمانی آغاز شد که شاگردان در شبی که به عیسی خیانت شد، شام پسخ را با عیسی خوردند. اما در قرن‌تس، این غذای خاص به زمانی برای خودخواهی تبدیل شده بود. پولس به‌خاطر چه چیزی آنها را توبیخ می‌کند؟ (آیات ۲۰-۲۲)
۳. بر اساس کلام پولس، در شبی که عیسی شام خداوند را به ما داد، چه اتفاقی افتاد؟ (آیه ۲۳)
چون عیسی می‌دانست که قرار بود به او خیانت شود و بر روی صلیب برود، به نظر تان او در شبی که نان و شراب را با شاگردانش خورد، چه احساسی داشت؟
۴. عیسی این نان را چه نامید؟ او این پیاله شراب را چه نامید؟ وقتی آنها آنرا خوردند و نوشیدند، چه چیزی را اعلام می‌کردند؟ (آیه ۲۶) مفهوم "اعلام مرگ خداوند تا زمانی که او بازآید" چیست؟
به نظر تان، شام خداوند در مشارکت خانگی شما، زمانی برای اعلام مرگ عیسی است؟
۵. آیات ۲۷-۳۴ را دوباره بخوانید. به نظر تان وقتی پولس درباره شرکت در شام خداوند به شیوه ناشایسته صحبت می‌کرد، منظورش چه بود؟ (عمل ناشایسته قرن‌تین را به یاد آورید، آیات ۲۱-۲۲.)
۶. منظور او از این مطلب در آیه ۲۹ چیست: "بدون تشخیص بدن؟" چگونه کلیسای قرن‌تین، بدن خداوند را در شام خداوند تشخیص ندادند؟ آیا آنها همان نگرش فروتنانه عیسی را در شبی که به او خیانت شد، نسبت به یکدیگر داشتند؟
۷. بر اساس کلام پولس، آیا شایسته است که خود را بیازماییم و حکم کنیم؟ (آیات ۲۸-۳۱) در این عبارت، وقتی بر خودمان حکم می‌کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ (آیه ۳۱) وقتی خداوند بر ما حکم می‌کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ (آیه ۳۲)
به‌خاطر ترس از خوردن "به شیوه‌ای ناشایسته" (آیه ۲۷)، بعضی از ایمانداران در شام خداوند شرکت نمی‌کنند و گاهی اوقات، این تا ماهها یا حتی سالها ادامه می‌یابد. آنها نمی‌خواهند "محکومیت" را بر خود بیاورند (آیه ۲۹). به نظر آنها پولس می‌گفت که اگر گناه کرده‌اند، نباید در شام خداوند شرکت کنند. آیا این تفکر درستی است؟ چرا عیسی، بدن و خورش را برای ما داد؟
اگر ما گناه کرده‌ایم، وقتی در شام خداوند شرکت می‌کنیم، باید چه کار کنیم؟ (اول یوحنا ۱: ۹)
۸. دوباره خلاصه بیانیه پولس را در آیات ۳۳ و ۳۴ بخوانید. او سعی می‌کرد که چه نگرشی را در بدن ایمانداران پرورش دهد؟ او سعی می‌کرد که نگرش چه کسی را شایسته سرمشق‌گیری نشان دهد؟

با دعا خاتمه دهید: شما به‌عنوان رهبر مشارکت خانگی، وقتی شام خداوند را برگزار می‌کنید، چگونه می‌توانید به دیگران تعلیم دهید که "بدن مسیح را تشخیص دهند" (آیه ۲۹)؟ آیا برای اتحاد در بدن مسیح تلاش خواهید کرد؟ آیا نگرستان نسبت به ایمانداران دیگر، نگرش فروتنانه و خدمتگذار خواهد بود؟ این درس را با اختصاص دادن زمانی به دعا برای این چیزها خاتمه دهید.

یک ژنرال بریتانیایی، خود را در پای صلیب فروتن می‌سازد

شام خداوند، نشانه این است که همه ما مسکینانی هستیم که دست به دست یکدیگر ایستاده و با هم در فیض مسیح شریک می‌شویم. ما در عشاء ربّانی، دیگران را مهمتر از خود می‌دانیم، چون ما عمیقاً از عیوب خود آگاهیم و فیض مسیح را به‌رایگان تجربه می‌کنیم. رحمت او به ما یاد می‌دهد که به انسانها محبت کنیم، انسانهایی که برای دریافت فیض به او متوسل می‌شوند.

دوک ولینگتن، یک رهبر ارتشی معروف در انگلیس بود که به رهبری او، در جنگ واترلو در ۱۸۱۵، ارتش بریتانیا در برابر ناپلئون پیروز شد. وقتی او در شهر بود، مرتباً به کلیسای خود می‌رفت.

هرگاه وارد کلیسا می‌شد، اعضای کلیسا در گوش یکدیگر زمزمه کرده و آمدن او را خبر می‌دادند. آنها افتخار می‌کردند که این قهرمان ارتش، عضو کلیسایشان است.

زمان شرکت در شام خداوند فرارسید. گروههای کوچکی از افراد، برای دریافت نان و شراب در این کلیسا به جلو رفته و زانو زدند. دوک هم به جلو رفت، زانو زد و درحالیکه منتظر نان و شراب بود، با صدای آهسته دعا می‌کرد. اعضای کلیسا، به احترام این رهبر بزرگ، اجازه دادند که او به‌تنهایی به جلو برود.

ولی آن روز صبح، در کلیسا، یک مرد دهاتی ژنده‌پوش نیز پرستش می‌کرد. او به جلو آمد و در کنار این رهبر معروف زانو زد. همه افراد کلیسا از دیدن اینکه این دهاتی در کنار این مرد انگلیسی شریف زانو زده، نفسشان بند آمد. یک شماس به‌سرعت بلند شد و به سراغ دهاتی رفت و به‌آرامی بر شانه‌اش زد. او در گوش این مرد زمزمه کرد که بلند شود، از دوک دور شود و منتظر شود تا او به نشیمنگاه خود بازگردد.

دوک حرفهای شماس را شنید و به‌سرعت دست این پیرمرد را گرفت و اجازه نداد که بلند شود. دوک به این مرد گفت: "بلند نشو. در اینجا، همه ما با هم برابریم."

خبر خوش عیسی مسیح به همه ما کمک می‌کند که ارزش والای خود را در نظر خدا ببینیم. همچنین به ما کمک می‌کند که ببینیم وقتی به‌عنوان گناهکار در پای صلیب عیسی زانو می‌زنیم، از جایگاه یکسانی برخورداریم. هیچ‌کس بالاتر از دیگری نیست. هیچ‌کس نباید دیگری را تحقیر کند. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد: "... همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند." (رومیان ۳:۲۳)

هر بار که ایمانداران با یکدیگر شام خداوند را می‌خورند و مرگ عیسی را به یاد می‌آورند، این حقیقت زیبا می‌تواند احساس شود. هیچ‌کس به خودش نمی‌بالد. بلکه خودمان را در نزد خدا فروتن می‌کنیم. او را شکر می‌کنیم که ما را نجات داده است. ما می‌دانیم که شایسته این محبت فداکارانه نیستیم.

پولس رسول درباره خودش گفت که او بزرگترین گناهکاران بود (اول تیموتائوس ۱:۱۵). او قبلاً سولس طرسوسی مغرور بود که به عدالت خود تکیه می‌کرد، اما وقتی فهمید که عیسی بر روی صلیب برای او چه کار کرده، این یک فروتنی عمیقی را در او ایجاد کرد. این همان ویژگی شخصیتی زیبایی است که عیسی با بیان این مطلب، درباره آن صحبت کرد: "خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است" (متی ۳:۵).

هر بار که ما شام خداوند را می‌خوریم، حقیقت خودمان را مرور می‌کنیم. ما بدون عیسی مسیح گم‌شده هستیم. اما رحمت عظیم او، ما را بلند می‌کند تا با خدا راه برویم. ما به‌تنهایی راه نمی‌رویم. ما با یکدیگر، دست به دست یکدیگر، با همه ایمانداران از سراسر دنیا، غنی یا فقیر، مشهور یا عادی، راه می‌رویم. همانطور که دوک ولینگتن گفت: "در اینجا، همه ما با هم برابریم."

... همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند. اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می‌شوند. (رومیان ۳:۲۳، ۲۴)

۱. عید پسخ در عهدعتیق، با شام خداوند در عهدجدید چه ارتباطی دارد؟

اولین باری که شاگردان چیزی را خوردند که ما اکنون شام خداوند می‌نامیم، در تعطیلی یهودی پسخ بود. آنها یک سنت باستانی و سالیانه یهودی را جشن می‌گرفتند که در زمان رهبری موسی آغاز شد.

این عید، دوران بردگی اسرائیلیها در مصر را به یاد می‌آورد. آنها در شب قبل از ترک مصر، بره‌ای را قربانی کرده و خوردند. خورش را بر سردر خانه‌هایشان زدند و از فرشته مرگ نجات یافتند، فرشته‌ای که خون را دید و از خانه‌هایشان چشمپوشی کرد. این آخرین داوری خدا بر فرعون و مصریان بود که آنها را از بردگی آزاد نکردند. همه پسران نخست‌زاده مصری مُردند.

اسرائیلیها در آن شب، نان بدون خمیرمایه نیز خوردند که نماد این بود که باید مصر را به سرعت ترک کنند. این نان فرصتی برای ورامدن نداشت. (شما می‌توانید این داستان را در خروج ۱۲ بخوانید.)

درحالیکه این عید را در شبی که به عیسی خیانت شد، جشن می‌گرفتند، عیسی به شاگردانش گفت که این نان مفهوم تازه‌ای داشت: این بدن او بود که برای آنها فدا می‌شد و این شراب، خون او بود که برای آنها ریخته می‌شد. آنها با یکدیگر خوردند و نوشیدند.

همچنین او به آنها گفت که هر بار در آینده، این نان را می‌خورند و این شراب را می‌نوشند، باید او را به یاد آورند. همان شب، او دستگیر شد. روز بعد بر بالای صلیب رفت. بعد از رستخیزش، شاگردان غالباً با نان و شراب، مرگ او را به یاد آوردند. این سنت در طول قرن‌ها، در بین مسیحیان سراسر دنیا ادامه یافته است.

تاریخ بالا به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که اولین شام خداوند در یک عید و در هنگام صرف غذا بود. این در یک خانه بود، نه در ساختمان کلیسا. یهودیان، آزادی خود را از بردگی و مرگ جشن می‌گرفتند. این از طریق بره قربانی بود. حقیقت مشابه این است که ما هم رهایی یافتیم، نه از دست برده‌داران مصری، بلکه از دست یک برده‌دار قدرتمندتر - **گناه و مرگ**. ما به یاد می‌آوریم که بره قربانی ما، عیسی مسیح، مُرد تا ما بتوانیم زندگی کنیم!

۲. وقتی شام خداوند را در مشارکت خانگیمان برگزار می‌کنیم، آیا یک شیوه رسمی برای اجرای آن وجود دارد؟

در طول قرن‌ها، کلیساها روشهای متفاوتی را برای برگزاری شام خداوند تنظیم کرده‌اند. اما عیسی هیچ قانونی برای برگزاری آن ارائه نکرد. نکته مهم این است که او را با فروتنی و تواضع به یاد آوریم. او جانش را برای ما فدا کرد. بنابراین، رهبران گروه خانگی باید با دعا برای زمان برگزاری شام خداوند برنامه‌ریزی کنند. از روح‌القدس بخواهید که شما را راهنمایی کند. سرودهای پرستشی را که درباره قربانی او برای ما صحبت می‌کند، انتخاب کنید. آیات مناسب را از کتاب مقدس بخوانید (به فهرست زیر مراجعه کنید). شاید بعضیها بخواهند شعری را که درباره عشقشان به عیسی نوشته‌اند، بخوانند. با قلبهای شاد، خداوند را به خاطر بدن و خورش، یعنی قربانی او برای گناهان ما شکر کنید.

برای اینکه این زمان، متواضعانه و منظم باشد، از قبل توضیح بدهید که آنها چگونه باید نان و شراب را بگیرند. آنها به شیوه‌های بسیار متفاوتی می‌توان برگزار کرد. مهمتر از همه، این زمانی برای اعتراف به گناهان، تفکر درباره مرگ عیسی برای آنها به‌صورت شخصی و اعتماد کامل به بخشش و فیض اوست. به یاد داشته باشید که این زمانی برای پرستش است. به افراد کمک کنید که در سکوت با عیسی ملاقات کنند. حضور او بسیار نزدیک است.

۳. هر چند وقت یکبار باید شام خداوند را در مشارکتیمان برگزار کنیم؟

به نظر می‌رسد که کلیساهای عهدجدید، هر هفته آن را برگزار می‌کردند (و شاید روزانه)، غالباً وقتی با هم غذا می‌وردند. (به اعمال ۲: ۴۲-۴۷ مراجعه کنید). آنها در هنگام صرف غذا، آن را می‌خوردند، مانند دوازده شاگرد که عیسی به آنها گفت که یک عهد تازه را پایه‌گذاری می‌کند (در شام پسخ). اما به یاد داشته باشید که عیسی هیچ قانونی ارائه نکرد که چند وقت یکبار باید این کار انجام شود. اول قرن‌های ۱۱: ۲۵ به ما می‌گوید که هر بار از آن می‌نوشیم، باید عیسی را به یاد آوریم.

در بسیاری از کلیساهای شام خداوند بخش مرکزی پرستش هفتگی است. بعضیها هر روز آنرا می‌خورند، این یک یادآوری تازه از فیض خدا برای آنهاست. گروههای دیگر، یکبار در ماه این کار را انجام می‌دهند. هرگاه که این کار را می‌کنید، آنرا زمانی مملو از پرستش و شکرگزاری کنید، به همراه زمانی برای سکوت تا هر کس بتواند زمانی را به‌تنهایی با خدا صرف کند و زیبایی انجیل را مرور کند.

۴. آیا فقط کشیش می‌تواند شام خداوند را برگزار کند؟

هیچ کجا در عهدجدید نمی‌گوید که فقط کشیشان می‌توانند شام خداوند را برگزار کنند. مسیح به ما فرمان داده که آن را به یاد او بخوریم و بنوشیم. او نگفته که فقط اشخاص خاصی می‌توانند آن را برگزار کنند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که اکنون همه مسیحیان، کاهن هستند (اول پطرس ۲: ۵؛ مکاشفه ۱: ۶). ما با فروتنی، شام خداوند را به یکدیگر می‌دهیم. مسیح فیضش را به همه ما نشان داده است.

اما مهم است که کسانی که این زمان خاص را در مشارکت خانگی رهبری می‌کنند، مفهوم آن را درک کنند. اگر ما با روح درست هدایت کنیم، به کسانی که در مشارکت خانگی هستند، کمک خواهیم کرد که در روح و راستی پرستش کنند.

۵. آیا برای کسی که در شام خداوند شرکت می‌کند، تعمد یک امر ضروری است؟

مهم است که ما بدانیم عهدجدید فرمان نمی‌دهد که فقط ایمانداران تعمد یافته می‌توانند در شام خداوند شرکت کنند. ولی کتاب اعمال نشان می‌دهد که مسیحیان قرن یکم از طریق توبه، ایمان و تعمد، وارد مشارکت کلیسایی می‌شدند. تعمد، نشانه این بود که سفرشان با مسیح آغاز می‌شد. این اولین فرمان مسیح بود که به عنوان نوایمان از آن اطاعت کردند (البته با توبه و ایمان همراه بود). در این صورت، از شرکت در شام خداوند هم اطاعت می‌کردند که کلیسا با یکدیگر در آن شرکت می‌کرد.

در طول قرن‌ها، کلیساها معمولاً درخواست کرده‌اند که یک ایماندار قبل از شرکت در شام خداوند، تعمد بگیرد. چون عهدجدید هیچ فرمان واضحی درباره این مسأله نمی‌دهد، رهبری هر یک از کلیساها باید خودش درباره آن تصمیم بگیرد. شاید کلیسای خانگی شما بخشی از یک شبکه کلیسایی است. اگر مطمئن نیستید که کلیسای شما در این مسأله باید کدام مسیر را دنبال کند، باید با رهبران شبکه مشورت کنید.

هر تصمیمی که گروهتان درباره تعمد و شام خداوند می‌گیرد، باید این را در نظر داشته باشد: مسیح به ما تعلیم داد که شاگرد بسازیم و به آنها تعلیم دهیم که از همه فرامین او اطاعت کنند (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). اگر کسانی به مشارکت شما می‌آیند و ادعا می‌کنند که پیروان عیسی هستند و می‌خواهند در شام خداوند شرکت کنند، اما نمی‌خواهند تعمد بیابند، شما به عنوان رهبر باید با آنها جلسه بگذارید تا به علت آن پی ببرید. می‌توانید بعضی از آیات کتاب مقدس در فصل تعمد در این کتاب (فصل ۵) را به آنها نشان دهید تا به آنها کمک کنید که مفهوم و اهمیت آن را درک کنند. اگر آنها از جفا می‌ترسند، به آن فصل مراجعه کنید (فصل ۱۵). راهنمایی ملایم شما به عنوان رهبر می‌تواند به این ایماندار کمک کند که در همه چیزهایی که عیسی به ما تعلیم داده که انجام دهیم، با خوشی از عیسی پیروی کند.

۶. بعضی از گروه‌ها، شراب می‌دهند و بعضی از گروه‌های دیگر، آبمیوه قرمز می‌دهند. کدام روش صحیح است؟

چون ممکن است که بعضی از اعضای شما با وسوسه مستی در کشمکش باشند و شاید با اعتیاد مبارزه می‌کنند، گروهتان می‌تواند تصمیم بگیرد که این اعضای کلیسا را وسوسه نکند. دادن آبمیوه به جای شراب می‌تواند یک گزینه محبت‌آمیز برای همه باشد. شاید گروه‌های دیگر کسی را با چنین وسوسه‌هایی نداشته باشند و رهبران می‌توانند شراب را انتخاب کنند. در هر مورد، بیابید به یاد داشته باشیم که این مراسم برای مشاجر نیست، بلکه برای فروتنی است. این برای کمک به ما در اعتراف به گناه و شکرگزاری از عیسی است که خونش را برای همه ما ریخت: گناهکارانی که نیازمند فیض خدا هستند.

۷. آیا ما باید قبل از شرکت در شام خداوند، کتاب مقدس را بخوانیم؟ اگر اینطور است، چه چیزی را باید بخوانیم؟

در کلیساها مرسوم است که هر بار که نان و پیاله را سرو می‌کنند، اول قرنتیان ۱۱: ۱۷-۳۴ را می‌خوانند، اما شما مجبور نیستید که همیشه این آیات را بخوانید. آیات بسیار زیادی هستند که می‌توانند به گروهتان کمک کنند که بر توبه و ایمان به رحمت خدا تعمق کنند. تنوع، به هشیاری و آشنایی ما با عبارات دیگر کمک می‌کند. عبارات عهدجدید در زیر به ما کمک می‌کنند که مرگ عیسی را برای گناهانمان، بهتر درک کنیم، اما عبارات عهدعتیق در زیر نیز به ما کمک می‌کنند که جدیت گناهانمان و فیض خدا را نسبت به کسانی که با فروتنی به او متوسل می‌شوند، درک کنیم. مزامیر زیر، دعاهای توبه هستند که در طول قرن‌ها به ایمانداران کمک کرده که نیازشان را به طهارت و پاکسازی در نزد خدا ابراز کنند. رهبر این جلسه باید همیشه به اعضای کلیسا یادآوری کند که ما برای بخشش کامل، فقط به مسیح متوسل می‌شویم.

آیات پیشنهادی عهدعتیق که می‌توانید در هنگام برگزاری شام خداوند بخوانید:

- اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۲ اشعیا ۵۳: ۱-۱۲ (این نبوت درباره مصلوب شدن مسیح، ۷۰۰ سال قبل از عیسی نوشته شد!)

- مزمور ۳۲
- مزمور ۵۱
- مزمور ۱۰۳

آیات عهدجدید:

- لوقا ۲۳:۲۶-۵۶ (یا هر یک از گزارشات اناجیل دیگر دربارهٔ مصلوب شدن مسیح: متی ۲۷:۳۲-۶۶؛ مرقس ۱۵؛ یوحنا ۱۹)
- یوحنا ۶:۲۵-۷۱ (عیسی تعلیم می‌دهد که او نان حیات است.)
- رومیان ۳:۲۱-۳۱
- اول قرنتیان ۱۱:۱۷-۳۴
- افسسیان ۲
- فیلیپیان ۲:۱-۱۱
- اول یوحنا ۱:۵-۲:۲
- مکاشفه ۵

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. آیا تا به حال با همه کسانی که در مشارکت خانگی شما شرکت می‌کنند، مفهوم شام خداوند را مطالعه کرده‌اید؟
نکته: علاوه بر مطالعه کتاب مقدس در این فصل، در ۵۰ درس **درس حیاتی**، سه درس درباره شام خداوند موجود است. هر درس به وجه متفاوتی از این زمان مهم می‌پردازد.
۲. با رهبران دیگر در گروهتان، زمانی را به خواندن سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند، در صفحات قبلی، اختصاص دهید. از این سؤالات، به عنوان سؤالاتی برای بحث و گفتگو استفاده کنید تا به شما کمک کند که بدانید برای تصمیم‌گیری درباره سؤالات زیر در گروهتان چه کار کنید:
 - چند وقت یکبار در گروهتان، عشاء ربّانی را برگزار خواهید کرد؟
 - کدام آیات کتاب مقدس را خواهید خواند؟ (به پیشنهادات عهدعتیق و عهدجدید مراجعه کنید.)
 - کدام سرودهای پرستشی خاص را که به افراد کمک می‌کند که بر قربانی عیسی تعمق کنند، قیل (یا در طول) این جلسه خواهید خواند؟
 - بحث و گفتگوهای دیگر در رابطه با سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند.
۳. زمانی را به دعا اختصاص دهید که همیشه برگزاری شام خداوند در گروهتان باعث شود که افراد به‌طور عمیق‌تری از قربانی عیسی برای همه ما قدردانی کنند.

۱۰. رشد در ایمان به وسیله دعا

بخواهید، که به شما داده خواهد شد؛ بجوئید، که خواهید یافت؛ بگوئید، که در به رویتان گشوده خواهد شد. زیرا هر که بخواهد، به دست آورد و هر که بجوئد، یابد و هر که بگوید، در به رویش گشوده شود.

(متی ۷: ۷-۸)

قدرت دعا

در هر جاییکه کلیساها رشد کرده و تکثیر می‌شوند، افرادی را خواهید یافت که صادقانه دعا می‌کنند. اگر شما به مشارکت خانگیتان یاد بدهید که به نزد پدرشان در آسمان دعا کنند و با این ایمان دعا کنند که پدر آسمانشان واقعاً به آنها اهمیت می‌دهد و به دعاهایشان پاسخ می‌دهد، در این صورت مشارکت خانگیتان، شاگردان حقیقی عیسی را خواهد ساخت. این چیزی است که عیسی به اولین شاگردانش تعلیم داد که آن را انجام دهند.

وقتی مرتباً با هم دعا می‌کنیم، ایمان رشد می‌کند، مخصوصاً وقتی که زمانی را به صحبت دربارهٔ پاسخ خداوند به دعاهایمان اختصاص می‌دهیم.

اگر می‌خواهیم که انجیل در سراسر روستاها، شهرها و کشورمان گسترش یابد، باید قوم دعا باشیم. و باید یاد بگیریم که با یکدیگر دعا کنیم.

این فصل به شما کمک خواهد کرد که به‌عنوان یک مشارکت خانگی در دعا رشد کنید. و وقتی دعا می‌کنید، انتظار داشته باشید که انجیل عیسی مسیح از طریق مشارکت خانگیتان، بین دیگران گسترش یابد!

از پولس رسول یاد بگیرید که چگونه دعا کنید

بحث ابتدایی: "آیا امروز درخواستی برای دعا دارید؟" این یک روش معمول برای آغاز زمان دعا در گروه‌های خانگی است. این درخواستها غالباً شامل نیازهای بسیار مهم است:

"من به یک شغل نیاز دارم." "خاله من سرطان دارد." "پسرم، هفته آینده در دانشگاه امتحان دارد."

همه اینها برای خداوندی که از ما می‌خواهد، "بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید..."، مهم است. ما با انجام این کار، مانند مسیح می‌شویم. (غلاطیان ۲:۶).

این درس یک وجه از دعا برای یکدیگر را به ما نشان می‌دهد که در دعای ما با یکدیگر، بسیار متداول نیست. به هر حال، این نوع دعا برای پولس بسیار مهم بود. در حال مطالعه، به این فکر کنید که این نوع دعا را به زمانهای دعای گروهی خود بیفزایید.

با یکدیگر افسسیان ۳:۱۴-۲۱ را بخوانید.

۱. آیه ۱۴ را دوباره بخوانید.
پولس با "از این رو..." آغاز می‌کند. یعنی او به چیزی که قبلاً گفته، اشاره می‌کند. آیات قبلی در افسسیان ۳ درباره کاری است که مسیح برای ما انجام داده و درباره دولت‌مندی ما در اوست. بعد او در آیه ۱۲، مطلب بسیار مهمی را به ما می‌گوید. او به ما چه می‌گوید؟
چون پولس می‌داند که می‌تواند آزادانه و با اطمینان به خدا نزدیک شود، در آیه ۱۴ چه کار می‌کند؟ آیا می‌توانید بگویید که گروه خانگی شما به خاطر کاری که عیسی بر روی صلیب برای ما انجام داده، آزادانه و با اطمینان به خدا نزدیک می‌شود؟
۲. آیات ۱۶-۱۹ را دوباره بخوانید. پنج چیز را که پولس در این آیات از پدر درخواست می‌کند، نام ببرید.
۳. دوباره به‌طور آهسته، آیه ۱۶ را بخوانید. درباره معنی این آیه بحث و گفتگو کنید. اگر اغلب اوقات این دعا را می‌کردید، این چگونه می‌توانست به گروهتان کمک کند که قویتر شوند؟
۴. حالا به آهستگی آیه ۱۷ را بخوانید. درباره این سؤال بحث و گفتگو کنید: ما چقدر از این موضوع آگاهیم که مسیح در ما ایمانداران ساکن است؟ چگونه این آگاهی می‌تواند در یافتن آرامش و خوشی روزانه در تمام مشکلاتی که در زندگی با آنها مواجه می‌شویم، تفاوت ایجاد کند؟
۵. دوباره آیات ۱۷-۱۹ را بخوانید. وقتی ما در ایمانمان رشد می‌کنیم، در شناخت و تجربه محبت عظیم خدا عمیقتر می‌شویم. ما با تفکر درباره محبت مسیح که زندگیش را فدای گناهان دنیا کرد، این محبت شگفت‌انگیز را درک می‌کنیم. پولس می‌داند که خدا می‌خواهد که ایمانداران او را بشناسند، پس او صادقانه برای افسسیان دعا می‌کند که "آن محبت را که فراتر از معرفت بشری است، بشناسید." آیا شما هم این را برای گروه خانگیتان می‌خواهید؟ آیا می‌توانید چیزی را مهمتر از دعا برای یک ایماندار دیگر بدانید؟
در آیه ۱۹، پولس می‌گوید که نتیجه این است که "از همه کمالات خدا آکنده شوید." چقدر شما می‌خواهید که از کمالات خدا آکنده شوید؟
اگر ما این نوع دعا را با دعاهای دیگری که در مقدمه ذکر شد، همراه کنیم (برای یک شغل، برای یک شخص بیمار و غیره)، این بر بلوغ مشارکت خانگیمان چه تأثیری خواهد گذاشت؟
چقدر بلوغ روحانی هر یک از اعضای کلیسای خانگیتان برای شما مهم است؟
۶. پولس یک حقیقت شگفت‌انگیز را در آیه ۲۰ به ایمانداران یادآوری می‌کند. این حقیقت چیست؟ آیا شما آن را باور دارید؟
بعد در آیه ۲۱، او درباره جلال خدا صحبت می‌کند. آیه ۲۱ را دوباره بخوانید. این جلال باید در کجا دیده شود؟
۷. در حالیکه در سکوت آیات ۱۶-۱۹ را مرور می‌کنید، اکنون (و در جلسات آینده با گروهتان) زمانی را به دعا برای خودتان اختصاص دهید که از محبت خدا پُر شوید، تا جلال او در شما دیده شود.

با دعا خاتمه دهید: شاید بخواهید که اغلب اوقات به این دعا مراجعه کنید، وقتی برای مشارکت خانگیتان دعا می‌کنید، از آن به‌عنوان الگو استفاده کنید. شما می‌توانید این آیات را دعا کنید، اسامی اعضای گروهتان را در آن بگذارید. و به اعضای گروهتان بیاموزید که همین کار را انجام دهند و برای خودشان و دیگران دعا کنند.

در این موضوع عمیقتر شوید: پولس رسول دعا‌های دیگری را برای بلوغ روحانی شاگردانش دعا کرد. چند نمونه در زیر ارائه شده است. غالباً در تنهایی و در جلسات مشارکتان، زمانی را به این دعاها برای خودتان، مشارکتان و همچنین برای ایمانداران دیگر در کشورتان و در جهان اختصاص دهید.

افسیان ۱: ۱۷-۱۹؛ فیلیپیان ۱: ۹-۱۱؛ کولسیان ۱: ۹-۱۲

قوم بالانگائو، دعا کردن را یاد می‌گیرند

شاید هرگز چیزی درباره قوم بالانگائو نشنیده‌اید، درست است؟ در اعماق کوه‌های جنگلی فیلیپین، وقتی انجیل عیسی مسیح در اوایل قرن بیستم به این قبیله‌ای رسید که سر دشمنانشان را به‌عنوان غنیمت جمع‌آوری می‌کردند، آنها به‌طور شگرفی تغییر کردند. این داستان شگفت‌انگیز در کتاب، و کلام با قدرت آمد، نوشته جوان شتلر و پاتریشیا پرویس بیان شده است.

جوان شتلر در اواسط دهه بیست زندگی‌اش، به همراه یک خانم مجرد دیگر رفتند که به دعوت این قبیله با آنها زندگی کنند. درباره کلام خدا که در یک کتاب نوشته شده، با قوم بالانگائو صحبت کرده بودند. آنها به‌طور شگفت‌انگیز از این دو خانم آمریکایی استقبال کردند که بیابند و با آنها زندگی کنند. جوان (با کمک شرکای دیگر در طول سالها) تکلیف یادگیری زبان بالانگائو و ترجمه کتاب مقدس برای آنها را برعهده گرفت.

درحالی‌که کار ترجمه در طول سالها ادامه می‌یافت، جوان درباره عیسی مسیح، زندگی و مرگ او و اینکه چگونه او بر روی صلیب، شرم و گناهشان را بر خود گرفت، به این قوم تعلیم داد. همچنین درباره رستاخیز او از مردگان با آنها صحبت کرد که این امید زیادی به آنها بخشید. زندگی برای این قومی که در تاریکی و ترس از ارواح شریر زندگی می‌کردند، بسیار سخت بود. آنها قربانی‌هایی را به این ارواح شریر تقدیم می‌کردند. وقتی جوان به آنها تعلیم داد که قدرت عیسی بیشتر از ارواحی است که آنها را عذاب می‌دهد و عیسی می‌تواند این ارواح را شکست دهد و آنها را آزاد کند، آنها با دقت گوش می‌دادند. این کتاب درباره پیروزیهای شگرف بر نیروهای شیطانی صحبت می‌کند.

داستان زیر، یک موضوع مهم دیگر از همان کتاب است. در اینجا جوان می‌گوید که چگونه قوم بالانگائو یاد گرفتند که با تمامی دل در نزد خدا دعا کنند.

"من به‌طور مستمر دعا کردم که بالانگائوها از ارواح روگردان شده و به خدای آسمان اعتماد کنند. خدا پاسخ داد... آنها کم کم ایمان آوردند. بعد من شبها بیدار می‌شدم و از خدا درخواست می‌کردم که ارواح را شکست دهد. و خدایی که مرا برای دعا بیدار کرده بود، به دعاها هم پاسخ داد."

"حالا در طول روز دعا می‌کردم و دوباره شبها بیدار می‌شدم. خدایا به این نوایمانان یاد بده که چطور دعا کنند. چطور به شکل واقعی دعا کنند. خداوند، یک کاری بکن." آنها می‌دانستند که چطور برای متولد شدن در خانواده خدا دعا کنند. اما درک نمی‌کردند که چطور در مسائل روزمره زندگی از خدا کمک بگیرند. آنها دعای مرا دوست داشتند، اما خودشان دعا نمی‌کردند.

"من با درماندگی و با احتیاط به خدا گفته بودم که "برای من مهم نیست که باید چه کار کنی؛ کاری کن که این قوم دعا کنند!"

جوان نمی‌دانست که چه چیزی را باید قربانی می‌کرد تا دعاهایش برای قوم بالانگائو پاسخ داده شود. یک ماه بعد، او با یک هلیکوپتر بزرگی که وسایل ساختمان‌سازی را حمل می‌کرد- چند تن سیمان، میخ و غیره- به این کوهها سفر می‌کرد تا یک بیمارستان کوچکی را برای قوم بالانگائو بسازد. وقتی هلیکوپتر درحال فرود بود، به یک درخت برخورد کرد و روی زمین سقوط کرد. دکتر گشته شد و جوان و چند نفر دیگر، در زیر چند تن سیمان دفن شدند.

قوم بالانگائو بعد از خاموش کردن آتش، به داخل هلیکوپتر شکسته رفته و کار حفاری را آغاز کردند. آنها بُشکه‌های میخ و کیسه‌های سیمان را بیرون انداختند تا جوان را که تقریباً مُرده بود، در زیر آن پیدا کنند. او را از هلیکوپتر بیرون کشیده و متوجه شدند که پودر سیمان از کیسه‌های پاره به چشمان او ریخته بود. دنده‌اش شکسته بود و یک ریه‌اش متلاشی شده بود. او به‌سختی می‌توانست حرف بزند.

در تمام طول شب، قوم بالانگائو سعی کردند که به او کمک کنند، درحالی‌که جوان درباره چیزهای مورد نیازش، به‌آرامی دستورالعملهایی را به آنها می‌داد. در اینجا او به داستان ادامه می‌دهد...

"... من به‌آرامی دستورالعملها را می‌دادم: "شما باید چشمان مرا بشویید. یک پارچ آب بیاورید، چشمانم را باز نگه دارید و آب را داخل چشمانم بریزید. چند بار این کار را انجام دهید."

"آب مانند زغالهای مشتعلی بود که کاسه چشمم را فشار می‌داد. من با صدای گرفته اصرار کردم: "ادامه بدهید." وقتی درد، نفسم را بند آورد، آنها دست از کار کشیدند. من نفس کشیدم، بعد دوباره مصرانه زمزمه کردم، "ادامه بدهید و آب را به داخل چشمم بریزید!"

"من در طول شب، در دلم فریاد می‌زدم: "خدایا، من نباید نابینا شوم- اگر نابینا شوم، نمی‌توانم این ترجمه را تمام کنم."

"این شکنجه تا ساعتها ادامه داشت. شب، طولانی بود و درد، شدید."

"اما یک چیز دیگری هم اتفاق می‌افتاد. یک چیز جدید برای بالانگائوها. در طول شب، مسیحیان بالانگائو یکی یکی از بین جمعیت آمده و دستم را لمس کرده و دعا کردند. من هرگز این را فراموش نخواهم کرد- آنها واقعاً شروع کردند به دعا کردن! دعهایشان برای من، ناخواسته و بسیار پُر حرارت و از ته دلشان بود."

"سه ماه پیش، من در نامه‌ای به کشورم، از دوستانم خواسته بودم که دعا کنند:

ایمانداران نیاز دارند که یاد بگیرند برای همه چیز و با شدت دعا کنند. آنها باید درک کنند که قدرت خودشان بیفایده است، حتی در انجام امور "الهی"، و فقط کار خدا در زندگی انسانها، یک کار واقعی خواهد بود... اگر من در دلم اشتیاقی داشته باشم، آن اشتیاق این است که خدا این بالانگائوها را یک قوم دعای تأثیرگذار و قدرتمند بسازد."

"آن شب، وقتی روی زمین دراز کشیدم؛ بیشتر مُرده بودم تا زنده، بالانگائوها دعا می‌کردند- واقعاً دعا می‌کردند. یکی بعد از دیگری، یک دعا را تکرار می‌کردند، "نگذار که او بمیرد، این کتاب هنوز تمام نشده است. لطفاً فقط اجازه بده که او زنده بماند؛ این کتاب هنوز تمام نشده است..."

"این بدترین و بهترین شب زندگی بود که همه در یک شب خلاصه می‌شد. بدترین دردی که تا آن زمان شناخته بودم، به خاطر دعاهای آنها، تحت‌الشعاع لحظاتی از حیرت توصیف‌ناپذیر قرار گرفته بود."

"روز بعد به‌صورت هوایی، مرا به بیمارستانی دور از بالانگائوها بردند. شش هفته- با درد و بی‌خوابیهای شبانه- طول کشید تا بهبود یابم. در هیچ کجا نمی‌توانستم خدا را ببینم. نمی‌توانستم او را احساس کنم. نمی‌توانستم صدایش را بشنوم؛ هیچ موجی از جلال نبود، فقط امواج درد بود که یکی بعد از دیگری می‌آمد."

"بعد از شش هفته دیگر که استراحت کرده و بهتر شدم، به بالانگائو بازگشتم تا به ترجمه ادامه دهم. متحیر شدم از اینکه بالانگائوها هنوز دعا می‌کردند. بالاخره آنها یاد گرفتند که می‌توانند برای همه چیز، بزرگ یا کوچک، دعا کنند. دعای پُر حرارت، بخشی از زندگی‌شان شده بود. آنها بعد از سقوط هلیکوپتر، هرگز مثل گذشته نبودند. من هم مثل گذشته نبودم."^۲

^۲ از کتاب و کلام با قدرت آمده، نوشته جوان شیتلر و پاتریشیا پرویس، وایکلیف، ۲۰۰۲. با کسب اجازه از جوان شیتلر مورد استفاده قرار گرفته است.

سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند

۱. در گروه خانگی ما، غالباً زمان دعايمان، یک فهرست طولانی از درخواستهاست. همه مشکلاتی دارند: بیماری در خانواده، مشکلات مالی و انواع نگرانیها. بعضیها در گروهمان به دعا ادامه داده و به فهرست مشکلاتشان می‌پردازند. این گاهی اوقات ما را خسته می‌کند (و به خواب می‌رویم!) آیا می‌توانید پیشنهاداتی را به ما بدهید که چگونه هر هفته، حیات و ایمان تازه‌ای را به زمان دعای خود ببخشیم؟

اکثر افراد می‌دانند که به‌خوبی دعا نمی‌کنند. به همین دلیل شاگردان از عیسی خواستند که دعا کردن را به آنها بیاموزد. عیسی با الگوی دعایش به آنها کمک کرد، و در آیات قبل از آن، دستورالعملهایی داد که چگونه دعا نکنند. (به متی ۶: ۵-۱۵ مراجعه کنید). او در جاهای دیگر نیز درباره دعا و ایمان تعلیم داد. ما باید کلام عیسی را درباره دعا مطالعه کنیم تا با اطمینان، ایمان و خوشی دعا کنیم.

در کتاب ۵۰ درس حیاتی، ۵ درس درباره دعا موجود است که برگرفته از تعلیم عیسا است و شاید بخواهید که در مشارکت خانگیان با یکدیگر آنها را مطالعه کنید.

همچنین درک این مطلب که "دعا" در کلام خدا، فقط بیان درخواستهای شخصی به خدا نیست، می‌تواند برای گروهان مفید باشد. دعا شامل چیزهای بسیار زیادی است. اگر به مزامیر نگاه کنیم، می‌بینیم که خدا نمونه‌های زیادی از دعا را به ما داده است. یک زمان دعای متعادل باید شامل عناصر زیر باشد:

ستایش

به یاد داشته باشید که دعا، وارد شدن به حضور تخت خالق جهان هستی است. او کسی است که برای شما و کل دنیا مُرد. ورود به حضور او، فقط با فهرستی از خواسته‌ها و نیازها، شکوه و عظمتش را نادیده می‌گیرد. زمانی را به تفکر درباره عظمت او اختصاص دهید، یک مزمور درباره قدرت او بخوانید و با حیرت پرستش کنید. ایمان شما با اختصاص دادن زمانی به تفکر درباره عظمت او بنا می‌شود. پرستش می‌تواند شامل یک سرود ستایشی، رقص با خوشی باشد یا می‌تواند به معنای زانو زدن در سکوت باشد.

این چند نمونه از آیات کتاب مقدس درباره ستایش است:

مزامیر ۱: ۳۳-۱۱ و مزامیر ۵۹: ۱۶-۱۷.

شکرگزاری

خداوند به ما هر لحظه نَفَس، غذا و لباس، خانواده، دوستان، کار و چیزهای شگفت‌انگیز زیادی می‌دهد تا از آنها لذت ببریم. هرگاه که زمانی را به شکرگزاری برای همه این برکات خدا اختصاص می‌دهیم، غالباً می‌بینیم که غم و افسردگی از ما دور می‌شود. شکرگزاری، سلاحی برای مبارزه با دلسردی از جانب شیطان است.

به‌طور گروهی بر اهمیت شکرگزاری در دعاهايتان تعمق کنید:

اول تسالونیکیان ۵: ۱۸؛ افسسیان ۵: ۲۰؛ مزامیر ۱۱۸: ۲۱

اعتراف به گناه

اگر ما سعی کنیم که گناه را در زندگیمان مخفی کنیم، در واقع نقاب زده‌ایم و وانمود می‌کنیم که با خداوند مشارکت داریم. اما خداوند نور است و نور او دل‌های ما را تفتیش می‌کند. به همین دلیل وقتی سرمان را در دعا خم می‌کنیم، روح‌القدس غالباً گناه را برای ما آشکار می‌کند. عیسی تعلیم داد که وقتی گناه می‌کنیم، باید از خداوند طلب بخشش کنیم و ما هم باید دیگران را ببخشیم. وقتی رهبران این حقایق را در گروه‌هایشان تعلیم می‌دهند، عملکرد خوبی دارند.

این بعضی از آیات کتاب مقدس درباره اعتراف به گناه است. گروه شما می‌تواند با یکدیگر بر آنها تعمق کند:

اول یوحنا ۱: ۲-۲؛ متی ۶: ۱۲؛ مزامیر ۳۲: ۳-۵؛ مزامیر ۳۸: ۱۸؛ امثال ۲۸: ۱۳

دعا برای خودتان

اینها دعا‌های شخصی خودمان است، نیازهای زندگیمان، مانند نان روزانه، مکانی برای زندگی، صبر بیشتر، حکمت و غیره.

به فیلیپیان ۷:۴-۶؛ یعقوب ۵:۱۳؛ متی ۶:۱۱ و ۱۳؛ متی ۲۶:۴۱؛ متی ۷:۷-۱۱ مراجعه کنید.

دعا برای دیگران

با اختصاص دادن زمانی به دعا برای دیگران، محبت مسیح را نشان می‌دهیم، همانطور که مسیح این کار را برای ما انجام می‌دهد. این شامل دعا برای گمشدگان است که مسیح را بشناسند و دعا برای نیازهای برادران و خواهرانمان و برای رشدشان در مسیح.

به افسسیان ۶:۱۸-۲۰؛ کولسیان ۱:۹-۱۲؛ کولسیان ۴:۱۲؛ یعقوب ۵:۱۶؛ اول تیموتائوس ۲:۱-۲؛ متی ۵:۴۴-۴۵ مراجعه کنید.

۲. من می‌خواهم ببینم که گروه مشارکتی من بیشتر با اقتدار عیسی دعا می‌کند. من می‌دانم که عیسی به ما گفته که با ایمان دعا کنیم، اما گاهی اوقات به نظر می‌رسد که دعاها ما بسیار ضعیف است. ما چگونه می‌توانیم در حال دعا کردن، ایمانمان را قویتر کنیم؟

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایمان از شنیدن کلام خداست (رومیان ۱۰:۱۷). ما باید در زمانهای دعا، داستانهایی را از عهدعتیق و عهدجدید بخوانیم، و قتیکه مردان ایمان دعا کرده و معجزات قدرتمندی را دیدند.

- وقتی برای بیماران دعا می‌کنید، شاید بخواهید داستانی را درباره عیسی بخوانید که مردم را شفا می‌داد (لوقا ۴:۳۸-۴۰؛ لوقا ۵:۱۲-۱۳؛ لوقا ۷:۱-۱۰).
- وقتی برای قدرت اعلام انجیل به غیرایمانداران دعا می‌کنید، شاید بخواهید داستانی از اعمال ۴:۱-۳۱ را بخوانید، و قتیکه روح القدس بر ایمانداران نازل شد و آنها با شجاعت کلام را موعظه کردند.
- وقتی با قدرتهای شیطانی در کشمکش هستید، درباره اقتدار عیسی بر ارواح شریر بخوانید. (لوقا ۴:۳۱-۳۷؛ مرقس ۱:۵-۲۰)
- اگر نیاز دارید که به گناه اعتراف کنید، از مزمور ۵۱ یا مزمور ۳۲ استفاده کنید تا به شما کمک کند که در مورد گناهتان با خدا صادق باشید، و به او اعتماد کنید که شما را ببخشد (اول یوحنا ۱:۹).
- اگر برای نیازهای روزانه خود دعا می‌کنید، کلام عیسی را درباره مراقبت پدر از پرنندگان، در متی ۶:۲۵-۳۴ بخوانید.

از این آیات کتاب مقدس استفاده کنید تا به تقویت ایمانتان کمک کند، اینکه عیسی به شما اهمیت می‌دهد و قدرت دارد که وقتی دعا می‌کنید، به شما کمک کند.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. در هفته‌های آینده وقتی مشارکت خانگی‌تان با هم جمع می‌شوند (یا در گروه‌های کوچک در طول هفته)، ۵ درس دعا را در ۵۰ درس حیاتی انجام دهید. اینها درس‌هایی از تعالیم عیسی هستند که به شما کمک می‌کنند تا یاد بگیرید که به روش او دعا کنید.
یا...
۲. در جمع‌های خود، زمانی را به مطالعه آیات کتاب مقدس درباره جوانب مختلف دعا که در بالا ذکر شد، اختصاص دهید: ستایش، شکرگزاری، اعتراف به گناه، دعا برای خودتان، دعا برای دیگران. درحالی‌که با یکدیگر مطالعه می‌کنید، مکث کنید تا این روش‌های متفاوت برای دعا را بکار ببرید و به یاد داشته باشید که این جوانب را مرتباً در زمان دعای هفتگی خود داشته باشید.
۳. در نظر داشته باشید که روزها یا عصرهای خاصی را برای گروه خانگی‌تان برنامه‌ریزی کنید که با یکدیگر دعا کنید و شاید روزه بگیرید. از این زمان استفاده کنید تا با شدت بیشتر برای خانواده‌ها، گمشدگان ملت خود، دولت خود و غیره دعا کنید. برای قدرت رشد در مسیح و اعلام انجیل به کسانی‌که خداوند را نمی‌شناسند، دعا کنید.

۱۱ . پی بردن به برکت هدیه دادن

"از هر لحاظ به شما نشان داده‌ام که باید چنین سخت کار کنیم تا بتوانیم ضعیفان را دستگیری نماییم، و سخنان خود خداوند عیسی را به یاد داشته باشیم که فرمود: "دادن از گرفتن فرخنده‌تر است.""

(اعمال ۲۰: ۳۵)

بنای ملکوت خدا از طریق هدیه دادن

هیچکس بیش از خدا درباره هدیه دادن چیزی نمی‌داند. هیچ هدیه‌ای گرانباتر از هدیه پسر خدا به جهان نیست. (به یوحنا ۳: ۱۶ مراجعه کنید) عیسی زندگیش را فدای ما کرد و تعلیم داد که ما هم آن را فدا کنیم.

او به ما تعلیم داد که "نمی‌توانید هم بنده خدا باشید، هم بنده پول" (لوقا ۱۶: ۱۳). وقتی ما با سخاوتمندی هدیه می‌دهیم، قدمهای مثبتی را برمی‌داریم که برای آینده خود به خدا اعتماد کنیم... و در محبت رشد می‌کنیم.

ما در کلام خدا، دو نوع هدیه دادن را می‌آموزیم:

اول، همه ما در تکالیف روزانه‌مان، با افرادی برخورد می‌کنیم که نیازمند کمک هستند: گدایی که در خیابان است، کسی که نمی‌تواند هزینه عمل جراحی مورد نیاز را بپردازد، بیوه‌زنی که نیازمند یک کیسه خواربار است. ما شخصاً از جیب خود هدیه می‌دهیم.

اما یک طریق دومی هم برای هدیه دادن وجود دارد که می‌تواند تأثیر عمیقتری داشته باشد. این زمانی اتفاق می‌افتد که ایمانداران یاد می‌گیرند که در هدایای گروه هدیه بدهند. درس ما از کلام خدا در صفحه بعد، یک نمونه از آن را نشان خواهد داد.

در طول قرن‌ها، به‌خاطر هدایای ایمانداران از طریق کلیساهایشان، نیکوکارهای زیادی در دنیا انجام شده است. فقط کلیساهای بزرگ این کار را نمی‌کنند. این در مشارکتهای خانگی سراسر دنیا اتفاق می‌افتد. مشارکتهای خانگی، ادبیات مسیحی را می‌خرند تا به دیگران بدهند. آنها به فقرایی که با آنها پرستش می‌کنند، هدیه می‌دهند و به کسانی که خارج از گروه خانگی هستند نیز هدیه می‌دهند. همچنین از تیمها حمایت می‌کنند تا انجیل را به مکانهای دیگر ببرند.

این فصل به شما کمک خواهد کرد تا در نظر بگیرید که چگونه هدایای کلیسای خانگیان می‌تواند ملکوت خدا را در شهر و کشورتان و در بخشهای دیگر دنیا بنا کند.

پولس رسول به کلیساها می‌آموزد که با سخاوتمندی هدیه بدهند

بحث ابتدایی: دنیایی را تصور کنید که در آن مهربانی و بخشندگی خداوندمان بر قلبها حاکم است. این چه دنیایی می‌شد؟

اعمال ۱۱: ۲۷-۳۰ را با یکدیگر بخوانید.

۱. آگابوس چه نبوتی کرد (آیه ۲۸)؟ شاگردان در انطاکیه تصمیم گرفتند که چه کار کنند؟ (آیه ۲۹) چه کسی را انتخاب کردند که هدایا را به یهودیه ببرد؟ (آیه ۳۰)

یک زمانی، پولس تصمیم گرفت که از کلیساهای شهرهای دیگر هدیه جمع کند تا به کلیساهای یهودیه کمک کند. درس امروز به این موضوع خواهد پرداخت که چگونه پولس قرنطیان را تشویق کرد که برای این نیاز هدیه بدهند.

اول قرنطیان ۱۶: ۱-۴ را با یکدیگر بخوانید.

۲. دستورالعمل او به کلیساهای قرنطیان و غلاطیان چه بود؟ (آیه ۱-۲)

۳. چه کسی هدیه را به اورشلیم خواهد برد؟ (آیه ۳-۴)

دوم قرنطیان ۸ را با یکدیگر بخوانید.

۴. در آیات ۱-۵، پولس، نگرش کلیساهای مقدونیه را در هدیه دادن توصیف می‌کند. با یکدیگر آیات ۱-۵ را بخوانید، بعد درباره شرایط دشوار آنها و نگرش شگفت‌انگیزشان در این آزمایش و سختی، بحث و گفتگو کنید.

۵. سپس پولس از قرنطیان استدعا می‌کند که مانند مقدونیان، چنین نگرش سخاوتمندانه‌ای را داشته باشند. در آیه ۹ پولس از چه کسی به‌عنوان نمونه بخشش سخاوتمندانه استفاده می‌کند؟

۶. در آیات ۱۰-۱۲، پولس به قرنطیان چه توصیه‌ای می‌کند؟

چه چیزی یک هدیه را مقبول می‌سازد؟ (آیه ۱۲)

۷. در آیات ۲۰-۲۱ پولس سعی می‌کرد چه کار کند؟

دوباره آیات ۱۶-۱۹ را بخوانید. او در این آیات برای جلوگیری از انتقاد چه کار می‌کرد؟

چرا مهم است که در نحوه جمع‌آوری، نگهداری و سپس توزیع پول در هدایایی که در مشارکت خانگیان جمع می‌کنیم، بسیار مراقب باشیم؟

دوم قرنطیان ۹ را با یکدیگر بخوانید.

۸. در آیه ۶ منظور پولس چیست؟ چرا مهم است که رهبران این قاعده را در مشارکت خانگی تعلیم دهند؟ چرا در هدیه دادن، ایمان به این حقیقت، ضروری است؟

۹. آیه ۷ را دوباره بخوانید. اگر ما ایمانداران را مجبور کنیم که هدیه بدهند، این چه چیزی را در قلبشان نابود می‌کند؟ "خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد"، چه مفهومی دارد؟

۱۰. در آیات ۱۲-۱۵، پولس درباره بهترین نتیجه هدیه دادن ما صحبت می‌کند. این نتیجه چیست؟

با دعا خاتمه دهید: ما امروز درباره بخشش سخاوتمندانه و مدیریت حکیمانه هدایا یاد گرفتیم. اگر همه گروههای خانگی این کشور یاد بگیرند که با چنین سخاوت و حکمتی هدیه بدهند، این چگونه ملکوت خدا را در اینجا بنا خواهد کرد؟ برای وقوع چنین چیزی دعا کنید!

هدیه فداکارانه در کلیسای آفریقای، انجیل را گسترش داد

گاهی اوقات ما در سکوت به خودمان می‌گوییم که وقتی ثروتمند شدیم، آنگاه با سخاوتمندی هدیه خواهیم داد. این داستان درباره این است که چگونه کلیساهایی در بین افراد بسیار فقیر اتیوپی، از فرمان عیسی برای هدیه دادن اطاعت کردند. هدیه دادن آنها، یک نمونه زیبا برای همه ماست. این یادآور آن بیومزنی است که آخرین سکه‌اش را داد (مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴)

از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۲، کلیسای والامو در اتیوپی، رشد سریعی را تجربه کرد. به‌خاطر اشغال دولت ایتالیا در طول جنگ جهانی دوم، میسیونرها مجبور به ترک این کشور شدند. میسیونرها، انجیل را به قوم والامو تعلیم داده بودند، اما فقط ۴۸ والامو به مسیح ایمان آوردند. وقتی میسیونرها آنجا را ترک کردند، فقط انجیل مرقس و بخشهای اندکی از کتاب مقدس به زبان والامو ترجمه شده بود.

در طول پنج سالی که از عزیمت میسیونرها می‌گذشت، کلیسای والامو رشد کرد و ۱۰۰۰۰ ایماندار داشت! همه اینها تحت جفای شدید اتفاق افتاد. مبشران والامو به‌شدت مضروب و زندانی شدند. وقتی انجیل را در همه جا گسترش می‌دادند، به‌خاطر ایمانشان متحمل رنج و عذاب زیادی شدند.

والاموها متعهد بودند که از همه تعالیم عیسی اطاعت کنند، از جمله فرمان عیسی برای هدیه دادن. آنها هیچ بودجه خارجی برای کمک نداشتند. آنها در رنجایشان، قلب خدا برای گسترش انجیل و کمک به فقرا را بدست آوردند. اگرچه همه آنها بسیار فقیر بودند، اما همچنان یاد گرفتند که کسانی که نیازهای بیشتری داشتند، هدیه بدهند، هم نیازهای جسمانی و هم نیازهای روحانی. وقتی میسیونرها بازگشتند، دیدند که این قومی که ایمانشان مانند ایمان کودکان بود، کلام عیسی را جدی گرفتند. آنها با سخاوت و خوشی هدیه دادند.

و هدایای والامو فقط پول نبود. چون غالباً هیچ پولی نداشتند، آنها تکه‌هایی از لباسشان را درآورده و در هدایای می‌انداختند، چیزهایی مانند کفش یا ژاکت. بعداً این اقلام در بازارها فروخته می‌شدند. این پول برای گسترش انجیل بکار می‌رفت.

والاموها خوشحال بودند که هدایایشان، هر ساله از مبشران بیشتری حمایت می‌کرد. یک سنت به‌زودی در کنفرانسهای سالانه‌شان آغاز شد. هر کسی مطابق ایمانش قول می‌داد که از خدا کمک بطلبد تا یک هدیه سخاوتمندانه را به کنفرانس سال بعد بیاورد. اگرچه آنها به رهبران می‌گفتند که چه مبلغی را از خدا درخواست می‌کنند، اما بدون هیچ فشاری از سوی انسانها قول می‌دادند. این وعده بین هر تک اشخاص و خدا بود، و در طول سال دعا می‌کردند، کار می‌کردند و پول را پس‌انداز می‌کردند تا هدایایشان را در گردهمایی سال بعد تقدیم کنند.

در یک کنفرانس، یک خانمی می‌خواست که در عرض چند روز در پایان گردهمایی، یک هدیه بدهد. او چند سکه کوچک به پول رایج کشورش داشت، اما می‌خواست که هدیه‌ای بزرگتر از این بدهد.

یک روز بعد از کلاسها، او این چند سکه را برداشت و در بازار کمی پنبه خرید. چون در طول روز در کلاسها مشغول بود، آخر شب بیدار می‌ماند تا از این پنبه‌ها، نخ بریسد. چند شب طول کشید تا این نخ را تمام کند. ساعتها پیش از سپیده صبح، در حدود ۵ ساعت تا بازار راه رفت. در آنجا نخ خود را فروخت و به کنفرانس بازگشت.

وقتی از راه رسید، هدیه فداکارانه‌اش را در دستهای یک رهبر گذاشت. او خیلی خوشحال بود که توانست چنین هدیه بزرگی بدهد. این از دو سکه کوچک او رشد کرده و به چیزی معادل هشت سنت آمریکایی رسیده بود!^۴

^۴ این داستان برگرفته از کتاب آتش بر روی کوهها، نوشته ریموند داویس، زاندروان، ۱۹۶۶ است.

۱. چرا هدیه دادن برای زندگی ایماندار و سلامت مشارکت مهم است؟

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ما باید به دلایل بسیاری هدیه بدهیم. این چند مورد از آنهاست. آیات کتاب مقدس را در هر بخش بخوانید:

- هدیه دادن به ما کمک می‌کند که در برابر طمعکار و خودمحور شدن، از خود محافظت کنیم (اول تیموتائوس ۶: ۶-۱۰ و ۱۷-۱۹).
- هدیه دادن باعث ایجاد اتحاد در بدن مسیح می‌شود. اگر مطالعه کتاب مقدس در این فصل را نخوانده‌اید، لطفاً زمانی را به مطالعه آن اختصاص دهید. در این مطالعه می‌بینیم که وقتی کلیساها برای کمک به یکدیگر هدیه دادند، در محبت به یکدیگر رشد کردند.
- هدیه دادن، محبت و شفقت خدا را نسبت به فقرا، از جمله غیرایمانداران نشان می‌دهد (لاویان ۲۳: ۲۲؛ تثنیه ۱۵: ۷-۱۱).
- هدیه دادن به نیازمندان، یکی از طریقه‌هایی است که می‌توانیم اول ملکوت خدا را بطلبیم. مطابق تعلیم عیسی، این به ما کمک می‌کند که بر خدا به‌عنوان مهیا کننده‌مان تمرکز کنیم (متی ۲۵: ۶-۳۳).
- هدیه دادن، طریقی است که خدا به ما اجازه می‌دهد که با او در گسترش خبر خوش به دیگران شرکت کنیم. این یکی از طریقه‌هایی است که می‌توانیم گنجی در آسمان داشته باشیم. به‌عنوان مثال، به خوشی حاصل از سپیم شدن در هدایا برای خرید کتاب مقدس یا دیگر ادبیات روحانی برای دادن به کسانی که کلام خدا را ندارند، یا برای فرستادن یک نفر به شهری دیگر یا کشوری دیگر برای تعلیم یا موعظه درباره عیسی فکر کنید! (متی ۱۹: ۶-۲۱)

۲. آیا مسیحیان باید دهیک بدهند (یعنی ۱۰٪ از درآمدها را بدهند)، مانند قوم یهود که به آنها فرمان انجام این کار داده شده بود؟

بعضی از مسیحیان دهیک می‌دهند؛ بعضیها دهیک نمی‌دهند. بعضی از کلیساها تعلیم می‌دهند که این هنوز برای مسیحیان کاربرد دارد و دهیک باید به کلیسا داده شود. عده‌ای دیگر می‌گویند که باید یاد بگیریم که با سخاوتمندی هدیه بدهیم، اما دهیک به‌تثایی، از عهدعتیق است و چیزی نیست که عهدجدید به‌عنوان بخشی از آموزه مسیحی تعلیم دهد.

در عهدجدید فقط در دو قسمت، دهیک ذکر شده است. یکی در مثلی درباره یک رهبر مذهبی است که به خدا یادآوری کرد که روزه گرفته و دهیک داده و کارهای بد نکرده است. اما عیسی گفت که او از نظر خدا عادل نبود (لوقا ۱۸: ۹-۱۴). دیگری در جایی است که عیسی هشدار شدیدی به فریسیان می‌دهد، چون آنها عدالت، رحمت و امانت را نادیده گرفته بودند و در عوض بر جوانب جزئی دهیک دادن، به‌عنوان مثال دهیک نعناع در باغشان تمرکز کرده بودند. عیسی گفت که دهیک دادن مهم است، اما آنها نسبت به مهمترین چیزها نابینا بودند (متی ۲۳: ۲۳-۲۴).

در بقیه عهدجدید، چیزی درباره دهیک ذکر نشده و هیچ فرمانی به مسیحیان داده نشده که این عمل عهدعتیق را ادامه دهند. اما بخشش سخاوتمندانه مکرراً توسط عیسی و رسولان تعلیم داده شده و کسانی که فداکارانه هدیه می‌دهند، ستایش شده‌اند. اگر خدا تحت عهد قدیم به یهودیان تعلیم داد که ده درصد از درآمدها را بدهند، آیا ممکن است که این حداقل چیزی باشد که پیروان عیسی باید بدهند، عیسایی که همه چیز را فدای آنها کرد؟ آیا ما می‌توانیم کمتر بدهیم؟ آیا نباید بیشتر بدهیم- نه به‌خاطر شریعت، بلکه به‌خاطر محبت؟ اما در همه هدایایی که می‌دهیم، گروه‌های خانگی باید دستورالعمل پولس را به یاد داشته باشند:

هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده شادمان را دوست می‌دارد. (دوم قرنتیان ۹: ۷)

بیا بید فراموش نکنیم که در عهدعتیق و جدید، غالباً فرامین خدا برای هدیه دادن، با وعده‌های برکت همراه است! خداوند به ما اطمینان می‌بخشد که قطعاً از کسانی که با هدیه دادن، او را حرمت می‌گذارند، مراقبت خواهد کرد.

خدا در عهدعتیق از طریق ملاکی نبی صحبت کرد:

"پس حال، همه دهیک‌ها را به انبارها بیاورید تا در خانه من خوراک باشد. و خداوند لشکرها می‌گوید: مرا بدین‌سان بیازمایید که آیا روزه‌های آسمان را برایتان نخواهم گشود و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که دیگر هیچ نیازی باقی نماند." (ملاکی ۳: ۱۰)

در عهدجدید، عیسی به ما تعلیم داد:

بدهید تا به شما داده شود. پیمانهای پُر، فشرده، تکان داده و لبریز در دامن‌تان ریخته خواهد شد! زیرا با هر پیمانهای که بدهید، با همان پیمان به شما داده خواهد شد. (لوقا ۶:۳۸)

۳. ما به عنوان رهبران چگونه می‌توانیم به ایمانداران کمک کنیم که هدیه دادن را یاد بگیرند؟

عیسی به‌وضوح به شاگردانش تعلیم داد که در هدیه دادن سخاوتمند باشند: "به رایگان یافته‌اید، به رایگان هم بدهید." (متی ۱۰:۸) عهدجدید، حتی به ما تعلیم می‌دهد که از دشمنانی که نیازمندند، مراقبت کنید! (رومان ۱۲:۲۰) ما به این شکل محبت شگفت‌انگیز خدا را به همه انسانها نشان می‌دهیم.

این ۳ طریق برای تشویق ایمانداران به هدیه دادن در کلیساهای خانگیان است:

- ۱) ما اول با الگوی خودمان به آنها تعلیم می‌دهیم. آیا ما کسانی هستیم که چیزی را با نیازمندان قسمت می‌کنیم؟ همه این الگوی ما را می‌بینند. ما نباید فقط پولمان، بلکه باید وقت، خانه و غذایمان (مهمان‌نوازی) و عطایای روحانیمان را برای کمک به رشد انسانها قسمت کنیم.
- ۲) ما با یکدیگر مطالعه می‌کنیم که کتاب مقدس درباره هدیه دادن، چه چیزی را تعلیم می‌دهد. اعضای مشارکتهای خانگیان باید بدانند که کتاب مقدس درباره هدیه دادن چه می‌گوید، چون کتاب مقدس راهنمای زندگی ماست. خدا به قومش در عهدعتیق گفت که هدیه بدهند؛ این بخشی از شریعت بود. عیسی در عهدجدید به شاگردانش تعلیم داد که به رایگان و با شادمانی بدهند. در پایان این فصل، آیاتی برای مطالعه درباره این موضوع موجود است.
- ۳) ما درباره وفاداری خدا نسبت به قومش شهادت می‌دهیم. پدر آسمانی ما، امروز هم مانند دوران کتاب مقدس است. او از کسانی که اول ملکوت خدا را می‌طلبند، مراقبت می‌کند. آیا شما داستانهایی را از وفاداری او دارید که در مشارکت خانگیان تعریف کنید؟

۴. هدایای مشارکت خانگی باید برای چه چیزی بکار رود؟

این چند نمونه رایج است:

- برای خرید کتاب مقدس، کتابهای مسیحی، رسانه‌های مسیحی و غیره، برای گسترش انجیل
- برای کمک به ایمانداران نیازمند
- برای کمک به غیرایمانداران نیازمند (در طول قرن‌ها، مسیحیان نه فقط به ایمانداران، بلکه به همه نیازمندان، بدون توجه به مذهبشان هدیه داده‌اند.)
- برای فرستادن هدایای امداد و کمک‌رسانی به کسانی که گرفتار بلایای طبیعی شده‌اند (قربانیان زلزله، قحطی، سیل و غیره.)
- برای کمک به پرداخت هزینه کفرانها و سمینارها
- برای فراهم کردن برکات اولیه در مشارکت خانگی هفتگی (چای، خوراکیهای ساده)
- برای کمک به مبتدیان و معلمان در سفرشان (در اول قرن‌های ۹-۱۳-۱۴، پولس می‌گوید که کسانی که کارشان بشارت و تعلیم است، باید توسط ایمانداران دیگر حمایت شوند.)

۵. چه کسی هدایا را می‌شمارد و ثبت می‌کند؟ چه کسی پول را نگاه می‌دارد؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد که هدایا برای چه چیزی بکار خواهد رفت؟

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که وقتی ما با یکدیگر و با خدا در زیر نور گام برمی‌داریم، در این صورت مشارکت حقیقی داریم. وقتی اعضای کلیسای خانگی هدیه می‌دهند، آنها به رهبران اعتماد می‌کنند که به‌خوبی آن را مدیریت کرده و اطلاعات را پنهان نکنند.

سه سؤال بالا بسیار مهم است. بهتر است که حداقل ۲ رهبر یا اعضای مورد احترام، این هدایا را بشمارند و به‌خوبی ثبت کنند که چه چیزی دریافت شده و این پول چگونه خرج شده است. با دقت تصمیم بگیرید که این هدایا در کجا نگهداری شوند. به یاد داشته باشید که این پول خداست، پس باید با دعا و ترس خداوند استفاده شود. رهبران باید به اعضا اطلاع بدهند که این پول چگونه استفاده شده است.

همچنین توصیه می‌شود که پول را برای هفته‌های بسیار، بدون هیچ خرجکردی جمع نکنید. چند وقت یکبار تصمیم بگیرید که این پول باید چگونه استفاده شود و بعد آن را برای کار خدا استفاده کنید. عاقلانه نیست که پول زیادی را نگاه دارید، مگر اینکه برای یک نیاز بزرگ خاصی پس‌انداز شود.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

۱. به صفحات قبلی این فصل بازگردید. وقتی آن صفحات را مطالعه کردید، روح القدس چگونه دربارهٔ رشد مشارکت خانگیان در هدیه دادن، با شما صحبت کرد؟ بعضی از مشارکتهای خانگی به اعضایشان فرصت می‌دهند که هر هفته هدیه بدهند. بعضی دیگر، گاهگاهی برای نیازهای مشخص هدایا جمع می‌کنند. کتاب مقدس دستورالعمل مشخصی نمی‌دهد. گروه شما چند وقت یکبار هدایا جمع می‌کند؟ آیا می‌خواهید که در آینده به این روش ادامه دهید؟
۲. به فهرست زیر نگاه کنید. گروه شما، کدام عبارات دربارهٔ هدیه دادن را می‌توانند با یکدیگر مطالعه کنند؟
۳. برای خودتان و گروهتان دعا کنید که به‌عنوان بخشندگان سخاوتمند رشد کنید. از خداوند طریقهایی را بطلبید که بتوانید خبر خوش را از طریق هدایای محبت‌آمیزتان گسترش دهید.

چند عبارت برای مطالعه دربارهٔ هدیه دادن:

- سکه‌های بیوه زن: مرقس ۱۲:۴۱-۴۴
- اول ملکوت خدا را بطلبید: متی ۶:۱۹-۳۴
- به دشمنان خود محبت کنید: لوقا ۶:۲۷-۳۶
- هدایایتان را در برابر دیدگان مردم ندهید: متی ۶:۱-۴
- گوسفندان و بُزها: متی ۲۵:۳۱-۴۶
- فقیران را با مهربانی برکت دهید: لوقا ۱۴:۱۲-۱۴
- خنانیا و سقیره به روح القدس دروغ گفتند: اعمال ۴:۳۲-۵:۱۱
- پولس رسول دربارهٔ هدیهٔ دادن تعلیم می‌دهد: دوم قرنتیان ۸ و ۹
- پولس دربارهٔ قناعت تعلیم می‌دهد: اول تیموتائوس ۶:۶-۱۰
- فرمان پولس به ثروتمندان: اول تیموتائوس ۶:۱۷-۱۹
- فرمان به دزدان: افسسیان ۴:۲۸

همچنین در کتاب ۵۰ درس حیاتی، یک بخش دربارهٔ هدیه دادن، به همراه ۳ درس دربارهٔ این موضوع موجود است.

۱۲. شاگردان بالغ شدن

پس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند، گفت: «اگر در کلام من بمانید، برآستی شاگرد من خواهید بود. و حقیقت را خواهید شناخت، و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد.» (یوحنا ۸: ۳۱-۳۲)

ما او [مسیح] را وعظ می‌کنیم، و هر کس را هشدار می‌دهیم و با کمال حکمت می‌آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم. (کولسیان ۱: ۲۸)

شاگردان عیسی، دیگران را شاگرد می‌سازند

اگر شما به دعوت عیسی برای پیروی از او پاسخ داده‌اید، پس شما شاگرد عیسی هستید. اما روزانه شاگرد عیسی بودن چه مفهومی دارد؟

اول از همه، شاگردان همه تعالیم عیسی را آموخته و اطاعت می‌کنند. آنها با یکدیگر کلام عیسی را که در متی، مرقس، لوقا و یوحنا یافت می‌شود و تعالیم شاگردان عیسی را که در بقیه عهدجدید یافت می‌شود، مطالعه می‌کنند و این چیزها را در زندگیشان بکار می‌برند. عیسی به‌وضوح گفت: "اگر کسی مرا دوست بدارد، کلام مرا نگاه خواهد داشت." (یوحنا ۱۴: ۲۳)

چون آنها محبت عیسی نسبت به خودشان را که بر روی صلیب دیده می‌شود، درک می‌کنند، با خوشحالی خود را به او تقدیم می‌کنند تا او را خدمت کنند و مانند او شوند. آنها عیسی را خداوند زندگیشان می‌سازند. و به دیگران هم کمک می‌کنند که شاگرد شوند.

اما شاگردسازی، تکلیف آسانی نیست. همانطور که ما خودمان باید یاد بگیریم که قلب و نگرش مسیح را در افکار و اعمالمان داشته باشیم، باید به شاگردانمان کمک کنیم که آنها هم این کار را انجام دهند. وقتی آنها قدمهای کوچکی را برمی‌دارند تا یاد بگیرند که با ایمان زندگی کنند، در شرایط دشوار به خدا اعتماد کنند و وقتی روح‌القدس کار می‌کند تا آنها را بیشتر مانند عیسی کند، خود را تسلیم روح‌القدس کنند، در این شرایط ما باید با آنها گام برداریم.

ما نمی‌توانیم همه مشکلات شاگردانمان را برطرف کنیم، اما وقتی به آنها کمک می‌کنیم که از کلام خدا درس بگیرند، با آنها دعا می‌کنیم و دوستی حقیقی را نشان می‌دهیم، در واقع آنها را تشویق می‌کنیم که در اعتماد به عیسی رشد کنند. البته، تنها راه برای انجام این کار، از طریق وقت گذاشتن با آنهاست. نه فقط در روزی که با یکدیگر پرستش می‌کنیم، بلکه در زمانهای دیگر در طول هفته نیز این کار را می‌کنیم. همه ما از طریق رابطه محبت‌آمیز خالصانه رشد می‌کنیم.

این فصل آیاتی را برای مطالعه به شما خواهد داد، همچنین پیشنهادهایی را برای کمک به شما می‌دهد تا خودتان به‌عنوان شاگرد مسیح رشد کنید و به شما کمک می‌کند که دیگران را برای انجام این کار تشویق کنید.

عیسی یک جنبش جهانی را آغاز می‌کند

با تعلیم دادن به شاگردان که از او پیروی کنند

بحث ابتدایی: در چند هفته گذشته، چه چیزهایی را از عیسی آموخته‌اید، خواه از تعالیمش در کتاب مقدس، یا از روح‌القدسش که با قلبتان صحبت می‌کند؟

عیسی گفت که شاگردان مانند معلمشان می‌شوند (لوقا ۶: ۴۰). عیسی چگونه در زندگی شما کار کرده که شما امسال، بیشتر از پارسال، شبیه او هستید؟

مرقس ۱: ۱۴-۲۰ را با یکدیگر بخوانید.

۱. وقتی عیسی موعظه کرد، به مردم چه گفت (آیات ۱۴-۱۵)؟
به نظرتان این برای کسانی که حرفهای او را شنیدند، چه مفهومی داشت؟
۲. عیسی به ماهیگیران گفت که "از پی من آید". معلمان مذهبی آن زمان، شاگردانی داشتند که از آنها پیروی کرده و درس می‌گرفتند. تصور کنید که در قرن یکم زندگی می‌کنید. صدای عیسی را می‌شنوید که از شما دعوت می‌کند. اگر به دعوتش پاسخ دهید، روزهای زندگیتان را با این معلم جدید سپری خواهید کرد. هدفشان این است که گوش کنید، تماشا کنید و از حکمتش درس بگیرید و مانند او شوید.
تصور کنید که شما یکی از دوازده شاگرد عیسی شوید. چقدر برایتان مهم خواهد بود که کاملاً متوجه باشید که همه درسهایی را که عیسی به شما می‌دهد، یاد بگیرید؟ افکارتان را توضیح دهید.
۳. عیسی به ماهیگیران گفت که اگر از او پیروی کنند، او آنها را صیاد مردمان می‌سازد (آیه ۱۷). "صیاد مردمان" چه مفهومی دارد؟ آیا تابحال از عیسی خواسته‌اید که شما را صیاد مردمان سازد؟
۴. وقتی عیسی این مردان را صدا کرد، آنها تورهایشان (شغلشان) و پدرشان (خانواده) را رها کردند (آیات ۱۸ و ۲۰). آیا به نظرتان این قربانی بزرگی برای آنها بود؟ چرا؟
آیا به نظرتان، قربانی لازم است تا با خبر خوش به سراغ این کشور بروید؟ چه نوع قربانیهایی لازم است؟

نکته: اگرچه ایماندارانی هستند که شغلشان را رها می‌کنند تا کل زندگیشان را وقف گسترش انجیل کنند، اما بیشتر ایمانداران در شغلشان می‌مانند، اما در هر زمان و هر جاییکه فرصت دارند، شاهدان وفادار و شاگردسازان هستند. آنها خودشان را به عنوان افرادی می‌بینند که نور و محبت خدا را به محل کارشان می‌برند. به نظرتان عیسی از شما دعوت می‌کند که چه کار کنید؟

متی ۲۸: ۱۶-۲۰ را بخوانید.

۵. عیسی بعد از رستاخیز، در پایان زمان خود بر روی زمین، این کلام را اعلام کرد. عیسی به شاگردانش گفت که یک چیزی به او داده شده است. آن چیز چه بود (آیه ۱۸)؟
آیا کلام عیسی را درباره اقتدارش باور می‌کنید؟ به همین دلیل، چقدر مهم است که ما از کلام عیسی اطاعت کنیم؟ اگر ما بدانیم که عیسی تمامی اقتدار را در دست دارد، این چه کمکی به ما می‌کند که وقتی با انجیل مخالفت می‌شود، اطمینان داشته باشیم؟
۶. به اولین شاگردان عیسی گفته شد که بعد از عزیمت عیسی از زمین، شاگردان بیشتری بسازند. آنها برای انجام این کار باید به کجا می‌رفتند (آیه ۱۹)؟
۷. آنها باید به نام چه کسی مردم را تعمید می‌دادند (آیه ۱۹)؟
۸. آنها باید به شاگردان جدید چه تعلیمی می‌دادند (آیه ۲۰)؟
وقتی تعلیم عیسی را مطالعه می‌کنید، آیا به این فکر می‌کنید که چگونه می‌توانید تعلیم او را به دیگران منتقل کنید؟ آیا خودتان را به عنوان کسی می‌بینید که بتواند با استفاده از تعلیم عیسی، صیاد مردمان شود؟
۹. عیسی چه وعده‌ای به شاگردانش داد (آیه ۲۰)؟
آیا این را برای خودتان هم باور دارید؟

با دعا خاتمه دهید: برای مشارکت خود دعا کنید که شاگردان حقیقی عیسی شوند که دیگران را شاگرد سازند.

در این موضوع عمیقتر شوید: چهار درس آخر در *۵۰ درس حیاتی* (درس ۴۷-۵۰) به‌طور خاص درباره شاگردسازی است.

قدرت شاگردی

اما بذری که در زمین نیکو کاشته شد کسی است که کلام را می‌شنود و آن را می‌فهمد و بارور شده، صد، شصت یا سی برابر ثمر می‌آورد. (متی ۱۳: ۲۳)

معلم زبان انگلیسی، کلاس مکالمه‌اش را در دانشگاهی در یک کشور مسلمان که خانواده‌اش را چند ماه قبل به آنجا برده بود، تمام کرد. بعد از اینکه همه دانشجویان کلاس را ترک کردند، یک مرد جوان ماند و به طرف میز معلم رفت. این معلم هنوز او را نمی‌شناخت، چون ترم جدید، تازه شروع شده بود.

او پرسید: "آیا می‌توانیم چند دقیقه با هم صحبت کنیم؟"

معلم پاسخ داد: "البته".

دانشجو خودش را به‌عنوان حسن معرفی کرد و توضیح داد که از یک کشور مسلمان دیگری آمده است. آنها چند دقیقه صحبت کردند و بعد این شاگرد بر ترسش غلبه کرد: "آقا... من شیفته عیسی شده‌ام. آیا می‌توانی درباره او به من تعلیم دهی؟ دوستم، ابراهیم هم می‌خواهد که درباره عیسی بشنود." ابراهیم که یکی از دانشجویان این کلاس بود، از کشور حسن آمده بود.

این گفتگو، آغاز مباحثات بسیاری بود که حسن و ابراهیم در خارج از کلاس با این معلم داشتند. این معلم، پیرو عیسی بود و خوشحال بود که درباره ایمانش با این دو دانشجو صحبت کند. او آنها را به خانه‌اش دعوت کرد تا با همسر و فرزندان کوچکش ملاقات کنند و این دو مرد جوان، اغلب اوقات به آنجا می‌رفتند. آنها می‌خندیدند و با بچه‌ها بازی می‌کردند، با این خانواده غذا می‌خوردند و ساعات بسیاری را با کتاب مقدس باز سپری می‌کردند، از این معلم درباره عیسی و انجیل یاد می‌گرفتند. طولی نکشید که آنها درخواست کردند که تعمید بیابند. آنها واقعاً ایمان داشتند که عیسی نجات‌دهنده‌شان بود.

بلافاصله پس از آن، این معلم و خانمش، این برادران جدید و نوایمانان دیگر را به یک مشارکت خانگی دعوت کردند. آنها با سرود، پرستش کرده و نیازهایشان را برای دعا با یکدیگر مطرح می‌کردند. تعالیم عیسی را با یکدیگر می‌خواندند و درباره روشهای پیروی از او در همه فرامینش صحبت می‌کردند. با یکدیگر در شام خداوند نیز شرکت می‌کردند، مرگ عیسی را برای گناهانشان به یاد می‌آوردند. و نوایمانان دیگر را تعمید می‌دادند.

یک روز حسن به معلم توضیح داد که تصمیم گرفته به دانشگاه ادامه ندهد. او به کشورش باز می‌گردد.

"من می‌خواهم با مردم کشورم درباره عیسی مسیح صحبت کنم. مخصوصاً می‌خواهم که انجیل را به قومهایی ببرم که در اقلیت هستند و چوپانانی هستند که در کوههای نزدیک شهرم زندگی می‌کنند. من چگونه باید این کار را انجام دهم؟"

معلم پاسخ داد: "حسن، همان کاری را که من با تو کردم، تو هم انجام بده. با محبت به سراغ آن افراد برو. درباره عیسی با آنها صحبت کن و به آنها یاد بده که توبه کنند و با ایمان برای بخشش گناهان و نجات به او روی آورند. به یاد داشته باش که عیسی برای همه انسانها مُرد. تو می‌توانی فیلم عیسی را با خود ببری و نشان بدهی. وقتی به او ایمان آوردند، آنها را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید بده. بعد از درسهای کتاب مقدس که من به تو دادم، استفاده کن تا به تو کمک کند که به آنها تعلیم دهی که از همه فرامین عیسی اطاعت کنند."

حسن، درحالی‌که به حرفهای معلم فکر می‌کرد، یک لحظه مکث کرد. او احساس کرد که بی‌صلاحیت است و نمی‌دانست که آیا می‌تواند همان کاری را بکند که این معلم با او کرده بود. حالا او خودش با انجیل به بیرون می‌رفت، مثل این معلم و خانواده‌اش، از مرز فرهنگ عبور می‌کرد.

حسن با عدم قطعیت، به معلم نگاه کرد: "من سعی خواهم کرد."

معلم به حسن یادآوری کرد که او تنها نمی‌رود؛ عیسی از طریق قدرت روح‌القدس با او بود.

در طول ماهها و سالهای بعدی، معلم نامه‌هایی را از حسن دریافت کرد. او توضیح داد که با ایمان قدم برداشته و انجیل را به کسانی رسانده که هرگز آن را نشنیده بودند. او به آنها تعلیم داده بود که از عیسی اطاعت کنند، همانطور که معلم این کار را با او کرده بود.

مردم از گناهانشان توبه کرده و به عیسی ایمان می‌آوردند. طولی نکشید که آنها را تعمیم داد و مشارکتهای کوچکی از ایمانداران را در شهرکها و روستاهای مختلف تشکیل داد.

سالها بعد، معلم آخرین نامه حسن را روی میز گذاشت و زمانی را که با یکدیگر دور میز غذا می‌خوردند، به یاد آورد. او توانست در ذهنش، تصویر تعمیم حسن و گرسنگی او برای یادگیری کلام خدا را ببیند. معلم به خودش گفت: "من هرگز تصور نمی‌کردم که انجیل بتواند از طریق یک مرد تا دور دستها برود. و خدا به من این افتخار و امتیاز را داد تا بخشی از شاگردسازی این برادر ارزشمند باشم که تعالیم عیسی را جدی گرفت. خدا را شکر برای قدرت انجیل!"

نکته: حسن با درسهایی از ۵۰ درس *حیاتی*، شاگردسازی کرد. (مراجعه کنید به "منابع"، ضمیمه الف)

سؤال‌اتی که بارها مطرح می‌شوند

۱. ما هر هفته در مشارکت خانگیمان، کلام خدا را با یکدیگر مطالعه می‌کنیم، اما افراد گروهمان در طول هفته آن را نمی‌خوانند. ما چگونه می‌توانیم به آنها کمک کنیم که عادت به خواندن (یا گوش دادن) به کلام خدا در تنهایی را در خود ایجاد کنند؟

اشتیاق شما برای کمک به آنها در یادگیری انضباط تعمق روزانه بر کلام خدا و دعا خیلی خوب است. این عادت که در طول زندگی شکل می‌گیرد، برای چالشهای زندگی، به ایمانداران قدرت و حکمت می‌بخشد. همچنین از طریق اوقات تنهایی با خداست که آنها او را خواهند شناخت و تبدیل خواهند شد تا بیشتر شبیه او شوند. مشارکت خانگی می‌تواند به آنها کمک کند که این عادت را ایجاد کنند.

وقتی ما مزامیر را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که داوود و نویسندگان دیگر، با تعمق دائم بر کلام خدا، کمک و خوشی خود را در آن یافتند. این نمونه‌هایی از مزامیر ۱۱۹ است:

- آیه ۱۱: "کلام تو را در دل خود ذخیره کرده‌ام، تا به تو گناه نوزم."
- آیه ۲۸: "جان من از فرط اندوه گداخته شده است؛ طبق کلامت مرا بر پا دار."
- آیه ۷۲: "شریعت دهان تو برایم بهتر است، از هزاران پاره سیم و زر."
- آیه ۹۷: "شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم! تمامی روز تفکر من است."
- آیه ۱۰۵: "کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است."

این چند پیشنهاد عملی برای کمک به اعضای شماست تا روزانه در کلام خدا بمانند:

۱. سعی کنید بخش کوچکی از مزامور ۱۱۹ را هر هفته در جلسات خود بخوانید. نیازی نیست که این درس اصلی شما از کتاب مقدس باشد؛ مثلاً فقط به مدت ۴ هفته، دقایقی را به این کار اختصاص دهید. هر بار دعا کنید که روح القدس یک گرسنگی را نسبت به خدا و کلامش در تک تک قلبها ایجاد کند.

۲. کتاب مقدس صوتی به زبانهای بسیاری در اینترنت موجود است. اگر مردم دوست ندارند که بخوانند، به آنها کمک کنید که نسخه صوتی آن را دانلود کرده و گوش کنند. (به ضمیمه الف، "منابع" مراجعه کنید.)

۳. یک کتاب از کتاب مقدس را به آنها پیشنهاد کنید که بخوانند. چهار انجیل (متی، مرقس، لوقا و یوحنا)، پیدایش، مزامیر و امثال، کتابهای خوبی برای نوایمانان است که با آنها شروع کنند. بعد می‌توانند به سراغ بقیه عهدجدید بروند. شما می‌توانید به عنوان گروه تصمیم بگیرید که همگی یک کتاب را به‌تنبهایی در طول هفته بخوانید یا گوش کنید. بعد در جلسات خود با یکدیگر، زمانی را به در میان گذاشتن آموخته‌هایشان اختصاص دهید.

۲. ما نگران مشاجره و نزاعهای دائمی در مشارکت خانگیمان هستیم. بعضیها غیبت کرده و به تنهایی یکدیگر را قضاوت می‌کنند. بعضیها به جلسه یکشنبه می‌آیند، اما از برقراری رابطه یا گفتگو با بقیه افراد گروه پرهیز می‌کنند. ما می‌دانیم که ادامه دادن به این روش، برای سلامت مشارکت خانگی خوب نیست. چگونه می‌توانیم به آنها کمک کنیم که رشد کنند تا بیشتر مانند مسیح باشند؟

وقتی عیسی مشکلات بین شاگردان را دید، زمانی را به صحبت با آنها درباره این موضوع اختصاص داد. (مراجعه کنید به مرقس ۹: ۳۳-۳۷). این شاگردسازی است که نه فقط به مشکلات نظری، بلکه به چیزهای عملی، از جمله ضعف روابط در گروهمان رسیدگی می‌کند. در این شرایط، عیسی به شاگردانش کمک کرد تا ببینند که ریشه مشاجراتشان، غرور بود و عدم درک اینکه خدا برای فروتنی و خدمتگذاری ارزش قائل است، نه برای جایگاه شخص در ملکوت.

یعقوب این را نوشت:

از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ (یعقوب ۴: ۱)

پولس رسول این را به قرن‌تیان نوشت:

زیرا بیم آن دارم که نزدتان ببایم و شما را آن‌گونه که انتظار دارم، نبینم، و شما نیز مرا چنانکه انتظار دارید، نبینید. بیم آن دارم که در میان شما جدال، حسد، خشم، خودخواهی، افترا، غیبت، غرور و بی‌نظمی ببینم. (دوم قرن‌تیان ۲۰: ۱۲)

همه این نگرشها می‌تواند در مشارکت خانگیان نیز بسیار آسیب‌زننده باشد. وقتی این مشکلات را می‌بینید، با دعا شروع کنید. ما می‌دانیم که وقتی عیسی ضعفهای شاگردانش را دید، برای آنها دعا کرد. (مراجعه کنید به لوقا ۲۲:۳۱، ۳۲) به همین ترتیب، وقتی ما ضعفهای شخصیتی یا گناه را در افراد گروهمان می‌بینیم، باید برای آنها دعا کنیم.

اینها آیاتی برای کمک به شماست تا در گروهتان مطالعه کنید که خدا درباره این چیزها چه می‌گوید:

افترا و غیبت:

امثال ۲۸:۱۶	افسیان ۲۹:۴
امثال ۱۹:۲۰	یعقوب ۲:۱
امثال ۲۲-۲۰:۲۶	غلاطیان ۵:۱۴-۱۵

حسادت، رشک و جاه‌طلبی خودخواهانه:

جامعه ۴:۴	اول قرننتیان ۱۳:۴-۵
یعقوب ۱۴:۳-۱۶	فیلیپیان ۲:۱-۱۱

قضاوت دیگران با ریاکاری یا عدالت شخصی:

متی ۵:۱-۷	رومیان ۱:۱۴-۱۳
رومیان ۲:۱-۳	

نکته: گاهی اوقات، قضاوت ضروری است. به این آیات هم مراجعه کنید تا درک کنید که چه زمانی مهم است که کلیسا گناه را در میان خود دآوری کند:

اول قرننتیان ۵	رومیان ۱۶:۱۷-۱۸
متی ۱۷:۱۵-۱۷	

تبعیض قائل شدن:

پیدایش ۳۷ (مخصوصاً)	یعقوب ۲:۱-۹
آیات ۳-۴)	اول تیموتائوس ۵:۲۱

خشم:

یعقوب ۱:۱۹-۲۰	امثال ۱:۱۵
افسیان ۴:۲۶-۲۷ و ۳۱	متی ۵:۲۱-۲۲
امثال ۲۹:۱۴	

غرور:

امثال ۱۳:۸	رومیان ۱۲:۳ و ۱۶
امثال ۱۸:۱۶	فیلیپیان ۲:۱-۸

علاوه بر مطالعه گروهی کلام خدا، شاید لازم باشد که با تک تک افراد صحبت کند. از آیات بالا برای کمک به آنها استفاده کنید تا ببینند که در کجا تعلیم کتاب مقدس را در زندگیشان بکار نمی‌برند. شاید آنها نیازمند تشویق هستند تا در محبت مسیح به دیگران رشد

کنند. وقتی برای این صحبت‌های خصوصی حاضر می‌شوید، از خدا کمک بطلبید تا با فروتنی و فیض این کار را انجام دهید. (مراجعه کنید به غلاطیان ۶: ۱ و ۲) از او حکمت و بینش روحانی بطلبید تا بدانید که بیش از همه به چه چیزی نیاز دارند.

۳. بعضیها در مشارکت ما می‌خواهند که کار شاگردسازی دیگران را به رهبران بسپارند. چگونه می‌توانیم همه را تشویق کنیم که در آن شرکت کنند؟

افسسیان می‌گویند که رهبران مسیحی به اعضای بدن مسیح کمک می‌کنند که کار خدمت در ملکوت خدا را انجام دهند (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۱-۱۲). این راههایی برای تشویق همه اعضای گروه برای بنای ملکوت خدا در روابطشان است.

- هر هفته در پایان مطالعه کلام خدا، این سوالات را بپرسید: "در طول هفته بعد، آموخته‌های امروزتان را با چه کسی در میان خواهید گذاشت؟" هفته بعد بپرسید: "چه کسی به یک دوست یا عضو خانواده گفت که خدا به او چه می‌آموزد؟" دقایقی را به دعا برای اشخاصی که با آنها صحبت کرده‌اند، اختصاص دهید.
- افراد گروهتان را تشویق کنید که گروههای کوچکی را تشکیل دهند تا در طول هفته برای دعا و مطالعه کتاب مقدس با یکدیگر جمع شوند.
- در طول هفته، در گروههای دو یا سه نفره برای ملاقات افراد به خانه‌شان، بیمارستان یا قهوه‌خانه یا چایخانه بروید. به این فکر کنید که با یک ملاقات، چه کسی را می‌توانید برکت دهید: دعا برای بیماران و کسانی که تحت فشار مشکلات هستند، کمک و تشویق عملی، و اعلام انجیل به غیرایمانداران.
- یک قانون مهمی که در هنگام ملاقات به یاد داشته باشید: آقایان باید با آقایان و خانمها باید با خانمها ملاقات کنند، مگر اینکه به‌عنوان زن و شوهر به ملاقات بروید یا به ملاقات یک زن و شوهر بروید. این در برابر غیبت و وسوسه از شما محافظت می‌کند.

به فصل ۴ مراجعه کنید ("درک هدیه شگفت‌انگیز نجات از سوی خدا") و فصل ۷ ("کلام خدا: نان روزانه ما") و همچنین ضمیمه الف، "منابع" برای پیشنهادات بیشتر درباره چیزهایی که اعضای گروهتان می‌توانند برای شاگردسازی دیگران بکار ببرند.

۴. بعضی از ما به شهرکها و شهرهای کوچک کشورمان می‌رویم تا انجیل را در جایی که هیچ ایماندارانی نیست، اعلام کنیم. مردم کم کم به مسیح روی می‌آورند. ما می‌دانیم که آنها نیاز دارند که برای پرستش و تقویت یکدیگر با هم جمع شوند، اما هیچ رهبری نداریم که با آنها باشد تا هر هفته راهنماییشان کند. آیا می‌توانید توصیه‌هایی را به ما بدهید؟

اگر مشارکت خانگی شما می‌تواند ایمانداران را برای راهنمایی گروههای جدید بفرستد، این قطعاً به آنها کمک خواهد کرد که رشد کنند. به همین دلیل پولس رسول گفت که خدا افرادی را با عطایا برای بنای بدن مسیح عطا می‌کند. (مراجعه کنید به افسسیان ۴: ۱۱-۱۳) اما حتی اگر ممکن نیست که کسی را هر هفته بفرستید، یک گروه کوچک از ایمانداران می‌توانند جلسات را آغاز کنند.

این را به یاد داشته باشید: نوایمانان سراسر جهان در شرایطی هستند که باید یاد بگیرند که به روح القدس اعتماد کنند که معلمشان باشد. همچنین گروههای شما می‌تواند با کمک روح، به روشهای ساده پرستش کرده، کلام خدا را بخوانند یا گوش کنند، دعا کنند و به نام عیسی به یکدیگر خدمت کنند. خداوند خودش به آنها کمک خواهد کرد که رشد کنند.

عیسی گفت:

زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم. (متی ۱۸: ۲۰)

حتی اگر این گروه کوچک باشد، می‌تواند اغلب اوقات جمع شده و با یکدیگر رشد کنند. این کتاب به‌عنوان راهنمایی برای کمک به این گروهها نوشته شده است. یک نسخه از این کتاب را به آنها بدهید یا کمک کنید که آن را در دستگاههای الکترونیکی خود دانلود کنند. (برای کسب اطلاعات به "منابع"، ضمیمه الف مراجعه کنید). اگر ممکن است، فصلهای یک و دو را با یکدیگر بخوانید و درباره آنها بحث و گفتگو کنید. بعد به فهرست مطالب مراجعه کرده و به آنها کمک کنید که تصمیم بگیرند که کدام فصلها برای آنها مهمتر هستند تا خودشان به‌تنهایی مطالعه کنند، تا زمانی که شما بتوانید دوباره با آنها باشید.

همچنین، به آنها نشان بدهید که چگونه می‌توانند از ۵۰ درس حیاتی برای مطالعه هفتگی استفاده کنند. آنها را تشویق کنید که از عیسی در تمامی تعالیمش اطاعت کنند. تا حد ممکن به دیدارشان بروید و مکرراً در فاصله بین این دیدارها با آنها تماس گرفته یا پیغام بفرستید. مهمتر از همه اینکه فراموش نکنید که برای آنها دعا کنید. پولس رسول بارها در نامه‌هایش می‌گوید که چگونه "پیوسته" برای کلیساهایی که برپا کرده، دعا می‌کند (رومیان ۱: ۹؛ کولسیان ۱: ۹؛ افسسیان ۱: ۱۵؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱).

همچنین زمانی را به تفکر و دعا درباره یک برنامه طولانی مدت برای رفتن به نواحی جدید و برپایی مشارکتهای جدید اختصاص دهید. از خداوند برای تعلیم تیمهای سیاری کمک بطلبید که رویای برقراری و تقویت مشارکتهای جدید را دارند. در گروهتان درباره این صحبت کنید که چه کسی می‌تواند در این تیمها باشد. این تیمها برای تکثیر کلیساها در یک ملت مهم هستند. شاید مفید باشد که برای انجام این کار به مشارکتهای دیگر بپیوندید.

پولس رسول درباره کلیسای قرننس که آن را آغاز کرد و بعد آپولس آن را تقویت کرد، گفت:

من بذر را کاشتم و آپولس آن را آبیاری کرد، اما خدا بود که موجب رویش آن شد. پس نه کارنده چیزی است و نه آبیاری‌کننده، بلکه فقط خدا که روپاننده است. (اول قرنتیان ۳: ۶-۷)

عیسی این را به شاگردانش گفت:

کلیسای خود را بنا می‌کنم و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت. (متی ۱۶: ۱۸)

عیسی خود را وقف رشد کلیسایش کرده است. کار ما این است که شاگردانی بسازیم که نسبت به تعالیم او وفادارند.

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا:

۱. آیا اعضای مشارکت شما یاد می‌گیرند که مرتباً خودشان کلام خدا را بخوانند یا گوش کنند؟ آیا روزانه زمانی را در دعا با خداوند صرف می‌کنند؟ از بخش پرسش و پاسخ در بالا، سؤال اول را دوباره بخوانید. روشهایی را برای تعلیم دادن این موضوع برنامه‌ریزی کنید. (به درس: "برای شناخت خدا باید وقت گذاشت" در ۵۰ درس حیاتی، به‌عنوان منبعی برای بکارگیری، مراجعه کنید.)
۲. به هر یک از اعضای گروهتان فکر کنید. آیا آنها رشد می‌کنند که بیشتر مانند مسیح شوند؟ آیا یاد می‌گیرند که از همه تعالیم عیسی اطاعت کنند؟ همه فصلهای این کتاب برای کمک به شما طراحی شده تا دیگران را شاگردسازی کنید. به کل کتاب نگاهی بیندازید، زمانی را به تفکر و دعا اختصاص دهید تا بدانید که به کدام موضوعات بیشتر از همه نیاز دارید که در گروهتان بر آنها تمرکز کنید.
۳. پرسش و پاسخ شماره ۲ در بخش سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند را بخوانید، به‌طور خاص به افراد گروهتان فکر کنید. آیا چیزهایی در فهرست این سؤال وجود دارد که باید در گروهتان تعلیم دهید؟ آیا افرادی هستند که باید با آنها صحبت کنید؟
۴. آیا اعضای مشارکت شما، دیگران را شاگردسازی می‌کنند؟ شما چگونه می‌توانید به رشد آنها در این کار کمک کنید؟ به سؤال ۳ در بالا مراجعه کنید و در مورد نحوه استفاده از این پیشنهادات، بحث و گفتگو کنید.
۵. غالباً به‌عنوان رهبران و در جلسات گروهتان دعا کنید که همه شما مطابق یوحنا ۸: ۳۱-۳۲، شاگردان حقیقی عیسی شوید. این دعای پولس رسول برای ایمانداران کولسی بود. شما می‌توانید این دعا را برای افراد گروهتان دعا کنید:

"از همین رو، از روزی که این را شنیدیم، از دعا کردن برای شما باز نایستاده‌ایم، بلکه پیوسته از خدا می‌خواهیم که شما از شناخت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید، تا رفتار شما شایسته خداوند باشد، و بتوانید او را از هر جهت خشنود سازید: یعنی در هر کار نیک ثمر آورید و در شناخت خدا رشد کنید و با همه نیرویی که از قدرت پر جلال او سرچشمه می‌گیرد، از هر حیث نیرومند شوید تا صبر و تحمل بسیار داشته باشید، و تا شادمانه پدر را شکر گوید که شما را شایسته سپیم شدن در میراث مقدسین در قلمرو نور گردانیده است. زیرا ما را از قدرت تاریکی رهانیده و به پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است، که در او از رهایی، یعنی از آمرزش گناهان برخورداریم." (کولسیان ۹: ۱-۱۴)

۱۳. بخشش در مشارکت خانگی

هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید. با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان‌گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید. (افسیان ۴: ۳۱-۳۲)

وقتی ما می‌بخشیم، مانند مسیح می‌شویم

آیا تابحال یک خانواده کامل را دیده‌اید؟ شاید وقتی از دور به بعضی از خانواده‌ها نگاه می‌کنید، فکر می‌کنید که یک خانواده کامل را دیده‌اید. اما وقتی نزدیک می‌شوید، درمی‌یابید که آنها هم مانند همه خانواده‌ها در روابطشان مشکل دارند.

هر خانواده‌ای باید یاد بگیرد که با محبت با یکدیگر زندگی کنند. اگر این را یاد نگیرند، کم‌کم روابطشان از بین خواهد رفت. این در مشارکت خانگی نیز صدق می‌کند. بعضی از مشارکتهای خانگی تا چند ماه، یا حتی تا سالها، هر هفته با هم جمع می‌شوند، اما اعضا در دلشان نسبت به یکدیگر، رنجش، تلخی و نفرت دارند. این درخت از اعماق وجودش در حال پوسیدن است، اگرچه ممکن است از بیرون خوب به نظر برسد.

اعتراف به گناه و بخشش، قلب ایمان مسیحی است. نجات‌دهنده ما بر روی صلیب رفت تا ما کاملاً از گناهانمان بخشیده شویم. ما غالباً در شام خداوند شرکت می‌کنیم تا این را به ما یادآوری کند. به همین دلیل، انجیل بارها و بارها به ما تعلیم می‌دهد که کلیسای عیسی مسیح باید یاد بگیرد که وقتی به یکدیگر آسیب زده‌اند، از یکدیگر طلب بخشش کنند، و همچنین از ته دل یکدیگر را ببخشند. ما فرزندان پادشاهی هستیم که تعلیم داد که بخشش چیزی است که باید در سراسر زندگیمان یاد بگیریم.

اگر گروه شما یاد بگیرد که چیزهای آموخته شده در این فصل را اجرا کند، مشارکت خانگی شما به قلب عیسی دست خواهد یافت. شما نورهای روشنی در این دنیای تاریک خواهید شد.

قدرت بخشش و طلب بخشش

بحث ابتدایی: آیا شرایطی را می‌شناسید که مردم به‌خاطر روابط شکسته شده، از رفتن به مشارکت دست کشیده‌اند؟ اگر اینطور است، این چه تأثیری بر مشارکت گذاشت؟

ما امروز در درس‌مان می‌خواهیم به این پردازیم که چگونه می‌توانیم با نگرش بخشش و محبت گام برداریم و اعضای مشارکت‌مان را در انجام این کار تشویق کنیم.

متی ۶: ۱۲-۱۵ را بخوانید.

۱. عیسی چگونه به ما تعلیم داد که طلب بخشش کنیم؟ (آیه ۱۲) عیسی می‌گوید که چه اتفاقی می‌افتد، وقتی ما گناهان دیگران را که بر علیه ما مرتکب می‌شوند، می‌بخشیم؟ وقتی گناهانی را که دیگران بر علیه ما مرتکب می‌شوند، نمی‌بخشیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ (آیات ۱۴-۱۵)

این یک بیانیه جدی است که نباید نادیده بگیریم! آیا شما این را باور دارید؟ آیا کسانی در زندگیتان هستند که باید آنها را ببخشید؟ آیا کسانی در مشارکت شما هستند که باید بدانند که امتناع از بخشش چقدر خطرناک است؟

کولسیان ۳: ۱۲-۱۴ را بخوانید.

۲. بر اساس این آیات، قوم برگزیده خدا باید چگونه باشند؟ ما افتخار پیوستن به چه خانواده زیبایی را داشته‌ایم! اگر بر اساس این آیات زندگی کنیم، این نگرشها و اعمال چگونه بر روابطمان تأثیر خواهند گذاشت؟

۳. دوباره آیه ۱۳ را بخوانید. این آیه درباره "بردباری" با یکدیگر و "بخشیدن" یکدیگر صحبت می‌کند. درباره این بحث و گفتگو کنید که به نظرتان این دو چه فرقی با یکدیگر دارند.

وقتی ما با یکدیگر "بردبار" هستیم، نسبت به ضعفهای دیگران صبوریم. بخشش فقط زمانی ضروری است که کسی بر علیه ما گناه می‌کند. نیازی نیست که ما به‌خاطر ضعفهایشان، آنها را ببخشیم، بلکه باید با آنها بردبار باشیم، یعنی در هر شرایطی به آنها محبت کنیم. آیا شما می‌توانید برای این دو شرایط، مثالهایی را بیان کنید؟

۴. آیه ۱۲ می‌گوید که ما توسط خدا برگزیده شده‌ایم، مقدس و بسیار محبوب هستیم و آیه ۱۳ می‌گوید که ما توسط مسیح بخشیده شده‌ایم. چگونه این چیزها باید به ما کمک کنند که بخشاینده باشیم؟

۵. اگر ما بخشاینده نباشیم، برای خانواده ایماندار و زیباییمان چه اتفاقی می‌افتد؟

مرقس ۱۱: ۲۴-۲۵ را بخوانید.

۶. آیا به نظرتان بین آیه ۲۴ درباره طلبیدن از خدا با ایمان، و آیه ۲۵ درباره یادگیری بخشیدن کسانی که نسبت به آنها تلخ هستیم، ارتباطی وجود دارد؟

چرا وقتی در نزد خدا دعا می‌کنیم، بخشش دیگران بسیار مهم است؟

متی ۵: ۲۳-۲۴ را بخوانید.

۷. اگر به خدا هدیه می‌دهید و بعد به یاد می‌آورید که کسی از شما چیزی به دل دارد، عیسی می‌گوید که باید چه کار کنید؟ آیا تعجب می‌کنید که عیسی از شما می‌خواهد که پرستش خود در نزد خدا را متوقف کرده و بروید و با برادران آشتی کنید؟ چرا روابط انسانی برای خدا بسیار مهم است؟

آیا شما می‌دانید که کسی در زندگیتان چیزی بر علیه شما در دل دارد، به‌خاطر اینکه به نوعی به آنها آسیب‌زده یا بر علیه آنها گناه کرده‌اید؟ اگر اینطور است، آیا می‌خواهید که خود را فروتن کنید و از آنها طلب بخشش کنید؟ عیسی می‌گوید که حتی زمان پرستش خود را برای انجام این کار متوقف کنید. این مهمترین هدیه‌ای است که می‌توانید به خدا بدهید!

چرا اطاعت سریع از روح‌القدس برای حفظ روابط سالم بسیار مهم است؟

بیاباید آموخته‌هایمان را مرور کنیم:

- **مرقس ۱۱: ۲۵** به ما می‌گوید که مهم است که بدانیم چه زمانی بر علیه کسی، چیزی در دل داریم و آنها را ببخشیم.
- **متی ۵: ۲۳-۲۴** درباره اهمیت این موضوع صحبت می‌کند که تشخیص بدهیم که کسی بر علیه ما چیزی در دل دارد. در این صورت، باید به نزد او رفته و طلب بخشش کنیم.

هر دو فرمان، مهم است- بخشش دیگران و طلب بخشش از دیگران. رومیان ۱۲:۱۸ می‌گویند: "اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید."

با دعا خاتمه دهید: اکنون زمانی را اختصاص داده و در نظر بگیرید که چگونه می‌توانید در بخشش رشد کنید و چگونه می‌توانید اعضای دیگر گروهتان را تشویق کنید که در بخشش و طلب بخشش رشد کنند. بعد برای یک خانواده سالم ایمانی دعا کنید!

بخشیدن دشمن از ته دل

کوری تن بوم یک خانم هلندی بود که وقتی نازیها در ۱۹۴۰ به هلند هجوم آوردند، او در اوایل پنجاه سالگی بود. وقتی هزاران یهودی هلندی بیرحمانه دستگیر شده و به اردوگاههای کار اجباری در آلمان (به اردوگاههای مرگ نیز معروف است) بُرده می‌شدند، خانواده کوری می‌دانستند که باید کاری بکنند تا کمک کرده و تا جاییکه ممکن است یهودیان را از این مرگ خاص نجات دهند. آنها یک اتاق مخفی در خانه‌شان ساختند و خلیها را از دست سربازان نازی پنهان کردند، تا زمانی که آنها بتوانند در امنیت به مکانهایی در خارج از شهر یا کشورهای دیگر فرار کنند.

نهایتاً، آنها توسط پلیس مخفی آلمان دستگیر شدند. کوری، خواهر بزرگش بتسی و پدر سالخورده‌شان، به اردوگاه زندانیان فرستاده شدند. ده روز بعد، پدرش فوت کرد. بتسی که بیمار بود، بعد از چند ماه برخورد ظالمانه در اردوگاه مرگ در آلمان فوت کرد. به‌طور "اشتباه" (انسان، نه خدا!) کوری، مدت کوتاهی پیش از پایان جنگ، از زندان آزاد شد. تقریباً همه زنان دیگر در اردوگاه زندانیانی که او در آنجا بود، کشته شدند.

خواهر کوری، یعنی بتسی، غالباً در طول مدتی که با هم زندانی بودند، به کوری می‌گفت: "وقتی جنگ تمام شد، ما باید پیغام بخشش را به دنیا برسانیم." کوری شدیداً در درونش کشمکش داشت، اما نهایتاً خود را به خدا تسلیم کرد. او از خدا اطاعت می‌کرد و می‌بخشید، و هر جاییکه خدا هدایت می‌کرد، از او پیروی می‌کرد.

در ۱۹۴۷ (دو سال بعد از پایان جنگ)، او به کشور آلمان که اکنون ویران شده بود، سفر کرد تا خبر خوش محبت و بخشش خدا را به یک قوم دلشکسته و نومید برساند. کوری بعد از صحبت درباره موضوع یادگیری محبت به دشمنانمان، در کلیسایی در مونیخ، با یکی از بزرگترین چالشهای زندگی‌اش مواجه شد: آیا او واقعاً می‌توانست در برخورد رو در رو، دشمنش را ببخشد؟

جلسه تمام شده بود و تقریباً همه آنجا را ترک کرده بودند که او یک مرد آلمانی را دید که به طرفش می‌آمد. بلافاصله او را شناخت! در ذهنش توانست دوباره او را در اونفورم نگهبان زندان ببیند. این مرد بسیار بیرحم بود و او و بتسی را بسیار تحقیر کرده بود. او اکنون در مقابل کوری ایستاده و دستش را به طرف او دراز کرده بود. آیا او کوری را به یاد می‌آورد؟

"دوشیزه، چه پیغام خوبی بود! چقدر خوب است که همانطور که شما گفتید، بدانیم که همه گناهانمان در اعماق دریاست!" او توضیح داد که از زمان جنگ به بعد، مسیحی شده است. او می‌دانست که خدا گناهانش را بخشیده، اما اکنون از کوری به‌عنوان نماینده کسانی که رفتار وحشتناکی با آنها داشته، طلب بخشش می‌کرد، که کوری هم او را ببخشد.

البته کوری متوجه شد که این مرد او را نشناخت. هزاران خانم در اردوگاه بودند.

کوری می‌گوید که وقتی این مرد با دستان دراز شده به سویش منتظر بود، چه اتفاقی افتاد:

"من در آنجا ایستادم- من که گناهانم بارها و بارها بخشیده شده بود- و حالا نمی‌توانستم او را ببخشم. بتسی در آن مکان وحشتناک فوت کرده بود- آیا این نگهبان می‌توانست مرگ آهسته و وحشتناک او را به‌سادگی با طلب بخشش پاک کند؟"

اما کوری می‌دانست که باید این کار را انجام دهد. کلام خدا می‌گوید که اگر ما کسانی را که بر علیه ما خطا کرده‌اند، نبخشیم، پدر آسمانیمان گناهان ما را نخواهد بخشید. او خودش دیده بود که کسانی که توانستند بعد از جنگ، دشمنانشان را ببخشند، توانستند به زندگی ادامه بدهند و زندگی سالمی داشته باشند. اما کسانی که نبخشیدند، تا ابد قادر به پیشروی نبودند. آنها زندانی رنج گذشته‌شان بودند.

کوری داستان را ادامه داد:

"و من همچنان با سردی که قلبم را فراگرفته بود، در آنجا ایستادم. اما بخشش، یک احساس نیست- من این را هم می‌دانستم. بخشش، یک عمل ارادی است، و اراده می‌تواند بدون توجه به درجه حرارت قلب عمل کند. من در سکوت دعا کردم: "عیسی کمکم کن! من می‌توانم دستم را بلند کنم. می‌توانم تا این حد عمل کنم. تو احساس را فراهم کن."

"و بدون لطافت، به‌طور خودکار، دستم را به طرف دستی که به سویم دراز شده بود، پیش بردم. وقتی این کار را کردم، اتفاق فوق‌العاده‌ای افتاد. یک جریانی در کتفم آغاز شد، به طرف بازویم رفت، به دستهای پیوند خورده ما جاری شد. و بعد به نظر می‌رسید که این گرمای شفابخش در تمام وجودم جاری شد و اشک را در چشمانم جاری کرد.

من گفتم: "برادر، من تو را می‌بخشم! از ته دلم."

درحالی‌که آنها در آنجا با یکدیگر ایستاده بودند- زندانی سابق و نگهبان سابق- خدا محبتش را چنان در قلب کوری جاری کرد که هرگز پیش از آن چنین چیزی را تجربه نکرده بود.

کوری تن بوم، بیش از ۳۰ سال به سراسر دنیا سفر کرد و این پیغام محبت خدا را که بر هر نفرت و آسیبی غلبه می‌کند، با خود حمل کرد. در طول سالها، با آزمونهای دیگری از بخشش مواجه شد، اما خدا همیشه در تعلیم طریقهایش به او، صبور و فیاض بود.

پیغام کوری- پیغام انجیل- آزادی و حیات را برای هزاران نفر در سراسر دنیا به ارمغان آورد. این می‌تواند برای ما هم شفا و حیات جدیدی را به ارمغان آورد. اکثر ما هرگز مانند کوری تن بوم با چنین آزمونی برای بخشش شکنجه‌گرانمان مواجه نخواهیم شد، اما آیا آسیبها و تقصیرات کوچکتری را که بر ما وارد می‌شود، خواهیم بخشید؟ اگر خدا بتواند محبتش را در قلب کسی جاری کند که این درد وحشتناک را تجربه کرد، آیا او نمی‌تواند محبت خود نسبت به یکدیگر را به ما عطا کند؟

این داستان از کتاب **پناهگاه**^۵، و همچنین از فصل ۷ کتاب **گام برداشتن برای خداوند**^۶، بازگو شد. نقل قولها برگرفته از **گام برداشتن برای خداوند** است.

^۵ تن بوم، کوری و جان و الیزابت شریل. (۱۹۷۱) **پناهگاه**. Grand Rapids, MI: Chosen books.

^۶ تن بوم، کوری و جامی باکینگهام (۲۰۱۱) **گام برداشتن برای خداوند**. Fort Washington, PA: CLC Publications.

۱. وقتی کسی نسبت به ما مرتکب خطایی می‌شود، ما به عنوان رهبر باید چه واکنشی نشان دهیم؟

اکثراً به یکی از این سه روش واکنش نشان می‌دهند: سکوت- آنها با کسی که به آنها آسیب زده، صحبت نمی‌کنند؛ فریاد زدن- آنها از خشم منفجر شده و به دنبال راههایی برای انتقام هستند؛ یا انکار- آنها این واقعه را در اعماق وجودشان دفن کرده و وانمود می‌کنند که هیچ اتفاقی نیفتاده است. با وجود همه اینها، نتیجه نهایی چه خواهد بود؟ اگر ما به یکی از این طریقها واکنش نشان دهیم، آیا اتحاد و هماهنگی در بدن می‌تواند وجود داشته باشد؟

دشمن به‌طور خاص دوست دارد که به رهبران حمله کند، چون آنها دروازه‌ای برای نابودی گروه هستند. او بارها از یکی از اعضای مشارکت استفاده می‌کند. هر رهبری می‌تواند انتظار داشته باشد که دیر یا زود، یک نفر از دستش ناراحت خواهد شد و به‌طور زیان‌بخش، احساساتش را بیان خواهد کرد، یا شاید سعی خواهد کرد که دیگران را بر علیه رهبر به طرف خودش بکشد. اگر کسی نسبت به شما خطایی کرده یا شما را برنجانده، آیا دست از کار خواهید کشید، یا متعهد هستید که با وجود سختیها کار کنید؟

به‌عنوان یک رهبر، کارتان این است که الگویی از بخشش و محبت به کسانی باشید که نسبت به شما خطا کرده‌اند. شما باید انتخاب کنید که قلبتان را نرم نگه دارید، اجازه بدهید که فیض مسیح دردتان را شفا دهد و به شما توانایی دهد که با محبت به سراغ کسانی بروید که به شما آسیب زده‌اند. از خدا کمک بطلبید تا ببخشید، حتی اگر باید یک نفر را بارها و بارها ببخشید. (به کلام عیسی به پطرس در متی ۱۸: ۲۱-۲۲ مراجعه کنید.)

اینها آیات دیگری از کتاب مقدس هستند که در یادگیری بخشش به شما کمک کند.

آیا در گروهتان با یکدیگر به این آیات کتاب مقدس نگاه کرده‌اید؟

- رومیان ۱۲: ۱۷-۲۱: به هیچ‌کس به سزای بدی، بدی نکنید. آن را به غضب خدا واگذارید. بدی را با نیکویی مغلوب ساز.
- متی ۵: ۴۳-۴۸: دشمنان خود را محبت نمایید.
- متی ۶: ۱۲-۱۵: اگر ما نبخشیم، خدا هم ما را نخواهد بخشید.
- متی ۱۸: ۲۱-۳۵: مثل خادم بی‌رحم.
- اشعیا ۵۳: ۷-۹ و متی ۲۷: ۱۱-۱۴ و لوقا ۲۳: ۳۳-۳۴: عیسی الگوی ماست. اگرچه او ناعادلانه رنج کشید، اما انتقام نگرفت، بلکه بخشید.

۲. ما چگونه می‌توانیم به اعضای مشارکت خانگیمان کمک کنیم که یکدیگر را ببخشند؟

علاوه بر ارائه الگو و تعلیم درباره بخشش، گاهی اوقات ضروری خواهد بود که در گروهتان به سراغ یک نفر رفته و با او به‌طور خصوصی درباره اهمیت بخشش برادر یا خواهرشان صحبت کنید. شاید لازم باشد که این دو نفر را که با یکدیگر مشکل دارند، در کنار هم گذاشته و کمک کنید که به یکدیگر گوش کرده و یکدیگر را ببخشند. همیشه پیش از رفتن، دعا کرده و طالب کمک و پُری روح‌القدس باشید.

موارد زیر، بعضی از آیات مهم کتاب مقدس هستند که می‌توانید با آنها در میان بگذارید. (همچنین، از آیات مذکور در بالا استفاده کنید.)

- یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵: ما باید همانطور که عیسی ما را محبت کرد، به یکدیگر محبت کنیم. محبت او شامل بخشش کامل همه گناهان ماست.
- کولسیان ۳: ۱۲-۱۵: "خوشتن را به شفقت، مهربانی، فروتنی ... ملبس سازید... چنانکه خداوند شما را بخشود، شما نیز یکدیگر را ببخشید."
- اول یوحنا ۴: ۷-۱۲ و ۱۹-۲۱: ما نمی‌توانیم خدا را محبت کنیم و از برادرمان متنفر باشیم.
- اول پطرس ۳: ۸-۱۲: "همه شما یکدل... باشید". ما باید در مقابل بدی، برکت بطلبیم.

۳. وقتی کسی نسبت به ما مرتکب خطایی شده، آیا زمانهایی وجود دارد که باید فقط آنها را از ته دل ببخشیم و چیزی به آنها نگوییم؟ چه زمانی باید آنها را با محبت، نسبت به کاری که کرده‌اند، رویارو کنیم؟

گاهی اوقات مردم ما را می‌رنجانند و آگاه نیستند که چه کار کرده‌اند. اگر چیز کوچکی است که غیر عمدی انجام شده، غالباً بهتر است که آنها را ببخشید و این بین ما و خدا بماند و چیزی به آنها نگوئید. گاهی اوقات، مهم است که آنها بدانند که کارشان خطاست، مخصوصاً اگر می‌بینیم که آنها به گناه ادامه داده و دائماً به ما و دیگران آسیب می‌رسانند.

اگر آنها در گروه تفرقه می‌اندازند، گروه خانگی به‌طور بالقوه نابود می‌شود. اگر ما به این شخص و رابطه آنها با خدا و دیگران اهمیت می‌دهیم، باید به سراغ آنها رفته و درباره اعمالشان با آنها صحبت کنیم.

در متی ۱۸: ۱۵-۱۷، عیسی راهنمایی‌های مفیدی را به ما می‌دهد که وقتی کسی نسبت به ما مرتکب خطایی می‌شود، چه کار کنیم. اگرچه هر شرایطی متفاوت است، اما قواعد مهمی در این عبارات یافت می‌شوند که می‌توانیم آنها را دنبال کنیم. درس ۳۷ ("با محبت به یکدیگر کمک کنید تا بر گناه پیروز شویم") در کتاب *۵ درس حیاتی* می‌تواند به شما کمک کند که بدانید چگونه این عبارت را بکار ببرید.

مطالب بیشتر درباره مواجهه با مشکلات ارتباطی در گروه خانگی را می‌توان در فصل ۱۲ یافت، "شاگردان بالغ شدن". (به سؤال ۲ در سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند، مراجعه کنید.)

همچنین درباره قواعد مفید در بخشش و طلب بخشش، به ضمیمه پ مراجعه کنید.

کاربرد و دعا

۱. متی ۵: ۲۳-۲۴ را بخوانید. آیا کسی را می‌شناسید که به نوعی او را رنجانیده باشید یا آسیب رسانده باشید؟ شما چه زمانی به سراغشان خواهید رفت؟ شما چه کار خواهید کرد یا چه خواهید گفت؟ زمانی را به دعا درباره آن اختصاص دهید. اکنون برنامه‌ریزی کنید و هرچه زودتر آن را انجام دهید.
۲. آیا کسی شما را رنجانیده که شما او را نبخشیده‌اید؟ با کمک و فیض خدا، اکنون دعا کنید و او را از ته دل ببخشید. (دوباره کولسیان ۳: ۱۲-۱۴ را بخوانید.)
۳. آیا کسی را در مشارکت خود می‌شناسید که نیاز دارد کس دیگری را در مشارکت یا خارج از مشارکت ببخشد؟ اگر کسی را می‌شناسید، چگونه می‌توانید به او کمک کنید که ببخشد؟ زمانی را به دعا برای او اختصاص دهید.
- به آیات این بخش مراجعه کنید و از خدا بخواهید که به شما نشان دهد که چگونه با استفاده از بعضی از این آیات، با او صحبت کنید. از خدا بخواهید که قلبش را نرم کند تا از خدا اطاعت کند.
۴. برای همه اعضای مشارکت خود دعا کنید که در بکارگیری کولسیان ۳: ۱۲-۱۴ در روابطشان با یکدیگر رشد کنند.

۱۴. نور و نمک جهان شدن

"شما نمک جهانید. اما اگر نمک خاصیتش را از دست بدهد، چگونه می‌توان آن را باز نمکین ساخت؟ دیگر به کاری نمی‌آید جز آنکه بیرون ریخته شود و پایمال مردم گردد.

"شما نور جهانید. شهری را که بر فراز کوهی بنا شده، نتوان پنهان کرد. هیچ‌کس چراغ را نمی‌افروزد تا آن را زیر کاسه‌ای بنهد، بلکه آن را بر چراغدان می‌گذارد تا نورش بر همه آنان که در خانه‌اند، بتابد. پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، بستایند." (متی ۵: ۱۳-۱۶)

(عیسی پیش از مصلوب شدن، در نزد پدر برای شاگردانش دعا کرد)-

"همان‌گونه که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستاده‌ام." (یوحنا ۱۷: ۱۸)

اگر برادر یا خواهری نیازمند پوشاک و خوراک روزانه باشد و کسی از شما بدیشان گوید: «بروید به سلامت، و گرم و سیر شوید»، اما برای رفع نیازهای جسمی ایشان کاری انجام ندهد، چه سود؟ (یعقوب ۲: ۱۵-۱۶)

عیسی ما را به جهان می‌فرستد

کلیساهای خانگی به راحتی می‌توانند هر هفته برای چند ساعت دور هم جمع شوند، در پایان با یکدیگر خداحافظی کنند و یک هفته بعد بازگردند که چند تا سرود بخوانند و دوباره به یک تعلیم گوش کنند. اما همانطور که در بخشهای دیگر این کتاب گفتیم، ایمان مسیحی چیزی بیش از یک جلسه پرستشی است که هر هفته در آن شرکت می‌کنیم.

بباید به یاد داشته باشیم که در اناجیل چه اتفاقی افتاد.

شاگردان، سه سال عیسی را تحت نظر گرفتند. آنها دیدند که او پشت دیوارهای یک ساختمان مذهبی پنهان نشد. او به مردم نگفت که به نزدش بیایند؛ او در بین مردم بود! او از یک روستا به روستای دیگر رفت. با گناهکاران غذا خورد، آنها را به توبه دعوت کرد و فیض خدا را به آنها نشان داد. به هزاران نفر غذا داد. جذامیان را لمس کرد، بیماران را شفا داد و دیوزدگان را آزاد کرد. با شجاعت، ریاکاری مذهبی را به چالش کشید. در همه جا دربارهٔ ملکوت خدا تعلیم داد. در خانه‌ها، خیابانها و کنار دریاچه. نه فقط در کنیسه‌ها.

امروز ما بدن مسیح نامیده شده‌ایم. به عبارت دیگر، اکنون ما، صدا، دستها و پاهاى عیسی هستیم. ما هم به سوی دنیا می‌رویم! نور او را در جاهای تاریک می‌تابانیم. به گرسنگان غذا داده و به ملاقات بیماران می‌رویم. به کسانی که در زندان هستند، توجه می‌کنیم. با فیض او، مردم دنیا را لمس می‌کنیم. در نام او برای آنها دعا می‌کنیم. و وقتی نیاز هایشان را رفع می‌کنیم، دربارهٔ واقعیت آمدن مسیح به‌عنوان نجات‌دهندهٔ دنیا نیز صحبت می‌کنیم. و با محبت به مردم هشدار می‌دهیم که از گناه بازگشته و به او ایمان آورند.

این به‌طور نظری، خوب به نظر می‌رسد، اینطور نیست؟ اما همهٔ ما می‌دانیم که خیلی راحت‌تر است که در جمعهای مسیحی خود بمانیم و وارد نیازهای دنیا نشویم.

این فصل به گروه شما کمک خواهد کرد که در برابر پنهان کردن نورتان در زیر یک سبد، از خود محافظت کنید. وقتی می‌روید، به یاد داشته باشید: عیسی با شماست! بروید که در نام او به دنیا خدمت کنید.

با کمک به نیازمندان، به عیسی خدمت کنید

(این درس ۴۱ در ۵۰ درس حیاتی است)

بحث ابتدایی: آیا به نظرتان خدا به فقرا اهمیت می‌دهد؟ آیا به نظرتان ما مسئول کمک به فقرا هستیم؟ چرا یا چرا نه؟

متی ۲۵: ۳۱-۴۶ را بخوانید.

۱. در این آیات، عیسی یک داستانی را برای تعلیم یک حقیقت می‌گوید. دوباره آیات ۳۱-۳۲ را بخوانید. این داستان چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ صحنه را توصیف کنید.
چه کسانی حضور دارند؟ (آیه ۳۲)
پسر انسان (عیسی) چه کار می‌کند؟ (آیه ۳۱)
۲. دوباره آیات ۳۴-۳۶ را بخوانید. کسانی که در سمت راست عیسی هستند، چه چیزی را دریافت می‌کنند؟ (آیه ۳۴) چرا؟ آنها چه کار کرده‌اند؟
چیزهایی را که عیسی در آیات ۳۵-۳۶ می‌گوید که برای او انجام داده‌اند، بنویسید.
۳. کسانی که در سمت راست هستند (پارسایان)، در پاسخ به کلام عیسی چه می‌گویند؟ آیا به نظرتان آنها از کلامش متعجب شدند؟ (آیات ۳۷-۳۹)
۴. پاسخ عیسی به آنها را در آیه ۴۰ بخوانید. به نظرتان منظورش از این حرفها چیست؟ ما چگونه با کمک به نیازمندان، به عیسی خدمت می‌کنیم؟
مادر ترزا یک راهب کاتولیک معروفی بود که به افراد بسیار فقیر و در حال مرگ که در خیابانهای هند زندگی می‌کردند، خدمت کرد. این مثل، الهام‌بخش او بود. او گفت که در هر یک از اشخاصی که به آنها کمک کرد، چهره عیسی را دید. وقتی شما از نیازمندان مراقبت می‌کنید، آیا در نظر دارید که به خود عیسی کمک می‌کنید؟
۵. اکنون عیسی برمی‌گردد و با کسانی که در سمت چپ او هستند، صحبت می‌کند. او به آنها چه می‌گوید؟ چرا آنها این مجازات را دریافت می‌کنند؟ (آیات ۴۲-۴۳)
۶. پاسخ آنها در آیه ۴۴ چه شباهتی به پاسخ پارسایان در آیه ۳۷-۳۹ دارد؟ عیسی چه پاسخی به آنها می‌دهد؟ (آیه ۴۵)
۷. افسسیان ۲: ۸-۱۰ را بخوانید. چند بار این آیات را بخوانید. آیه ۸ درباره نجاتمان به ما چه می‌گوید؟
بر اساس آیه ۹، آیا ما با اعمالمان نجات یافته‌ایم؟ آیا هیچ ایمانداری می‌تواند به خود ببالد که نجاتش را از طریق کاری که انجام داده، بدست آورده است؟
۸. حالا دوباره آیه ۱۰ را بخوانید. خدا به‌خاطر ایمانمان، ما را خلقت تازه‌ای در مسیح عیسی ساخته است. این می‌گوید که ما به‌عنوان خلقت تازه آفریده شده‌ایم که چه کار کنیم؟
به نظرتان، این کارهای نیک می‌تواند شامل چه چیزهایی باشد؟
۹. به متی ۲۵ بازگردید و آیه ۴۰ را دوباره بخوانید. وقتی شخص نیازمندی را می‌بینید یا درباره او می‌شنوید، آیا با خودتان فکر می‌کنید: "من چگونه می‌توانم دستان عیسی باشم که به این شخص کمک کنم؟" هیچ‌کس نمی‌تواند همه نیازهایی را که در اطرافش می‌بیند، برطرف کند. اما هریک از ما می‌توانیم به کمک نیازمندان برویم که خدا سر راهمان می‌گذارد.

با دعا خاتمه دهید: به کسانی فکر کنید که شاید خدا از شما می‌خواهد که به آنها کمک کنید. از او بخواهید که به شما قلب شفقت‌آمیزش نسبت به آنها را بدهد. بعد با انجام کاری که به شما نشان می‌دهد، از او اطاعت کنید.

درهای زندان برای یک مشارکت خانگی باز می‌شود

توفیق درخواست کرد: "روسلان، چون قرار است که تو به‌زودی از زندان خارج شوی، اجازه بده که من کتاب مقدس را نگاه دارم. تو می‌توانی بعد از آزادی، یک کتاب مقدس دیگر بگیری. اما من هیچ فرصتی برای یادگیری طریقه‌های خدا ندارم."

توفیق، دزد سابق در ملت مسلمان آسیای مرکزی، توسط ایمانداران دیگر در زندان به مسیح ایمان آورده بود، اما کتاب مقدس نداشت. دوست زندانی او، روسلان، در هنگام ورود به زندان، یک نوایمان بود و اجازه داشت که یک کتاب مقدس به همراه خود ببرد. روسلان غالباً کتاب مقدس را به توفیق قرض می‌داد که آن را بخواند. پیغام مسیح واقعاً هر دو مرد را تغییر می‌داد.

بالاخره روز آزادی روسلان فرارسید. او درحال ترک آنجا، توفیق را در آغوش گرفت و کتاب مقدس را در دستش گذاشت. درهای زندان برای او باز شد و او وارد دنیای آزاد شد. توفیق کتاب مقدس را در آغوش گرفت و خدا را به‌خاطر این هدیه شگفت‌انگیز شکر کرد.

او بلافاصله شروع کرد به خواندن کتاب مقدس و چند ساعت در روز آن را می‌خواند. هرچه بیشتر می‌خواند، بیشتر تغییر می‌کرد. کلام خدا، روز به روز، نور و امید را در ذهن و قلبش می‌تاباند. او دید که خیر خوش عیسی مسیح، تغییری نبود که فقط یکبار در هنگام تولد دوباره اتفاق افتد. این تغییر روز به روز در توفیق ایجاد می‌شد: او در ایمانش به نیکویی خدا رشد می‌کرد. او بیشتر مطمئن شد که از طریق مرگ مسیح، گناهانش کاملاً بخشیده شده بود.

اکنون او با احترام با زندانیهای دیگر برخورد می‌کرد و حتی به نهبانان هم اهمیت می‌داد. درحالی‌که حقایق انجیل به‌طور عمیقتری در جانش نفوذ می‌کرد، اکنون دنیای کوچکش در درون دیوارهای زندان، مملو از نور و حتی خوشی شده بود. در واقع با معجزه‌های زندگی می‌کرد که کتاب مقدس درباره آن صحبت می‌کند- یک آرامش عمیق که حتی می‌توان در مکانهای سخت تجربه کرد. قطعاً زندان، افسرده‌کننده بود. اما به‌خاطر مسیح، قلب توفیق مملو از امید بود.

او قدرت روح القدس را در اعماق وجودش یافت و نمی‌توانست ایمانش را برای خودش نگاه دارد. او ایمانش را با زندانیهای دیگر در میان گذاشت، بعضی از آنها هم به مسیح ایمان آوردند. طولی نکشید که افسران زندان به او و ایمانداران دیگر اجازه دادند که یک اتاق مخصوصی برای ملاقات داشته باشند. آنها تغییر شگفت‌انگیز را در توفیق دیده بودند و دیدند که او چگونه بر زندانیهای دیگر تأثیر می‌گذاشت، کسانی که نگرش، حرفها و اعمالشان به طرز نیکویی تغییر می‌کرد! افسران، قدرت انجیل را در زندگی این مردان دیدند.

به‌زودی، افسران اجازه دادند که آنها ۴ بار در هفته، هر بار بیش از ۲ ساعت با هم جمع شوند! توفیق هیجان‌زده شد. جلسات مکرر با این نوایمانان (و همچنین با بعضی از غیرایمانداران)، شگفت‌انگیز بود، اما توفیق می‌دانست که نمی‌توانست به‌خوبی تعلیم دهد، مگر اینکه خودش بیشتر تعلیم یابد. آیا این ممکن بود؟ او چگونه می‌توانست درحالی‌که در زندان بود، چیزهای بیشتری درباره کتاب مقدس بیاموزد؟

بعد یک معجزه اتفاق افتاد. روسلان که کتاب مقدس را در دست توفیق گذاشته بود، دوستش رشاد، یعنی رهبر یک گروه خانگی را برای کمک به توفیق فرستاد که با او در زندان ملاقات کند.

رشاد قبل از ورود به زندان، برای حکمت دعا کرد که بداند چگونه به توفیق کمک کند. او می‌دانست که افسران زندان، چیزهایی را که او می‌تواند به توفیق بدهد، محدود می‌کنند. او تصمیم گرفت که یک کتاب مقدس دیگر و همچنین یک منبع مطالعه کتاب مقدس، ۵۰ درس حیاتی را با خود ببرد. این ساعات زیادی از مطالعه و بحث و گفتگو درباره زندگی و تعلیم عیسی را برای گروه فراهم می‌کرد.

رشاد از ۳ مشارکت خانگی درخواست کرد که دعا کنند تا درها برای او باز شود که وارد زندان شود. او یک برادر را با خود برد، که در خارج از زندان و در ماشین نشست و دعا کرد. و خدا به دعاهایشان پاسخ داد! رشاد توانست وارد شود تا توفیق را ببیند و نهبانان زندان اجازه دادند که هر دو کتاب را هم ببرد. آنها حتی رشاد را متعجب کردند و از او خواستند که به آنها هم کتاب مقدس بدهد! او به آنها گفت: "من چند کتاب مقدس در ماشینم دارم و بعد از پایان ملاقاتم با توفیق، آنها را به شما خواهم داد."

رشاد اجازه داشت که چند ساعت با توفیق صحبت کند. او به توفیق کمک کرد که انجیل را واضحت درک کند و او را تشویق کرد که به کلاس زندانیها تعلیم دهد. او به توفیق گفت:

خدا فرصت شگفت‌انگیزی را به تو داده تا این مردان را شاگرد بسازی. ما سعی خواهیم کرد که تا حد ممکن به تو کمک کنیم. اما فراموش نکن که روح‌القدس به تو کمک خواهد کرد. کلام خدا قدرتمند است و در قلب مردان کار خواهد کرد. این کار خداست، نه کار تو!

رشاد به توفیق نشان داد که چگونه از ۵۰ درس *حیاتی* استفاده کند و چگونه در طول مطالعه کتاب مقدس، همه افراد را در بحث و گفتگو شرکت دهد. آنها زمانی را به دعا با یکدیگر اختصاص دادند که خداوند از این جلسات هفتگی برای گسترش ملکوتش در زندان و خارج از دیوارهای زندان استفاده کند. وقتی صحبت می‌کردند، رشاد دید که قلب توفیق مشتاق عیسی بود. او بعداً به دیگران گفت: "توفیق در مسیح زنده‌تر از ماست، که در خارج از زندان زندگی می‌کنیم!"

بعد از اینکه رشاد رفت، توفیق از این منابع در کلاسهای جدیدش استفاده کرد. این مردانی که قبلاً مسلمان بودند، با یکدیگر رشد می‌کردند و هر بار که توفیق کتاب مقدس را تعلیم می‌داد، آن را عمیقتر یاد می‌گرفت.

در هنگام کریسمس، رشاد همراه با تعدادی از مردان در گروههای مشارکتی، غذاهای زیادی را برای گروه کوچک بردند تا در آشپزخانه‌ای که برای آنها فراهم شده بود، غذا تهیه کنند. گروه کوچک ایمانداران تصمیم گرفتند که زندانیهای دیگر را نیز دعوت کنند که به آنها بپیوندند، مخصوصاً کسانی که خانواده‌ای نداشتند تا برای آنها غذاهای خوشمزه بیاورند. توفیق و برادرانش در مسیح، می‌خواستند برکاتی را که به آنها داده شده بود، تقسیم کنند.

رشاد شکلاتهای زیادی را هم آورده بود. توفیق و ایمانداران دیگر، آیات کتاب مقدس را درباره امید، بر روی تکه‌های کوچکی از کاغذ نوشته بودند که به کاغذ بسته‌بندی شکلاتها وصل کرده بودند و آن را به عنوان هدیه کریسمس به غیرایمانداران دادند.

اما برکت فقط یک طرفه نبود- یعنی فقط از مشارکتهای خانگی به سوی زندانیان نبود. اخیراً وقتی رشاد برای ملاقات به زندان رفت، توفیق یک کیسه از هدایای زندانیان را که کار دست خودشان بود و برای گروههای خانگی که اینطور به آنها محبت کرده بودند، درست شده بود، به او داد. شالهای بسیار زیبایی بافتنی برای گروههای مشارکتی که آنها را به دختران کوچک بدهند!

در عید قیام، ایمانداران می‌خواستند که شام خداوند را با یکدیگر جشن بگیرند، اما آمیوه یا شراب نداشتند که نشاندهنده خون مسیح باشد. پس یک جای پُررنگ درست کردند. وقتی نان را خوردند و جای را نوشیدند، با یکدیگر جشن گرفتند که عیسی جانش را برای آنها فدا کرد- یعنی برای زندانیان بخشوده شده!

اکنون گروههای خانگی، گروه توفیق را "کلیسای خانگی خود که در زندان جمع می‌شوند" می‌خواند! و برای کمک به رشدشان در مسیح، احساس مسئولیت می‌کنند. درحالیکه این داستان نوشته می‌شود (در بهار ۲۰۲۰)، توفیق هنوز در زندان است و گروه مطالعه کتاب مقدس همچنان با هم جمع می‌شوند. رشاد به ملاقات با توفیق ادامه می‌دهد، گاهی اوقات با مردان دیگر از مشارکتهای خانگی به آنجا می‌رود.

مشارکت خانگی به روسلان نیز که اکنون خارج از زندان است، کمک می‌کند. آنها می‌دانند که زندانیان آزاد شده به کمک نیاز دارند، چون آنها محیطی را که هیچ آزادی‌ای در آن نداشتند، ترک کرده و به محیطی وارد می‌شوند که هیچ محدودیتی در انجام کارهای روزانه خود ندارند. این می‌تواند یک ضربه عاطفی باشد! این زندانیان آزاد شده، غالباً به چیزهای عملی نیاز دارند، مانند کار، لباسهایی برای پوشیدن، گنهای زمستانی و کفش و گاهی اوقات مکانی برای اقامت. آنها به دوستی با ایمانداران نیز نیاز دارند، تا با دوستان قدیمی ملاقات نکنند، کسانی که ممکن است آنها را به راههای گذشته‌شان بازگردانند.

دعاهای مشارکت خانگی برای روسلان و مردان گروه خانگی که با او ملاقات می‌کنند، مرتباً برای تشویق و کمک به او در مشکلاتش می‌باشد. آنها متوجه می‌شوند که شاید در آینده به زندانیان آزاد شده خدمت کنند، چون خدمت توفیق در زندان در حال رشد است. نهایتاً آن ایمانداران آزاد خواهند شد. آنها نیاز دارند که محبت خدا به طریقهای عملی به آنها نشان داده شود.

"کی تو را مریض و یا در زندان دیدیم و به دیدارت آمدیم؟" پادشاه در پاسخ خواهد گفت: "آمین، به شما می‌گویم، آنچه برای یکی از کوچکترین برادران من کردید، در واقع برای من کردید." (متی ۲۵: ۳۹-۴۰)

۱. منظور عیسی از بیان اینکه شاگردانش، نمک زمین و نور جهان هستند، چه بود؟

عیسی غالباً از مثالهای زندگی روزانه استفاده می‌کرد تا در درک ملکوت خدا به ما کمک کند. اولاً، عیسی شاگردانش را با نمک مقایسه می‌کند. نمک چه کار می‌کند؟ رایجترین کاربرد نمک این است که به غذا طعم ببخشد. گاهی اوقات زندگی هیچ طعمی ندارد، یعنی دشوار است و احساس می‌کنیم که بی‌معنی است. ایماندارانی که با محبت خدا زندگی می‌کنند، به هر جاییکه می‌روند، معنا و امید را می‌برند. وقتی ایمانداران وارد می‌شوند و فضای یک خانه، محل کار، مدرسه یا مکان دیگری را تغییر می‌دهند، زندگی برای اطرافیانشان "خوش‌طعم" می‌شود.

قبل از وجود یخچال، نمک برای جلوگیری از فساد گوشت نیز بکار می‌رفت. ما ایمانداران در دنیای در حال مرگ کار می‌کنیم. اعمال عادلانه‌ها، حتی مهربانی ما نسبت به افراد غیردیندار، مانند نمک، تأثیر حیات‌بخش دارد. آنها مانع از گناه شده و زیبایی خدا را جاری می‌کنند. مسیحیان اولیه به‌طور قدرتمندی در دنیای فاسد رومی خدمت می‌کردند، به طوری که غیرایمانداران ایمان آوردند که شرایط می‌توانست بهتر شود.

همچنین عیسی گفت که شاگردانش، نوری در دنیای تاریک هستند. در کتاب مقدس، نور غالباً مترادف با حقیقت است. وقتی ما نور را در یک اتاق تاریک روشن می‌کنیم، ناگهان همه چیز به‌وضوح دیده می‌شود. به همین ترتیب، زندگی ایماندار باید عیسی، نور دنیا را بر اطرافیانش آشکار کند. مردم باید محبت عظیم خدا برای دنیا را در نحوه رفتار ملایم و شفقت‌آمیز پیروان عیسی با دیگران ببینند.

آنها باید در نحوه زندگی قوم خدا، عشق خدا به عدالت و نفرتش از بدی و شرارت را نیز ببینند. ایمانداران باید به درستکاری و قابل اعتماد بودن معروف باشند. همچنین شاگردان حقیقی در جامعه، در حمایت از آنچه درست است و برخلاف آنچه اشتباه است، عقایدشان را بیان خواهند کرد. آنها مانند شهری بر روی تپه هستند که می‌تواند از دور دیده شود. زندگی و کلامشان به دیگران کمک می‌کند که راه رسیدن به خدا را بیابند.

۲. ما نمی‌خواهیم گروهی باشیم که فقط یکشنبه‌ها برای زمان پرستش با هم جمع می‌شوند؛ ما می‌خواهیم قلب مسیح را نسبت به دنیا داشته باشیم. آیا می‌توانید پیشنهادات عملی به ما بدهید که چگونه می‌توانیم به دیگران اهمیت دهیم؟

سعی نکنید که بدون دعا و گوش دادن به روح القدس، خدمتی را ایجاد کنید. دوباره مطالعه کتاب مقدس درباره مثل گوسفندان و بزها را در صفحات قبلی بخوانید. درباره سؤالات بحث و گفتگو کنید و به نیازهایی فکر کنید که خداوند در زندگی روزانه در مقابلتان می‌گذارد.

همه ما نسبت به نیازهای اطرافیانشان نابینا بوده‌ایم. با یکدیگر برای هر یک از اعضای گروهتان دعا کنید که چشمها و قلب مسیح را داشته باشند. از او بخواهید که قلب شفقت‌آمیز خودش نسبت به مردمی که انواع مختلف نیازها را دارند، به شما بدهد- جسمانی (برای غذا، لباس، پناهگاه، مراقبت پزشکی)، عاطفی (کسانیکه به‌خاطر آزار یا شرایط سخت زندگی آسیب دیده‌اند)، یا روحانی (کسانیکه مسیح را نمی‌شناسند یا شاید از افسردگی، دل‌سردی، شک و غیره رنج می‌برند).

درحالی‌که روح القدس چشمانتان را باز می‌کند تا این نیازها را ببینید، از او بخواهید تا به شما نشان دهد که چه کمکی می‌توانید انجام دهید. خدمت شما، تقریباً همیشه شامل قربانی کردن وقت، پول یا آبروی‌تان در نظر دیگران است. به مثل سامری نیکو در لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷ مراجعه کنید، کسی که همه اینها را قربانی کرد. برای درسی درباره این مثل، به درس ۱۸ در ۵۰ درس حیاتی مراجعه کنید.

۳. گروه ما کوچک است. ما پول محدود و زمان محدودی داریم. چگونه می‌توانیم مسئولیتهای بیشتری را بر عهده بگیریم؟

اشکالی ندارد که شما کوچک هستید. همانطور که در سؤال ۲ در بالا مطرح شد، وقتی دعا می‌کنید و در طلب خدا هستید، او چشمها و قلبتان را نسبت به کاری که برای شما در نظر گرفته، باز می‌کند. و منابع مورد نیاز را برای کاری که او پیش رویتان می‌گذارد، فراهم می‌کند.

بسیاری از خدمات، کوچک هستند و به سازمان و پول زیاد نیاز ندارند. درباره طابیتا در اعمال ۳۶: ۹-۴۲ بخوانید. توجه کنید که خدمت او، کارهای ساده خیاطی برای نیازمندان بود. او به‌منوعی، زمانی را برای استفاده از عطایایش پیدا کرد تا به مردم کمک کند.

اعضای کلیسای شما هر هفته، نیازهایی را خواهد دید که می‌توانند کمک کنند. شاید کمک به مادری باشد که بچه‌هایش بسیار بیمارند، یا ملاقات بیوه‌زنی که هیچ خانواده‌ای ندارد، بردن یک کیسه غذا به کسی که نیازمند است یا به همراه یک بیمار سرطانی به دکتر بروید. شاید بعضیها تصمیم بگیرند که زباله‌های اطراف آپارتمانشان را جمع کنند.

به یاد داشته باشید که عیسی گفت:

آن که در امور کوچک امین باشد، در امور بزرگ نیز امین خواهد بود... (لوقا ۱۶: ۱۰)

همچنین به این موضوع فکر کنید: وقتی خداوند دری را برای یک عضو باز می‌کند (مانند داستان بالا که رشاد به زندان رفت تا به توفیق کمک کند)، این می‌تواند فرصتی برای کلّ گروهتان فراهم کند که از طریق هدیه دادن، دعا و محبت به طریقه‌های بزرگ و کوچک خدمت کنید. به‌سادگی به خدا خدمت کنید تا او از طریق محبت شما جلال یابد.

همچنین می‌توانید در نظر بگیرید که به گروه‌های دیگر پیوسته و خدمتی را آغاز کنید. کلیسای اورشلیم، یک خدمت روزانه برای غذا دادن به بیوه‌زنان را آغاز کرد. (به اعمال ۱: ۶ مراجعه کنید) آنها منابع گسترده‌ای داشتند، چون این یک پروژه مشترک با بسیاری از نوایمانان در آن شهر بود. سعی نکنید که به‌تنهایی خدمتی را راه‌اندازی کنید که فوق از توانتان است. وقتی پولس رسول مردم را تشویق کرد که هدیه بدهند، این را نوشت:

زیرا اگر اشتیاق باشد، هدیه شخص مقبول می‌افتد، البته بر حسب آنچه کسی دارد، نه آنچه ندارد. (دوم قرنتیان ۸: ۱۲)

کاربرد و دعا

۱. به سؤالات ۲ و ۳ در بالا بازگردید. به‌عنوان یک مشارکت، مطابق پیشنهادی که در آنجا مطرح شد، زمانی را به دعا با یکدیگر اختصاص دهید. به افراد در مشارکتان فرصت دهید تا درباره راههایی صحبت کنند که اکنون در بین کسانی که با آنها زندگی و کار می‌کنند، نمک و نور هستند. آیا طریقهایی وجود دارد که گروهتان به‌طور جمعی بتواند این خدمت را تقویت کند و شاید آن را گسترش دهد؟
همچنین وقتی دعا می‌کنید، از خدا انتظار داشته باشید که راههای دیگری را به شما نشان دهد تا به‌طور فردی یا گروهی بتوانید محبتش را نشان دهید.
۲. در گروهتان، زمانی را به صحبت درباره چالشهایی اختصاص دهید که شاید اعضای گروه در حالیکه در پی نمک و نور بودن در دنیای خود هستند، با آنها مواجه می‌شوند. مثلاً آیا کسی تحت فشار اینکه در محل کار یا مدرسه، متقلب باشد، قرار گرفته است؟ آیا کسی می‌خواهد که محبت خدا را به یک شخص دشوار نشان دهد؟ زمانی را به دعا برای کسانی اختصاص دهید که برای انجام کار درست بر اساس کلام خدا، با انواع جفاها مواجه می‌شوند.
۳. در مشارکت خود بحث و گفتگو کنید: چه چیزی به‌طور فردی یا گروهی، مانع از کمک شما به نیازمندان می‌شود؟ اگر به‌خاطر کمبود وقت است، از خدا بخواهید که به شما طریقهایی را که شاید وقتتان را تلف می‌کنید، نشان دهد. بعضیها واقعاً ممکن است که وقت آزاد نداشته باشند، اما عده‌ای دیگر می‌توانند از تماشای تلویزیون یا از زمانی که صرف اینترنت می‌کنند، دست بکشند تا به یک نیازمند کمک کنند.
اگر شما نگرانید که مردم از شما سوءاستفاده خواهند کرد، با یکدیگر دعا کنید که خدا به شما حکمت عطا کند. آیا افراد دیگری را که به فقرا کمک می‌کنند، می‌شناسید؟ از آنها بپرسید که در خدمتشان چه چیزهایی را یاد گرفته‌اند.
آیا شما از غیبت کردن می‌ترسید؟ شاید بعضیها در گروهتان به‌خاطر ترس از انسان کنارگیری می‌کنند. اگر ما بعضی از کارهای ناخوشایند را انجام می‌دهیم یا به مطرودان کمک می‌کنیم، به‌راحتی می‌توانیم نگران فکر یا حرفهای مردم نسبت به خودمان باشیم. اینها آیاتی هستند که می‌توانید با یکدیگر بخوانید تا ببینید که خدا درباره ترس از مردم و ترس خدا چه می‌گوید:

امثال ۲۵:۲۹

غلاطیان ۱:۱۰

مزامیر ۱:۲۷

مزامیر ۱۰:۵۶-۱۱

از خداوند کمک بطلبید تا نترسید از اینکه با فروتنی و فداکارانه، مانند سامری نیکو خدمت کنید. از او کمک بطلبید که وقتی خدمت می‌کنید، چشمانتان را به او بدوزید و نگران فکر مردم نباشید. مثل گوسفندان و بزها را به یاد داشته باشید. وقتی به نیازمندان خدمت می‌کنید، واقعاً به عیسی خدمت می‌کنید!

۱۵. ایستادگی در جفاها

"خوشا به حال آنان که در راه پارسایی آزار می‌بینند، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است.
"خوشا به حال شما، آنگاه که مردم به خاطر من، شما را دشنام دهند و آزار رسانند و هر سخن
بدی به دروغ علیه‌تان بگویند. خوش باشید و شادی کنید زیرا پادشاهان در آسمان عظیم است.
چراکه همین‌گونه پیامبرانی را که پیش از شما بودند، آزار رسانیدند."
(عیسی، متی ۵: ۱۰-۱۲)

براستی، همه کسانی که بخواهند در مسیح عیسی با دینداری زیست کنند، آزار خواهند دید؛ اما
شرارت‌پیشگان و شیادان در بدی پیش خواهند رفت؛ فریب خواهند داد و فریب خواهند خورد.
اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش... (پولس رسول، دوم تیموتائوس
۳: ۱۲-۱۴)

عیسی به کسانی که به خاطر انجیل رنج می‌کشند، قوت می‌بخشد

جفای کلیسای عیسی، چیز جدیدی نیست. عیسی مورد جفا قرار گرفت و شاگردانش نیز مورد جفا قرار گرفتند. از زمانیکه عیسی مصلوب شد، جفا یک واقعیتی در طول ۲۱ قرن بوده است. شاید مشارکت خانگیان با این سختیها آشنا باشد. شاید اکنون در جفا باشید.

پطرس گفت:

ای عزیزان، از این آتشی که برای آزمودن شما در میانان برپاست، در شگفت مباحثید، که گویی چیزی غریب بر شما گذشته است. (اول پطرس ۴:۱۲)

وقتی به خاطر ایمانمان دچار مشکل می‌شویم، شاید آرزو کنیم که ای کاش می‌توانستیم از خدمت به مسیح کنارگیری کنیم. اما به یاد می‌آوریم که چقدر دیگران به ما کمک کردند که مسیح را نزد ما بیاورند. خدا از ما می‌خواهد که به‌رایگان بدهیم، همانطور که به‌رایگان دریافت کرده‌ایم. عیسی همه چیز را به‌خاطر ما داد. همچنین می‌دانیم که میلیونها ایماندار که نامشان مطرح نشده، در طول قرن‌ها به‌خاطر ما فداکاری کرده‌اند تا ما انجیل را دریافت کنیم. حتی عده‌ای از آنها زندگی خود را تسلیم کرده‌اند. بنابراین ما یاد می‌گیریم که روزانه فداکاری کنیم.

سپس به همه فرمود: "اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید." (لوقا ۹:۲۳)

ما اجازه می‌دهیم که نورمان در هر جا که می‌رویم، بدرخشد، مخصوصاً در مکانهای تاریک. و در مکانهای تاریک، با مخالفت افراد عصبانی مواجه می‌شویم، افرادی که توسط شیطان کور شده‌اند. عیسی این مخالفت را به‌خوبی می‌شناخت. (یوحنا ۱۵:۱۸-۲۵)

ما در جفاها، ضعفهای خود را کشف می‌کنیم و به طرف عیسی می‌دویم، از او قوت و فیض مورد نیاز را می‌طلبیم. ما در فقر روح، او را صدا می‌کنیم که به ما قدرت ببخشد که از او شرمسار نشویم، و به محبت خود نسبت به افرادی که از نور متنفرند، ادامه بدهیم.

ما می‌توانستیم از درد جفا فرار کنیم، چنانکه شاگردان به هنگام دستگیری عیسی این کار را کردند. (مرقس ۱۴:۵۰) اما اگر تمرکز ما بر روی نجات زندگیمان باشد، تمامی آنچه را که عیسی تابحال برای ما انجام داده، انکار خواهیم کرد. وقتی شفای عیسی را در زندگی خود تجربه می‌کنیم، قدرت می‌یابیم که سختی، ضرر و زیان، یا دردی را که در مسیر عدالت می‌باشد، انتخاب کنیم. ما رشد کرده‌ایم که عاشق ملکوت خدا باشیم و در رنجها، چشمهای خود را به عیسی بدوزیم. ما با از دست دادن ملکوت خود، کاملاً وارد ملکوت او می‌شویم (اول پطرس ۱:۴-۲).^۷

این فصل به تقویت قلب اعضای گروهتان کمک خواهد کرد تا وقتی دیگران با شما مخالفت می‌کنند، از عیسی پیروی کنید.

^۷ این پاراگرافها برگرفته از روز ۲۷ در کتاب عبادتی، رشد در مسیح از طریق خوشا به حالها است. برای آگاهی از نحوه دریافت یک نسخه از این کتاب، به ضمیمه الف، "منابع" مراجعه کنید.

عیسی شاگردانش را برای جفا آماده می‌کند

بحث ابتدایی: آیا کسی را می‌شناسید که به‌خاطر ایمانش، جفا دیده باشد؟ یا آیا شهادت ایماندارانی را که به‌خاطر عیسی رنج کشیده‌اند، خوانده‌اید؟ پیش از آغاز درس زیر، به‌طور خلاصه داستانی را درباره خودتان یا دیگران که جفا دیده‌اند، تعریف کنید.

در آغاز متی ۱۰، عیسی ۱۲ شاگردش را به سراسر سرزمین اسرائیل می‌فرستد تا درباره ملکوت خدا تعلیم دهند، بیماران را شفا دهند و دیوها را بیرون کنند. در آیات بعدی، او دستورالعمل‌های بیشتری داده و می‌گوید که انتظار چه اتفاقی را می‌توانند داشته باشند. اینها حقایق مهمی برای همه ایمانداران در همه نسلهاست.

متی ۱۰:۱۶-۴۲ را بخوانید.

۱. دوباره آیه ۱۶ را بخوانید. پیروان عیسی که به دنیا می‌روند تا خبر خوش را اعلام کنند، با چه چیزی مقایسه شده‌اند؟ درباره این تصویر فکر کنید؛ گوسفندان، بینوا و بی‌آزارند؛ گرگها، گوسفندان را نابود می‌کنند. بر اساس این آیه، آنها باید در این شرایط چه رفتاری داشته باشند؟

به نظرتان "همچون مار هوشیار باشید و مانند کبوتر ساده"، برای گروه خانگیتان چه مفهومی دارد؟ وقتی خبر خوش را اعلام می‌کنید، آیا در بعضی از طریقهایتان بدون حکمت عمل می‌کنید؟ آیا در بعضی از طریقهایتان مانند کبوتر بی‌آزار نیستید؟

۲. آیات ۱۷-۲۰ را بخوانید. شاگردان عیسی می‌توانند انتظار چه اتفاقاتی را داشته باشند؟ وقتی آنها را به حضور دولتها و پادشاهان می‌برند، این چه فرصتی به آنها خواهد داد؟ (آیه ۱۸) روح القدس چگونه به آنها کمک خواهد کرد (آیات ۱۹-۲۰)؟

۳. آیات ۲۱-۲۲ را بخوانید. شاید در دنیای امروز درباره نمونه‌هایی شنیده باشید که اعضای خانواده به‌خاطر اینکه یکی از اعضا پیرو عیسی شده، او را به قتل رسانده‌اند. غالباً آنها به قتل نمی‌رسند، اما شاید از سوی خانواده طرد شوند؛ شاید کتک بخورند یا به آنها افترا زده و لعنتشان کنند. بر اساس آیه ۲۲، نتیجه نهایی برای کسانی که در مواجهه با جفا، از ایمانشان دست نمی‌کشند، چیست؟

آیا کسی در مشارکت خانگیتان به‌خاطر ایمانش به عیسی، از سوی اعضای خانواده مورد جفا قرار گرفته است؟ در گروهتان بحث و گفتگو کنید که چه اتفاقی افتاد. اگر آنها از سوی خانواده‌شان طرد شده‌اند، درباره طریقهایی گفتگو کنید که مشارکت خانگی می‌تواند برای آنها یک خانواده حقیقی باشد.

۴. آیات ۲۴-۲۵ را بخوانید. در لوقا ۱۱:۱۴-۱۵، عیسی بعزوبول خوانده شد. مردم گفتند که اعمال نیکوی عیسی به یاری رئیس دیوها بود. بر اساس آیه ۲۵، اگر ما حقیقتاً پیروان عیسی هستیم، از اشخاص بی‌خدا چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم؟ به نظرتان، آیا شما در دلتان آماده‌اید که مورد حمله این حرفهای نفرت‌انگیز قرار بگیرید؟ افکارتان را توضیح دهید.

۵. آیات ۲۶-۲۸ را بخوانید. چرا این باید تشویقی برای ایمانداران باشد که همه چیزهای پنهان، آشکار خواهند شد؟ آیه ۲۸ را چند بار، به‌طور آهسته بخوانید. این حقیقت بسیار مهمی برای ماست که از آن آگاه باشیم. چه کسی می‌تواند فقط جسم را هلاک کند، نه جان را؟ چه کسی می‌تواند جسم و جان را تا ابد هلاک کند؟ (درباره آن فکر کنید: داور ما که نهایتاً تصمیم خواهد گرفت که تا ابد در کجا باشیم، کیست؟ همچنین به یعقوب ۴:۱۲ مراجعه کنید.)

اگرچه عیسی به ما تعلیم داد که نباید از آنچه انسانها می‌توانند به ما بگویند یا انجام دهند، بترسیم، اما ما می‌دانیم که فشارهای اطرافیانمان را به‌سختی می‌توانیم نادیده بگیریم.

این آیه چه کمکی به ما می‌کند که قلبمان را آماده کنیم و در طول جفاها بر ترس غلبه کنیم؟

۶. چگونه آیات ۲۹-۳۱ شما را تشویق می‌کنند؟

۷. آیات ۳۲-۳۳ را بخوانید. همه ما می‌توانیم وسوسه شویم که به‌عنوان ایمانداران مخفی زندگی کنیم. در دلمان ایمان داریم که عیسی "راه، راستی و حیات است"، اما وقتی از طرف غیرایمانداران تحت فشار هستیم، به‌راحتی می‌توانیم در مورد ایمانمان سکوت کنیم. ترس از جفا، از طرف دولت یا کسانی که در محل کار هستند، یا ترس از طردشدگی از طرف اعضای خانواده، ما را تحت فشار می‌گذارد که نورمان را در زیر کاسه‌ای پنهان کنیم (۵:۱۴-۱۶ را بخوانید).

وقتی ما وسوسه می‌شویم که ایمانداران مخفی باشیم، متی ۱۰:۳۲-۳۳ به ما چه می‌گوید؟

۸. اکنون عیسی به صحبت درباره روابط خانوادگی بازمی‌گردد. آیات ۳۴-۳۹ را بخوانید. عیسی می‌گوید که با آمدن خود چه چیزی را به دنیا آورده است؟ (آیه ۳۴)

ما عیسی را سرور صلح می‌خوانیم. (به اشعیا ۹:۶ مراجعه کنید) چگونه سرور صلح می‌تواند باعث شود که اعضای خانواده، دشمن یکدیگر شوند؟ (آیات ۳۵-۳۷ را بخوانید)

نکته: رومیان ۱۸:۱۲ می‌گویند: "اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید." این همیشه باید هدف ما باشد. اما گاهی اوقات، حتی وقتی ما همه کارهای ممکن را انجام می‌دهیم تا با دیگران در صلح و صفا باشیم، آنها ما را طرد می‌کنند یا می‌خواهند که ایمانمان به عیسی را انکار کنیم. اگر اینطور است، باید تصمیم بگیریم که چه کسی را بیشتر محبت و پیروی خواهیم کرد.

۹. آیات ۳۷-۳۹ را بخوانید. عیسی می‌گوید که او باید چه جایی را در قلبمان داشته باشد؟ (آیه ۳۷) به نظرتان، منظور عیسی از اینکه گفت ما باید صلیبمان را برداریم و از او پیروی کنیم، چه بود؟ (آیه ۳۸)

نکته: به هدف صلیب فکر کنید. کسی که در زمان عیسی صلیب را حمل می‌کرد، به سوی مرگ خود می‌رفت. در لوقا ۲۳:۹ عیسی می‌گوید که ما باید خود را انکار کنیم، هر روزه صلیبمان را برداریم و از او پیروی کنیم. در لوقا ۲۵:۹، عیسی با این تفکر ادامه می‌دهد: "انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خویش را ببازد یا آن را تلف کند؟"

۱۰. متی ۳۹:۱۰ را دوباره بخوانید. این آیه ۴ مرتبه دیگر در اناجیل یافت می‌شود: متی ۲۵:۱۶، مرقس ۸:۳۵، لوقا ۹:۲۴ و لوقا ۱۷:۳۳.

وقتی به آیات ۳۸ و ۳۹ نگاه می‌کنید، به زندگی روزانه‌تان به‌عنوان پیرو عیسی فکر کنید. این آیات شخصاً برای شما چه مفهومی دارند؟ به‌عنوان یک رهبر برای شما چه مفهومی دارند؟

۱۱. در این عبارت و در جاهای دیگر در اناجیل، سه مرتبه عیسی به پیروانش می‌گوید که ترسی نداشته باشند. شما چگونه می‌توانید به اعضای گروهتان کمک کنید که بر ترسهایشان غلبه کنند؟

با دعا خاتمه دهید: شما چگونه می‌توانید به کسانی که در مشارکت شما هستند، کمک کنید که در دوران خوشی و روزهای سختی، به خوشی حاصل از تسلیم روزانه زندگیشان برای پیروی از عیسی دست یابند؟ اکنون زمانی را به دعا درباره این موضوع اختصاص دهید.

در این موضوع عمیقتر شوید: در پایان این فصل، فهرستی از آیات دیگر درباره این موضوع موجود است تا آنها را با گروه مشارکتی خود مطالعه کنید.

کلیسای چینی در آتش جفاها قویتر می‌شود

رشد کلیسای چین در ۷۰ سال اخیر، یک داستان شگفت‌انگیز است. در حدود سال ۱۹۵۰، فقط ۱ میلیون مسیحی در این کشور بود. در آن زمان، جمعیت چین بیش از ۵۰۰ میلیون نفر بود که یعنی برای هر ۵۰۰ نفر، کلیسا فقط یک ایماندار داشت.

امروزه، دولت چین تخمین می‌زند که کلیسای مسیحی چین می‌تواند تا حدود ۱۰ درصد از جمعیت باشد- ۱ ایماندار به ازای هر ۱۰ نفر. امروزه بیش از ۱۰۰ میلیون ایماندار در چین است! این چگونه اتفاق افتاد؟ بیشترین رشد با تکثیر کلیساهای خانگی حاصل شد که با وجود جفا، به سرعت گسترش یافت.

در اواخر نیمه دوم قرن ۲۰، بعضی از رهبران کلیسای خانگی چین، در حدود ۲۰ تا ۳۰ سال به‌خاطر ایمانشان در زندان عذاب کشیدند. تصور کنید که وقتی فرزندانان خیلی کوچک هستند به زندان بروید و بعد وقتی بزرگ شده‌اند، آزاد شوید.

این رهبران چینی، متحمل درد و رنج عاطفی و جسمانی شدند. اما به‌خاطر مسیح و برای رشد کلیسای چین، این کار را کردند. به همین دلیل، امروزه عمیقاً مورد احترام ایمانداران چینی هستند، اگرچه بسیاری از آنها در دنیای خارج از چین ناشناخته‌اند.

یک مردی که به رشد جنبش کلیسای خانگی در چین کمک کرد، لیو زینینگ بود که بیشتر به برادر یون معروف بود. بعد از شفای معجزه‌آسای پدرش، کل خانواده برادر یون، به همراه بسیاری از اقوام و دوستانش، زندگیشان را به عیسی سپردند. مادرش، مبشری شد که در سراسر منطقه‌شان، کلیساهای خانگی را بنا کرد.

هیچ‌کس در آن روزها به‌خاطر جفای شدید کلیسا نمی‌توانست کتاب مقدس پیدا کند. یون نوجوان، به مدت بیش از سه ماه، هر روز روزه گرفت و صادقانه دعا کرد که یک کتاب مقدس داشته باشد. نهایتاً، یک شب دیروقت، ضربه آهسته‌ای را بر در خانه اش شنید. دو غریبه از طرف خدا فرستاده شده بودند که یک کتاب مقدس به خانه او بدهند! کتاب مقدس چندین سال در زیرزمین دفن شده بود تا از چشم دولت مخفی بماند. برادر یون می‌گوید که بعد از این پاسخ معجزه‌آسا به دعا چه اتفاقی افتاد:

از آن لحظه به بعد، با ایمان در نزد عیسی دعا کردم. کاملاً اعتماد داشتم که کلام کتاب مقدس، کلام خدا برای من بود... هر روز از صبح تا اواخر عصر، کلام خدا را می‌خواندم. وقتی باید در مزرعه کار می‌کردم، کتاب مقدس را در داخل لباسم، به خودم می‌بستم و از هر فرصتی برای نشستن و خواندن استفاده می‌کردم. شبها، کتاب مقدس را با خودم به تختخواب می‌بردم و روی سینه‌ام می‌گذاشتم.

والدین یون، کشاورزانی فقیر بودند. یون فقط کلاس سوم را تمام کرده بود و خیلی آهسته می‌خواند. اما همچنان کل کتابهای کتاب مقدس را حفظ کرد، از کتاب متی آغاز کرد.

او به کلیساهای خانگی جدید رفت که کتاب مقدس نداشتند. او نمی‌دانست که چگونه موعظه کند، پس داستانهای معجزه‌آسا و تعالیم عیسی را از حفظ نقل می‌کرد. ایمان در دل شنوندگانش ایجاد شد. آنها با سرودهای ساده، عیسی را که آنها را از گناهانشان و تاریکی ابدی نجات داد، پرستش می‌کردند.

یون، داستانهایی از کتاب اعمال نیز به آنها می‌گفت، داستانهایی درباره رشد کلیسا بعد از صعود عیسی به آسمان. ایمان در دل ایمانداران افزایش یافت که با شجاعت، انجیل را اعلام کنند.

اما جفا شدید بود. پلیس دائماً به دنبال ایمانداران بود، به جلسات حمله می‌کرد و بسیاری را دستگیر می‌کرد. آنها بیرحمانه کتکشان می‌زدند، آنها را به دادگاهها می‌بردند و جرایم سنگینی به آنها می‌دادند. رهبران بسیاری زندانی شدند. پلیس و دادگاهها، ایمانداران را "دشمنان دولت چین" می‌خواندند، اگرچه مسیحیان، شهروندانی بودند که مطابق قانون زندگی می‌کردند و به جامعه هیچ آسیبی نمی‌رساندند. این همان اتفاقی بود که عیسی و رسولان در عهدجدید در مورد آن صحبت کردند.

یون در کتابش، *مرد آسمانی*، می‌گوید که سالهای جفا، ملو از معجزات بسیار بود. عیسی با آنها بود و موعظه‌شان را با آیات و معجزات قدرتمند تأیید می‌کرد. خدا از این سالهای تاریک در چین استفاده می‌کرد تا میلیونها نفر را وارد ملکوت خدا کند. ایمانداران، بیشتر وقتها و صادقانه دعا می‌کردند و سرودهای پرستشی درباره وفاداری نسبت به عیسی در دوران سختیها را نوشتند.

زو یانگزر، رئیس کمیته مشارکت رهبران کلیسای خانگی سینیم در چین، درباره سالهای ریاست جمهوری مائو زندانگ، اینطور نوشت:

در ۱۹۴۹ جفای قوم خدا آغاز شد و کلیساها از آن زمان به بعد متحمل انواع حملات شدند. تا ۱۹۵۸، دولت همه کلیساهای قابل رؤیت را بسته بود. زن مائو، جیانگ کینگ، به بازدید کنندگان خارجی گفت: "مسیحیت در چین به بخش تاریخی موزه محدود شده است. این مُرده و دفن شده است." در دهه ۱۹۷۰، یک هیئت نمایندگی مسیحی از ایالات متحده برای بازدید آمده و گزارش داد: "حتی یک مسیحی در چین نمانده است."

البته هنوز مسیحیان در آنجا بودند، اما کلیسا به‌طور مخفیانه در مشارکتهای خانگی جمع می‌شد. بعدها، دولت در تلاش برای کنترل رشد کلیسا و کنترل موعظه رهبران گفت که ایمانداران می‌توانند به‌طور قانونی جمع شوند، اما فقط در تعداد کمی از ساختمان کلیساهای ثبت شده.

رهبران کلیسا دیدند که این رشد، کلیسا را محدود می‌کند و اعتقاد نداشتند که دولت باید به کلیسای عیسی بگوید که چگونه مسیح را خدمت کنند. آنها مانند شاگردان عیسی می‌دانستند که باید از خدا پیروی کنند، نه انسان. (اعمال ۵: ۲۸-۲۹) در نتیجه، کلیساهای خانگی جدید در همه جا آغاز می‌شدند.

عده بیشتری برای اولین بار انجیل را می‌شنیدند. انجیل حتی در زندانها گسترش می‌یافت، چون ایمانداران زندانی زمان زیادی برای صحبت درباره ایمانشان داشتند. مجرمان گوش کرده و امید یافتند. آنها می‌دانستند که بیش از آزادی از سلول زندان، نیازمند آزادی از شرم و ظلم و ستم شیطان هستند. آنها به مسیح ایمان آورده و پاک شدند. آنها حقیقتاً آزاد شدند!

ایمانداران بسیاری می‌خواستند که در زندان رنج بکشند تا انجیل گسترش یابد. اگرچه دوران زندانشان مملو از تنهایی و ترس بود، اما ایمانداران اعتماد داشتند که خدا برای نگه داشتن آنها در آنجا، دلایلی دارد. برادر یون، این اطمینان را در پیغامی که در ۲۰۰۱ از زندان نوشت، اعلام کرد:

خدا مرا فرستاده که شاهد او در این مکان باشم. عده زیادی در اینجا به عیسی نیاز دارند. من دقیقاً تا مدت زمانی که خدا تعیین کرده، در این زندان خواهم بود. یک لحظه زودتر اینجا را ترک نخواهم کرد و یک لحظه بیشتر در اینجا نخواهم ماند. وقتی خدا خدمت مرا در زندان تکمیل شده بداند، خارج خواهم شد.

به‌خاطر این اطمینان، یون توانست شرایط وحشتناک را تحمل کند. او شاهد آزادی معجزه‌آسا از زندان بود، مانند رسولان در کتاب اعمال.

زانگ رونگ لیانگ، رهبر شبکه کلیسای خانگی فانگ چنگ در چین، دوست برادر یون بود. او افکارش درباره یون را در کلمات زیر خلاصه کرد:

من در کلیسای چینی، بسیاری از خادمان خدا را دیده‌ام که با قدرت و اقتدار بسیار می‌آیند، اما در برادر یون، خادم عیسی را دیده‌ام که همیشه با فروتنی و حلم آمد، او قلب پسر انسان را منعکس می‌کرد که نیامد تا خدمت شود، بلکه تا خدمت کند و جاننش را فدا کند.^۱

از زمان عیسی، بسیاری از این ایمانداران در سراسر دنیا، وفادارانه انجیل را با فداکاری شخصی عظیمی گسترش دادند، گاهی اوقات جانشان را فدا کردند. در دورانهای تاریک، با ایمان معتقد بودند که کارشان در مسیح هرگز بیهوده نبود و با خدمت فروتنانه خود، نام عیسی مسیح را حرمت و جلال دادند. نویسنده عبرانیان به ما می‌گوید، اینان که جهان لایقشان نبود. (عبرانیان ۱: ۳۸)

عیسی گفت که پاداششان در آسمان، عظیم است!

^۱ نقل قولهای این داستان، برگرفته از *مرد آسمانی*، نوشته برادر یون با پُل هتاوی است. Monarch Books, Oxford, England, 2002.

۱. **اخیراً ما از طرف دولت متحمل جفا شده‌ایم. بعضی از ایمانداران به ما می‌گویند که چون گناه کرده‌ایم، چنین چیزی را تجربه می‌کنیم. عده‌ای دیگر به ما می‌گویند که اگر ایمان کافی داشتیم، متحمل این آزمایشات نمی‌شدیم. آیا این درست است؟**

کتاب مقدس به‌وضوح تعلیم می‌دهد که گناه عواقبی دارد و وقتی خدا ما را اصلاح می‌کند، باید قلبمان نسبت به خدا پاسخگو باشد. اما جفا به‌خاطر گسترش انجیل، چیز متفاوتی است. به آنچه که پطرس رسول درباره این موضوع در اول پطرس ۴ گفت، توجه کنید:

اگر به‌خاطر نام مسیح شما را ناسزا گویند، خوشا به حالتان، زیرا روح جلال که روح خداست بر شما آرام می‌گیرد. اگر رنج می‌کشید، مباد که به سبب قتل، زدنی، شرارت یا حتی فضولی باشد. اما اگر از آن سبب رنج می‌کشید که مسیحی هستید، شرمسار مباشید، بلکه چون کسی که این نام را بر خود دارد خدا را تمجید کنید... پس کسانی که به خواست خدا رنج می‌کشند، باید که جانهای خویش را به 'خالق امین' بسپارند و به نیکوکاری ادامه دهند. (اول پطرس ۴: ۱۴-۱۶ و ۱۹)

مهم است که ایمانداران دریابند که جفا برای زندگی در دینداری و اعلام انجیل عیسی مسیح به دیگران، چیزی است که ایمانداران از زمان عیسی مسیح متحمل شده‌اند. عیسی خودش گفت:

اگر دنیا از شما نفرت دارد، به یاد داشته باشید که پیش از شما از من نفرت داشته است. اگر به دنیا تعلق داشتید، دنیا شما را چون کسان خود دوست می‌داشت. اما چون به دنیا تعلق ندارید، بلکه من شما را از دنیا برگزیده‌ام، دنیا از شما نفرت دارد. کلامی را که به شما گفتم، به یاد داشته باشید: "بنده از ارباب خود بزرگتر نیستم." اگر مرا آزار رسانیدند، با شما نیز چنین خواهند کرد؛ و اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را نیز نگاه خواهند داشت. اما این همه را به سبب نام من با شما خواهند کرد، زیرا فرستنده مرا نمی‌شناسند. (یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱)

همچنین به رومیان ۸: ۳۱-۳۹ مراجعه کنید. این آیات ما را تشویق می‌کنند که خدا طرفدار ماست و بر علیه ما نیست. او حتی در تاریکترین آزمایشات، قحطی، فقر شدید یا جفاهای خوشونت‌آمیزی که ممکن است بر علیه ما ایجاد شود، به همراه ماست.

۲. **وقتی جفاها بر ما وارد می‌شوند، ما سردرگم شده و نمی‌دانیم که چه کار کنیم. آیا باید سعی کنیم که پنهان شویم؟ آیا باید به جای دیگری فرار کنیم، شاید به یک کشور دیگر؟ آیا باید بایستیم و بر علیه آنچه که بر ما اتفاق می‌افتد، اعتراض کنیم؟ یا باید در سکوت، اتفاقات را بپذیریم و همچنان شاهدانی شجاع باشیم؟**

درجات مختلفی از جفا وجود دارد، از پاره کردن کتاب مقدس توسط اعضای خانواده گرفته تا افراد تندرو و عصبانی که ساختمانهای کلیسا را بمباران می‌کنند. هر شرایطی متفاوت است و بنابراین، ما باید با روح خدا هدایت شویم. باید یاد بگیریم که به دنبال حکمت خداوند در کتاب مقدس باشیم و به هدایت روح او در هر شرایط گوش کنیم. اینها بعضی از آیات کتاب مقدس برای کمک به ماست.

وقتی عیسی شاگردانش را می‌فرستاد که از شهری به شهر دیگر موعظه کنند، به آنها چنین گفت:

چون در شهری به شما آزار رسانند، به شهری دیگر بگریزید. (متی ۱۰: ۲۳)

توجه کنید که وقتی زندگی سولس (بعدها پولس نامیده شد) در خطر بود، او چه کار کرد:

پس از گذشت روزهای بسیار، یهودیان توطئه قتل او را چیدند. اما سولس از قصدشان آگاه شد. آنها شب و روز بر دروازه‌های شهر مراقبت می‌کردند تا او را بکشند. ولی شاگردانش شبانه او را در زنبیلی نهاده، از شکافی در دیوار شهر پایین فرستادند. (اعمال ۹: ۲۳-۲۵)

بعدها پولس با آگاهی از اینکه در اورشلیم دستگیر می‌شد، به آنجا رفت. او به مشایخ افسس گفت:

و حال، با الزام روح به اورشلیم می‌روم و نمی‌دانم در آنجا چه برایم پیش خواهد آمد؛ جز آنکه در هر شهر روح القدس هشدار می‌دهد که زندان و سختی در انتظار من است. اما جان را برای خود بی‌ارزش می‌انگارم، تنها اگر بتوانم دور خود را به پایان رسانم و خدمتی را که از خداوند عیسی یافته‌ام، به کمال انجام دهم، خدمتی که همانا اعلام بشارت فیض خداست. (اعمال ۲۰: ۲۲-۲۴)

عیسی از قبل به شاگردانش گفت که می‌توانند انتظار دستگیری را داشته باشند. او این دستور العملها را به آنها داد:

از مردم برحذر باشید. آنان شما را به محاکم خواهند سپرد و در کنیسه‌های خود تازیانه خواهند زد. به‌خاطر من شما را نزد والیان و پادشاهان خواهند برد تا در برابر آنان و در میان قومهای جهان شهادت دهید. اما چون شما را تسلیم کنند، نگران نباشید که چگونه یا چه بگویید. در آن زمان آنچه باید بگویید به شما عطا خواهد شد. زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شماست که به زبان شما سخن خواهد گفت. (متی ۱۰: ۱۷-۲۰)

پطرس و یوحنا، پُر از روح القدس، با شجاعت به مأمورانی که آنها را دستگیر کرده بودند، گفتند:

اما پطرس و یوحنا پاسخ دادند: "شما خود داوری کنید، کدام در نظر خدا درست است، اطاعت از شما یا اطاعت از خدا؟ زیرا ما نمی‌توانیم آنچه دیده و شنیده‌ایم، بازنگوییم. (اعمال ۴: ۱۹-۲۰)

وقتی ما را به اداره پلیس یا دادگاهها می‌برند، یک چیزی که باید به یاد داشته باشیم، این است که به ما فرمان داده شده که به‌عنوان پیروان عیسی به همه اولیای امور احترام بگذاریم.

به‌خاطر خداوند، تسلیم هر منصبی باشید که در میان انسانها مقرر گشته است... (اول پطرس ۲: ۱۳)

ایشان را یادآور شو که تسلیم حکمرانان و صاحب‌منصبان باشند و فرمانبرداری کنند، و برای هر کار نیک آماده باشند؛ کسی را ناسزا نگویند بلکه صلح‌جو و باملاحظه باشند و با همه در کمال فروتنی رفتار کنند. (تیتوس ۳: ۱-۲)

بین خود را به همگان ادا کنید: اگر مالیات است، مالیات بدهید؛ اگر خراج است، خراج بپردازید؛ اگر احترام است، احترام بگذارید؛ و اگر اکرام است، تکریم کنید. (رومیان ۱۳: ۷)

اولیای امور باید احترام ما به آنها و اشتیاقمان برای آرامش و صلح در جامعه را ببینند، اما باید این را هم ببینند که ما متعهدیم که از خدا اطاعت کنیم، مانند پطرس و یوحنا در اعمال ۴، در بالا. اگر ما پُر از روح خدا هستیم، او به ما قدرت خواهد داد که بر ترس غلبه کنیم. بعد قادر خواهیم بود که با اعتماد درباره عیسی با آنها صحبت کنیم، دعا کنیم که آنها هم در او نجات یابند.

در بعضی از موقعیتهای، به‌درستی می‌توانیم با آرامش مقاومت کنیم. اگر کشور شما قوانینی دارد که از حقوق همه انسانها برای آزادی مذهب حمایت می‌کند، پس گاهی اوقات ایستادن برای حق و حقوقتان، کار درستی است.

توجه کنید که پولس رسول در اعمال ۲۲: ۲۴-۲۹ چه کار کرد. وقتی قرار بود که توسط سربازان رومی شلاق بخورد، اگرچه محکوم به هیچ جرمی نبود، به قانون رومی متوسل شد. وقتی متوجه شدند که پولس شهروند رومی بود و کاری که قرار بود انجام دهند، غیرقانونی بود، دست کشیدند.

۳. بعضیها در گروه ما با نفرت و تلخی نسبت به کسانی که به آنها جفا رساندند و به آنها خیانت کردند، در کشمکش هستند. ما در مشارکت خانگیمان برای کمک به آنها در غلبه بر درد و تلخیشان چه کاری می‌توانیم بکنیم؟

قدرت غلبه بر هر تاریکی، همیشه از تعلیم و موعظه کلام خدا و از طریق دعا حاصل می‌شود. اما ما باید نسبت به برادران و خواهرانی که در کشمکش هستند، فیض داشته باشیم و آنها را درک کنیم.

واکنش طبیعی همه ما این است که همانطور که با ما برخورد شده، واکنش نشان دهیم. با نفرت، دشنام یا خشونت. اما عیسی به پیروانش روش متفاوتی را تعلیم داد و ما باید به اعضای مشارکتمان کمک کنیم که در طریقهای او گام بردارند. در رومیان ۱۲، پولس رسول این دستورالعملها را به ما می‌دهد:

برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعن نکنید... به هیچ‌کس به سزای بدی، بدی نکنید. دقت کنید که آنچه را در نظر همگان پسندیده است، به جای آورید. اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید. ای عزیزان، انتقام مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید. زیرا نوشته شده که «خداوند می‌گوید: "انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد."» برعکس، «اگر دشمنان گرسنه است، به او خوراک بده! و اگر تشنه است، به او آب بنوشان! اگر چنین کنی، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت.» مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی مغلوب ساز. (رومیان ۱۲: ۱۴ و ۱۷-۲۱)

در متی ۵: ۴۴، عیسی به ما می‌گوید که دشمنانمان را محبت کنیم و برای آنها دعا کنیم. وقتی برای کسی دعا می‌کنید، به‌سختی می‌توان از آنها نفرت داشت. البته مهمترین دعايتان برای آنها این است که رحمت و فیض عیسی را مانند شما بشناسند. شاید بعضیها در کلیسای اولیه برای سولس طرسوسی که به آنها جفا می‌رساند، دعا می‌کردند! (اعمال ۹)

همچنین باید به یاد داشته باشیم که نبرد واقعی ما، نبرد روحانی است و انسانها دشمن واقعی ما نیستند. افسسیان ۶: ۱۲ به ما می‌گوید:
زیرا ما را کشتی گرفتن با جسم و خون نیست، بلکه ما علیه قدرتها، علیه ریاستها، علیه خداوندگاران این دنیای تاریک، و علیه فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی می‌جنگیم.

بنابراین، ما باید اسلحه کامل خدا را بپوشیم تا بتوانیم با دشمن واقعی خود بجنگیم. (مراجعه کنید به افسسیان ۶: ۱۰-۲۰)

(همچنین به فصل ۱۳، "بخشش در مشارکت خانگی" مراجعه کنید. داستان این فصل، از زندگی کوری تن بوم، به‌طور خاص می‌تواند برای کسانی مفید باشد که با تلخی در کشمکش هستند.)

۴. به‌خاطر جفا در گذشته، بعضی از ایمانداران شهرمان، دیگر با هم جمع نمی‌شوند. ترس بر قلبشان غلبه کرده است. آنها فقط می‌توانند به این فکر کنند که جفا نبینند، پس اساساً گسترش انجیل فراموش شده است. ما چگونه می‌توانیم شجاعتی را که قبلاً برای زندگی در عیسی داشتیم، احیا کنیم؟

آیا به یاد دارید که وقتی عیسی دستگیر شد، چه اتفاقی افتاد؟ در آن لحظه تاریک، شاگردان پراکنده شدند. و پطرس حتی انکار کرد که عیسی را می‌شناخت. پیش از دیدن عیسی قیام کرده، همه امیدشان را از دست دادند. عیسی آنها را در خفا و پشت درهای بسته یافت. اما واقعیت رستاخیز عیسی، همه چیز را عوض کرد. عیسی بر مرگ پیروز شد و هیچ چیز نتوانست او را متوقف کند. به همین دلیل، رسولان می‌خواستند که زندگیشان را به دستهای خدا بسپارند.

درحالی‌که این بخش را به پایان می‌رسانید، با گروه خانگی‌تان به اعمال ۴: ۲۳-۳۱ نگاه کنید. توجه کنید که وقتی رهبران مذهبی، ایمانداران اولیه را تهدید کردند، آنها چه کار کردند. مخصوصاً به دعای آنها و پاسخ خدا در آیات ۲۹-۳۱ توجه کنید. برای ما مفید است که اغلب اوقات به یکدیگر یادآوری کنیم که عیسی چقدر رنج کشید تا ما بتوانیم از گناه و مرگ آزاد شویم. افراد زیادی هنوز این موضوع را نمی‌دانند! ما چگونه می‌توانیم این خبر فوق‌العاده را از آنها دریغ کنیم؟

غیرعادی نیست که ایمانداران در مواجهه با جفا، جلسات را متوقف کنند، اما این زمانی است که آنها باید از یکدیگر حمایت کنند. پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۲: ۲۶ به ما یادآوری می‌کند: "اگر یک عضو [از بدن] دردمند گردد، همه اعضا با او همدرد باشند..." اگر کسانی در گروه‌تان، با خانواده یا پلیس مشکل دارند، مهم است که آنها بدانند که جمع مشارکتی در کنارشان می‌ایستد؛ آنها تنها نیستند. اگر مردم می‌ترسند که به جلساتتان بیایند، شما به‌عنوان رهبر، یا یک نفر دیگر از گروه، باید به سراغشان رفته و بعضی از آیات کتاب مقدس را از این فصل با آنها در میان بگذارید. همچنین زمانی را به دعا با آنها اختصاص دهید، به آنها کمک کنید که ترسهایشان را نزد عیسی برده و با شجاعت او تعویض کنند.

برای تشویق و دلگرمی بیشتر گروه‌تان، به بخش کاربرد در زیر مراجعه کنید.

کاربرد و دعا

۱. به فهرست زیر توجه کرده و درباره این صحبت کنید که وقتی به‌خاطر پیروی از عیسی جفا می‌بینید، بیشتر با چه ترس‌هایی مواجه می‌شوید؟
 - ترس از طرد شدن از سوی اعضای خانواده
 - ترس از دست دادن شغل یا عدم ورود به دانشگاه
 - ترس از حرف همسایگان درباره شما
 - ترس از جریمه‌های دولت، زندانی شدن، کتک خوردن یا مرگ به‌خاطر ایمانتان
 - ترس از جدایی از همسر یا فرزندان
۲. اگر شما در گذشته جفا دیده‌اید، یا اکنون در جفا هستید، کدامیک از سوالات صفحه قبل (سوالاتی که بارها مطرح می‌شوند) به توصیف آنچه که گروهتان با آنها مواجه می‌شود، کمک می‌کند؟ زمانی را به تعمق درباره آیات مربوطه اختصاص دهید و برای حکمت خدا در شرایطتان دعا کنید.
۳. اگر هنوز این کار را نکرده‌اید، اعمال ۴: ۲۳-۳۱ را که در پایان سؤال ۴ در بالا ذکر شد، مطالعه کنید. از این آیات کمک بگیرید تا برای یکدیگر درباره ترس‌هایی که با آنها مواجه می‌شوید و شفای عاطفی کسانی که به‌خاطر جفا آزار دیده‌اند، دعا کنید. برای دلیری و آیات و نشانه‌ها دعا کنید، همانطور که رسولان در این آیات دعا کردند.
۴. عبارات بسیاری از کتاب مقدس در این فصل موجود است. این فصل را مرور کنید و تصمیم بگیرید که کدامیک برای گروهتان مفیدترین مورد خواهد بود. عبارات متعددی را که هفته آینده، با یکدیگر به‌عنوان مشارکت مطالعه خواهید کرد، انتخاب کنید.
به آیات دیگر کتاب مقدس در صفحه بعد نیز مراجعه کنید.

اینها آیات دیگری از کتاب مقدس درباره این موضوع است که با مشارکت خود مطالعه کنید:

- یوشع ۱:۱-۹ (تشویق برای قوی و دلیر بودن)
- متی ۵:۱۰-۱۲ (خوشا به حال کسانی که جفا می‌بینند.)
- متی ۹:۲۴-۱۴ و لوقا ۱۰:۲۱-۱۹ (تشویق برای پایداری در آزمایشات)
- یوحنا ۱۵:۱۸-۲۱ (انتظار داشته باشید که دنیا از شما متنفر باشد، همانطور که از عیسی متنفر بود)
- یوحنا ۱۶:۱-۴ و ۳۳ (هشدار درباره جفا؛ عیسی غالب آمده است!)
- اعمال ۴ (تشویق برای رشد در دلیری و شجاعت)
- اعمال ۵:۱۷-۴۲ (رسولان به زندان افکنده شدند؛ آنها با دلیری صحبت می‌کنند.)
- رومیان ۸:۱۶-۲۵ و ۲۸ (روح خدا به ما کمک می‌کند.)
- رومیان ۸:۳۱-۳۹ (هیچ چیز نمی‌تواند ما را از محبت خدا جدا سازد.)
- اول قرنتیان ۱۵:۵۸ (زحمت ما بیهوده نیست.)
- فیلیپیان ۱:۲۷-۳۰ (استوار بمانید؛ هراس نداشته باشید.)
- عبرانیان ۴:۱۴-۱۶ (ما می‌توانیم با اطمینان به تخت خدا نزدیک شویم.)
- عبرانیان ۱۱ و ۱۲:۱-۳ و ۱۱ (از نمونه زنان و مردان ایمان در گذشته پیروی کنید.)
- یعقوب ۱:۲-۴ و ۵:۷-۱۱ (در جفا شادی کنید؛ این بلوغ ایجاد می‌کند.)
- اول پطرس ۱:۳-۹ (ما یک امید زنده داریم؛ ما با رنج تصفیه می‌شویم.)
- اول پطرس ۲:۱۹-۲۵ (عیسی که ناعادلانه رنج کشید، الگوی ماست.)
- اول پطرس ۳:۱۳-۴:۱۹ (رنج کشیدن به‌خاطر مسیح باعث برکت است.)
- اول پطرس ۵:۶-۱۱ (با ابلیس مقابله کنید؛ مسیح شما را قوی خواهد ساخت.)
- مکاشفه ۲:۸-۱۱ (نترسید؛ وفادار باشید و تاج حیات را دریافت کنید.)

آیاتی درباره کمک خدا در مشکلات:

- مزامیر ۳، ۵، ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۴۰، ۴۶، ۵۴، ۵۶، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۷۰، ۹۱، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۴۰ و ۱۴۶
- اشعیا ۳:۲۶-۴؛ ۴۰:۲۷-۳۱؛ ۴۱:۱۰؛ ۴۲:۵-۹ و ۴۳:۱-۴
- ارمیا ۲۹:۱۱-۱۴
- متی ۱۱:۲۸-۳۰

۱۶. مشارکت خانگی وفادار، شاهد رشد ملکوت خداست

و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسیار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند. (پولس رسول به شاگردش، تیموتائوس. دوم تیموتائوس ۲:۲)

من بذر را کاشتم و آبپولس آن را آبیاری کرد، اما خدا بود که موجب رویش آن شد. پس نه کارنده چیزی است و نه آبیاری کننده، بلکه فقط خدا که رویاننده است. (اول قرنتیان ۳:۶-۷)

من تاک هستم و شما شاخه های آن. کسی که در من می ماند و من در او، میوه بسیار می آورد؛ زیرا جدا از من، هیچ نمی توانید کرد (یوحنا ۱۵:۵)

رشد با یکدیگر

از زمان عیسی، تعلیم به شاگردان در شناخت و اطاعت از تعالیم عیسی، کلید رشد کلیسای حقیقی در سراسر دنیا بوده است.

رشد با یکدیگر، موضوع این کتاب است. در هر جاییکه ایمانداران به منظور برافراشتن نام عیسی و خدمت به او جمع می‌شوند، قدرت روحانی جاری می‌شود تا ملکوت خدا رشد کند. اگر شما و گروهتان فصلهای قبلی این کتاب را مطالعه کرده‌اید و با دعا آنها را در گروهتان بکار برده‌اید، شما درحال رشد در مسیح هستید. همچنین درحال رشد در تأثیرگذاری بر دیگران هستید.

این فصل، مروری بر همه فصول قبلی این کتاب است. در صفحات بعد، درباره این صحبت خواهیم کرد که وقتی مطابق تعلیم عیسی عمل می‌کنیم، چگونه رشد به‌طور طبیعی ایجاد می‌شود. این سه روش برای در نظر گرفتن رشد است: (۱) رشد در دینداری اعضای کلیسایتان؛ (۲) رشد در تعداد کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند؛ و (۳) رشد در آغاز مشارکتهای جدید برای خدمت به نوایمانان.

عیسی غالباً درباره رشد ملکوت خدا صحبت کرد. در عیسی بمانید و انتظار داشته باشید که ملکوت از طریق شما رشد کند!

گسترش انجیل با پرورش ایمانداران وفادار

بحث ابتدایی: گروه خانگی شما چگونه می‌تواند در گسترش انجیل در کشورتان تأثیرگذارتر باشد؟

دوم تیموتائوس ۱: ۱-۲: ۳ را بخوانید.

۱. چه کسی این نامه را می‌نویسد و برای چه کسی می‌نویسد؟ (آیه ۱، ۲)
پولس رسول سالخورده، تیموتائوس جوان را برای سالهای بسیار شاگردسازی کرده است. او پسر واقعی نبود، اما به‌خاطر دوستی عمیقشان، پولس او را "فرزند عزیزم" خطاب می‌کند.
۲. آیات ۳-۵ را دوباره بخوانید. پولس چه می‌گوید که به ما نشان می‌دهد که علاقه شدیدی به تیموتائوس داشت؟
۳. پولس در آیات ۶ و ۷ تیموتائوس را نصیحت می‌کند. پولس می‌خواهد کدام خصوصیات شخصیتی را در تیموتائوس ببیند؟ (آیه ۷) تیموتائوس چگونه می‌تواند در این خصوصیات رشد کند؟ (آیه ۶)
اکنون به زندگی خودتان فکر کنید. آیا شما در این خصوصیات قوی هستید یا ضعیف؟ پاسختان را توضیح دهید و اینکه چگونه می‌خواهید رشد کنید.
۴. پولس که در زندان رنج می‌کشد، می‌نویسد که تیموتائوس نباید از انجیل عار داشته باشد. (دوباره آیه ۸ را بخوانید) در آیات ۹ و ۱۰، پولس چه توضیحی درباره انجیل می‌دهد؟
۵. اگرچه پولس در زندان است، چرا عار ندارد که به اعلام انجیل ادامه دهد؟ (آیه ۱۱، ۱۲)
وقتی ما مانند پولس با آزمایشات مواجه می‌شویم، چرا بسیار مهم است که از قدرت محافظت کننده عیسی مسیح در زندگی‌مان مطمئن باشیم (آیه ۱۲)؟
۶. دوباره آیات ۱۳ و ۱۴ را بخوانید. پولس، تیموتائوس را فرستاد تا به اعلام انجیل ادامه دهد. در این دو آیه، پولس به تیموتائوس می‌گوید که از چیزی محافظت کند. تیموتائوس باید به چه چیزی سخت بچسبد؟
بسیاری از معلم‌ان دروغین، وارد کلیسای اولیه می‌شدند و انجیل فیضی را که همه رسولان تعلیم دادند، تحریف می‌کردند. چقدر برای شما مهم است که با دقت تعالیم انجیل را درباره عیسی مسیح بخوانید؟ آیا متعهد هستید که با وفاداری، این پیغام را تعلیم دهید تا دیگران بتوانند بشنوند و به انجیل حقیقی ایمان آورند؟
۷. دوباره باب ۲: ۱-۳ را بخوانید. در اینجا پولس به تیموتائوس نصیحت می‌کند که به کار گسترش انجیل ادامه دهد. وقتی به سوالات زیر پاسخ می‌دهید، با دقت به آیه ۲ توجه کنید.
 - چه کسی به تیموتائوس تعلیم داد؟
 - تیموتائوس باید تعلیمی را که دریافت کرده، به چه کسانی بپردازد؟
 - آنها با این تعلیم چه کار خواهند کرد؟
۸. این تصویر ساده شاگردسازی است، وقتی مردم وفادارانه کلام خدا را منتقل می‌کنند: پولس به تیموتائوس تعلیم می‌دهد --> تیموتائوس به مردمان امین تعلیم می‌دهد --> این مردمان امین به مردمان امین دیگر تعلیم می‌دهند --> (و این ادامه می‌یابد).

اگر ایمانداران این کشور، افراد جدید را برای تعلیم انجیل پرورش ندهند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

دوم تیموتائوس ۲: ۲ می‌گوید که تیموتائوس باید آنچه را که دریافت کرده، به مردمان امین (قابل اعتماد) "ببشارد". وقتی چیزی را به کسی می‌بشارید، آن را به آنها می‌دهید، اعتماد می‌کنید که آنها مسئول خواهند بود که کار مورد نظر شما را انجام دهند.

پولس به تیموتائوس می‌گوید که به دنبال افراد قابل اعتماد باشد تا انجیل را منتقل کند. اینها افرادی نیستند که فقط کتاب مقدس را به‌طور علمی می‌آموزند و عاشق صحبت درباره دانسته‌هایشان هستند، ولی زندگی‌شان تغییر نکرده است. مردمان امین، با اطاعت فروتنانه نشان می‌دهند که عاشق عیسی هستند. زندگی‌شان میوه روح را نشان می‌دهد (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). آنها خود را وقف خدمت به دیگران و تعلیم و تربیت آنها می‌کنند.

مشارکت خانگی جایی است که این تعلیم (یا شاگردسازی) به بهترین شکل اتفاق می‌افتد. ایمانداران در مشارکت با ایمانداران دیگر رشد می‌کنند، درحالی‌که یاد می‌گیرند که یکدیگر را محبت و خدمت کنند. ما این چیزها را در انزوا و به‌تنهایی یاد نمی‌گیریم. به همین دلیل مهم است که ایمانداران مرتباً با یکدیگر جمع شوند.

با دعا خاتمه دهید: درباره این صحبت کنید که اگر هر گروه خانگی، مردمان امین را پرورش می‌داد که به دیگران تعلیم دهند، این چه تأثیری بر شهرتان می‌گذاشت. اکنون زمانی را اختصاص داده و از خدا بخواهید که به گروهتان کمک کند که از دستورالعملهای پولس به تیموتائوس پیروی کنند.

انفجار انجیل در قرون اولیه کلیسا

روزی که عیسی از قبر خارج شد، مانند یک موج سونامی بزرگ در زمین بود. این آغاز پایان ملکوت شیطان بود. عیسی بر صلیب، گناه جهان را بر خود گرفته بود. او لعنت ما را برداشت و به جای ما مُرد. پدر، عیسی را برخیزانید تا به دنیا نشان دهد که هیچ چیز نمی‌تواند عیسی را شکست دهد، حتی آخرین دشمن- مرگ! عیسی خداوند همه چیز است.

چند هفته بعد در روز پنطیکاست، دینامیت از آسمان منفجر شد. پیش از آنکه عیسی به آسمان صعود کند، به شاگردان گفته بود که در اورشلیم منتظر شوند تا دینامیت (یونانی، "dunamis" یعنی "قدرت") از آسمان بر آنها نازل شود (اعمال ۱: ۴-۸). آنها با قدرت روح‌القدس، به همه جا می‌رفتند تا خبر خوش خداوندی او بر همه چیز را اعلام کنند.

در روزی که روح‌القدس با قدرت نازل شد، ۳۰۰۰ نفر به عیسی ایمان آوردند (اعمال ۲: ۴۱). اندکی پس از آن، این تعداد به ۵۰۰۰ نفر رسید (اعمال ۴: ۴). انجیل به‌زودی به سراسر امپراطور رومی و فراتر از آن پیش رفت. تخمین زده شده که در عرض ۳۰۰ سال، جمعیت مسیحی ۶ تا ۱۰ میلیون نفر در امپراطوری بود!

این رشد از طریق تسخیر نظامی و ایمان اجباری اتفاق نیفتاد. انجیل توسط افراد ساده‌ای منتشر شد که ایمانشان را در طول فصول جفای شدید منتشر کردند. در ۳۱۳ میلادی، روم حکم کرد که کلیسا دیگر نباید جفا ببیند و بلافاصله بعد از آن، ایمان مسیحی به‌عنوان مذهب امپراطوری اعلام شد.

چرا انجیل به‌سرعت منتشر شد؟ به‌طور خاص، با نگاهی بر کتاب اعمال و همچنین نامه‌های رسولان، ببینید به بعضی از عواملی ببیندیشیم که بر این رشد تأثیر گذاشت. وقتی پاراگراف‌های زیر را می‌خوانید، امیدواریم که زمانی را به خواندن آیات داخل پرانتز اختصاص خواهید داد. اینها به شما کمک خواهند کرد که به‌طور واضحتر، قدرت روح‌القدس را که از طریق کلیسای اولیه حرکت می‌کرد، ببینید.

اینها هفت دلیل برای انتشار سریع انجیل از طریق خدمت رسولان و مبشران دیگر است.

۱. ایمان به رستاخیز جسمانی عیسی از مردگان.

این رویداد غیرمنتظره‌ای بود که همه چیز را تبدیل کرد. رسولان با چشمان خود آن را دیدند و تا ابد تبدیل شدند! هیچ‌کس نمی‌توانست آنها را متقاعد کند که این اتفاق نیفتاد. متی، مرقس، لوقا و یوحنا، همگی با شجاعت در مکتوبات خود درباره داستان رستاخیز صحبت می‌کنند. آنها شکست و ترسی را که شاگردان با دیدن رهبر مصلوب شده‌شان تجربه کردند، پنهان نمی‌کنند.

در محاکمه عیسی، پطرس با شرمساری انکار کرد که عیسی را می‌شناخت (متی ۲۶: ۶۹-۷۵). اما چند هفته بعد، پطرس به هزاران نفر موعظه کرد و گفت: "خدا همین عیسی را برخیزانید و ما همگی شاهد بر آنیم" (اعمال ۲: ۳۲). لوقا به ما می‌گوید که عیسی در زمانهای گوناگون در طول ۴۰ روز پیش از صعودش به آسمان بر آنها ظاهر شد (اعمال ۱: ۳). پولس می‌گوید که در یک زمان، عیسی به بیش از ۵۰۰ نفر از پیروان ظاهر شد! (اول قرنیتیان ۳: ۱۵-۸) رستاخیز، بیانیۀ بسیار واضح خدا درباره هویت عیسی بود و شاگردان این را می‌دانستند. پطرس در پنطیکاست موعظه کرد:

پس قوم اسرائیل، جملگی به‌یقین بدانند که خدا این عیسی را که شما بر صلیب کشیدید، خداوند و مسیح ساخته است. (اعمال ۲: ۳۶)

پولس به قرنیتیان گفت که به‌خاطر قیام عیسی، سرنوشت همه ایمانداران، پیروزی ابدی بر گناه و مرگ است (اول قرنیتیان ۵۴: ۱۵-۵۸). به همین دلیل، حتی در طول دورانهای بسیار دشوار، زندگی، هدف و معنا داشت.

۲. ایمان به قدرت عیسی برای نجات.

آنها با تمامی دل به قدرت عیسی مسیح برای بخشش گناه و نجات از داوری نهایی ایمان داشتند. به همین دلیل، با قلبهای محبت‌آمیز، با شجاعت، مردم را به توبه، ایمان و تعمید دعوت کردند.

پطرس و یوحنا با شجاعت به رهبران یهودی گفتند که نجات فقط از طریق عیسی است (اعمال ۴: ۱۲). آنها به همه توضیح دادند که خدا عیسی را فرستاد تا آنها را از راههای گناه‌آلودشان بازگرداند (اعمال ۳: ۲۶). این موضوع مهمی در نامه‌های

رسولان بود. به‌خاطر کاری که مسیح انجام داده، پیروانش فراخوانده شدند که از تاریکی خارج شده و به‌عنوان انسانهای جدید در نور مسیح گام بردارند (افسیان ۳:۵-۱۵؛ اول پطرس ۲:۹-۱۲؛ اول یوحنا ۱:۵-۱۰).

۳. ایمان به قدرت دعا.

رسولان با پیروی از آنچه عیسی به آنها آموخته بود، تعلیم دادند که ایمانداران باید در همه وقت و برای همه چیز دعا کنند (متی ۷:۷-۱۱، لوقا ۱۸:۱-۸، اعمال ۱:۱۴؛ اعمال ۱۲:۵؛ افسسیان ۶:۱۸). دعا نه تنها بخشی از گردهمایی یکشنبه آنها بود؛ بلکه زندگی روزانه‌شان مملو از دعا بود. آنها مخصوصاً برای این دعا کردند که ملکوت خدا بیاید (متی ۶:۱۰). حتی وقتی متصدیان مذهبی تهدیدشان کردند، ایمانداران اولیه از خدا خواستند که به آنها در موعظه‌شان شهادت دهد و آیات و نشانه‌ها را برای تأیید حقیقت آنچه موعظه می‌شد، بفرستد. (مراجعه کنید به اعمال ۴:۲۹-۳۱).

۴. ایمان به خدا برای آیات و معجزات.

وقتی رسولان بیرون رفته و به گمشدگان موعظه کردند، به قدرت عیسی اعتماد داشتند که شفا دهد و دیوها را بیرون کند. آنها به تواناییهای خودشان برای شفا اعتماد نداشتند، بلکه برای انجام این کار، به نام عیسی اطمینان زیادی داشتند (اعمال ۳:۶-۱۰). عیسی به آنها تعلیم داده بود که موعظه کنند که ملکوت خدا نزدیک شده و آن را با شفای جسمانی و آزادی روحانی به مردم نشان دهند (متی ۱۰:۷-۸). شاگردان بعد از صعود عیسی به آسمان، به این عمل ادامه دادند. معجزات فوق‌العاده اتفاق افتاد، باعث شد که ایمانداران و غیرایمانداران با ترس مقدس زندگی کنند (اعمال ۲:۴۳، اعمال ۵:۱۲-۱۶). این معجزات در سراسر کتاب اعمال اتفاق افتاد. رسولان انتظار داشتند که آیات و معجزات ظاهر شود، نه فقط از طریق خدمت خودشان، بلکه از طریق نسلهای جدید ایماندارانی که خدا برمی‌خیزاند. استفان و فیلیپس، شماسانی بودند که روح‌القدس به‌طور قدرتمند در ظهور آیات و معجزات بکار برد. (اعمال ۶:۸ و اعمال ۸:۶-۸). بعدها یعقوب به مشایخ گفت که برای بیماران دعا کنند و انتظار شفا داشته باشند. (یعقوب ۵:۱۴-۱۶).

۵. ایمان به راهنمایی روح‌القدس.

وقتی رسولان با انجیل بیرون رفتند، می‌دانستند که عیسی، از طریق روح‌القدس، همیشه همانطور که وعده داده بود، با آنها بود: "و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم" (متی ۲۸:۲۰). آنها می‌دانستند که در مأموریت عیسی برای رهایی دنیا، با او مشارکت می‌کردند و به راهنمایی او گوش کردند.

گاهی اوقات، این معجزه‌آسا و مشخص بود: خداوند، پطرس را به خانه گرنلیوس (اعمال ۱۰)، فیلیپس را به خواجه‌سرای حبشی (اعمال ۸:۲۶-۴۰) و پولس و تیم میسیونری او را به مقدونیه (اعمال ۱۶:۶-۱۰) هدایت کرد که اولین قدم برای ورود انجیل به اروپا بود. در زمانهای دیگر، آنها از فرمان کلی برای "رفتن" پیروی کرده و اعتماد کردند که روح آنها را به سوی فرصتها هدایت می‌کرد و درحال رفتن به آنها الهام می‌بخشید که چه بگویند و چه کار کنند. اما همیشه به هدایت خدا اعتماد می‌کردند، به هر شکلی که می‌آمد.

۶. ایمان به قدرت خدا بر هر دشمن، حتی مرگ.

رسولان از جمعیت مردم یا مأمورانی که آنها را تهدید کرده، زندانی کرده و حتی بعضی از آنها را به قتل رساندند، نترسیدند. آنها می‌دانستند که واقعاً نبردشان بر علیه انسانها نیست، بلکه بر علیه پادشاهی شیطان است. آنها انتظار داشتند که نیروهای تاریکی با آنها بجنگند (افسیان ۶:۱۰-۱۲).

عیسی درباره خطراتی که پیش روی شاگردان بود، با آنها صحبت کرده بود، اما به آنها تعلیم داد که نترسند (متی ۱۰:۲۸-۳۱). خداوند در موقعیتهای متعدد، به‌طور معجزه‌آسا رسولان را از زندان آزاد کرد (اعمال ۱۶:۲۲-۴۰).

اما مهمتر از همه این است که عیسی وعده داد که وقتی آنها در مقابل پادشاهان بایستند، روح خدا آنچه را که باید بگویند به آنها عطا خواهد کرد (متی ۱۰:۱۷-۲۰). کتاب اعمال درباره فرصتهای شگفت‌انگیزی صحبت می‌کند که رسولان باید انجیل را در مقابل رهبران مذهبی و رهبران دولتی اعلام می‌کردند. (برای مشاهده چند نمونه در این مورد، به اعمال ۴ و اعمال ۲۶ مراجعه کنید). اما درنهایت، اکثر رسولان به‌خاطر عیسی مسیح به قتل رسیدند. آنها مشتاق بودند که برای انجیل فدا شده و رنج بکشند، چون امیدشان به این زندگی نبود، بلکه به زندگی آینده امیدوار بودند.

۷. ایمان به اینکه پیغام انجیل از جانب خدا بود، نه انسان.

رسولان متعهد بودند که پاکی پیغام انجیل را حفظ کنند. آنها نسخه‌ای از انجیل خودشان نساختند تا خدمت یا ملکوت خود را بسازند (غلاطیان ۱:۶-۱۲). بلکه، آنچه را که به‌عنوان شاهدان، دیده و شنیده بودند، منتقل کردند. (یوحنا ۲۰:۳۰-۳۱، اول یوحنا ۱:۴، دوم پطرس ۱:۱۶-۲۱).

آنها می‌دانستند (چون عیسی به آنها هشدار داده بود) که معلمان و انبیای دروغین برای تحریف پیغام انجیل می‌آیند. رسولان با ترس خداوند به‌سختی تلاش کردند تا مطمئن شوند که حقیقت انجیل به همان شکلی که آنها دریافت کرده‌اند، منتقل می‌شود (اعمال ۱:۱۵-۱۱؛ اول قرنتیان ۱۵:۱-۸؛ دوم تیموتائوس ۲:۲؛ دوم پطرس ۲:۱-۳). آنها این کار را از طریق موعظه و نوشته‌هایشان، یعنی عهدجدید انجام دادند، که ما امروزه آن را به‌عنوان معیارمان برای حقیقت در اختیار داریم.

البته، ما می‌توانستیم دلایل بسیار دیگری را ذکر کنیم که چرا انجیل به‌سرعت در امپراطور رومی منتشر شد. محبت مسیحیان به یکدیگر، و نسبت به همسایگان بُت‌پرست، عامل بسیار مهمی بود. در آن ۳۰۰ سال اول، پیروان عیسی در طول دوران طاعونی که هزاران نفر می‌مُردند، به ایمانداران و غیرایمانداران خدمت کردند. وقتی مسیحیان روز و شب به بیماران خدمت کردند، زندگیشان را فدا کردند، بارها به طاعون مبتلا شدند.

آنها نوزادانی را که معمولاً بُت‌پرستان رها می‌کردند تا در خیابانها بمیرند، برمی‌داشتند و از یتیمان و بیوه‌زنان مطابق تعلیم کتاب مقدس مراقبت می‌کردند. شاگردان عیسی به این طریق و طریقه‌های دیگر نشان دادند که پیغامشان از آسمان بود، از سوی خدایی فرستاده شده که دنیای گمشده را دوست داشت و قدرت داشت که همهٔ کسانی را که با ایمان به او متوسل می‌شوند، نجات دهد. این پیغامی بود که انسانها در همه جا تشنهٔ شنیدن آن بودند.

سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند

چگونه اطاعت گروه خانگی کوچک ما از تعالیم عیسی، به رشد ملکوت خدا در این دنیای بزرگ کمک خواهد کرد؟

ما برای پاسخ به این سؤال، هر فصل از این کتاب را به‌طور خلاصه مرور می‌کنیم. گاهی اوقات مهم است که به عقب برگردیم و به تصویر بزرگ نگاه کنیم. و مهم است که مثل‌های عیسی را دربارهٔ شروعاتی کوچک به یاد داشته باشیم. (مراجعه کنید به متی ۱۳: ۳۱-۳۳).

مهم نیست که کلیسایتان چقدر کوچک است (حتی اگر فقط دو یا سه نفر باشد)، اگر به تعالیم عیسی دربارهٔ کارهایی که از شما خواسته، توجه کنید، اهدافش را در این زمین گسترش می‌دهید. شما به او وفادارید!

وقتی خلاصهٔ فصل‌های این کتاب را در زیر می‌خوانید، به گروه خانگیتان فکر کنید. آیا شما این تعالیم را بکار می‌برید؟

مشارکت خانگی یک خانواده است

عیسی گفت که کلیسایش را بنا می‌کند. به هر حال، کلیسای حقیقی او می‌تواند متفاوت از آن چیزی باشد که ما در مورد "کلیسا" در نظر داریم. مشارکت خانگی که جماعت حقیقی را تشکیل می‌دهد و یاد می‌گیرد که خالصانه، انسانها را با فیض مسیح محبت کند، مانند شهری بر روی تپه می‌درخشد. در این دنیای آشفته که بسیاری از انسانها، تنها و عمیقاً زخمی هستند، خدا می‌خواهد که کلیسای شما را یک خانواده بسازد تا به گمشدگان کمک کند که راه خدا را پیدا کنند. (اعمال ۲: ۴۲-۴۷ را بخوانید).

محبت، انگیزه رهبر

عیسی، الگویی کاملاً متفاوت از رهبران این دنیا به ما داده است. متأسفانه، در بعضی از کلیساهای دنیا، رهبران از الگوی عیسی پیروی نمی‌کنند. بلکه از الگوهای دنیوی رهبرانی پیروی می‌کنند که بر زیردستانشان فرمانروایی می‌کنند. وقتی رهبران مسیحی با فروتنی و محبت خالصانه خدمت می‌کنند، کسانی که در جماعتشان هستند، هرگز آن را فراموش نمی‌کنند. و آنها هم رهبران خدمتگزار می‌شوند. ملکوت حقیقی خدا تکثیر می‌شود! (مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵ را بخوانید).

درک هدیهٔ شگفت‌انگیز نجات از سوی خدا

انجیل، مروارید گرانبهایی برای همهٔ گناهکاران است. وقتی آن را درک کرده و می‌پذیریم، خوشی عظیمی به ما می‌دهد. حتی یک سخنرانی ساده از انجیل می‌تواند یک گناهکار را به توبه و ایمان هدایت کند. اما سال به سال، همهٔ ایمانداران باید در درک نجات عمیقتر شوند. وقتی این کار را می‌کنیم، روح القدس مانند یک رود قدرتمند در درونمان، حیات را در ما وارد می‌کند. هرچه بهتر انجیل را درک کنیم، بهتر به گمشدگان کمک خواهیم کرد که در آن امید بیابند. (رومیان ۱: ۱۶، ۱۷ را بخوانید).

تعمید در مشارکت خانگی

بسیاری از انسانها در سراسر دنیا به کلیسا می‌روند و خود را ایماندار می‌نامند، اما هرگز از فرمان عیسی برای تعمید یافتن اطاعت نکرده‌اند. تعمید، از هر شخصی دعوت می‌کند که در ملاءعام، ایمانش را به مسیح اعتراف کند. آنها اعتراف می‌کنند که به یک نجات‌دهنده نیاز دارند و حقیقتاً به مرگ و رستاخیز عیسی که برای نجاتشان بود، ایمان دارند. اما تعمید فقط برای کسانی نیست که وارد آب می‌شوند. آنها ایمان همهٔ ایماندارانی که تماشا می‌کنند را نیز احیا می‌کنند. (رومیان ۱: ۶-۱۴ را بخوانید).

پرستش در روح و راستی با یکدیگر

پرستش به‌طور طبیعی از قلب ایماندارانی جاری می‌شود که چشمشان نسبت به چیزهایی که خدا به آنها عطا کرده، باز است - نسبت به چیزهای مادی، دوستان و خانواده، و مخصوصاً اتحادشان با مسیح. یک قلب شکرگزار، یک قلب پرستش‌کننده است. و کسانی که در مسیح به‌طور طبیعی شاد هستند، دنیای اطرافشان را تغییر می‌دهند. یک گروه خانگی که خدا را از ته دل پرستش می‌کند، از حضور خداوند در میانشان استقبال می‌کند... و این قدرت است! (مزمور ۱۰۰ را بخوانید).

کلام خدا: نان روزانهٔ ما

عیسی و رسولان هشدار دادند که انبیا و معلمان دروغین بسیاری کلام خدا را تحریف کرده و بسیاری را گمراه می‌کنند. گروه خانگیتان، هر هفته با مطالعهٔ دقیق کلام خدا و تعلیم دادن به گروهتان که کتاب مقدس را در اوقات تنهایی خود با خدا بخوانند (یا گوش

کنند)، با قدرت در برابر فریب شیطان می‌ایستد. هر هفته با شنیدن کلام خدا، ایمان احیا می‌شود! این نان روزانه ماست! (مزامیر ۹:۱۱۹-۱۶ را بخوانید).

انتقال انجیل به کودکان

عیسی گفت: "بگذارید کودکان نزد من آیند و ایشان را بازمدارید..." (متی ۱۹:۱۴). اما آیا شما در گروه خانگیان مانع از آمدن آنها به نزد او می‌شوید؟ آیا با دقت، به تعلیم طریقه‌های خدا به کودکان توجه می‌کنید؟ در عرض چند سال، این کودکان می‌توانند رهبران کلیسای کشورتان شوند. اما این فقط زمانی اتفاق خواهد افتاد که اکنون آنها را پرورش دهید که با خدا گام بردارند. کودکان نیز به انجیل نیاز دارند و به راهنمایی محبت‌آمیز بزرگسالان ایماندار نیاز دارند. این گنجینه‌ای را که مسیح به شما داده، نادیده نگیرید. (دوم تیموتائوس ۳:۱۴-۱۵ را بخوانید).

برگزاری شام خداوند با شکرگزاری

وقتی عیسی به شاگردانش، نان و شراب را به‌عنوان بدن و خون خود داد، به آنها می‌گفت: "آنقدر شما را دوست دارم که جانم را فدایتان می‌کنم. لطفاً هرگز این را فراموش نکنید." اغلب اوقات در گروه‌تان، شام خداوند را برگزار کنید. وقتی این کار را می‌کنید، عجله نکنید. به مردم وقت بدهید که در سکوت به گناهانشان اعتراف کرده و به‌خاطر عهد فیض از او تشکر کنند. وقتی آن را با یکدیگر می‌خوریم، روح‌القدس به‌طور قدرتمند حضور دارد. ما دوباره پاک می‌شویم و با خوشی تازه، او را خدمت می‌کنیم. (یوحنا ۳۵:۶ و ۵۱ را بخوانید).

رشد در ایمان به‌وسیله دعا

یک چیز مرموزی درباره نحوه عمل دعا در ما و از طریق ما وجود دارد. عیسی و رسولان می‌دانستند که چگونه بدون اجرای نمایش یا ریاکاری دعا کنند. آنها با ایمان دعا کردند! اصل دعاهايشان این بود که ملکوت خدا بیاید و اراده‌اش بر زمین انجام شود. در سراسر عهدجدید، وقتی رسولان دعا کردند، ملکوت خدا با قدرت رشد کرد. آیا گروه خانگی شما غالباً با یکدیگر دعا می‌کنند؟ کلیسایی که یاد می‌گیرد با یکدیگر دعا کنند، با یکدیگر رشد می‌کنند! (افسیان ۶:۱۸ را بخوانید).

پی بردن به برکت هدیه دادن

در انجیل، غالباً داستانهای مربوط به هدیه دادن، درباره قربانی بزرگ با ما صحبت می‌کنند. به بیوه‌زن و سکه کوچکش فکر کنید. او هر آنچه را که برای زندگی کردن داشت، تقدیم کرد. و سامری نیکو، زمان زیاد، پول و آبرویش را قربانی کرد تا به دشمن کشورش کمک کند (مرد یهودی مضروبی که در جاده افتاده بود). مشارکت خانگی که یاد می‌گیرد با سخاوت هدیه بدهد، مرتباً دنیا را با محبت مسیح لمس می‌کند. (دوم قرنتیان ۸:۱-۵ را بخوانید).

شاگردان بالغ شدن

همه فصلهای این کتاب، درباره شاگردسازی است، اما تأکیدهای این فصل خاص درباره شاگردسازی، بر دو چیز است: (۱) آیا شخصیت عیسی، سال به سال به‌طور عمیقتر در اعضای کلیسایتان شکل می‌گیرد؟ (۲) آیا هر یک از آنها، مسئولیت انتقال آموخته‌هایشان را به کسانی که در خداوند جوانتر هستند، برعهده می‌گیرند؟ اگر هر یک از اعضای کلیسا، شاگردسازی را جدی بگیرند، خدا از گروه‌تان قدرتمندانه استفاده خواهد کرد. (دوم تیموتائوس ۲:۱-۲ را بخوانید).

بخشش در مشارکت خانگی

هر خانواده‌ای در دنیا باید یاد بگیرند که در هماهنگی با یکدیگر زندگی کنند. کلیسای عیسی نیز مستثنی نیست. متأسفانه، بعضی از کلیساهای دار و دسته‌هایی دارند که تا سالها ادامه می‌یابد. تلخی بین برادران و خواهران می‌ماند و به‌آرامی، بسیاری از روابط را سستی می‌کند. اما وقتی روابط بین اعضای کلیسا شفا می‌یابد، امید احیا می‌شود که ملکوت مسیح می‌تواند حقیقتاً در این زمین شکوفا شود. (افسیان ۴:۳۲ را بخوانید).

نور و نمک جهان شدن

اکنون ایمانداران در سراسر دنیا به میلیونها روش، محبت مسیح را به کسانی که او را نمی‌شناسند، نشان می‌دهند. ایمانداران حقیقی نه‌تنها حقایق انجیل را اعلام می‌کنند؛ بلکه انجیل را به طریقه‌های عملی زندگی می‌کنند. عیسی کارهای نیکو می‌کرد (اعمال ۱۰:۳۸) و کلیسایش نیز همین کار را می‌کند. اعضای کلیسای خانگی، کاری بیش از جمع شدن در جلسات روزهای یکشنبه انجام می‌دهد؛ اعمال محبت‌آمیز و رحمتشان، هر روزه دنیا را لمس می‌کند. (متی ۲۵:۳۱-۴۰ را بخوانید).

ایستادگی در جفاها

هیچکس جفا نمی‌خواهد. همه ما امیدواریم که این هرگز برای ما اتفاق نخواهد افتاد. اما عیسی گفت که پیروان واقعی او، آن را تجربه می‌کنند. وقتی ما رنج می‌کشیم، آیا باید نومید شویم، فکر کنیم که خدا دیگر کنترل امور را در دست ندارد؟ بیایید هرگز رومیان ۲۸:۸ را فراموش نکنیم. اگرچه مردان شریب با الهام نیروهای روحانی شسارت، کارهای بد می‌کنند، اما خدا همچنان اهدافش را به عمل می‌رساند. بیایید به او اعتماد کنیم که انجیل را منتشر کند و ایمانمان را مانند طلا تصفیه کند. (رومیان ۲۸:۸-۳۹ را بخوانید.)

گروه شما چگونه می‌تواند در مسیح رشد کند؟

کاربرد و دعا

به سؤالاتی که بارها مطرح می‌شوند، در بخش بالا مراجعه کنید. با دقت بیشتر به خلاصه فصلهای این کتاب نگاه کنید. چند فصل را که به نظرتان گروه شما در آن ضعف دارد و نیاز به رشد دارد، انتخاب کنید. این فصلها را دوباره در هفته‌های آینده مطالعه کنید و برای رشد در این قسمت‌ها دعا کنید.

ضمیمه الف: منابع

وب سایتهای زیر شامل منابع مفید بسیاری به زبانهای مختلف برای کودکان و بزرگسالان است. شما می‌توانید سرودها و پیغامهایی را به زبانهای مختلف در یوتیوب پیدا کنید.

وب سایتها:

- (۱) www.learnhisways.com
وقتی به این وب سایت مراجعه می‌کنید، پرچم زبانهای مختلف را خواهید دید. بر روی پرچم زبان مورد نیازتان کلیک کنید و منابع موجود را خواهید دید. همه آنها را می‌توانید به رایگان در دستگاههای الکترونیکی خود دانلود کنید یا به‌عنوان کتاب یا درسهای جداگانه، برای استفاده در گروه خانگی‌تان چاپ کنید. همچنین می‌توانید کتابها را چاپ کنید و در گروههای دیگر کشورتان توزیع کنید.
این کتاب، *پیروی از عیسی با یکدیگر*، به زبانهای مختلف در این وب سایت موجود است.
درسهای دیگر کتاب مقدس و کتابهای عبادتی نیز در اینجا به زبانهای مختلف موجود است. این کتابها ابزارهای مفیدی هستند که می‌توانید در کنار این کتاب استفاده کنید و در طول فصلها به آنها اشاره شده است.
۵۰ درس حیاتی
کاوش در کتاب کهن پیدایش
رشد در مسیح از طریق خوشا به حالها
یک جسم- یک دل (در رابطه با ازدواج)
تربیت فرزندان برای زندگی با خدا (برای والدین)
- (۲) <https://www.thehopeproject.com/pes>
ویدئوی امید: داستان انجیل از پیدایش تا زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی.
- (۳) <https://www.jesusfilm.org/search.html?q=Farsi,%20Western>
زندگی عیسی برای بزرگسالان و کودکان، داستان مریم مجدلیه و فیلمهای دیگر.
- (۴) <https://www.jesusfilm.org/strategies-and-tools/resources/the-app.html>
برنامه ویدئوی عیسی: در اینجا می‌توانید برنامه‌ای را دانلود کنید که به رایگان به همه فیلمهای موجود در وب سایت بالا، به صدها زبان دسترسی داشته باشید.
- (۵) Olivetree.com
دانلود رایگان کتاب مقدس به زبانهای مختلف.
- (۶) <https://www.faithcomesbyhearing.com/audio-bibles/bible-recordings>
<https://live.bible.is/bible/PESNMV/MAT/1>
دانلود کتاب مقدس صوتی به زبانهای مختلف
- (۷) bible.com/app
برنامه کتاب مقدس رایگان به زبانهای مختلف
- (۸) bible.com/kids
برنامه کتاب مقدس رایگان برای کودکان به زبانهای مختلف
- (۹) <https://bibleforchildren.org/>
داستانهای کتاب مقدس برای کودکان به زبانهای مختلف، با تصاویری برای کودکان که رنگ‌آمیزی کنند و می‌توانید آنها را دانلود و چاپ کنید.
- (۱۰) <http://www.wol-children.net/index.php?n=Farsi.Main>
داستانهای صوتی کتاب مقدس برای کودکان به زبانهای مختلف، به همراه نمایشنامه که نمایش خودتان را برای داستان کتاب مقدس بسازید.
- (۱۱) <https://songs.worshipleaderapp.com/>
سرودهای پرستشی به زبانهای مختلف

ضمیمه ب: داستانها

داستانهای کتاب مقدس برای مشارکتهای خانگی

و پیشنهاداتی در بکارگیری آنها برای کودکان و بزرگسالان

در زیر فهرست داستانهای کتاب مقدس را می‌بینید که کودکان و بزرگسالان می‌توانند از آن لذت ببرند و درس بگیرند.

عهد عتیق

- پیدایش ۱ و ۲: خلقت
- پیدایش ۳: سقوط انسان در گناه
- پیدایش ۴: قائن و هابیل: اولین قتل
- پیدایش ۵: ۶-۵ – پیدایش ۸: ۲۲: نوح و طوفان
- پیدایش ۹: ۱۱-۹: برج بابل
- پیدایش بابهای ۱۲-۵۰: ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف: این بابها داستانهای بسیاری دارند که بچه‌ها دوست خواهند داشت. بعضی از این داستانها برای بچه‌های بزرگتر و بزرگسالان مناسبتر خواهد بود.
- خروج بابهای ۱-۲۱ و بابهای ۳۲-۳۴: خدا اسرائیل را از مصر آزاد کرده و ده فرمان را می‌دهد. در این بابها داستانهای جذاب زیادی برای همه سنین موجود است.
- اعداد بابهای ۱۳-۱۴: جاسوسان به کنعان فرستاده شدند؛ اسرائیل بر علیه خدا سرکشی می‌کند.
- یوشع بابهای ۴-۱ و ۵: ۱۰-۱۰: یوشع، اسرائیل را به سوی کنعان هدایت می‌کند؛ دیوارهای اریحا فرو می‌ریزند.
- داوران بابهای ۶ و ۷: جدعون به طرز معجزه‌آسایی، مدیانیها را شکست می‌دهد.
- کتاب روت: این داستان زیبایی از عشق و ایمان است!
- کتابهای اول و دوم سموئیل: بچه‌های کوچک، داستان داوود را در اول سموئیل ۱۷ که جلیات غول‌پیکر را شکست می‌دهد، دوست دارند. بسیاری از داستانهای دیگر در این دو کتاب، درسهای مهمی برای بچه‌های بزرگتر و بزرگسالان دارند.
- اول پادشاهان، بابهای ۱۶: ۲۹-۱۹: ۲۱ و دوم پادشاهان باب ۲: ایلیای نبی با پادشاه شریب و خدایان دروغین برخورد می‌کند (داستانهایی از معجزه)
- دوم پادشاهان بابهای ۴-۷: الیشع نبی معجزات بسیاری انجام می‌دهد.
- دوم تواریخ ۲۰: ۳۰-۱: یهوشافاط: خدا یهو را رهایی می‌دهد.
- کتاب استر: استر زندگی خود را برای نجات قومش به خطر می‌اندازد.
- دانیال بابهای ۱-۶: داستانهای هیجان‌انگیز دانیال و سه دوستش در بابل و اینکه خدا چگونه آنها را رهایی داد.
- کتاب یونس: یونس از خدا فرار می‌کند و توسط یک ماهی بلعیده می‌شود.

عهد جدید

در زیر فهرست ۲۵ داستان از انجیل (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) و اعمال رسولان است که همه، از کودکان گرفته تا بزرگسالان از آنها لذت خواهند برد. انجیل شامل داستانهای زیادی از زندگی و معجزات عیسی است. کتاب اعمال شامل داستانهای عالی بسیاری درباره معجزات خدا از طریق رسولان، بعد از بازگشت عیسی به آسمان است. همچنین درباره آزمایشها و رنجهایی می‌گوید که پیروان عیسی در حال گسترش انجیل به مکانهای مختلف متحمل شدند. این داستانها می‌توانند الهامبخش اعضای مشارکت شما از همه سنین باشند تا آنها نیز از عیسی پیروی کرده و انجیل را به دیگران برسانند.

- تولد عیسی: لوقا بابهای ۱ و ۲ و متی ۱: ۱۸-۲: ۲۳
- عیسی وسوسه می‌شود: متی ۴: ۱-۱۱ و لوقا ۴: ۱-۱۳
- مثل خانه بر روی سنگ: متی ۷: ۲۴-۲۷؛ لوقا ۶: ۴۶-۴۹
- معجزات شفا: متی ۸: ۱-۱۷
- عیسی، طوفان را آرام می‌کند: متی ۸: ۲۳-۲۷؛ مرقس ۴: ۳۵-۴۱؛ و لوقا ۸: ۲۲-۲۵
- عیسی گناهان را می‌بخشد و یک مرد مفلوج را شفا می‌دهد: متی ۹: ۱-۸؛ مرقس ۲: ۱-۱۲؛ لوقا ۵: ۱۷-۲۶
- عیسی یک دختر مرده را زنده می‌کند و دیگران را شفا می‌دهد: متی ۹: ۱۸-۳۴؛ مرقس ۵: ۲۱-۴۳؛ لوقا ۸: ۴۰-۵۶

- مَثَل برزگر: متی ۱۳:۱-۲۳؛ مرقس ۴:۱-۲۰؛ و لوقا ۸:۴-۱۵
- عیسی به پنج هزار نفر غذا می‌دهد: متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ مرقس ۶:۳۰-۴۴؛ و لوقا ۹:۱۰-۱۷
- عیسی بر روی آب راه می‌رود: متی ۱۴:۲۲-۳۳؛ مرقس ۶:۴۵-۵۲؛ یوحنا ۶:۱۶-۲۱
- عیسی به چهار هزار نفر غذا می‌دهد: متی ۱۵:۳۲-۳۹؛ مرقس ۸:۱-۱۰
- مَثَل خادم بی‌رحم: متی ۲۱:۱۸-۳۵
- ورود عیسی به اورشلیم: متی ۲۱:۱-۱۱؛ مرقس ۱۱:۱-۱۰؛ لوقا ۱۹:۲۸-۴۰
- عیسی یک مرد نابینا را شفا می‌دهد: مرقس ۸:۲۲-۲۶
- عیسی می‌گوید که اجازه بدهند کودکان به نزد او بیایند: مرقس ۱۰:۱۳-۱۶؛ لوقا ۱۵:۱۸-۱۷
- مَثَل پسر گمشده: لوقا ۱۵:۱۱-۳۲
- عیسی ده جذامی را شفا می‌دهد: لوقا ۱۷:۱۱-۱۹
- عیسی با زَنگًا ملاقات می‌کند: لوقا ۱۹:۱-۱۰
- عیسی مصلوب می‌شود: متی بابهای ۲۶ و ۲۷؛ مرقس بابهای ۱۴ و ۱۵؛ لوقا بابهای ۲۲ و ۲۳؛ یوحنا بابهای ۱۸ و ۱۹ (این عبارات بسیار طولانی هستند. باید به‌طور خلاصه برای بچه‌های کوچک تعریف کنید یا آنها را از کتاب مقدس کودکان بخوانید. همچنین می‌توانید هر روز مقدار کمی از آن را بخوانید و در روز یکشنبه قیام به پایان برسانید.)
- عیسی از مردگان برمی‌خیزد: متی ۲۸:۱-۱۰؛ مرقس ۱۶:۱-۱۳؛ لوقا ۲۴:۱-۱۲؛ یوحنا ۲۰:۱-۱۸
- گدای لنگ به نام عیسی شفا می‌یابد: اعمال ۳:۱-۱۰
- فیلیپس و خواجه‌سرای حَبَشی: اعمال ۸:۲۶-۴۰
- دورکاس از مردگان برمی‌خیزد: اعمال ۹:۳۶-۴۳
- پطرس از زندان آزاد می‌شود: اعمال ۱۲:۱-۱۹
- پولس و سیلاس در زندان سرود می‌خوانند؛ خانواده زندانبان ایمان می‌آورند: اعمال ۱۶:۱۶-۳۴

پیشنهاداتی برای تعلیم کتاب مقدس به کودکان

۱. از قبل آماده کنید.

الف) با دعا آغاز کنید تا روح القدس، شما را در حال آماده کردن هدایت کند. بعد داستان را چندین مرتبه بخوانید و آن را با کلمات خود بیان کنید. سن کودکان گروهتان را در نظر بگیرید. شما چگونه می‌توانید به بهترین شکل این داستان را ارائه کنید تا آنها درک کرده و به خاطر بسپارند؟ آیا آن را از کتاب مقدس یا کتاب مقدس کودکان خواهید خواند، یا با کلمات خودتان تعریف خواهید کرد؟

ب) همچنین زمانی را به تفکر درباره پیغام اصلی داستان اختصاص دهید. این داستان، درباره خدا به کودکان چه تعلیمی می‌دهد؟ آیا چیزی درباره انسانها و رابطه ما با خدا تعلیم می‌دهد- شاید چیزی درباره اطاعت از خدا؟ آیا این داستان، یک الگوی مثبت از کسی است که کار درست را انجام داد، یا یک الگوی منفی از کسی که کار اشتباه را انجام داد؟

سعی کنید به این فکر کنید که چگونه پیغام اصلی داستان را در یک جمله ساده که متناسب با سنشان باشد و بتوانند به خاطر بسپارند، بیان کنید. آن جمله را بنویسید. در طول داستان، بارها بر آن تأکید کنید.

پ) چند سؤال ساده بنویسید که می‌توانید از بچه‌ها پرسید تا ببینید که آیا این داستان را درک کرده‌اند.

ج) به این فکر کنید که چه کار خواهید کرد تا به آنها کمک کنید که داستان را به خاطر بسپارند. آیا از آنها می‌خواهید که با یک نمایش ساده آن را اجرا کنند؟ نقاشی این داستان را بکشند؟ یک آیه از داستان را نوشته و حفظ کنند؟ شاید بخواهید که همه این کارها را انجام دهید. به این فکر کنید که چگونه هر یک از آنها را انجام خواهید داد و مطمئن شوید که وسایل مورد نیاز را برای هر آنچه که برنامه‌ریزی کرده‌اید، در اختیار دارید.

۲. داستان را ارائه کنید.

الف) داستان را بخوانید یا تعریف کنید، هر چه که مطابق تصمیم شما، برای سنشان بهتر است.

ب) آن را دوباره بخوانید یا تعریف کنید، بر چیزی که به عنوان پیغام اصلی داستان نوشته‌اید، تأکید کنید.

پ) سؤالاتی را که آماده کرده‌اید، پرسید. افراد مختلف را در پاسخ به سؤالات تشویق کنید. اگر از پاسخها مطمئن نیستند، داستان را دوباره بخوانید یا تعریف کنید- یا حداقل آن قسمت از داستان را بخوانید.

ج) از بچه‌ها بخواهید که داستان را برای شما بازگو کنند. برای کمک به یادآوری بخشهایی که حذف می‌کنند، از آنها سؤال کنید.

۳. داستان را تقویت کنید.

الف) اگر داستان را به صورت نمایش اجرا خواهید کرد، نقشهایی را به کودکان بدهید که اجرا کنند و به آنها توضیح دهید که چگونه داستان را اجرا خواهند کرد. شاید بخواهید که چندین مرتبه آن را اجرا کنید تا همه کودکان نقشی را اجرا کنند.

ب) اگر نقاشی خواهند کشید، به آنها کمک کنید که فکر کنند که چه چیزی بکشند تا به بهترین شکل پیغام اصلی داستان را نشان دهد.

پ) از آنها بخواهید که آیه حفظی را بر روی نقاشی خود یا یک کاغذ دیگر بنویسند، و تشویقشان کنید که آن را به خانه برده و در طول هفته با گفتن این آیه به والدینشان، آن را تمرین کنند.

ج) زمانی را به دعا برای آموخته‌هایشان از داستان و نحوه بکارگیری آن در زندگی‌شان اختصاص دهید.

چ) آنها را تشویق کنید که داستان را برای والدینشان تعریف کرده و بگویند که از این داستان چه آموخته‌اند. آنها می‌توانند آن را به خویشاوندان یا دوستان دیگر نیز تعریف کنند.

ح) در جلسه بعدی سؤال کنید تا ببینید که از این داستان چه چیزهایی را به یاد می‌آورند. همچنین به آنها فرصت بدهید که از حفظ، آیه‌ای را که حفظ کرده‌اند، بازگو کنند، و بگویند که با چه کسانی این داستان را در میان گذاشته‌اند.

پیشنهاداتی برای بکارگیری داستانهای کتاب مقدس برای بزرگسالان

برای بکارگیری داستانهای بالا در مطالعه کتاب مقدس با بزرگسالان، قواعد زیر برای تعریف کردن داستان توصیه می‌شود:

۱. از قبل آماده کنید.

با دعا آغاز کنید و از روح القدس بخواهید که معلم شما و معلم گروهی باشد که رهبری خواهید کرد. سپس چندین مرتبه، داستان را بخوانید (یا به نسخه صوتی آن گوش کنید) تا از قبل با آن آشنا باشید. اگر داستان را از حفظ خواهید گفت، حتماً مطمئن شوید که به خوبی آن را می‌دانید تا جزئیات مهم را حذف نکنید.

شاید بخواهید که آیات یا بابهای قبل و بعد از آن را هم بخوانید تا زمینه داستان را درک کنید. از خدا کمک بطلبید تا پیغام اصلی داستان را ببینید.

۲. داستان را به گروه مشارکتی خود ارائه کنید.

مانند زمان آماده‌سازی خود، با دعا آغاز کنید. بعد داستان را برای گروه خانگی بخوانید یا تعریف کنید. بعد دوباره آن را بخوانید یا تعریف کنید. همه کسانی که بار اول چیزی را نشنیدند، بار دوم خواهند شنید. شاید بعضیها خواهند که فقط گوش کنند؛ شاید بعضی دیگر از دنبال کردن آن در کتاب مقدس چایی یا در گوشی تلفن خود لذت ببرند.

۳. درحالیکه کتاب مقدسها بسته است، از آنها بخواهید که داستان را از حفظ بازگو کنند.

عجله نکنید؛ به آنها زمان بدهید که فکر کرده و به یاد آورند. همه افراد را تشویق کنید که شرکت کنند، هر جزئیاتی که به یاد می‌آورند، اضافه کنند. اگر نمی‌توانند به یاد آورند، می‌توانید داستان را برای بار سوم بخوانید یا تعریف کنید و بعد از آنها بخواهید که آن را تعریف کنند.

بعد از اینکه هر آنچه را که می‌توانند به یاد آورند، تعریف کردند، بخش‌هایی را که حذف کرده‌اند، به آنها یادآوری کنید. مطمئن شوید که پیغام اصلی داستان را نادیده نگیرند.

۴. سؤالاتی را بپرسید که به تفکر عمیقتر آنها درباره داستان کمک کند.

سعی کنید که همه افراد را در این زمان بحث و گفتگو شرکت دهید. شما می‌توانید به سؤالات خاصی برای پرسیدن از آنها فکر کنید و کمک کنید که پیغام اصلی عبارت را ببینند، یا می‌توانید از این سؤالات کلی استفاده کنید:

الف) چه چیزی در این داستان، درست یا خوب بود؟ چه چیزی خطا یا بد بود؟

ب) این داستان به شما کمک می‌کند که چه چیزی را درباره خدا (یا عیسی) درک کنید؟

ج) این داستان به شما کمک می‌کند که چه چیزی را درباره خودتان ببینید؟ در نتیجه تعالیم این داستان، شما باید از چه چیزی توبه کنید یا تغییر کنید؟ شما به‌طور خاص برای اطاعت از خدا چه کار خواهید کرد؟

چ) این هفته، این داستان را به چه کسی خواهید گفت؟

۵. با استفاده از آنچه آموخته‌اید، با هدایت یا الزام روح القدس، وقت خود را به دعا اختصاص دهید.

ضمیمه پ: بخشیدن و طلب بخشش کردن

۱. مفهوم بخشیدن چیست؟

همه ما باید یاد بگیریم که ببخشیم، اما بسیاری از اوقات، بخشیدن سخت است، چون درک نمی‌کنیم که بخشش چیست. (الف) **بخشش، یعنی شما عمل اشتباه و آزرده‌گی را به دست خدا می‌سپارید.** وقتی تصمیم می‌گیرید که کسی را ببخشید، منظور شما این نیست که عمل او اشتباه نبوده و شما را آزار نداده است. اگر هیچ آزار یا عمل اشتباهی نیست، نیازی به بخشیدن نیست. بخشش یعنی شما به دنبال این نخواهید بود که متقابلاً او را آزار دهید. شما به خدا اعتماد می‌کنید که در قلب آن شخص کار کند.

(ب) **بخشش به این معناست که متوجه شوید که خدا نسبت به شما بسیار رحیم بوده، پس شما هم رحیم خواهید بود.** به کلام عیسی در متی ۶: ۱۲-۱۵ فکر کنید. در اینجا ما یک حقیقت بسیار جدی را می‌بینیم. اگر می‌خواهیم که خدا قرض همه گناهانی را که نسبت به او مرتکب شده‌ایم، ببخشد، باید نسبت به کسانی که به ما خطا ورزیده‌اند، نگرش بخشش را داشته باشیم.

"خوشا به حال رحیمان، زیرا بر آنان رحم خواهد شد." (متی ۵: ۷)

(پ) **بخشش به این معناست که شما اجازه نمی‌دهید که قلبتان، سرد و تلخ شود.** بخشش کاری نیست که فقط برای کسی که شما را آزرده، انجام می‌دهید، بلکه این به‌خاطر خودتان نیز می‌باشد. اگر تلخی و عصبانیت را حفظ کنید، شما را از بین خواهد برد. شاید آن شخص هرگز از شما طلب بخشش نکند. اگر این کار را نکنند، پس این فقط بین شما و خداست. به حضور خدا بروید و بگویید که تصمیم گرفتید او را ببخشید و فیض او را بطلبید تا کمکتان کند که این مسأله را به او بسپارید.

۲. وقتی کسی نسبت به من مرتکب خطا می‌شود و از من طلب بخشش می‌کند، باید چه پاسخی بدهم؟

(الف) **با فروتنی گوش کنید.** وقتی کسی به نزد شما می‌آید و به گناهش اعتراف کرده و طلب بخشش می‌کند، او کار بسیار دشواری را انجام می‌دهد. کاملاً به او توجه کنید و با این افکار که شما بهتر از او هستید، مقابله کنید. نیاز خودتان به رحمت خدا را به یاد آورید.

(ب) **کلام بخشش را اعلام کنید.** چیز خوبی که می‌توانید بگویید، این است: "ممنونم که این را گفتی. من تو را می‌بخشم." حرفهایش را نادیده نگیرید، چنانکه گویی این حرفها مهم نیستند. او می‌خواهد مطمئن شود که شما او را بخشیده‌اید.

(پ) **از خودتان و خدا بپرسید: "آیا من تا حدودی خطاکار بودم؟"** آیا احتمالاً شما هم نسبت به دیگری مرتکب خطا شده‌اید؟ شاید این چیزی است که باید به‌خاطر آن از او طلب بخشش کنید. با قلب باز و فروتن به خدا گوش کنید و بعد با طلب بخشش برای خطاهایی که خدا به شما نشان می‌دهد، حتی اگر کوچک به نظر برسد، پاسخ بدهید.

(ج) **محبت و پذیرش خود را به آنها نشان دهید.** شاید نتوانید بلافاصله به کسی که با شما صادق نبوده یا به‌نوعی به شما آسیب رسانده، اعتماد کنید، اما هنوز می‌توانید با محبت، قلبتان را نسبت به او باز کنید. رحمت شما، آنها را تشویق می‌کند که رشد کنند. اگر مناسب است، به همراه آنها یا بعداً به‌تنهایی دعا کرده و از خدا برای آنها برکت بطلبید. نسبت به آنها فیض داشته باشید، همانطور که مسیح نسبت به شما فیض داشت.

بیهو رحیم و فیاض است، دیرخشم و آکنده از محبت. تا ابد محاکمه نخواهد کرد، و همیشه بَغض نخواهد داشت.

او با ما مطابق گناهانمان رفتار نمی‌کند و به ما بر حسب تقصیراتمان سزا نمی‌دهد. زیرا به اندازه‌ای که آسمان از

زمین فراتر است، به همان اندازه نیز محبت خدا نسبت به ترسندگان او عظیم است! به اندازه‌ای که مشرق از

مغرب دور است به همان اندازه نیز نافرمانیهای ما را از ما دور کرده است. (مزامیر ۱۰۳: ۸-۱۲)

پس همان‌گونه که مسیح شما را پذیرفت، شما نیز یکدیگر را بپذیرید تا خدا جلال یابد. (رومیان ۱۵: ۷)

بعد از بخشیدن کسی که شما را رنجانیده، دیگر نباید در مورد خطایش صحبت کنید یا فکرتان را به آن مشغول کنید. آن را در گذشته رها کنید و به خدا بسپارید. به خدا اعتماد کنید که احساساتتان را عوض کند، چنانکه هر بار که گذشته را به یاد می‌آورید، آن را به خدا بسپارید.

۳. وقتی من متوجه می‌شوم که کسی را با حرفها، اعمال یا رفتارم رنجانده‌ام، باید چه کار کنم؟

(الف) **خود را فروتن کنید.** به خودتان و خدا اعتراف کنید که حرف یا عملتان خطا بوده است. وقتی گناهتان را به خدا اعتراف می‌کنید، بخشش او را دریافت کنید.

ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان

می‌سازد. (اول یوحنا ۱: ۹)

ب) **خطایان را به کسی که رنجانده‌اید، اعتراف کنید.** از خدا کمک بطلبید تا به‌وضوح ببینید که در کجا خطا کرده‌اید و بعد به سراغ آن شخص بروید، گناهتان را به‌طور خاص نام ببرید و مسئولیت کامل آن را برعهده بگیرید. به‌خاطر رفتارتان بهانه‌جویی نکنید و درباره‌ی خطای او صحبت نکنید. اگر او هم خطاکار بود، اجازه بدهید که خدا در قلبش کار کند.

پ) **طلب بخشش کنید.** وقتی می‌گویید: "آیا مرا به‌خاطر _____ می‌بخشی؟" به شخص دیگر، چیز مشخصی می‌دهید که به آن پاسخ دهد. اگر او بلافاصله نتواند "بله" بگوید، به او زمان بدهید تا درباره‌ی آن فکر کند و دعا کنید که خدا هر دردی را که شما در زندگیش ایجاد کرده‌اید، شفا دهد.

ج) **تغییر.** بارها و بارها به ارتکاب یک گناه ادامه ندهید؛ "پس ثمری شایسته توبه بیاورید." (متی ۳:۸) در غلاطیان ۵: ۱۶-۲۵ تعمق کنید. خدا از شما نمی‌خواهد که با قدرت اراده خودتان تغییر کنید. بلکه عمیقاً به قربانی عیسی اعتماد کنید تا همه گناهانتان را بردارد و از خدا بخواهید که میوه روح را در زندگیتان به بار آورد.